


# فرماندهان تکفیر

آشنایی با شخصیت و فتاوی بزرگان وهابیت

ترجمه و گردآوری: حمید محمدی صبور







# فهرست

- گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ..... ۲۹
- تکفیری‌ها و عبودیت در مقابل طواغیت ..... ۲۹
- جهالت، مهم‌ترین خصوصیت تکفیری‌هاست ..... ۲۹
- عبودیت در مقابل طواغیت زنده را شرک نمی‌دانند! ..... ۳۰
- گروه‌های تکفیری؛ ابزار دست سرویس‌های جاسوسی دشمنان ..... ۳۱
- تحجر و خشونت باعث ترویج سکولاریزم خواهد شد ..... ۳۱
- تکفیری‌ها و کمک به رژیم صهیونیستی ..... ۳۲
- باید این سم را از محیط اسلامی خارج کرد ..... ۳۲
- سرآغاز سخن ..... ۳۳**
- ابن تیمیه؛ ..... ۳۵**
- ولادت و نسب ابن تیمیه ..... ۳۵
- ابن تیمیه در یک نگاه ..... ۳۶
- کوچ به دمشق ..... ۳۷



- ۳۸ ..... آغاز تدریس و سخنرانی.....
- ۳۸ ..... شخصیت پرخاشگر و فتنه‌جوی ابن تیمیه.....
- ۳۹ ..... سرآغاز هجوم به فرق مختلف اسلامی.....
- ۳۹ ..... اولین تکفیر مسلمانان با حمله به ابن عربی.....
- ۳۹ ..... اولین تخریب آثار اسلامی.....
- ۳۹ ..... مشارکت و تشویق به شیعه‌کشی.....
- ۴۰ ..... زندانی شدن‌های مکرر.....
- ۴۱ ..... نویسنده پرکار سلفی‌سازی.....
- ۴۱ ..... لجبازی با سلطان و زندانی شدن مجدد.....
- ۴۱ ..... بازهم زندان، این بار برای شاگرد.....
- ۴۲ ..... مرگ در زندان.....
- ۴۲ ..... دیدگاه علمای اهل سنت درباره ابن تیمیه.....
- ۴۲ ..... محمد بن محمد بخاری.....
- ۴۲ ..... ابن حجر عسقلانی.....
- ۴۳ ..... ابن حجر مکی.....
- ۴۳ ..... شیخ یوسف نهبانی.....
- ۴۵ ..... ابن تیمیه و دشمنی‌های مکرر با اهل بیت علیهم‌السلام.....
- ۴۵ ..... پایین آوردن مقام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.....
- ۴۵ ..... دشمنی با فضائل اهل بیت علیهم‌السلام.....
- ۴۶ ..... افراط در دشمنی با امیرالمؤمنین علیه‌السلام و تعظیم ابن ملجم.....
- ۴۸ ..... توهین به حضرت زهرا علیها‌السلام.....
- ۴۹ ..... توهین به سیدالشهدا علیه‌السلام و تمجید از یزید!.....
- ۵۰ ..... شیعه‌ستیزی ابن تیمیه، منشأ شیعه‌ستیزی وهابیان.....
- ۵۰ ..... منابع.....



۵۳	..... ابن قیم جوزی؛ تداوم اندیشه تکفیری
۵۳	..... زندگی نامه
۵۴	..... اساتید و شاگردان
۵۴	..... مناصب
۵۴	..... آثار و کتابها
۵۶	..... روانه زندان کردن استاد و خود، در اسناد تاریخی
۵۷	..... مرگ ابن جوزی
۵۷	..... باورها و بدعت های شاگرد ابن تیمیه
۵۸	..... تخریب بنای قبور
۶۰	..... دشمنی با امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۶۲	..... نظر علمای اهل سنت درباره ابن قیم جوزی
۶۳	..... دشمنی با تشیع و عالم بزرگ شیعی
۶۴	..... فتواهای عجیب جنسی
۶۸	..... منابع
۶۹	..... محمد بن عبدالوهاب مجدد نظریه تکفیر
۷۷	..... مشهورترین عالمان مخالف وهابیت
۷۹	..... بن باز
۸۰	..... زندگی نامه
۸۰	..... کودکی
۸۰	..... استادان و تحصیلات
۸۱	..... مناصب
۸۲	..... اهداف هیئت رئیسه دارالافتاء



- ۸۴ ..... جایگاه بن باز نزد وهابیان.
- ۸۶ ..... تألیفات.
- ۸۷ ..... مرگ بن باز.
- ۸۷ ..... باورها و فتاوای قرون وسطایی.
- ۸۷ ..... اعتقادات عجیب درباره خدا و ملائکه.
- ۸۷ ..... خدای صاحب اعضا مورد باور بن باز.
- ۹۰ ..... خدای پنج‌انگشتی.
- ۹۰ ..... عمل پسندیده بوسیدن قرآن را ترک کنید.
- ۹۰ ..... دستور تخریب حرم نبوی.
- ۹۱ ..... جدال با آیت‌الله حکیم.
- ۹۲ ..... شدت بغض به امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ۹۲ ..... سب بعضی از اصحاب کفر نمی‌آورد!
- ۹۳ ..... توهین به همه برای اثبات وهابیت.
- ۹۳ ..... حرمت ازدواج با شیعیان نامسلمان!
- ۹۵ ..... دشمن وحدت شیعه و سنی.
- ۹۶ ..... مجموعه فتواها درباره ممنوع بودن زیارت.
- ۹۶ ..... مراسم بزرگداشت انبیا و اولیا ممنوع.
- ۹۶ ..... دلیل منع زیارت قبور توسط زنان.
- ۹۷ ..... دیگر فتاوا و موضع‌گیری‌های عجیب.
- ۱۰۰ ..... خادم و غلام رژیم صهیونیستی.
- ۱۰۲ ..... خاطره‌ای درباره توسل.
- ۱۰۷ ..... منابع.



۱۱۱	عبدالعزيز آل الشيخ
۱۱۲	زندگی نامه
۱۱۲	دوران کودکی
۱۱۲	تحصیلات
۱۱۳	مناصب
۱۱۵	برخی فتاوی عجیب و مضحک آل الشيخ
۱۱۵	جشن میلاد برای رسول خدا ﷺ حرام
۱۱۵	راهپیمایی برای دفاع از پیامبر ﷺ حرام!
۱۱۷	قیام [امام] حسین [علیه السلام] علیه یزید حرام!
۱۱۹	عزاداری بر امام حسین [علیه السلام] حرام!
۱۲۰	برای شادی، روزه عاشورا مستحب مؤکد! حتماً بگیرید
۱۲۱	برپایی جشن عروسی پسر شیخ در روز عاشورا!
۱۲۱	نفرین کردن آمریکا حرام!
۱۲۲	اطاعت از آل سعود واجب!
۱۲۲	بیعت روی تخت بیمارستان
۱۲۳	انتقاد از آل سعود حرام!
۱۲۴	تظاهرات، کلاً حرام!
۱۲۴	بحث سیاسی در مسجد و منبر حرام!
۱۲۴	شک در رؤیت هلال ماه حرام!
۱۲۵	جشن ملی عربستان حلال!
۱۲۶	بیداری اسلامی و اخراج دیکتاتورها حرام!
۱۲۷	کمک ایرانِ ستمکار به یمن حرام!
۱۲۷	دستور حمله به شیعیان!
۱۲۸	اعتراف به شکست و ضعف در برابر شیعیان و ایران



- خوشحالی از بستن «واتس آپ» در ایران! ..... ۱۲۹
- کمک به حزب‌الله لبنان نامسلمان و دعا برای آنان حرام! ..... ۱۲۹
- تغییر مواضع مصلحتی ..... ۱۳۱
- دعا برای القاعده و داعش هم حرام! ..... ۱۳۳
- جهاد حرام، کمک مالی به تروریست‌ها مستحب! ..... ۱۳۳
- راهپیمایی برای هم‌بستگی با مردم غزه و فلسطین ممنوع! ..... ۱۳۴
- همه کلیساها را خراب کنید! ..... ۱۳۴
- جشن کریسمس حرام! ..... ۱۳۷
- نماز و طلب رحمت برای مرده حرام! ..... ۱۳۷
- همه آثار اسلامی را خراب کنید و آثار باستانی را نگاه دارید! ..... ۱۳۸
- گفت‌وگوی بقیه غیر از خودم با شبکه‌های ماهواره‌ای حرام! ..... ۱۳۹
- فروش لباس زیر زنانه توسط زنان حرام! ..... ۱۴۰
- پرداخت «فطریه نقدی» حرام! ..... ۱۴۰
- شهیدان و ویروس کرونا ..... ۱۴۱
- دیدن سریال‌های ترکیه حرام! ..... ۱۴۱
- دیدن کارتون ساخت خودمان حرام! ..... ۱۴۲
- سجده فوتبالیست‌ها بعد از گل زدن مکروه! ..... ۱۴۳
- نامه اعتراض سرگشاده آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی به عبدالعزیز آل‌الشیخ ..... ۱۴۴
- منابع ..... ۱۴۶

### محمد ناصرالدین البانی ..... ۱۴۹

- زندگی‌نامه ..... ۱۴۹
- کودکی ..... ۱۵۰
- مهاجرت به سوریه ..... ۱۵۰



۱۵۰	تحصیلات.....
۱۵۱	آغاز سلفی‌گری در شام.....
۱۵۱	زندان.....
۱۵۲	مسافرت‌های تبلیغی.....
۱۵۲	مناصب.....
۱۵۲	آثار.....
۱۵۲	تألیفات.....
۱۵۶	تحقیقات، تخریجات، و تعلیقات:.....
۱۵۸	شاگردان.....
۱۵۸	میراث سلفی - تکفیری البانی در شام.....
۱۶۱	تقدیرها و جوایز.....
۱۶۱	مفتیان درباری و پاسخ به جوایز.....
۱۶۳	حمایت البانی از ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب.....
۱۶۴	تمجید علمای وهابی از البانی.....
۱۶۵	مخالفت البانی با صحیح بخاری و صحیح مسلم.....
۱۶۶	برملاکردن راز صحابی عادل چشم‌چران در نماز!.....
۱۶۷	اهانت‌های البانی به علمای اهل سنت.....
۱۶۹	توهین البانی به ابوحنیفه.....
۱۶۹	توهین البانی به حنفی‌ها.....
۱۷۰	از تهمت زنازادگی به دکتر محمد سعید البوطی تا ترور او.....
۱۷۱	توهین و تهمت زنازادگی به علامه حسن السقاف عالم اهل سنت!.....
۱۷۱	رضاع بزرگسال.....
۱۷۲	مرگ البانی.....
۱۷۲	مذمت‌ها و مخالفت‌های علمای اهل سنت درباره البانی.....



- ۱۷۴ ..... مذمت‌های اهل سنت به البانی
- ۱۷۴ ..... خائن و بدعت‌گذار بودن البانی
- ۱۷۵ ..... اجتهادات غلط و حيله‌گری البانی در تصحيح و تضعيف احاديث
- ۱۷۶ ..... اهليت نداشتن البانی در علم حديث
- ۱۷۶ ..... آرا و افكار البانی
- ۱۷۶ ..... دشمنی البانی با عقل
- ۱۷۹ ..... رسول خدا ﷺ برترين مخلوق خداوند نيست!
- ۱۷۹ ..... تحريف آيه تطهير
- ۱۷۹ ..... ابقاء قبر پيامبر اسلام، بدعت است!
- ۱۸۰ ..... تحريك به آتش زدن مرقد مطهر رسول الله ﷺ و تخريب گنبد خضرا
- ۱۸۲ ..... نمونه‌ای از اعتقادات و فتواهای عجیب البانی
- ۱۸۳ ..... اهانت‌های البانی به شیعه و امام خمینی ره
- ۱۸۳ ..... آرایش زنان حرام!
- ۱۸۴ ..... انگشتر طلا برای زنان حرام!
- ۱۸۴ ..... منابع

### ۱۸۹ ..... صالح بن فوزان

- ۱۸۹ ..... زندگی‌نامه
- ۱۸۹ ..... کودکی
- ۱۹۰ ..... تحصیلات
- ۱۹۰ ..... استادان
- ۱۹۱ ..... تدریس
- ۱۹۱ ..... تألیفات
- ۱۹۴ ..... مناصب





- ۱۹۵ باورها و فتاوی عجیب فقیه دربار آل سعود و در خدمت یهود.....
- ۱۹۵ فقط حج وهابیها قبول است!.....
- ۱۹۵ اعتراض به آل سعود حرام و مجاز بودن دولت به کشتار معترضان!.....
- ۱۹۶ اذیت یهودیان ممنوع!.....
- ۱۹۷ فتاوی قرون وسطایی.....
- ۱۹۷ وجوب اعتقاد به ثابت بودن زمین!.....
- ۱۹۷ وجوب قتل بی نمازان!.....
- ۱۹۸ سلف سرویس حرام!.....
- ۱۹۹ تحریف حدیث ثقلین.....
- ۱۹۹ دشمن قسم خورده شیعه.....
- ۱۹۹ دستور به دوری از شیعیان.....
- ۲۰۰ توهین به شیعیان و حزب الله لبنان.....
- ۲۰۰ مسائل زنان و تحقیر زنان.....
- ۲۰۰ تلفن همراه برای زنان حرام، چون عقل ندارند!.....
- ۲۰۱ شلوار پوشیدن زنان ممنوع!.....
- ۲۰۱ مش کردن موی زنان ممنوع!.....
- ۲۰۲ مسائل روز.....
- ۲۰۲ دعوت به جهاد در سوریه!.....
- ۲۰۲ موضع متفاوت بعد از شکست: فتنه سوریه نه جهاد!.....
- ۲۰۵ مواضع متفاوت درباره اخوان المسلمین مصر.....
- ۲۰۵ حمله به کلبانی.....
- ۲۰۶ حمله به بن لادن.....
- ۲۰۶ منابع.....



۲۰۹.....	عبدالله بن جبیرین.....
۲۰۹.....	زندگی نامه.....
۲۱۰.....	دوره کودکی.....
۲۱۰.....	تحصیلات دانشگاهی.....
۲۱۱.....	اساتید.....
۲۱۲.....	تألیفات.....
۲۱۲.....	مناصب.....
۲۱۳.....	روزهای پایانی عمر و ذلت در غربت.....
۲۱۳.....	دادخواست علیه مفتی سعودی در دادگاه لاهه.....
۲۱۵.....	پایان عمر.....
۲۱۶.....	باورها و فتاوا.....
۲۱۶.....	فتوا به تخریب حرم اهل بیت (علیهم السلام) در عراق.....
۲۱۸.....	ادامه تحریک وهابیان برای تخریب حرم حسینی و.....
۲۲۰.....	تحریف مسلمات تاریخ: معاویه هرگز امیرالمؤمنین (علیه السلام) را سب و لعن نکرد!.....
۲۲۱.....	بن جبیرین و توهم اثبات کفر شیعه.....
۲۲۳.....	دستور به محدودکردن شیعیان عربستان.....
۲۲۴.....	فتاوی تند ضد شیعه.....
۲۲۴.....	ریختن خون شیعیان حلال!.....
۲۲۵.....	فتوایی درباره حزب الله لبنان.....
۲۲۶.....	حمایت از تروریسم دینی.....
۲۲۶.....	حمایت از بن لادن.....
۲۲۶.....	حمایت از طالبان و دشمنی با حزب الله لبنان.....
۲۲۷.....	منابع.....



۲۲۹	ابن عثیمین.....
۲۲۹	گذری بر زندگی.....
۲۲۹	ولادت.....
۲۳۰	تحصیلات.....
۲۳۰	تدریس.....
۲۳۰	آثار.....
۲۳۱	مناصب.....
۲۳۲	مفتی دربار.....
۲۳۳	تقدیرها و جوایز.....
۲۳۴	فوت.....
۲۳۴	فتاوای عجیب و نادر از ابن عثیمین!.....
۲۳۴	اولین کاشف وجود اشتباه در قرآن!.....
۲۳۴	خدای ابن عثیمین.....
۲۳۵	خدا قطعاً محدود است!.....
۲۳۵	خدای دو چشم و دست دار.....
۲۳۶	خدای جسمانی.....
۲۳۷	نوشتن نام خدا و پیامبر ﷺ در کنار هم ممنوع.....
۲۳۷	خدای خسته و بی حوصله و... ..
۲۳۸	زمان پایین آمدن خدا به آسمان زمین!.....
۲۳۸	خداوند تنها در آسمان.....
۲۳۹	دعا رو به قبر رسول الله ﷺ حرام.....
۲۴۱	ابن عثیمین و صحابه.....
۲۴۱	دروغ ابن عثیمین درباره حدیث توسل و شفای نایندا.....
۲۴۴	تبرک حرام.....



۲۴۴	..... فتاوی علمای وهابیت در حرمت تبرک
۲۴۵	..... احکامی برای دنیای امروز.....
۲۴۵	..... خودآرایی زنان حتی برای شوهر حرام!
۲۴۶	..... جشن تولد حرام!
۲۴۶	..... تبریک کریسمس و نوروز حرام!
۲۴۷	..... دیدن مسابقات فوتبال حرام!
۲۴۹	..... منابع
۲۵۱	..... <b>عبدالله بن محمد الغنیمان</b> .....
۲۵۱	..... زندگینامه
۲۵۱	..... کودکی
۲۵۲	..... مناصب
۲۵۲	..... تالیفات
۲۵۲	..... باورها و احکام تکفیری
۲۵۳	..... توهین به امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۲۵۳	..... دشمنی با شیعیان
۲۵۴	..... توهین ابن غنیمان به شیعیان در مقدمه‌ای بر «منهاج السنه»
۲۵۵	..... منابع
۲۵۷	..... <b>ربیع المدخلی</b> .....
۲۵۷	..... زندگینامه
۲۵۷	..... کودکی
۲۵۷	..... تحصیلات
۲۵۸	..... مناصب
۲۵۸	..... آثار و تالیفات



مفتی دربار و نظریه پرداز قعود..... ۲۶۰

منابع..... ۲۶۲

**مقبیل بن هادی الوادعی..... ۲۶۳**

باورها و فتاوا..... ۲۶۶

دستور به تخریب گنبد خضرا..... ۲۶۶

عیب پوشی از معاویه..... ۲۶۷

مفتی دربار یمن..... ۲۶۷

زمینه سازی برای حوثی کشی..... ۲۶۸

مذاهب اربعه اهل سنت نامشروع اند!..... ۲۶۸

دیدن تلویزیون حرام!..... ۲۶۹

توهین به قرضای..... ۲۶۹

توهین به سید قطب و اخوان المسلمین..... ۲۶۹

بازهم توهین به شیخ یوسف قرضاوی..... ۲۷۰

باز هم توهین به اخوان المسلمین و حزب التحریر..... ۲۷۰

توهین الوادعی به شیخ عجلونی..... ۲۷۰

طعن بر ابوحنیفه..... ۲۷۰

ازدواج بدون اذن ولی..... ۲۷۱

زنا با محارم..... ۲۷۱

نقد و انکار فضایل اهل بیت علیهم السلام توسط الوادعی..... ۲۷۱

توهین به شیخ محمد عبده و شیخ رشید رضا و جمال الدین اسد آبادی..... ۲۷۲

منابع..... ۲۷۲

**عبدالمحسن العباد..... ۲۷۳**

زندگینامه..... ۲۷۳



۲۷۳	.....	کودکی
۲۷۴	.....	تحصیلات
۲۷۴	.....	استادان
۲۷۴	.....	مناصب
۲۷۴	.....	آثار
۲۷۵	.....	ماجرای دیدار با حجة الاسلام سیده‌های خسروشاهی و شهید مطهری
۲۸۲	.....	باورها و افکار
۲۸۲	.....	توهین به امام خمینی <small>علیه السلام</small> و تشیع
۲۸۳	.....	تهمت به شیعیان
۲۸۳	.....	منتقد جدی بن لادن
۲۸۳	.....	دلایل منع رانندگی زنان تنها در عربستان!
۲۸۴	.....	منابع
<b>۲۸۵</b>	<b>.....</b>	<b>عثمان الخمیس</b>
۲۸۵	.....	زندگی‌نامه
۲۸۵	.....	کودکی
۲۸۵	.....	پایان نامه ضدشیعی
۲۸۷	.....	استادان
۲۸۸	.....	تالیفات
۲۸۹	.....	مرزبانان حریم تشیع
۲۹۰	.....	ادعای خنده‌دار
۲۹۱	.....	فتاوا و مواضع هتاکانه
۲۹۱	.....	دشمنی با امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۹۱	.....	انکار حقانیت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> نسبت به فدک



۲۹۲	شیعیان و ابن زیاد قاتل امام حسین <small>علیه السلام</small> و بی گناهی یزید.....
۲۹۳	امیرالمؤمنین یزید بن معاویه!.....
۲۹۳	حمله تمام قامت به مهدویت.....
۲۹۳	خرافه بودن انتظار و اعتقاد به امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۹۹	انکار فضائل حضرت خدیجه <small>علیه السلام</small> همراه با ادعای محبت حضرت زهرا <small>علیه السلام</small> .....
۳۰۰	واجب نیست از مهدی اطاعت شود.....
۳۰۱	باور مسخره آمیز! رجعت.....
۳۰۲	تهاجم به تشیع و مراجع شیعه.....
۳۰۲	اعتقاد شیعه به تحریف قرآن.....
۳۰۳	تهمت بی احترامی شیعه به عایشه و پاسخ آن.....
۳۰۵	نهایت هتاکی به ولایت فقیه و بزرگترین مراجع شیعه.....
۳۰۵	حرمت نماز خواندن در مساجد شیعه.....
۳۰۵	برخی مواضع درباره حوادث روز.....
۳۰۵	مخالفت با بیداری اسلامی مصر.....
۳۰۶	نظریه پرداز فحشای نوین.....
۳۰۶	بلا تکلیفی زنان در استفاده از اینترنت.....
۳۰۷	منابع.....
۳۰۹	<b>احمد بن سعد الغامدی</b> .....
۳۰۹	زندگی نامه.....
۳۰۹	کودکی و تحصیلات.....
۳۱۰	مناصب.....
۳۱۰	آثار و تألیفات.....
۳۱۱	مرگ.....



۳۱۱ ..... رویکردها.

۳۱۲ ..... مناظرات.

۳۱۳ ..... استاد مغالطات.

۳۱۳ ..... فتاوا و افکار.

۳۱۵ ..... منابع.

**عبدالمحسن بن ناصر آل عبیکان ..... ۳۱۷**

۳۱۷ ..... زندگی‌نامه.

۳۱۷ ..... کودکی.

۳۱۷ ..... تحصیلات.

۳۱۷ ..... مناصب.

۳۱۸ ..... تألیفات.

۳۱۸ ..... کتابها.

۳۱۸ ..... مقالات.

۳۱۸ ..... شاگردان.

۳۱۹ ..... باورها و فتاوا.

۳۱۹ ..... فتوای زمینه‌ساز ظهور فحشا در خیابان‌های سعودی.

۳۲۰ ..... اصرار بر دیدگاه‌های رضاعی در برابر دستور پادشاه.

۳۲۱ ..... افشاگری و جنجال درباری.

۳۲۲ ..... سلفی‌گری حکومتی عبیکان در برابر سلفی‌گری جهادی طرطوسی و ناصر العمر.

۳۲۶ ..... شهدای خوکی برای جذب ثروت حکومت.

۳۲۶ ..... مشاور اخراجی دربار.

۳۲۷ ..... امریه معروف کردن و ممنوع تصویر شدن.

۳۲۷ ..... اخراج از رادیو.





۳۲۷	..... شیخ رفاص
۳۲۷	..... شیخ گوسفندچران
۳۲۸	..... نامشروع بودن به اسارت گرفتن نظامیان اسرائیلی
۳۲۸	..... هنگام قطع برق روزه نگیرید
۳۲۸	..... تعلیم و تعلم سحر حلال
۳۲۹	..... منابع
<b>۳۳۱</b>	<b>..... محمد بن عبدالرحمن العریفی</b>
۳۳۱	..... زندگینامه
۳۳۱	..... کودکی
۳۳۱	..... تحصیلات
۳۳۲	..... استادان
۳۳۲	..... تألیفات
۳۳۳	..... مناصب
۳۳۳	..... فعال توئیتر
۳۳۴	..... شیخ زندانی
۳۳۴	..... عضو جریان الصحوة
۳۳۶	..... سرقت آثار و افکار دیگران
۳۳۶	..... شیخ ثروت طلب
۳۳۷	..... شیخ بی سواد مغرور جاه طلب
۳۳۸	..... در خدمت یهود
۳۳۹	..... باورها و فتواهای عجیب
۳۳۹	..... توهین به قرآن با تولید سوره سب (تفاحه)
۳۳۹	..... ترویج شراب
۳۴۰	..... بدعت جهاد نکاح



- ۳۴۱ ..... ادعایی درباره آخرالزمان.....
- ۳۴۱ ..... نظر وی درباره رابطه دختر و پدر.....
- ۳۴۲ ..... اعلام جهاد و حمایت از شورشیان سوریه.....
- ۳۴۳ ..... عالم بی عمل.....
- ۳۴۴ ..... توهین به ایران و حزب الله.....
- ۳۴۴ ..... توهین به مراجع شیعه.....
- ۳۴۵ ..... شیخ تفرقه‌افکن.....
- ۳۴۵ ..... تهمت آشپزستی به شیعیان و ایرانیان.....
- ۳۴۶ ..... دروغ‌پردازی درباره اعراب ایران.....
- ۳۴۶ ..... حمایت از کشتار حوثی‌ها.....
- ۳۴۶ ..... بازگشت از هتاکی به مراجع شیعه!
- ۳۴۷ ..... ایراد خطبه درباره فضایل مصر.....
- ۳۴۷ ..... منابع.....
- ناصرالعمر..... ۳۴۹**
- ۳۴۹ ..... زندگینامه.....
- ۳۴۹ ..... کودکی.....
- ۳۵۰ ..... تحصیلات.....
- ۳۵۰ ..... تألیفات.....
- ۳۵۰ ..... کتب.....
- ۳۵۱ ..... مقالات.....
- ۳۵۲ ..... مناصب.....
- ۳۵۲ ..... فعالیت سیاسی.....
- ۳۵۲ ..... فتاوا و مواضع شنیع و هولناک ناصر العمر.....



- عاشورا روز جشن و سرور است..... ۳۵۲
- تبریک انهدام حرمین عسکرین علیهم السلام..... ۳۵۳
- وجوب انهدام حرم امام حسین علیه السلام، حضرت ابوالفضل علیه السلام و حضرت زینب علیه السلام..... ۳۵۳
- شیعه‌ستیزی..... ۳۵۴
- پایگاه توهین به مقدسات شیعیان..... ۳۵۴
- خطرناکتر بودن شیعیان از آنفولانزای خوکی..... ۳۵۴
- فتوای شرم‌آور ناصر العمر در برخورد با شیعیان..... ۳۵۵
- فتوای تخریب مساجد و حسینیه‌های شیعیان..... ۳۵۶
- وجوب دشمنی با حزب الله..... ۳۵۷
- نامیدن حزب‌الله به حزب اللات..... ۳۵۸
- برای پیروزی حزب‌الله دعا نکنید..... ۳۵۸
- رد هرگونه سازش با شیعیان..... ۳۵۸
- مخالفت با قیام حوثی‌ها..... ۳۵۹
- تظاهرات در بحرین حرام..... ۳۵۹
- ایران‌ستیزی..... ۳۶۰
- توهین به امام خمینی ره..... ۳۶۰
- تهمت آشپزستی به ایران..... ۳۶۰
- رابطه با ایران حرام..... ۳۶۰
- فتاوی‌ای در خدمت دربار سعودی..... ۳۶۱
- تظاهرات در عربستان سعودی حرام..... ۳۶۱
- ترویج فحشا و فتوای جهاد نکاح با محارم..... ۳۶۱
- صادرات فاحشه به سوریه!..... ۳۶۲
- جهاد زنای ناصر العمر با خواهرش..... ۳۶۴
- جهاد لواط و استمنا!..... ۳۶۴



۳۶۵	..... نسخه کشف عورت برای پیروزی بر شیعیان
۳۶۵	..... مسائلی برای زنان
۳۶۵	..... رانندگی حق زن نیست
۳۶۶	..... ماه غسل حرام
۳۶۶	..... منابع
<b>۳۶۹</b>	<b>..... عدنان عرعور</b>
۳۶۹	..... زندگی‌نامه
۳۶۹	..... کودکی
۳۶۹	..... تألیفات
۳۷۰	..... تقدیرها و جوایز
۳۷۱	..... فعالیت‌های سیاسی
۳۷۱	..... پیشینه عرعور
۳۷۱	..... دخالت در حضور ناظران بین‌المللی در سوریه
۳۷۲	..... عرعور مغضوب و مورد اعتراض علمای وهابی
۳۷۲	..... فتاوی‌ی مضحک شیخ دلقک برای براندازی نظام سوریه
۳۷۲	..... اربعین ذکر الله اکبر برای سقوط بشار اسد
۳۷۳	..... قابلمه‌کوبی بر پشت بام‌ها برای اسقاط نظام سوریه
۳۷۳	..... مضحکه کارتون تام و جری
۳۷۳	..... تغییر رویه و اقبال مخالفان سوری به شیخ انقلاب (شورش)
۳۷۵	..... شیخ دیکتاتور و بی‌معارض معارضان سوری
۳۷۶	..... جهاد فرزندان عرعور در شام و ماهواره‌ها
۳۷۸	..... تغییر موضع نسبت به داعش
۳۸۰	..... عذرخواهی از داعش



۳۸۱ ..... مسافرت برای جمع‌آوری کمک‌های مالی برای معارضان سوری

۳۸۳ ..... ناامیدی از پیروزی در سوریه

۳۸۴ ..... اعتراض قاطع صالح فوزان و مریدانش به عرعور!

۳۸۵ ..... سفر ناتمام و یک روزه به کویت

۳۸۷ ..... عرعور و شیعه‌ستیزی

۳۸۷ ..... اعتراف به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

۳۸۷ ..... منتظر و سرباز سفیانی

۳۸۷ ..... دستور ترور بزرگان و مشاهیر شیعه

۳۸۹ ..... منابع

**عادل بن سالم الکلبنی** ..... ۳۹۱

۳۹۱ ..... زندگی‌نامه

۳۹۲ ..... اوبامای سعودی!

۳۹۳ ..... سه دهه بی‌نمازی و لُهو و لُعب امام جماعت آینده مسجدالحرام!

۳۹۴ ..... مهاجرت به عربستان

۳۹۴ ..... اخراج از امامت جماعت

۳۹۵ ..... امامت مسجدالحرام

۳۹۶ ..... دوست و همسفر بن لادن

۳۹۶ ..... فتاوا و مواضع کلبنی

۳۹۶ ..... تکفیر شیعیان

۳۹۸ ..... پیشنهاد افزایش محدودیت‌ها برای تشیع

۳۹۸ ..... صدور حکم کفر همه علمای شیعه

۳۹۹ ..... بیانیه در پاسخ به اعتراض علمای جهان اسلام به تکفیر علمای شیعه

۴۰۱ ..... افشاگری درباره نفاق و وقاحت‌های وهابیان



- ۴۰۲ ..... مخالفت با ادعای عریفی.
- ۴۰۲ ..... فتوا درباره لهُو و لعب.
- ۴۰۳ ..... نماز ۲۰۱۰م به همراه موسیقی و اعتراض وهابیان به او.
- ۴۰۴ ..... مرید طلبی با تجویز و دفاع از خواسته‌های زنان.
- ۴۰۴ ..... اختلاف نظر با مفتی‌های وهابی درباره پخش کارتون.
- ۴۰۶ ..... منابع.
- ۴۰۷..... ابومنذر الشنقیطی**
- ۴۰۷ ..... «جبهه النصره» یا «کانون جهاد و توحید در بلاد شام».
- ۴۰۸ ..... ماهیت جبهه النصره.
- ۴۰۹ ..... شکل‌گیری جبهه النصره.
- ۴۱۵ ..... جبهه النصره زائیده القاعده عراق.
- ۴۱۷..... ابوبصیر الطرطوسی**
- ۴۱۷ ..... حلقه ثابت و مشترک تمام مراحل بحران سوریه.
- ۴۱۸ ..... زندگی‌نامه.
- ۴۱۸ ..... آغاز فعالیت‌ها.
- ۴۱۹ ..... مسافرت‌ها و فرارها.
- ۴۲۰ ..... تألیفات.
- ۴۲۱ ..... قطب‌نمای انقلاب.
- ۴۲۱ ..... شیعه ستیزی.
- ۴۲۳ ..... پدر معنوی «اتحادیه هماهنگ‌کننده انقلاب» و «ارتش آزاد».
- ۴۲۴ ..... وهابی‌تر از آل سعود!
- ۴۲۵ ..... روش تشکر و هجوم!



۴۲۹	.....	نصیحه
۴۳۱	.....	جریان نوسلفی‌ها در دوران معاصر
۴۳۱	.....	مقدمه
۴۳۱	.....	زمینه‌شناسی تکوین جریان نوسلفی
۴۳۲	.....	۱. تأثیر اندیشه مبارزه‌گرایانه سید قطب در عربستان سعودی
۴۳۴	.....	۲. تأثیرات منفی استقبال دولت سعودی از حضور نظامی آمریکا در جنگ دوم خلیج فارس
۴۳۸	.....	۳. بازتاب ۱۱ سپتامبر و چالش افغانستان
۴۴۰	.....	۴. بازتاب اشغال عراق
۴۴۱	.....	شخصیت‌های نوسلفی
۴۴۱	.....	۱. شیخ دکتر سفر الحوالی
۴۴۶	.....	۲. سلمان العوده
۴۴۹	.....	۳. بن جبرین
۴۴۹	.....	۴. ناصر العمر
۴۵۰	.....	۵. عائض القرنی
۴۵۱	.....	مواضع وهابیت دولتی درباره تکفیر و تروریسم
۴۵۳	.....	نتیجه
۴۵۴	.....	منابع





## گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

### تکفیری‌ها و عبودیت در مقابل طواغیت

سوءاستفاده از اختلاف‌های فکری و اعتقادی مذاهب گوناگون اسلامی و اختلاف‌افکنی بین آنان، همواره از برنامه‌های ثابت استعمارگران و مستکبران برای تضعیف جهان اسلام و کسب منافع نامشروع بوده است. در سالیان اخیر به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شدت گرفتن امواج بیداری اسلامی در اقصا نقاط جهان اسلام، فعالیت‌های گروه‌های تکفیری و اقدامات آنان علیه مسلمانان بیشتر شده است. آنچه در ادامه می‌آید، گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره گروه‌های تکفیری و آثار سوء عملکرد آنان در راستای منافع دشمنان جهان اسلام است:

### جهالت، مهم‌ترین خصوصیت تکفیری‌هاست

آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می‌دانند، خارج می‌کنند، تکفیر می‌کنند این گروه‌های تکفیری نادان - حقیقتاً مناسب‌ترین صفت برای اینها نادانی است. اگرچه در آنها خباثت هم هست؛ اما جهالت، مهم‌ترین خصوصیت اینهاست - اینها را بایستی ما تا آنجایی که می‌توانیم، ارشاد کنیم؛



مردم را از اینها بترسانیم که مردم ما ﴿وَلِتَصْنَعِيَ إِلَيْهِ أَفِيدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ لِيَرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ﴾ (انعام: ۱۱۳) بعضی‌ها به خاطر ضعف ایمان، به خاطر ضعف معرفت، مجذوب این حرف‌های دشمنان می‌شوند. ما باید مراقبت کنیم. وظیفه علما و وظیفه سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلامی است که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند؛ می‌تواند این کار را هم بکند. هم دولت‌ها باید کمک کنند، هم ملت‌ها باید کمک کنند. ۱۳۸۵/۱۰/۲۵

### عبودیت در مقابل طواغیت زنده را شرک نمی‌دانند!

تلخی دیگری که وجود دارد، این است که در میان مجموعه مسلمانان و امت اسلامی، کسانی پیدا شوند که با افکار پلید و متحجر و عقب‌مانده و خرافی خود، تجلیل از بزرگان و برجستگان و چهره‌های نورانی صدر اسلام را شرک بدانند، کفر بدانند؛ واقعاً این مصیبتی است. اینها همان کسانی هستند که گذشتگان، قبور ائمه علیهم‌السلام را در بقیع ویران کردند. آن روز که در دنیای اسلام، از شبه‌قاره هند گرفته تا آفریقا، علیه اینها قیام کردند، اگر اینها جرئت می‌کردند، قبر مطهر پیغمبر را هم ویران می‌کردند، با خاک یکسان می‌کردند! ببینید چه فکر باطلی، چه روحیه پلیدی، چه انسان‌های بداندیشی، احترام به بزرگان را این‌جوری بنخواهند نقض کنند و هتک کنند و این را جزو وظایف دینی بشمرند! در آن وقتی که اینها بقیع را ویران کردند، این را بدانید؛ سرتاسر دنیای اسلام علیه اینها اعتراض کرد. عرض کردم؛ از شرق جغرافیای اسلام - از هند - تا غرب جغرافیای اسلام، علیه اینها بسیج شدند. اینها به‌عنوان اینکه این کارها پرستش است، این اقدام‌های خبیث را می‌کنند! رفتن سر قبر یک انسانی و طلب رحمت کردن برای او از خدای متعال، و طلب رحمت کردن برای خود در آن فضای معنوی و روحانی، شرک است؟ شرک این است که انسان بشود ابزار دست سیاست‌های ایتلیجنس انگلیس و



سی. آی. ای آمریکا و با این اعمال، دل مسلمانان را غم‌دار کند، آزرده کند. اینها اطاعت و عبودیت و خاکساری در مقابل طواغیت زنده را شرک نمی‌دانند، احترام به بزرگان را شرک می‌دانند! خود این، یک مصیبتی است. جریان تکفیری خبیث که امروز در دنیای اسلام به برکت برخی از منابع مادی، متأسفانه پول و امکانات هم در اختیار دارند، یکی از مصائب اسلام است. ۱۳۹۲/۰۲/۱۶

### گروه‌های تکفیری؛ ابزار دست سرویس‌های جاسوسی دشمنان

سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل، پشت سر این گروه‌های افراطی و تکفیری هستند. ولو عوامل و پیاده‌نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست؛ اما رؤسایشان می‌دانند. این را آمریکا می‌خواهد. لذا آنها هم بایستی بیدار و متوجه باشند. امروز بیداری اسلامی و حرکت به سمت دستیابی به ارزش‌های والای اسلامی، یک جان تازه‌ای گرفته است. در همه دنیای اسلام، به خصوص جوان‌ها، باسوادها، دانشگاهی‌ها، دانشجوها، طبقه فهمیده و همه عامه مردم، میلشان به اسلام و حاکمیت ارزش‌های اسلامی، با سی‌چهل سال قبل قابل مقایسه نیست. بیداری اسلامی شروع شده است. آنها هم از همین می‌ترسند؛ می‌خواهند همین را نابود کنند. ۱۳۸۵/۱۰/۱۸

### تحجر و خشونت باعث ترویج سکولاریزم خواهد شد

«سلفی‌گری» اگر به معنای اصول‌گرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیای شریعت و نفی غربزدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد. به اسلام مطلوب و اشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غرب‌گرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل می‌کند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر



بی‌رحمانه مواجه می‌شود، دست آشتی به‌سوی آمریکا و ناتو دراز می‌کند، ولی در داخل به جنگ‌های قبیله‌ای و مذهبی دامن می‌زند و اشداء با مؤمنین و رحماء با کفار است، اعتماد نکنید. به اسلام آمریکایی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی می‌کشانند. ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

### تکفیری‌ها و کمک به رژیم صهیونیستی

[دشمنان اسلام] خوب فهمیدند که اگر در دنیای اسلام، مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید؛ این را خوب فهمیدند، درست فهمیدند. لذا از یک‌طرف گروه‌های تکفیری را به راه می‌اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند. از آن‌طرف هم یک عدّه مزدور را به راه بیندازند که برای این آتش، همیشه فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند. ۱۳۹۲/۰۶/۲۰

### باید این سم را از محیط اسلامی خارج کرد

امروز کسانی هستند که سلاحشان تکفیر است، ابایی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ اینها سم‌اند. خب، این سم را باید از محیط اسلامی خارج کرد. یکی او را تکفیر کند، یکی او را تفسیق کند، این در سخنرانی و در منبر یک حرفی بزند که تعریض به او باشد، او یک چیزی بگوید که تعریض به این باشد. این همین چیزی می‌شود که دشمن می‌خواهد. ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

## سراغاز سخن

ماه رمضان سال گذشته (تابستان ۱۳۹۲)، یکی از رزمندگان حاضر در سوریه را که با جراحی سنگین برگشته بود، عیادت کردم. آنجا از شخصیتی به نام عرعور و موضوع جهاد نکاح سخن به میان آمد؛ فحشایی که رنگ دینی به آن داده، مساجدی که به زنای مدرن آلوده شده و گردان‌هایی که با نام‌های معاویه، حرمله و شمر برای تک‌تیراندازی و بریدن سر شیعیان سوریه و... از لیبی به آن دیار رفته بودند. مجموعه مطالب آن دیدار بهانه‌ای شد تا پس از مشورت با دوستان، تعدادی مقاله درباره این شخصیت‌ها در سایت «وزین مشرق» انتشار یابد.

اثر حاضر، تکمیل شده مطالب پیشین، گاه تا حجم چندین برابر، به‌علاوه حدود ده شخصیت جدید است. گردآوری مطالب، بیشتر از سایت‌ها و وبلاگ‌های عربی، فارسی و گاه انگلیسی و همچنین کتاب‌های افراد یادشده است. این اثر هرگز مدعی نیست که همه فتاوا و دیدگاه‌های این افراد را دربردارد؛ زیرا از سویی، تلاشی جدی و طولانی مدت نیاز داشت و چنان نتیجه‌بخش هم نبود و از سوی دیگر، حجم کار باید تا ده‌ها برابر افزایش می‌یافت. با مراجعه به اثر ارزنده «بن باز و البانی» نوشته آقای علی اصغر رضوانی، خواهید دید که نمایش فهرست‌گونه دیدگاه‌های فقط دو نفر از این



مجموعه، چیزی حدود دویست صفحه شده است. کتاب «ائمة الوهابیه» آقای صالح الوردانی نیز حاوی معرفی تعدادی از این افراد به اجمال و زبان عربی است.

در نوشتار حاضر سعی شده است برای اعتبار بخشیدن و تنوع مطالب، گاه اصل تصویر کتب حاوی مطالب این افراد یا عکس‌های مرتبط با موضوع و شخصیت‌ها نمایش داده، و همچنین به ضمیمه مجموعه، لوح فشرده‌ای حاوی چندین فیلم و مستند و کلیپ، هم از شخصیت‌های موجود در این اثر و هم مطالب تلخ و شیرین درباره وهابیان عرضه شود.

سرنخ‌های داده شده در این نوشتار می‌تواند برای شناسایی عناوین و تعریف ده‌ها پایان‌نامه در رشته‌های مختلف، به‌ویژه کلام، فقه، تاریخ و... به کار گرفته شود؛ همانطور که موارد محدود و معدودی تا کنون صورت پذیرفته است.

امید که این اثر ناچیز و مختصر، مقبول طبع شریف بانوی دو عالم صدیقه کبری ع واقع شود.

## ابن تیمیه؛



### ولادت و نسب ابن تیمیه

تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن شهاب‌الدین عبدالحلیم بن مجدالدین عبدالسلام بن عبدالله بن ابی‌القاسم محمد بن الخضر بن محمد بن الخضر الحرّانی الدمشقی الحنبلی، دوشنبه ۱۰ ربیع‌الاول ۶۶۱ هـ.ق، در شهر حرّان ترکیه امروزی به دنیا آمد. حرّان به‌رغم پیشینه درخشان، به گفته ابن‌جیبر (م. ۶۱۴ هـ.ق)، در آن سال‌ها در وضع جغرافیایی خشک و خشن و دور از مظاهر تمدن بوده است.

شهر حران در زمان ابن تیمیه، مرکز صابئه، بت‌پرستان و فلاسفه بود. ابن تیمیه در خانواده‌ای که یک قرن پرچمدار فرقه حنبلی در این شهر بود، به دنیا آمد و رشد یافت. نکته قابل توجه اینکه عرب بودن ابن تیمیه از حیث تاریخی اثبات‌شدنی نیست و



شواهد و قرائن قابل توجهی هست که به استناد آن، می توان احتمال صابئی و در نتیجه اصالتاً یهودی بودن او را پذیرفت. به عبارت دیگر او را هم می توان از آنوسی ها و یهودیان تغییر دین داده برای ضربه زدن به اسلام دانست.

### ابن تیمیه در یک نگاه

ابن تیمیه، به سبب کثرت و تنوع فعالیت ها و شیوه رفتار خاصش در امور سیاسی و همچنین رفتار سخت گیرانه با پیروان مذاهب اسلامی، شخصیتی چالش برانگیز به شمار می رود و دو مواجهه کاملاً متفاوت پدید آورده است؛ از طرف داری سرسختانه کسانی مانند ابن کثیر دمشقی، ابن قیم جوزیه و وهابیان در دوره معاصر تا مخالفان سرسخت از علمای بارز مذاهب اسلامی. افزون بر این، آرای او درباره زیارت قبور و تبرک و توسل و شفاعت، مبنای نگرش وهابیان در اداره امور حرمین قرار گرفته است؛ هرچند آرای تندروانه ابن تیمیه درباره موضوعات پیش گفته و همچنین نگرش تعصب آمیز شبه مذاهب اسلامی، نقش یک مؤسس را در جریان سلفی به وی داده است. پیش از وی نیز شخصیت هایی چون عز بن عبدالسلام و محمد بربهاری (م. ۳۲۹ ه. ق.) و برخی حنبلیان تندرو چنین دیدگاه هایی داشته اند.

وی را با القابی چون مفسر، رجالی، حافظ، مفتی، ادیب و لغت شناس و آگاه از کلام، ملل و نحل، تاریخ و اصول در کنار اوصافی چون زاهد و شجاع ستوده اند. وی تندخو بود و در برابر مخالفان خود پرخاش می کرد. از قریحه شعر و حافظه قوی برخوردار بود. محمد بن خضر (م. ۶۲۲ ه. ق.)، جدّ اعلای وی، از دانشمندان حنبلی مذهب و نخستین فرد ملقب به ابن تیمیه بود، که سبط بن جوزی (م. ۶۵۴ ه. ق.) او را فردی انحصار طلب خوانده که در آن خطه، مجال فعالیت به هیچ دانشوری نمی داد.





### کوچ به دمشق

از اتفاقات مهم آن مقطع تاریخ جهان اسلام، حمله هماهنگ شده مغول از شرق و صلیبیون از غرب بود. این جنگ‌های ویران‌کننده و خانمان برافکن با فرماندهی پنهان جریان یهود، قرار بود همانند دو لبه یک قیچی، اسلام و جهان اسلام را از صحنه گیتی محو کند که به لطف الهی در تحقق این امر موفق نشدند.

سال ۶۶۷ ه. ق. / ۱۲۶۹م وقتی ابن تیمیه به سن شش‌سالگی رسید، مغولان شهر حران را ویران کردند؛ و پدرش عبدالحلیم، به اتفاق همه افراد خانواده‌اش به دمشق رفت و در آنجا اقامت گزید. در اینجا بود که ابن تیمیه از پدر خویش، که خود استاد بزرگی در مذهب حنبلی بود، تعلیم و تربیت بسیاری فراگرفت. همین‌طور نزد علی بن عبدالقوی درس خواند و در زبان عربی، «کتاب سیبویه» را فراگرفت؛ و حدیث را نزد دویست شیخ تلمذ کرد. گفتنی است در میان استادانی که ابن تیمیه در «کتاب اربعون» از آنها یاد می‌کند، نام چهار زن نیز دیده می‌شود.<sup>۱</sup>



ابن کثیر می نویسد:

به سال ۶۶۷ ه. ق، ابن تیمیه شش ساله بود. مردم حران از جمله پدر او، که از علمای بزرگ شهر بود، از ترس حمله مغول شهر را ترک کردند و شهاب‌الدین عبدالحلیم پدر ابن تیمیه به همراه خانواده روانه دمشق شد.<sup>۱</sup>

### آغاز تدریس و سخنرانی

شهاب‌الدین (پدر ابن تیمیه) در شهر دمشق رئیس دارالحدیث السکریه، و در مسجد جامع این شهر صاحب کرسی شد و روزهای جمعه در آنجا سخنرانی می‌کرد. سال ۶۸۲ ه. ق، با مرگ پدر، ابن تیمیه نوزده ساله در دارالحدیث السکریه به تدریس پرداخت<sup>۲</sup> و سال بعد در جامع اموی دمشق پس از نماز برای اولین بار، به‌طور رسمی به منبر رفت و از هفده شعبان همین سال، پس از وفات زین‌الدین ابن المنجّا به جای او، که شیخ الحنابله بود، متصدی تدریس مدرسه «الحنبلیه» دمشق شد.<sup>۳</sup>

### شخصیت پرخاشگر و فتنه‌جوی ابن تیمیه

ابن تیمیه، شخصی عصبی، تندخو و پرخاشگر بود و شاگردانش را هم به این وصف می‌شناختند. او شخصیتی واقع‌بین نداشت و برای مسائلی که مسلمانان در آن دوران، سخت بدان توجه داشتند، اهمیتی قائل نمی‌شد؛ زیرا در دورانی که مسلمین به بیش از هر چیز دیگر نیاز شدید به وحدت داشتند، وی با افشاندن بذر فتنه و درگیری، اوضاع مردم را هر از چندگاهی متشنج می‌کرد و بخش وسیعی از توان حکومت و قضاوت را که می‌بایست صرف دفاع در برابر کفار می‌شد، به خود مشغول می‌کرد و با تشویق افکار و نشر عقاید باطل، آنها را هدر می‌داد.

۱. البداية و النهاية، ابن کثیر، ج ۱۳، ص ۲۵۵.

۲. البداية و النهاية، ج ۱۳، ص ۳۰۳.

۳. همان، ص ۳۴۴.



### سرآغاز هجوم به فرق مختلف اسلامی

یکی از روزهای سال ۶۹۸ ه. ق، بین نماز ظهر و عصر سؤالاتی از او می‌شود و او در پاسخ به آنها کتاب «العقیده الحمویة الکبری» را می‌نویسد و ضمن آن، با جمله‌ای به عقاید اشعریون حمله کرد، در نتیجه جنجال بزرگی به پا می‌کند. ابن تیمیه را به دادگاه احضار می‌کنند و او در دادگاه حاضر نمی‌شود.

### اولین تکفیر مسلمانان با حمله به ابن عربی

ابن تیمیه در سن ۴۲ سالگی «فصوص الحکم» محیی‌الدین ابن عربی را مطالعه کرد و بعد از آن، به لعن و سب محیی‌الدین و پیروان وی پرداخت و کتابی به نام «النصوص علی الفصوص» در رد آن نوشت. سپس در نامه‌ای به شیخ کریم‌الدین، شیخ خانقاه سعیدالسعداء در قاهره از پیروان ابن عربی، به عقاید محیی‌الدین، صدرالدین قونوی و عقیف تلمسانی و ابن سبعین سخت تاخت و آنان را کافر خواند.<sup>۱</sup>

### اولین تخریب آثار اسلامی

ابن تیمیه سال ۷۰۴ ه. ق، به مسجد نارنج (یا مسجد تاریخ) در جوار مصلاهی شهر دمشق رفت و سنگی را که می‌گفتند اثر پای حضرت رسول ﷺ بر آن است و مردم به آن تبرک می‌جستند، شکست و گفت تبرک و بوسیدن آن جایز نیست.<sup>۲</sup>

### مشارکت و تشویق به شیعه‌کشی

ابن تیمیه به سال ۷۰۴ ه. ق، در قتل عام شیعیان کسروان، در امتداد اقدام‌های سرکوبگرانه ایوبیان و ممالیک برای قتل عام شیعیان و راندن آنان از مصر و شام و سپس مدینه و لبنان، نقشی مهم داشت. به گزارش ابن فضل‌الله عمری (م. ۷۴۹ ه. ق) گاه خود

۱. مجموعه‌الرسائل و المسائل، ابن تیمیه، ج ۱، صص ۱۶۹ - ۱۹۰ متن نامه در کتاب موجود است.

۲. البداية و النهاية، ج ۱۴، ص ۳۴.



نیز در جنگ شرکت می جست و گاه جنگجویان را بدین کار تشویق می کرد و گاهی برای تدارک نیرو نزد مهنا بن عیسی (م. ۷۳۵ ه. ق.) از امرای قبایل ایلاتی شام می رفت و با تعبیر خشم آلود، آنان را به لشکرکشی وامی داشت. به گفته ابن کثیر (م. ۷۴۸ ه. ق.) او برای توجیه کشتارهایش، شیعیان را کافر و گمراه نامید. دامنه این کشتار تا قتل عام علویان شمال لبنان، قنیطره، عاقوره، بترون و عکا نیز امتداد یافت. در پی این کشتار، کسانی که جان به در بردند، به مناطق دیگر کوچ کردند.<sup>۱</sup>

### زندانی شدن های مکرر

در رجب این سال، درباره «العقیده الواسطیه» (از دیگر کتب ابن تیمیه) بحث و مناقشه پیش آمد و کار چنان بالا گرفت که نایب السلطنه فرمان داد: کسی درباره عقاید سخن نگوید. بعد از آن، ابن تیمیه را برای محاکمه به مصر احضار کردند و در قلعه جیل قاهره، مجلس محاکمه برپا شد. قاضی او را به دلیل پاسخ ندادن، به زندان محکوم کرد و در حارة الدیلم زندانی کردند. ابن رجب در ذیل «طبقات الحنابلة» آورده است که هجده تن از اهل هوی و هوس در مصر بر ضد ابن تیمیه فتوا دادند که در رأس آنان قاضی القضاة مالکی، تقی الدین محمد بن ابی بکر بن عیسی بن بدران اخنائی بود. هر چهار قاضی مذاهب چهارگانه مصر نیز به حبس او فتوا دادند. وی در سال های بعد حتی با وساطت نایب السلطنه حاضر به خروج از زندان نشد.<sup>۲</sup>

هرچند در ربیع الاول ۷۰۶ ه. ق، امیر حسام الدین مهنا بن ملک عیسی به زندان رفت و او را سوگند داد تا با او از زندان بیرون بیاید و او از زندان خارج شد؛ در شوال همین سال، بزرگان صوفیه به سبب حملات ابن تیمیه به ابن عربی از او شکایت، و او را در زندان قضاة زندانی کردند.

<http://www.aparat.com/v/IHbUu>

۱. فیلم: منفجر کردن قبر صحابه:

۲. البداية و النهاية، ج ۱۴، ص ۴۳.



## نویسنده پرکار سلفی سازی

ابن تیمیه، نویسنده‌ای پرکار بود. هیچ‌کس نتوانسته است تعداد قطعی کتاب‌های او را به دست آورد. او کتاب‌ها، فتاوا، مکاتبات و یادداشت‌های بی‌شماری باقی گذاشت. و اغلب آنها را زمانی تصنیف کرد که زندانی بود. ذَهَبی، شماره تألیفات ابن تیمیه را به‌طور تقریبی پانصد نسخه می‌داند.

### لجبازی با سلطان و زندانی شدن مجدد

ابن تیمیه پس از طی شدن مدت محکومیتش، سال ۷۰۹ ه.ق. به اسکندریه رفت و پس از هشت ماه اقامت، دوباره به قاهره برگشت. چهارسال بعد وقتی خبر رسید که اولجایتو، ایلخان مغول، قصد حمله به بلاد شام را دارد، با سلطان رهسپار دمشق، و پس از هفت سال دوری وارد دمشق شد. بعد از مدتی، وقتی از او خواستند در مسئله حلف به طلاق فتوا ندهد و سلطان ناصر نیز در نامه‌ای به او حکم کرد که فتوا ندهد؛ اما ابن تیمیه فتوا داد و از همین‌رو سال ۷۲۰ ه.ق. به‌سبب لجبازی با سلطان، توبیخ شد و او را در قلعه دمشق زندانی کردند. وی در عاشورای ۷۲۱ ه.ق. با فرمان سلطان آزاد شد.

### بازهم زندان، این بار برای شاگرد

ابن تیمیه در ۷۲۶ ه.ق. بار دیگر در قلعه دمشق زندانی شد و ماجرا از این قرار بود که ابن قیم جوزیه، شاگردش در شهر قدس، شفاعت و توسل به انبیا را به فتوای ابن تیمیه جایز نشمرده و بلوایی به پا کرده بود. ابن قیم جوزی، تنها کسی است که به ترویج افکار و اوهام استادش ابن تیمیه پرداخت.

دو سال بعد، کتاب و کاغذ و قلم را در زندان به این سبب از او گرفتند که ابن الاخنایی، قاضی القضاات مالکی قاهره، کتابی در مسئله زیارت نوشته بود و ابن تیمیه در زندان ردی بر آن نوشت و او را جاهل خواند.<sup>۱</sup>



## مرگ در زندان

ابن تیمیه در شب دوشنبه بیست ذی قعدة همان سال در زندان قلعه دمشق مرد و ابن کثیر از شاگردانش بر جنازه‌اش حاضر شد. گفته‌اند که متجاوز از دویست هزار تن مرد و زن در مراسم خاکسپاری او شرکت کردند به جز سه تن، که از ترس سنگسارشدن، به سبب خصومت با او، در مراسم شرکت نجستند. همه در تشییع او شرکت کردند و لازم آمد که از نیروی نظامی برای حفظ توده مردم کمک خواسته شود.<sup>۱</sup>

## دیدگاه علمای اهل سنت درباره ابن تیمیه

اهل سنت که در طول قرون متمادی، برادرانه با شیعیان در مناطق مختلف دنیا زیسته‌اند، از ابن تیمیه و پیروانش، به مانند شیعیان دل خونی دارند و اساساً وی و پیروانش را مسلمان نمی‌دانند چه رسد به آنکه بخواهند دامن اهل سنت را با نسبت دادن او به اهل سنت لوث کنند.

### محمد بن محمد بخاری

وی در مقام عالم حنفی مذهب، (م. ۸۴۱ ه.ق) فریاد می‌زند که هرکس به ابن تیمیه، شیخ الاسلام بگوید، کافر است.<sup>۲</sup>

### ابن حجر عسقلانی

ابن حجر عسقلانی در کتاب «الدرر الکامنه» می‌نویسد که قضات اهل سنت در زمان ابن تیمیه اعلام کردند:

هرکس معتقد به عقاید «ابن تیمیه» باشد، خون و مالش حلال است.<sup>۳</sup>

<http://www.aparat.com/v/LrI1b>

۱. فیلم تبرک جستن به آب غسل ابن تیمیه:

۲. البدر الطالع، ج ۲، ص ۲۶۰.

۳. الدرر الکامنه، ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۱۴۷؛ البدر الطالع، ج ۱، ص ۶۷؛ مرآة الجنان یافعی، ج ۲، ص ۲۴۲.



در ادامه مطالب به دیدگاه‌های ابن حجر عسقلانی درباره زندیق و ملحد و بی‌دین و منافق دانستن ابن تیمیه خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup>

### ابن حجر مکی

ابن حجر مکی در کتابی که علیه شیعه نوشته است، وقتی به ابن تیمیه می‌رسد، می‌گوید: ابن تیمیه، کسی است که خدا او را خوار و گمراه و کور و کور کرده است، و پیشوایان اهل سنت و معاصران وی از شافعی‌ها و مالکی‌ها و حنفی‌ها، بر فساد افکار و اقوال او تصریح دارند.<sup>۲</sup>

### شیخ یوسف نبهانی

وی در کتاب «الشواهد الحق في الاستغاثة بسيد الخلق» در معرفی ابن تیمیه و نظر علمای بزرگ اهل سنت درباره ابن تیمیه می‌گوید که همچون خورشیدِ وسط آسمان، روشن و مسلم است که علمای مذاهب چهارگانه بر ردّ بدعت‌های ابن تیمیه، به توافق رسیده‌اند و برخی از آنها بر صحت مطالب نقل شده او اشکال کرده‌اند؛ چنان‌که در صحت عقل او نیز تردید کرده‌اند. صرف نظر از توبیخ شدید ایشان در مورد اشتباه آشکار او در مسائلی که در آنها به مخالفت با دین و اجماع مسلمین پرداخته؛ به‌ویژه مطالبی که درباره سرور پیامبران گفته است.

چنان‌که گذشت، در زمره کسانی که صحت مطالب نقل شده او را مخدوش دانسته‌اند، از میان حنفیان، شهاب‌الدین خفاجی در «شرح الشفاء» و از میان مالکیان، امام زرقانی در کتاب «شرح المواهب» و از میان شافعیان، امام سبکی است. آن‌گونه که در کتاب او با نام «شفاء السقام» آمده است. امام سبکی در این کتاب، همراه با توضیح

<http://www.aparat.com/v/GUSdB>

۱. فیلم حمله قرضوی به سران وهابیت:

۲. الفتاویٰ الحدیثه، ابن حجر مکی، ص ۸۶.



خطای (ابن تیمیه) در اندیشه هایش، روشن ساخته که احکام شرعی ای که او برای اثبات بدعت خود نقل می کند و آنها را به دانشمندانی از مذاهب چهارگانه نسبت می دهد، صحیح نیست، و آن دانشمندان چنین نگفته اند.<sup>۱</sup>

عن الإمام أحمد، ونص فقهاء الحنابلة على أنه لا يتابع فيها، فمن ادعى أنه حنبلي المذهب فليس له القول بها كما قالت بها هذه الفرقة المذكورة عن جهل وانطلاس بصره. وفقنا الله وإياهم لاتباع سبيل المصطفى عليه الصلاة والسلام إلا الحنبلي المنصف بحروفها. وذكر في الاستشفاع بالأنبياء والأولياء والله الكتاب والسنة وعبارات العلماء والمقالة الخامسة استحباب زيارة القبر الصحيحة الصريحة في ذلك عن عبد بآن ما قاله ابن تيمية وتلميذه ابن وأثنى في خاتمة الكتاب على ساداتنا

**شواهد الحق**  
**في الاستغناء عن سائر المذاهب**  
 من الله عليه وتوطئه وتصديه وسأتم  
 ما يشاء  
 الأستاذ السيد البديعة  
 في فضل الصحابة وأتباع الشريعة  
 ١٤٠٣ هـ  
 للشيخ الفاضل السيد محمد باقر الخليلي  
 المتوفى ١٣٤٥ هـ  
 طبعه وصحبه مكتبة  
 الشريعة الإسلامية بمكة المكرمة  
 دار الكوفة العلمية  
 مؤسسة علي بن يقطين طبعة ١٤١٦ هـ

وهو أشدهم رداً على غلطاته الفاحشة، يعين الإنصاف شهد المستقبل من الأضرار بها وأساس فسادها، ولا سيما في الحرمين تعالى قد أطلع الإمام كان من أكابر العلماء

ومنهم الإمام شهاب الدين ابن تيمية بحاماة عن الدين وشفقة ولا سيما فيما يتعلق بسيد المرسلين هذا الإمام ابن حجر بالولايه، وأنه العظيمة التي ترتبت على أقوال ابن ولا يخفى ما حصل منها من الأض الشريين وجزيرة العرب، فمن الما ابن حجر على ذلك على سبيل الكرمه وسوسه في راسي...  
 العاملين والأئمة المهادين المهديين، وهذا علمه وكتبه النافعة التي خدم بها الأمة المحمدية خدمة لم يشاركه فيها سواء من عصره إلى الآن ملأت الدنيا وانتفع بها الخاص والعام في جميع بلاد الإسلام، ومن كان كذلك لا يستبعد عليه أن يكون الله تعالى قد أكرمه بإطلاعه على بعض المغيبات. ومنها ما حدث من فرقة الوهابية أتباع ابن تيمية من المضار العظيمة على الشريعة المحمدية والملة الإسلامية، ولذلك كان رضي الله عنه أشد أئمة المسلمين إنكاراً لبدع ابن تيمية ورداً عليه بأشد العبارات شفقة على المسلمين وبحاماة عن هذا الدين المين، وله في ذلك عبارات كثيرة في كتبه، ولا سيما في الفتاوى الحديثية ولم أر حاجة إلى نقلها هنا فمن شاءها فليراجعها.

فقد ثبت وتحقق وظاهر ظهور الشمس في رابعة النهار أن علماء المذاهب الأربعة قد اتفقوا على رد بدعة ابن تيمية ومنهم من طعنوا بصحة نقله كما طعنوا بكحال عقله فضلاً عن شدة تشنيعهم عليه في خطه الفاحش في تلك المسائل التي شدت بها في الدين وخالف بها إجماع المسلمين، ولا سيما فيما يتعلق بسيد المرسلين ﷺ ومن طعن بصحة نقله من الحنفية الشهاب الخفاجي في شرح الشفاء كما تقدم، ومن المالكية الإمام الزرقاني في شرح المواهب كما تقدم أيضاً، ومن الشافعية الإمام السبكي كما هو مذكور في كتابه «شفاه السقام» فقد أوضح فيه مع توضيح خطأ ابن تيمية في رأيه عدم صحة نقله أحكاماً شرعية استدل بها على تقوية بدعته ونسبها إلى علماء من أئمة المذاهب الأربعة لم يقولوا





### ابن تیمیه و دشمنی‌های مکرر با اهل بیت علیهم‌السلام

از خصلت‌های بارز ابن تیمیه، مخالفت و دشمنی جدی با اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به‌ویژه با امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. وی در موارد بسیاری به امیرالمؤمنین، حضرت زهرا و دیگر اهل بیت علیهم‌السلام توهین می‌کند که برخی از آنها را باهم مرور می‌کنیم:

#### پایین آوردن مقام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

ابن تیمیه در عادی جلوه‌دادن مقامات پیامبران و اولیای الهی می‌کوشید و مدعی بود آنان پس از مرگ، کوچک‌ترین تفاوتی با افراد عادی ندارند. او در این راستا، مسائلی را در تعارض با دیدگاه علمای جهان اسلام می‌گوید:

۱. سفر برای زیارت پیامبر حرام است؛
۲. کیفیت زیارت پیامبر، از کیفیت زیارت اهل قبور تجاوز نمی‌کند؛
۳. هر نوع پناه و سایبان بر قبور حرام می‌باشد؛
۴. پس از درگذشت پیامبر، هرگونه توسل به آن حضرت، بدعت و شرک است؛
۵. سوگند به پیامبر و قرآن، یا سوگنددادن خدا به آنها شرک می‌باشد؛
۶. برگزاری مراسم جشن و شادی در تولد پیامبر، بدعت به‌شمار می‌رود.

#### دشمنی با فضائل اهل بیت علیهم‌السلام

ابن تیمیه، فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را چنین انکار می‌کرد: «شیعیان گفته‌اند امامت درست نمی‌باشد، مگر در فرزندان علی؛ و یهود گفته‌اند پادشاهی درست نمی‌باشد، مگر در ذریه داوود»<sup>۱</sup>.

وی با این تعبیر، شیعیان را مانند یا پیرو یهودیان می‌خواند. او در کتاب خود «منهاج السنه» روایات فراوان و معتبر و مسلمی را که در تمجید اهل بیت علیهم‌السلام حتی در منابع اهل سنت آمده است، رد می‌کند و آنان را ساخته دروغ‌پردازان می‌خواند.

۱. منهاج السنه، ج ۱، ص ۶.



### افراط در دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام و تعظیم ابن ملجم!

ابن حجر عسقلانی، بزرگ‌ترین عالم اهل سنت در علم حدیث و رجال، در کتاب معروف «لسان المیزان» که از معتبرترین کتاب‌های رجالی اهل سنت است، می‌نویسد: «ابن تیمیه، در پاسخ به رافضی (علامه حلی) به قدری زیاده‌روی کرده که منجر به تنقیص (پایین آوردن) مقام علی بن ابی طالب علیه السلام شده است».<sup>۱</sup>

همو در جلد اول «الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة» صفحه ۱۵۵ می‌نویسد: «ابن تیمیه درباره نوشته علی (نستجیر بالله) در هفده مورد دچار اشتباه شده و با نص قرآن مخالفت نموده است».

ابن حجر سنی، سپس درباره دیدگاه علمای جهان اسلام در اثبات کفر ابن تیمیه ادامه می‌دهد: بعضی به سبب مخالفت او با توسل و استغاثه به رسول اکرم صلی الله علیه و آله که خود تنقیص مقام نبوت، و مخالفت با عظمت حضرت است، وی را زندیق و بی‌دین می‌دانند.

بعضی نیز به دلیل سخنان زشتی که وی درباره امیر مؤمنان علیه السلام بیان کرده است، وی را منافق دانسته‌اند. چون وی [ابن تیمیه] گفته است که علی بن ابی‌طالب، بارها برای به دست آوردن خلافت تلاش کرد؛ ولی کسی او را یاری نکرد. جنگ‌های او برای دیانت خواهی نبود؛ بلکه برای ریاست طلبی بود. اسلام ابوبکر، از اسلام علی که در دوران طفولیت صورت گرفته، با ارزش‌تر است و همچنین خواستگاری علی از دختر ابوجهل، نقص بزرگی برای وی بود.

تمامی این سخنان «ابن تیمیه»، نشانه نفاق اوست؛ چون پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرموده است: «جز منافق، کسی تو را دشمن نمی‌دارد».<sup>۲</sup>

۱. لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۶، ص ۳۱۹.

۲. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۲، ح ۳۳۰۲۸.



گستاخی ابن تیمیه درباره امیرالمؤمنین علیه السلام تا آنجا پیش می‌رود که می‌نویسد: راه و روش اهل سنت، راه درست و مستقیم در این باب است [اکثر فرقه‌ها نظر ایشان را قبول دارند]؛ اما شما [شیعه] باهم تناقض دارید؛ و دلیل آن، این است که خوارج و غیر ایشان از کسانی‌اند که علی را کافر می‌پندارند یا فاسق می‌دانند، یا معتزلی‌ها و مروانی‌ها که در عدالت او شک می‌کنند، و غیر ایشان، [اما] اگر به شما بگویند که دلیل بر ایمان علی و امام بودن او و عدالت او چیست، دلیلی نخواهید داشت.

وی در منهاج السنه با زیرپا گذاشتن منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری اهل سنت، هتاک‌های خود را چنین ادامه می‌دهد:

و خداوند متعال در مورد علی نازل کرده است که: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا زمانی که بدانید چه می‌گویید؛ زیرا هنگامی که نماز خواند<sup>۱</sup>، در نماز خود اشتباه کرد.<sup>۲</sup>

وی ابوبکر را معلم امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خواند<sup>۳</sup> و در جایی دیگر می‌نویسد: و اما کلام رسول خدا (که فرموده‌اند): علی قاضی‌ترین شماست؛ و قضاوت لازمه اش علم و دین است؛ پس این حدیث درست نیست و سند ندارد و نمی‌توان به آن استدلال کرد.<sup>۴</sup>

ابن تیمیه در تمجید قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام می‌نویسد: «علی بن ابی طالب را یکی از خوارج به نام عبدالرحمن بن ملجم در حالی که از عابدترین انسان‌ها و دارای مقام علمی بود، به قتل رساند».<sup>۵</sup>

۱. فیلم: نماز خواندن وهابی‌ها:

۲. منهاج السنه، ج ۴، ص ۶۵.

۳. همان، ج ۵، ص ۵۱۳.

۴. همان، ج ۴ ص ۱۳۸.

۵. همان، ج ۵، ص ۴۷.



هتاک‌های ابن تیمیه به امیرالمؤمنین علیه السلام در منهاج السنه از حد و شماره بیرون است<sup>۱</sup>:

وی درباره جنگ‌های علی علیه السلام می‌نویسد: و علی جنگید تا از او اطاعت کنند و بتواند در جان و مال مردم تصرف کند؛ پس چگونه این را جنگ برای دین می‌پندارید؟ و ابوبکر با کسانی جنگید که از اسلام مرتد شده بودند و همچنین با کسانی که آنچه را خدا واجب کرده بود، ترک کرده بودند؛ تا فقط خدا و رسولش اطاعت شوند؛ و این جنگ [جنگ‌های امام علی] برای دین نیست.<sup>۲</sup>

#### توهین به حضرت زهرا علیها السلام

ابن تیمیه درباره حضرت زهرا علیها السلام، که آیه تطهیر درباره‌اش نازل شده بود و خداوند ایشان را از هر ناپاکی مبرا و مطهر خوانده بود، در نهایت گستاخی می‌نویسد: «در او — نستجیر بالله — شعبه‌ای از نفاق وجود داشت».<sup>۳</sup>

همچنین وی می‌نویسد: اما اینکه وی [علامه حلی] گفته است: تمام محدثان نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای فاطمه! خداوند عزوجل برای خشم فاطمه غضب می‌کند و به رضایتش خشنود می‌گردد، دروغ است و از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل نکرده‌اند و نمی‌شناسم کتابی از کتاب‌های معروف حدیثی که آن را آورده باشد. سند معروفی از پیامبر ندارد؛ نه سند صحیح و نه سند حسن.<sup>۴</sup>

این در حالی است که عده بسیاری از علمای اهل سنت، این روایت را با سند صحیح نقل کرده‌اند.

۱. فیلم ابن تیمیه که می‌گوید اکثر صحابه علی علیه السلام را سب می‌کردند: <http://www.aparat.com/v/ykgnw>

۲. منهاج السنه، ج ۸، ص ۳۳۰.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۴۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک: منهاج السنه، ج ۲، ص ۱۷۱.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۴۸.



توهین به سیدالشهدا علیه السلام و تمجید از یزید!

ابن تیمیه، هتاکی به اهل بیت علیهم السلام را - نسجیر بالله - با فسادانگیز خواندن قیام امام حسین علیه السلام چنین ادامه می‌دهد:

و در قیام [حسین]، نه مصلحت دین بود و نه مصلحت دنیا؛ بلکه این ظالمان سرکش، ضد نوه رسول خدا قدرت یافتند تا اینکه او را مظلوم و شهید کردند؛ و در قیام او و کشته شدنش آن قدر فساد بود که اگر در شهر خود نشسته بود، آن قدر فساد نمی‌شد! پس آن چیزی که او قصد آن را داشت، از به دست آوردن نیکی و دفع بدی، اصلاً حاصل نشد؛ بلکه بدی، به سبب قیام او زیاد، و خیر کم گردید؛ و این، سبب شرّ بزرگی شد؛ و کشته شدن حسین، سبب فتنه‌های بسیار گشت؛ چنان‌که کشته شدن عثمان، سبب فتنه‌های بسیار شد.<sup>۲</sup>

وی مدعی بخشوده شدن گناه یزید می‌شود که:

از کجا معلوم که یزید یا غیر او از ظالمان، از این کارشان توبه نکرده باشند؛ یا کار نیکی نداشته‌اند که این ظلم‌هایشان او را از بین ببرد؛ و مصیبت‌هایی ندیده‌اند که کفاره آن ظلم‌ها شود؟<sup>۳</sup>

وی تاریخ را چنین از نو می‌سازد:

یزید دستور کشتن حسین را نداده؛ و راضی به آن نبوده است؛ بلکه از کشته شدن او اظهار درد کرد و سر حسین به سوی او برده نشد؛ بلکه به سوی ابن زیاد حمل شد.<sup>۴</sup>

<http://www.aparat.com/v/LO1w8/>

۱. فیلم هتک حرمت جسد شیخ حسن شحاته در مصر:

۲. منهاج السنة، ج ۴، ص ۵۳۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۵۲.

۴. مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۴۸۶.



## شیعه‌ستیزی ابن تیمیه، منشأ شیعه‌ستیزی وهابیان

ابن تیمیه، تعصب خاصی به شیعه از خود نشان داده و عناد آشتی‌ناپذیری را درباره مذهب تشیع و اعتقادات شیعه ابراز کرده است.<sup>۱</sup>

وی شیعه را خشبیه می‌خواند و دلیل این نام‌گذاری را این‌گونه عنوان می‌کند: «شیعیان را به این دلیل خشبیه می‌نامند که آنان معتقدند ما با شمشیر جهاد نمی‌کنیم، جز اینکه در رکاب امام معصوم باشیم».

ابن تیمیه، شیعه را غالی و دروغ‌گویان معروف نیز می‌خواند. او شیعه را به نقل روایت از ابی مخنف لوط و پیروی از او متهم می‌کند. او شیعه را که معتقد به امامت ائمه اهل بیت علیهم‌السلام هستند، از پیروان یهود می‌نامید و می‌گفت: اعتقاد به امامت اهل بیت از اندیشه‌های یهود است.

ابن تیمیه، به علمای صاحب فضیلت و دانشمند شیعه، اهانت‌های فراوانی کرده و آنان را ترویج‌کنندگان آیین یهود شمرده است. او اعتقاد به عصمت اهل بیت علیهم‌السلام را کفر می‌شمرد.

## منابع

1. <http://www.shia-leaders.com>
2. <http://www.ibntaymiyyah.com/>
3. <http://sunnahonline.com>
4. <http://spa.qibla.com>
5. <http://www.fatwa-online.com>
6. <http://www.a2youth.com>

۱. فیلم وحشی‌گری وهابیان و کشتار ۲۶۰ بیمار و پزشک یمنی در بیمارستان حوثی‌ها:

<http://www.youtube.com/watch?v=WeqrJ7ulaGg&feature=share>



7. <http://www.valiasr-aj.com>
8. <http://traway.ir>
9. <http://www.hawzah.net>
10. <http://www.ido.ir>
11. <http://www.iptra.ir>
12. <http://bonyanejihad.com>
13. <http://www.vahhabiyat.com>
14. <http://hajj.ir>
15. <http://library.tebyan.net>
16. <http://www.salaamtv.org>





## ابن قیّم جوزی؛ تداوم اندیشه تکفیری

### زندگی نامه

مهم‌ترین شاگرد ابن تیمیه، سرچشمه خبثات‌های وهابیان و دشمن امیرالمؤمنین (علیه السلام) ابن جوزی شمس‌الدین محمد بن ابی‌بکر بن ایوب بن سعد بن حرّیز روز هفتم رجب ۶۹۱ ه. ق در منطقه «زُرع» در فاصله ۹۶ کیلومتری دمشق به دنیا آمد. او به ابن قیّم جوزیه شهرت دارد. وجه تسمیه او، پدرش است که سرپرست و قیّم مدرسه جوزیه بود.

ابن قیّم در اواخر قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم هجری در شام می‌زیست. قرن هفتم، قرن هجوم ویرانگر لشکریان مغول به جهان اسلام بود. درست ۳۵ سال پیش از تولد ابن قیّم، یعنی در ۶۵۶ ه. ق، هلاکوخان بغداد را تصرف کرد، «المستعصم بالله» آخرین خلیفه عباسی کشته شد و بدین ترتیب، دوران سلسله عباسی پایان یافت.

ابن قیّم در همه اقوال و عقاید، تابع و حامی بی‌چون و چرای ابن تیمیه بود و نشر و بسط عقاید او را در زمان حیات و پس از مرگش برعهده داشت و به همین سبب او را تازیانه زدند و سوار بر شتر در شهر گرداندند و با ابن تیمیه در قلعه دمشق زندانی کردند. او از ۷۱۲ ه. ق / ۱۳۱۲م تا سال مرگ ابن تیمیه ملازم او بود و با مخالفان او درافتاد. از این رو نام او همیشه با نام استادش قرین است.



## اساتید و شاگردان

ابن قیم از اساتید فراوانی استفاده برد که در بین آنها افرادی مانند ذهبی، مزی و ابن تیمیه دیده می‌شوند که مهم‌ترین آنها ابن تیمیه، سرچشمه جریان وهابیت است. ابن قیم از معلمانی چون شهاب نابلسی، تقی‌الدین سلیمان، ابوبکر بن عبدالدائم، عیسی مطعم، اسماعیل بن مکتوم، فاطمه بنت جوهر دانش‌آموخت. او ادبیات را نزد ابوالفتح بعلی و مجدالدین تونسی، و فقه و اصول را از صفی‌الدین هندی و ابن تیمیه و اسماعیل ابن محمد حرانی فرا گرفت؛ ولی در آرای فقهی و کلامی، بیشترین تأثیر را از ابن تیمیه پذیرفت؛ چنان‌که در ۲۱ سالگی، هنگام بازگشت ابن تیمیه از مصر تا پایان عمر به مدت شانزده سال ملازمش بود و به دفاع از نظریات او می‌پرداخت. ابن قیم جوزی را اصلی‌ترین شاگرد ابن تیمیه و رئیس شاگردانش نامیده‌اند.

مهم‌ترین شاگردان ابن قیم عبارت‌اند از: عبدالرحمن بن رجب بغدادی، اسماعیل بن عمر بن کثیر (ابن کثیر مفسر)، محمد بن عبدالقادر محی‌الدین نابلسی و فرزندانش ابراهیم و شرف‌الدین عبدالله.

## مناصب

می‌توان کارها و فعالیت‌های وی را از خلال کتبی که در مورد زندگی وی نوشته شده است، به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. امامت در مدرسه جوزیه؛
۲. تدریس در مدرسه صدریه و جاهای دیگر؛
۳. متصدی شدن امور استفتاء؛
۴. تألیف کتب.

## آثار و کتاب‌ها

برای ابن قیم جوزیه، بیش از ۹۸ اثر ذکر شده است که از میان آنها می‌توان موارد



زیر را برشمرد:

۱. الصواعق المرسله؛
۲. زاد المعاد؛
۳. مفتاح دار السعادة و منشور ولاية العلم والارادة؛
۴. مدارج الساکين؛
۵. الكافيه الشافية في النحو؛
۶. الكافيه الشافيه في الانتصار للفرقة الناجية؛
۷. الكلم الطيب و العمل الصالح؛
۸. الكلام على مسألة السماع؛
۹. هداية الجبارى في أجوبة اليهود و النصارى؛
۱۰. المنار المنيف في الصحيح و الضعيف؛
۱۱. اعلام الموقعين عن رب العالمين؛
۱۲. الفروسية؛
۱۳. طريق الهجرتين و باب السعادتین؛
۱۴. الطرق الحکمية؛
۱۵. ذم الهوى؛
۱۶. اعانة اللهفان من مصائد الشيطان؛
۱۷. الجواب الكافي لمن سأل عن الدواء الشافى (أو الداء و الدواء)
۱۸. بدايع الفوائد؛
۱۹. الروح.

فلسفې انديشيدن درباره شرع و اصول دين از سنت های فکری روزگار ابن قيم بود که وی با آن درگیر شده و آن را یک سنت فکری غیردینی تلقی می کرد. وی با فلسفه و



فیلسوفانی چون فارابی، ابن سینا، محمد بن زکریای رازی و به ویژه خواجه نصیرالدین طوسی مواجهه‌ای سطحی داشت.

ابن قیم که با شبهات ابلیس از طریق نظرات شهرستانی آشنا شده بود، می‌پنداشت که بسیاری از اندیشه‌های فلسفی و آرای مذاهب از شبهات مذکور برخاسته است. ابن قیم از میان علمای یونان، سقراط را موحد می‌داند و او را آشنا به صفات خداوند و معتقد به معاد می‌شناساند و افلاطون را که به انکار عبادت بت‌ها پرداخته و به حدوث عالم قائل بوده است، تأیید می‌کند؛ اما آنجا که عقلیات یونانی را رد می‌کند، بیشتر نظر به ارسطو دارد. به نظر ابن قیم، ارسطو عالم را قدیم دانسته و دیگر فلاسفه را فریفته است. او بیشتر فیلسوفانی را که به سخنان ارسطو اعتنا کرده و وی را معلم اول خوانده و منطقش را میزان استدلال عقلی دانسته‌اند، از جمله ملاحظه می‌خواند.

#### روانه زندان کردن استاد و خود، در اسناد تاریخی

ابن تیمیه در یکی از دفعات، مدت پنج ماه و هجده روز در زندان ماند تا در دوشنبه، روز عاشورای ۷۲۱ ه.ق، فرمانی از سلطان مبنی بر آزادی وی از زندان رسید و او از زندان خارج شد. روز دوشنبه، ششم شعبان ۷۲۶ ه.ق، بار دیگر ابن تیمیه را با برادرش زین‌الدین عبدالرحمان در قلعه دمشق زندانی کردند.

سبب صدور فرمان سلطان، این بوده که ابن قیم در شهر قدس، در مسئله شفاعت و توسل به انبیا سخن گفت و به فتوای ابن تیمیه، آن را جایز نشمرد و مجرد قصد قبر حضرت را (بدون قصد مسجد آن حضرت) منکر شد. مردم بیت‌المقدس از این فتوا ناراحت شدند و به قاضی القضاة دمشق نامه نوشتند و این خبر به سلطان رسید. او مسئله را به قاضی القضاة حنفی ارجاع داد. قاضی القضاة حنفی، ابن تیمیه را سخت نکوهش کرد و این موجب شد که ملک ناصر، فرمان دهد که او را زندانی کنند.



این خبر را یکی از حاجبان نایب‌السلطنه به ابن تیمیه رسانید. می‌گویند ابن تیمیه از شنیدن این خبر اظهار سرور کرد. او را سوار بر اسب به قلعه دمشق بردند و در آنجا اتاقی به او اختصاص دادند. برادرش زین‌الدین نیز برای خدمت به او بدانجا رفت.

روز چهارشنبه، نیمه شعبان، قاضی القضاة دستور داد جمعی از یاران ابن تیمیه را در زندان حاکم محبوس سازند و جمعی از آنان را نیز تعزیر کنند و بر چارپایان بنشانند؛ اما بعد از تعزیر، آنان را آزاد ساختند و از این میان، ابن قیم را به زندان انداختند و کتک زدند.

### مرگ ابن جوزی

ابن قیم سرانجام، پس از شصت سال در شب سیزده رجب سال ۷۵۱ ه. ق. مرد. وی در دمشق و در قبرستان باب‌الصغیر در کنار پدرش به خاک سپرده شد. قبرش در سمت چپ قبرستان از دروازه جدید واقع است.

### باورها و بدعت‌های شاگرد ابن تیمیه

او سفر کردن برای زیارت قبر پیامبران را جایز نمی‌دانست و همچنین اجتماع در کنار قبور پیامبران و اولیای الهی را کاری مشرکانه پنداشته، می‌گفت: این کار، مفاسد بی‌شماری دارد که عبارت است از: نماز خواندن به سمت قبر و طواف کردن در اطراف قبر و بوسیدن آن و کمک‌طلبیدن و درخواست روزی و عافیت و پرداخت شدن قرض‌ها و برطرف شدن گرفتاری‌ها از صاحب قبر! اینها خواسته‌هایی است که بت‌پرستان از بت‌هایشان طلب می‌کردند.

این مطلب، خلاف صریح آیه قرآن است که می‌فرماید تنها کافران از اهل قبور مأیوس می‌شوند:



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾<sup>۱</sup>؛ یا این آیه‌ها که شهدا زنده‌اند: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾<sup>۲</sup>، ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾<sup>۳</sup>

او طی سفری که به قدس شریف داشت، بر منبر مشغول موعظه مردم شد و گفت: من الآن به وطن خود برمی‌گردم و به زیارت قبر حضرت ابراهیم نمی‌روم. همچنین در نابلس همین موضوع را مطرح کرد و گفت: من به زیارت پیامبر نخواهم رفت.

### تخریب بنای قبور

وهابیان پلید، به استناد این بدعت او که می‌گفت: مشاهدی که بر روی قبرها بنا شده، از موارد شرک است و باید تخریب شود و جایز نیست حتی یک روز آنها را باقی گذاشت، بقیع و دیگر اماکن مقدسه را ویران کردند.<sup>۴</sup>



۱. ممتحنه: ۱۳.

۲. بقره: ۱۵۴.

۳. آل عمران: ۱۶۹.

۴. فیلم وهابیت و تخریب آثار فرهنگی:



جالب اینجاست که این روزها تروریست‌های اموی، ایام زیادی است که حمص را در اختیار دارند. همان شهری که معروف است به مدینه الخالد بن ولید؛ اما هیچ تعرضی به قبر خالد بن ولید نکرده‌اند.



قبر خالد بن ولید - دمشق



قبر معاویه

### دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام

ابن قیم همانند ابن تیمیه، به دشمنی و انکار فضایل امام علی علیه السلام می پرداخت و مدعی بود، حدیث هایی که رافضی ها (شیعیان) درباره علی بن ابی طالب جعل کرده اند، آن قدر زیاد است که شمارش شدنی نیست. سپس از قول ابویعلی خلیلی نقل می کند که شیعیان، در فضیلت علی بن ابی طالب و اهل بیت علیهم السلام سیصد هزار حدیث جعل کرده اند.

ابن قیم، در کتاب «جلاء الافهام»، وقتی قضیه مباحله را نقل می کند، نام امام علی علیه السلام را کنار می گذارد؛ با اینکه علمای اسلام، از شیعه و سنی، اتفاق دارند که از کسانی که در قضیه مباحله حضور داشت، علی علیه السلام بود.



إِذَا ثَبَتَ هَذَا، فَالذَّرِيَّةُ: الأَوْلَادُ وَأَوْلَادُهُمْ، وَهَلْ يَدْخُلُ فِيهَا  
أَوْلَادُ الْبَنَاتِ؟ فِيهِ قَوْلَانِ لِلْعُلَمَاءِ، هُمَا رَوَايَتَانِ عَنْ أَحْمَدَ<sup>(١)</sup>:

أَحَدُهُمَا<sup>(٢)</sup>: يَدْخُلُونَ، وَهُوَ<sup>(٣)</sup> مَذْهَبُ الشَّافِعِيِّ.

وَالثَّانِيَةُ: لَا يَدْخُلُونَ، وَهُوَ مَذْهَبُ أَبِي حَنِيفَةَ.

وَاحْتِجَّ مَنْ قَالَ بِدُخُولِهِمْ: بِأَنَّ الْمُسْلِمِينَ مُجْمَعُونَ<sup>(٤)</sup> عَلَى  
دُخُولِ أَوْلَادِ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فِي ذُرِّيَّةِ النَّبِيِّ ﷺ الْمَطْلُوبِ لَهُمْ  
مِنَ اللَّهِ الصَّلَاةَ، لِأَنَّ أَحَدًا مِنْ بَنَاتِهِ لَمْ يُعَقَّبْ غَيْرَهَا، فَمَنْ انْتَسَبَ  
إِلَيْهِ ﷺ مِنْ أَوْلَادِ ابْنَتِهِ، فَإِنَّمَا هُوَ مِنْ جِهَةِ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا  
خَاصَّةً، وَلِهَذَا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ فِي الْحَسَنِ ابْنِ ابْنَتِهِ:

٢٨٢ - «إِنَّ أَيْنِي هَذَا سَيِّدٌ»<sup>(٥)</sup> فَسَمَّاهُ ابْنَهُ.

وَلَمَّا<sup>(٦)</sup> أَنْزَلَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ آيَةَ الْمُبَاهَلَةِ: ﴿فَمَنْ حَاكَمَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا  
جَاءَكَ مِنَ الْوَلَمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ﴾ [آل عمران: ٦١] الْآيَةَ،

٢٨٣ - دَعَا النَّبِيُّ ﷺ فَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا، وَخَرَجَ  
لِلْمُبَاهَلَةِ<sup>(٧)</sup>.

(١) سقط من (ش).

(٢) في (ح) (إحدهما).

(٣) في (ب) (وهم) وهو خطأ.

(٤) في (ب) (مجتمعون).

(٥) أخرجه البخاري في (٥٧) الصلح (٢٥٥٧) من حديث أبي بكر رضي الله عنه.

(٦) من (ش، ت، ظ) وفي (ب) غير واضحة.

(٧) أخرجه مسلم في (٤٤) فضائل الصحابة (٢٤٠٤) من حديث سعد بن أبي =



## نظر علمای اهل سنت درباره ابن قیم جوزی

ابن قیم نیز مانند استادش، مورد انتقاد و طعن علمای اهل سنت قرار گرفته است. ابن حجر هیثمی درباره او و استادش می‌گوید: «مبادا به چیزهایی که در کتاب‌های ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم جوزی و دیگرانی که پیرو هوای نفس خود هستند و خداوند آنها را گمراه ساخته و قلبشان را مهر زده و چشمشان را پوشانده است، گوش کنی». سپس هیثمی آنها را ملحدی می‌نامد که از دین خارج شده‌اند.

شمس‌الدین مالکی ابن قیم جوزی را به کفر و اعدام محکوم کرده بود؛ اما ابن قیم به او می‌گوید، قاضی حنبلی توبه و اسلام را پذیرفته و مرا محقون‌الدم شمرده است. قاضی مالکی پس از اظهارات ابن قیم، او را شلاق می‌زند و بر الاغ سوارش می‌کند و در خیابان‌ها می‌گرداند.

ابن قیم جوزی، معترف است که انبیا نزدیک‌ترین وسیله برای قرب به خداوند هستند!

«إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ قَدْ سَلَّمَ عَلَى الصُّطَفِيِّينَ مِنْ عِبَادِهِ، وَالرَّسُلَ أَفْضَلَهُمْ. وَقَدْ أَخِيرَ سَبَّحَانَهُ أَنَّهُ أَخْلَصَهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِ الدَّارِ، وَأَتَمَّهُمْ عِنْدَهُ مِنَ الْمَصْطَفِيِّينَ الْأَخْيَارِ. وَيَكْفِي فِي فَضْلِهِمْ وَشَرَفِهِمْ أَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ اخْتَصَّاهُمْ بِوَحْيِهِ، وَجَعَلَهُمْ أُمَمَاءَ عَلَى رَسُولَتِهِ، وَوَسَائِطَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ، وَخَصَّاهُمْ بِأَنْوَاعِ كِرَامَتِهِ: فَمَنْهُمْ مَنْ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا، وَمَنْهُمْ مَنْ كَلَّمَهُ تَكْلِيمًا، وَمَنْهُمْ مَنْ رَفَعَهُ عَلَى سَائِرِهِمْ دَرَجَاتٍ. وَلَمْ يَجْعَلْ لِعِبَادِهِ وَصُولًا إِلَيْهِ إِلَّا مِنْ طَرِيقِهِمْ، وَلَا دَخُولًا إِلَى جَنَّتِهِ إِلَّا مِنْ خَلْفِهِمْ، وَلَمْ يَكْرَمْ أَحَدًا مِنْهُمْ بِكَرَامَةٍ إِلَّا عَلَى أَيْدِيهِمْ فَهَمَّ أَقْرَبَ الْخَلْقِ إِلَيْهِ وَسَيْلَةً، وَأَرْفَعَهُمْ عِنْدَهُ دَرَجَةً، وَأَحْبَبَهُمْ إِلَيْهِ وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ.

وبالجملة فخير الدنيا والأخرة إنما ناله العباد على أيديهم. وبهم عُرِفَ اللهُ، وبهم عُيِدَ وأُطِيعَ، وبهم حصلت محابته تعالى في الأرض، وأعلاهم منزلةً أولو العزم منهم المذكورون في قوله: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى﴾ (شوری: ۱۳). وفي قوله تعالى: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ



التَّيِّبِينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ﴿۷﴾ (الاحزاب: ۷) وهؤلاء هم الطبقة العليا من الخلائق، وعليهم تدور الشفاعة حتى يردوها إلى خاتمهم وأفضلهم ﷺ<sup>۱</sup>

### دشمنی با تشیع و عالم بزرگ شیعی

ابن تیمیه که سخت از نابودی حکومت فاسد عباسی ناراحت بوده است، درباره نقش خواجه نصیرالدین طوسی در سقوط بغداد در «مجموع الرسائل» می نویسد: تاتاران بر کشورهای اسلامی یورش بردند و خلیفه بغداد و دیگر فرمانروایان اسلامی را نکشتند، جز با کمک و پشتیبانی ملحدان (اسماعیلی)، و کارگردان این [رویدادها] همانا وزیر آنان نصیرالدین طوسی در الموت بود. او بود که دستور کشتن خلیفه و از میان بردن حکومت وی را صادر کرد.

ابن تیمیه با بی شرمی تمام، هر آنچه را خود لایق آن بود، به این عالم بزرگ نسبت می دهد و در کتاب مشهورش منهاج السنه، به دروغ می نویسد: «او آدم بی مبالاتی در دین بود، شعائر اسلامی را مراعات نمی کرد، مرتکب فواحش می شد، نماز نمی خواند و در ماه رمضان، شراب و مسکرات می نوشید و زنا می کرد!»<sup>۲</sup>

ابن قیم هم در کتاب «اغاثة اللفغان» راه استادش را پیموده، می نویسد: «هنگامی که ملحد و حامی شرک و کفر... نصیرالدین... فرصت یافت، از پیرامون پیامبر [خدا] و مؤمنان، به کیش خود انتقام گرفت. آری او مسلمانان را از دم شمشیر گذراند... و خلیفه را بکشت.»

ابن قیم جوزی، خواجه را با الفاظ رکیکی به باد اتهام و دشنام می گیرد و درباره وی می گوید: «او منکر معاد و تعلیم دهنده سحر بود و بتها را عبادت می کرد.»<sup>۳</sup>

۱. طریق الهجرة تین وباب الاستعداد تین، ص ۳۵۰، دار السلفية، قاهره، ۱۳۹۴ق.

۲. فیلم جریان تکفیری خبیث: <http://www.aparat.com/v/YcPQO>

۳. فیلم اعتراف و عصبانیت وهابیان از گسترش مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در دنیا:

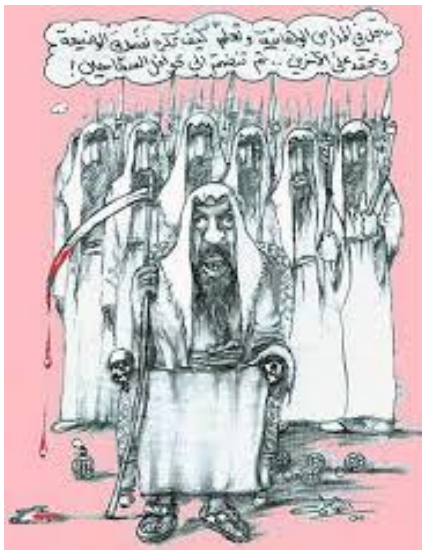


## فتواهای عجیب جنسی

ابن قیم جوزی می‌گوید: «اگر زنی شوهر نداشت و شهوت بر وی غلبه کرد، بعضی از فقیهان ما گفته‌اند می‌تواند از آلت مصنوعی استفاده کند!»<sup>۱</sup>

بر همین منوال، ابن حزم اندلسی می‌نویسد:

اما زنا: مالکی‌ها (زن بی‌شوهری را) که حامله شده است، حد می‌زنند؛ هرچند شاید مجبور به این عمل شده باشد، و مرد همسردار را که با زن اجنبی از پشت نزدیکی کند، سنگسار می‌کنند. همچنین اگر عمل قوم لوط را انجام دهد؛ چه همسردار باشد یا نباشد. اما اگر با حیوانات نزدیکی کند، حد نمی‌زنند. همچنین زنی را که به سگ زنا می‌دهد، حد نمی‌زنند و همه آنها را حلال کردن فرج برای امر باطل می‌دانند. اگر زن عاقل، بالغ و مختاری نیز به کودکی زنا دهد، حد نمی‌زنند؛ اما اگر مردی با دختر خردسال که هم‌سن این کودک (که زن بالغ و... به او زنا داده است) باشد، حد می‌زنند.



ابلیس زادگان

<http://www.aparat.com/v/RIgqY>

۱. بدایع الفوائد، ابن قیم الجوزیه، ج ۴، ص ۹۰۵.



مفتیان وهابی در دوره جدید، نسخه تازه‌اش را به شاگردان خود تجویز می‌کنند: «برای تقویت قوای جنسی، فیلم‌های پورنوی بازیگران صرفاً مسلمان را ببینید!»



نویسنده وهابی دکتر موسی شاهین لاشین، در شرحی که بر صحیح مسلم نوشته با نام «فتح المنعم شرح صحیح مسلم» به عایشه توهین کرده و گفته است ایشان به جوانی شیر داده است! او می‌گوید: «عایشه اعتقاد داشت که رضاع کبیر سبب محرمیت می‌شود و قطعاً خود او غلامی را (که نزدیک به سن بلوغ بوده است) را شیر داد و آن غلام بر او وارد می‌شد؛ اما دیگر مادران مؤمنان، آن را قبول نداشتند!»



و«سالم» بن معقل، مولى أبى حذيفة، كان من أهل فارس، أعتقته مولاه زوج أبى حذيفة، واسمها بثينة، أعتقته سائبة دون ولاء لها، فتولى أبا حذيفة، وتبناه أبو حذيفة، فكان ينسب إليه، فيقال: سالم ابن أبى حذيفة، حتى نزلت ﴿إِنَّمَا هُمْ إِبْنُ آبَائِهِمْ﴾ [الأحزاب: ٥]. وعد في المهاجرين وروى أنه هاجر مع عمر، وكان يؤم المهاجرين بقاء، وفيهم عمر قبل أن يقدم رسول الله ﷺ المدينة، وكان إذا سافر مع أصحابه يؤمهم، لأنه كان أكثرهم قرآنا، وكان قد جاوز البلوغ في بدر، فشدها، والظاهر أن ملابسات حديثنا كانت في هذه السن، واستشهد يوم اليمامة هو ومولاه أبو حذيفة فوجد رأس أحدهما عند رجلى الآخر، وذلك سنة اثنتى عشرة من الهجرة، وكان عمر يحميه ويقدره، حتى قال رضى الله عنه بعد أن طعن: لو كان سالم حيا ماجعلتها شورى. وهو من القراء الذين قال رسول الله ﷺ عنهم: «خذوا القرآن من أربعة. من أبى بن كعب، ومعاذ ابن جبل، وسالم مولى أبى حذيفة، وابن مسعود»، وعن الصحابة أجمعين، وإنما أطلنا في ترجمته ليتضح لنا القول بأن إرضاعه كان رخصة خاصة به. وفي الرواية التاسعة «إن سالما مولى أبى حذيفة كان مع أبى حذيفة وأهله فى بيتهم» وقد علمنا أنه كان فى بيت أبى حذيفة عبدا، ثم مولى، ثم ابنا، ثم مولى وحليفا. «فأنت ابنة سهل» فى الرواية العاشرة «أن سهلة بنت سهل بن عمرو جاءت النبى ﷺ، فقالت...» وهذه زوجة أخرى لأبى حذيفة، غير التى أعتقت سالما، وفى رواية أبى داود تقول: «فكان يباوى معى ومع أبى حذيفة فى بيت واحد، فيرانى فضلا» أى متبذلة فى ثياب المهنة.

**(أرضعيه. قالت: وكيف أرضعه وهو رجل كبير؟) الظاهر أن استفهامها عن كيفية إرضاعه، أتخبط له من لبنها؟ أم تعمليه ثديها؟ ويحتمل أن الاستفهام تعجبى من إرضاع الكبير وتأثير رضاعه حرمة.**

**(قال: فمكثت سنة أو قريبا منها لا أحدث به وهبته) قائل ذلك ابن أبى مليكة، يتخرج من التحديث بهذا الحديث هيبة من مضمونة، قال النووي: هكذا هو فى بعض النسخ «وهبته» من الهيبة وهى الإجلال، والواو حرف عطف، وفى بعضها «رهبته» بالراء من الرهبة، وهى الخوف، وهى بكسر الهاء، وإسكان الباء، وضم التاء، وضبطه القاضى عن بعضهم «رهبته» بإسكان الهاء وفتح الباء، وينصب التاء. قال القاضى: وهو منصوب بإسقاط حرف الجر، والضبط الأول أحسن، وهو الموافق للنسخ الأخر.**

**(إنه يدخل عليك الغلام الأيفع) هو بالياء، وبالفاء، وهو الذى قارب البلوغ ولم يبلغ، وجمعه أيفاع، وقد أيفع ويفع، وهو يافع.**

وكانت عائشة - رضى الله عنها - ترى أن إرضاع الكبير يحرمه، وأرضعت غلاما فعلا، وكان يدخل عليها، وأكر بقية أمهات المؤمنين ذلك، كما يظهر من الرواية الثانية عشرة والثالثة عشرة.

**(والله ما تطليب نفسى أن يرانى الغلام قد استغنى عن الرضاعة) أى جاوز الحولين ورضع بعد مجاوزتهما، أى لا تطليب نفسى أن أرضع غلاما استغنى عن الرضاع لتناوله الطعام، ولا**



از سوی دیگر همین‌ها چنین فتوا می‌دهند:

بنابر فتوای شیخ محمد العریفی، چهره سرشناس وهابیت عربستان سعودی، حضور هر دختری با پدرش در یک مکان خلوت حرام است؛ زیرا ممکن است این پدر انحرافات اخلاقی داشته باشد و به دختر خود تجاوز کند! یا اینکه گفته شده است:

مفتی وهابی که در اروپا زندگی می‌کند، فتوا داده است که زنان حق دست‌زدن به موز و خیار را ندارند. این مفتی وهابی در فتوای خود در این باره مدعی تحریک زنان به وسیله این دو میوه شده است. این مفتی در ادامه این فتوای مضحک خود آورده بود؛ در صورتی که زنان، تمایل به خوردن این دو نوع میوه را دارند، باید از شخص دیگری، برای مثال یک مرد مانند همسر یا پدر خود کمک بگیرند و از آنان بخواهند این میوه‌ها را بریده و در اختیار آنان بگذارند!

نیز:

نویسنده سعودی عبدالله الداود که از مدافعان شدید خط فکری وهابیت و شیوخ وهابی به شمار می‌رود، حضور یک مرد با یک جوان یا نوجوان زیبا در محلی به تنهایی را حرام اعلام می‌کند؛ زیرا به اعتقاد او حضور این جوان یا نوجوان زیبا می‌تواند آن مرد را به گناه بیندازد و او تصمیم به لواط کردن بگیرد! عبدالله الداود با هدف اثبات ادعای خود به نوشتاری از ابن کثیر - از علمای اهل سنت - و تعدادی از فتوای دیگر مفتی‌های وهابی اشاره می‌کند. وی در ادامه می‌گوید: «بر همین اساس نباید جوانان و نوجوانان زیبا را در سلول‌های مشترک با دیگر مردان قرار داد؛ زیرا ممکن است به آنان تجاوز شود».

فتوای دیگری از یک مفتی وهابی به نام عبدالباری الزمزمی، اهل مراکش که می‌گوید: «دختران زشت که موفق به ازدواج نشده‌اند، برای اینکه بتوانند راه را برای ازدواج خود مهیا کنند، جوانان را به خود جذب کنند، باید لباس‌های نیمه‌عریان بر تن کنند تا از این طریق جوانان را تحریک و به سمت خود بکشانند».



## منابع

۱. ابن قیم الجوزیه و جهوده في خدمة السنة النبوية و علومها، السيد جمال بن محمد، چاپ اول، مدینه منوره، عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۲. اغاثة اللفغان من مصاديد الشيطان، محمد بن ابی بکر ابن قیم جوزی، محقق: الفقهي، محمد حامد، الرياض، مكتبة المعارف، بی تا.
۳. بحوث في الملل و النحل، جعفر سبحاني، قم، لجنة ادارة الحوزة العلمية، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۴. زاد المعاد في هدى خير العباد، محمد بن ابی بکر ابن قیم جوزی، چاپ بیست و هفتم، کویت، مؤسسة الرسالة، مكتبة المنار الإسلامية، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۵. الصواعق المرسله في الرد على الجهمية و المعطلة، محمد بن ابی بکر ابن قیم جوزی، چاپ اول، ریاض، دارالعاصمة، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۶. على مفترق طريقين، آیت الله العظمی مکارم شیرازی، چاپ اول، قم، مدرسة الامام علي بن ابی طالب (عليه السلام)، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۷. المحلى، ابن حزم الظاهري، تحقيق: لجنة إحياء التراث العربي، بيروت، ناشر: دار الآفاق الجديدة.
۸. المنار المنيف في الصحيح و الضعيف، محمد بن ابی بکر ابن قیم جوزی، محقق: أبوغدة، عبدالفتاح، چاپ اول، حلب، مكتبة المطبوعات الاسلامية، ۱۳۹۰ هـ.ق.
9. <http://www.islamquest.net>
10. <http://telavat.com>
11. <http://www.vahhabiyat.com>
12. <http://www.aqeedeh.com>
13. <http://vahabiat.porsemani.ir>



## محمد بن عبدالوهاب مجدد نظریه تکفیر

محمد بن عبدالوهاب از عالمان مذهب حنبلی، مؤسس مکتبی خاص در اصول عقاید است که این مکتب به لحاظ نسبت یافتن به او وهابی نام گرفته است؛ ریشه‌های فکری آن برگرفته از آراء و افکار برخی از متقدمان اهل سنت مانند ابن تیمیه و ابن قیم جوزی است. او در سال ۱۱۱۵ ه.ق در شهر عَیینه از توابع نجد متولد گردید. پدر وی، عبدالوهاب از قضات آن شهر به شمار می‌رفت. محمد، فقه حنبلی را در زادگاه خود آموخت. پدرش از همان ابتدا با او مخالفت می‌کرد و از طرز تفکر او هراسان بود. پدر، برادر و استادان او در گفتار و کردارش ضلالت و گمراهی را می‌دیدند و او را بسیار نکوهش می‌کردند و مردم را از او برحذر می‌داشتند سخنان وی درباره توحید، توسل، زیارت قبور و غیره خوشایند رؤسای قوم نبود و سخن او را نمی‌پذیرفتند. وی سپس برای تکمیل معلومات رهسپار مدینه منوره شد و در آنجا به تحصیل حدیث و فقه پرداخت. مکتبی حدیثی در مدینه پدید آمده بود که اصلی‌ترین ویژگی این نهضت تلاش و تمایل آنها برای احیای اندیشه‌های احمد بن حنبل و ابن تیمیه بود. اقامت او در مدینه بر طرز فکر آینده او بسیار تاثیر گذاشت و او بعد از آشنایی با افکار و آرای ابن تیمیه در اظهار عقاید خود راسختر و کوشاتر شد. از این‌رو، می‌توان او را گسترش‌دهنده، مدافع و پیرو اندیشه‌های ابن تیمیه دانست.



در دوران تحصیل در مدینه، گه‌گاه مطالبی بر زبانش جاری می‌شد که از عقایدی خاص حکایت داشت، چندان که اساتید وی نسبت به آینده‌اش نگران شده و می‌گفتند: اگر این فرد به تبلیغ بپردازد گروهی را گمراه خواهد کرد.<sup>۱</sup>

او مدت زیادی را در مدینه ماند و مردم را از استغاثه و تبرک جستن به قبر پیامبر که از نظر او بدعت به شمار می‌آمد، نهی می‌کرد. سپس به نجد بازگشته، یکسال در آنجا ماند و سپس به سمت بصره به راه افتاد و چهار سال در بصره ماند.

محمدبن عبدالوهاب در نهی مردم از عقایدشان و دعوت آنها به عقاید خود بی‌پروا بود. هنگام سکونت در بصره عقاید خود را در زمینه توحید، دعا، توسل و... آشکار می‌کرد و مردم را به آنها فرا می‌خواند و با علمای آنها مناظره می‌کرد. ادامه یافتن روش محمدبن عبدالوهاب در توهین به مقدسات مسلمانان در بصره، نارضایتی مردم و علما را به همراه داشت؛ به طوری که مورد هجوم و اذیت و آزار مردم قرار گرفت و سرانجام در یکی از روزهای گرم تابستان او را از بصره اخراج کردند.

نکته دیگر درباره مؤسس این فرقه، ارتباط او با جاسوس انگلیسی مستر همفر در بصره است. همفر انگیزه مخالفت با دولت عثمانی را در او ایجاد کرد و شیخ را برای تشکیل حکومتی جدید روانه نجد ساخت. از اینرو، فرقه وهابیت را به استناد اعترافات مستر همفر ساخته انگلیس می‌دانند، وی پنج سال در بغداد ماند و آنگاه از طریق بصره آهنگ احساء کرد و از آنجا به «حُرَیْمَلَه» اقامتگاه پدرش رفت.

درباره استادان محمدبن عبدالوهاب اختلاف نظر است. شاید علت این امر، ردیه‌هایی است که بعضی از استادانش بر او نوشته‌اند. همچنین در اطلاق نام استاد به برخی از اینان و استفاده علمی او از آنها مناقشه جدی وجود دارد.

البانی که از شخصیت‌های برجسته سلفیت است، درباره سلفیت سهم بسیاری برای

۱. الفجر الصادق، جمیل الصدقی الزهاوی، ص ۱۷؛ فتنة الوهابية، سید احمد زینی الدحلان، ص ۶۶.



دو مبلغ بزرگ آن ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب برمی شمرد، اما در تفاوت این دو می گوید: محمد بن عبدالوهاب شناختی از احادیث و علوم مربوط به آن نداشت. ابن تیمیه تلاش بسیاری برای برحذر داشتن مردم از تمسک به احادیث ضعیف در فقه و عقاید سلفی داشت، ولی به عکس او، محمد بن عبدالوهاب در امر فقه و حدیث توجهی به این نمی کرد و در واقع شناختی از این علوم نداشت.

برادر محمد بن عبدالوهاب که از ابتدای پیدایش افکار انحرافی محمد بن عبدالوهاب به مخالفت با او پرداخته بود، در وصف او می گوید: در این زمان مردم گرفتار کسی شده اند که خود را به کتاب و سنت منتسب می سازد و احکام الهی را استنباط می کند و بر عالمانی که سخن او را نپذیرند، تهمت کفر می زند؛ در حالیکه او حتی یکی از ده خصلت اهل اجتهاد را ندارد.

حامد الگار نیز با مقایسه ای، با بی اساس دانستن مواضع ابن تیمیه، او را متفکری جدی و دقیق و عالمی بسیار پرکارتر از محمد بن عبدالوهاب برمی شمرد. او همه آثار محمد بن عبدالوهاب را از نظر محتوا و حجم کم اهمیت و مختصر خوانده، آنها را اثری ساده می داند که بیشتر شبیه جمع آوری احادیث است و به یادداشت های یک طلبه شباهت دارد. حسن بن فرحان، یکی از نقادان جدی مسلک تکفیری وهابی، می گوید: با مطالعه کتاب های شیخ محمد پی بردم که او چندان عالم محقق و دقیقی نبوده است، به خصوص که ضعف علمی او در حدیث و تاریخ هویداست و بینش عالم مسلمان با این دو علم شکل می گیرد. از اینرو، وی در محکوم کردن شرک و بدعت، سختگیری می کند و برای این عمل، به اطلاق نصوص صحیح و صراحت نصوص ضعیف استناد می جوید و در صدور احکام تکفیری، بر احادیث ضعیف، ساختگی و قیاس فاسد تکیه می کند.

تا زمانی که پدرش در قید حیات بود وی کمتر سخن می گفت. تنها گاه میان او و پدرش نزاعی در می گرفت. پدرش که یکی از علمای حنبلی بود، او را از این اعمال و



عقاید منع می‌کرد و مردم را از او برحذر می‌داشت و مانع رواج اندیشه‌های او می‌شد ولی پس از درگذشت پدر به سال ۱۱۵۳ ه.ق، پرده از روی عقاید خود برداشت.<sup>۱</sup>

تبلیغات محمد بن عبدالوهاب در شهر حریمله افکار عمومی را برآشفته، به گونه‌ای که ناچار شد آنجا را به عزم اقامت در عیینه (زادگاهش) ترک کند. در عیینه با حاکم وقت، عثمان بن معمر، تماس گرفت و دعوت جدید خود را با او در میان نهاد و قرار شد که او با پشتیبانی حاکم، آیین خود را تبلیغ کند. و از جمله اقدام‌های او با کمک عثمان بن معمر در عیینه، بریدن درختان مورد احترام مردم بود. او همچنین بعد از مدتی که کارش در عیینه بالا گرفت و اعوان و انصاری گردش جمع شدند، تصمیم به ویران کردن قبه زید بن خطاب - برادر عمر بن الخطاب، که در جنگ یمامه، جنگ میان مسلمانان با مسیلمه کذاب، در سال ۱۲ ه.ق به قتل رسیده بود - گرفت، عثمان بن معمر با ششصد نفر به یاری‌اش آمدند. زمانی که مردم جبیله عثمان بن معمر را مشاهده کردند و او را آماده جنگ یافتند، دست به اقدامی نزدند و محمد بن عبدالوهاب خود قبه زید را ویران ساخت. ولی طولی نکشید فرمانروای احساء، شیخ سلیمان بن محمد آل حمید، که مقامی برتر از حاکم عیینه داشت عمل عثمان را ناروا شمرد و دستور داد هرچه زودتر محمد بن عبدالوهاب را از شهر عیینه بیرون کند.

بنابراین وی ناچار شد نقطه سومی را به نام درعیه برای اقامت برگزیند که محمد بن سعود (جد آل سعود) بر آن حکومت می‌کرد. او دعوت خود را با حاکم درعیه در میان نهاد. محمد بن عبدالوهاب در این دیدار قدرت و غلبه بر تمام بلاد نجد را به او بشارت داد و هردو پیمان بستند. بدین ترتیب شیخ محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود در مورد جنگ با مخالفان و امر به معروف و نهی از منکر و اقامه شعائر دینی طبق معتقدات خود با یکدیگر بیعت می‌کنند و جمعی از رؤسای قبایل و مردم، گردشان

۱. تاریخ نجد، آلوسی، صص ۱۱۱ - ۱۱۳.



جمع می‌شوند. این اتحاد منجر به تشکیل حکومت سعودی می‌گردد و از پیوند این دو اساس حکومت وهابی پی‌ریزی می‌شود.

محمد بن عبدالوهاب تبلیغ خود را در پرتو قدرت حاکم آغاز کرد. به زودی هجوم به قبایل اطراف و شهرهای نزدیک شروع شد و سیل غنایم از اطراف و اکناف به شهر درعیه که شهر فقیر و بدبختی بود، سرازیر گشت. این غنایم چیزی جز اموال مسلمانان منطقه نجد نبود که با متهم شدن به شرک و بت پرستی، اموال و ثروتشان بر سپاه محمد ابن عبدالوهاب حلال شده بود تا آنجا که آلوسی که خود تمایلات وهابی‌گری دارد، از مورخی به نام ابن بشر نجدی چنین نقل می‌کند:

«من در آغاز کار، شاهد فقر و تنگدستی مردم درعیه بودم ولی بعداً این شهر در زمان سعود (نوه محمد بن سعود) به صورت شهری ثروتمند درآمد، تا آنجا که سلاح‌های مردم آن، با زر و سیم زینت یافته بود. بر اسبان اصیل و نجیب سوار می‌شدند و جامه‌های فاخر در بر می‌کردند و از تمام لوازم ثروت بهره‌مند بودند، به حدی که زبان از شرح آن قاصر است»<sup>۱</sup>.

دو چیز به انتشار دعوت محمد بن عبدالوهاب در میان اعراب بادیه‌نشین نجد کمک کرد: ۱. حمایت سیاسی و نظامی آل سعود. ۲. دوری مردم نجد از تمدن و معارف و حقایق اسلامی.

جنگ‌هایی که وهابیان در نجد و خارج از نجد (همچون حجاز و یمن و شام و عراق) می‌کردند، جاذبه‌ای دل‌فریب داشت: ثروت هر شهری که با قهر و غلبه بر آن دست می‌یافتند، بر مهاجمین حلال بود، اگر می‌توانستند آن را جزو متصرفات و املاک خود قرار می‌دادند و در غیر این صورت به غنایمی که به دست آورده بودند، اکتفا می‌کردند.<sup>۲</sup>

۱. تاریخ ابن بشر نجدی، ج ۱، ص ۲۳.

۲. جزیره العرب فی القرن العشرين، ص ۳۴۱.



هر اندیشه نوظهوری - خاصه اگر در پوشش «توحید» عرضه شود - در روزهای نخست توجه مردم را به خود جلب می‌کند، خاصه در جایی که مردم آن از علم و دانش دور باشند. روزی که محمد بن عبدالوهاب کار خود را در نقاب دعوت به توحید و مبارزه با شرک آغاز کرد، برخی از شخصیت‌های نجد و یمن به سوی وی اقبال کردند. برای نمونه زمانی که موج دعوت او به یمن رسید امیر محمد بن اسماعیل (۱۰۹۹ - ۱۱۸۶ ه.ق) مؤلف کتاب «سبل السلام فی شرح بلوغ المرام» قصیده‌ای بلند بالا در مدح محمد بن عبدالوهاب سرود که مطلع آن چنین بود:

سَلَامٌ عَلٰی نَجْدٍ وَ مِنْ حَلِّ فِی نَجْدٍ      وَ اِنْ كَانَ تَسْلِیْمِی عَلٰی الْبَعْدِ لَا یَجْدِی

یعنی: درود بر نجد و کسی که در آن قرار دارد، هرچند درود من از این راه دور سودمند نیست.

ولی همو، هنگامی که خبرهای ناگواری از قتل و غارت وهابیان را دریافت کرد و فهمید که محمد بن عبدالوهاب به تکفیر مسلمانان پرداخته و برای مال و جان آنها بهایی قایل نیست، از سروده پیشین خود پشیمان گشت و قصیده‌ای نو سرود که با این بیت آغاز می‌شد:

رَجَعْتُ عَنِ الْقَوْلِ الَّذِي قُلْتُ فِي النَّجْدِي      وَ قَدْ صَحَّ لِي عَنْهُ خِلَافُ الَّذِي عُنْدِي<sup>۱</sup>

یعنی: من از گفتار پیشین خود در حق آن مرد نجدی بازگشتم، زیرا خلاف آنچه درباره وی می‌پنداشتم برایم ثابت شد.

کشتار وهابیان در عتبات عالیات به راستی صفحه‌ای سیاه در تاریخ اسلام است. صلاح‌الدین مختار که از نویسندگان وهابی است می‌نویسد: در سال ۱۲۱۶ ه.ق امیر سعود با قشون بسیار متشکل از مردم نجد و عشایر جنوب و حجاز و تهامه و دیگر نقاط، به قصد عراق حرکت کرد. وی در ماه ذی القعدة به شهر کربلا رسید و آنجا را محاصره کرد.

۱. کشف الارتیاب، سید محسن امین، ص ۸.



سپاهش برج و باروی شهر را خراب کرده، به زور وارد شهر شدند و بیشتر مردم را که در کوچه و بازار و خانه‌ها بودند به قتل رساندند. سپس نزدیک ظهر با اموال و غنایم فراوان از شهر خارج شدند و در نقطه‌ای به نام ابیض گرد آمدند. خمس اموال غارت شده را خود سعود برداشت و بقیه، به نسبت هر پیاده یک سهم و هر سواره دو سهم، بین مهاجمین تقسیم شد.<sup>۱</sup>

ابن بشر، مورخ نجدی، درباره حملات وهابیان به نجف می‌نویسد: در سال ۱۲۲۰ ه. ق. سعود با سپاهی انبوه از نجد و اطراف آن، به بیرون مشهد معروف در عراق (مقصود، نجف اشرف است) فرود آمد و سپاه خود را در اطراف شهر پراکنده ساخت. وی دستور داد باروی شهر را خراب کنند ولی سپاه او زمانی که به شهر نزدیک شدند به خندق عریض و عمیقی برخوردند که امکان عبور از روی آن وجود نداشت. در جنگی که بین طرفین رخ داد، بر اثر تیراندازی از باروهای شهر، جمعی از سپاهیان سعود کشته شدند و بقیه آنها از گرد شهر عقب نشسته به غارت روستاهای اطراف پرداختند.<sup>۲</sup>

ممکن است تصور شود که وهابیان تنها بلاد شیعه‌نشین را مورد تاخت و تاز خود قرار می‌دادند. ولی این تصور به هیچ‌وجه درست نیست و باید گفت کلیه مناطق مسلمان‌نشین حجاز و عراق و شام، آماج حملات آنها قرار داشت و تاریخ در این مورد، از هجوم‌های وحشیانه‌ای گزارش می‌دهد که مجال شرح همه آنها در این مختصر نیست. نمونه‌وار به یک مورد اشاره می‌کنیم:

جمیل صدقی زهاوی در خصوص فتح طائف به دست وهابیان می‌نویسد: از زشت‌ترین کارهای وهابیان، قتل عام مردم است که بر صغیر و کبیر رحم نکردند. طفل شیرخوار را بر روی سینه مادرش سر می‌بریدند. جمعی را که مشغول فراگرفتن قرآن بودند همه را کشتند.

۱. تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۳، ص ۷۳.

۲. عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۳۳۷.



چون در خانه‌ها کسی باقی نماند به دکان‌ها و مساجد رفتند و هر که بود، حتی گروهی که در حال رکوع و سجود بودند، کشتند. کتاب‌ها را که در میان آنها تعدادی مصحف شریف (قرآن) و نسخه‌هایی از صحیح بخاری و مسلم (از معتبرترین کتاب‌های حدیثی در نزد اهل سنت) و دیگر کتب حدیث و فقه بود در کوچه و بازار افکندند و آنها را پایمال کردند. این واقعه در سال ۱۲۱۷ ه. ق اتفاق افتاد.<sup>۱</sup>

وهابیان پس از قتل عام طائف، نامه‌ای به علمای مکه نوشته و آنان را به آیین خویش دعوت کردند. سپس صبر کردند تا ایام حج منقضی شد و حاجیان از مکه بیرون رفتند، آنگاه قصد مکه نمودند.

به نوشته شاه فضل رسول قادری (هندی)، علمای مکه در کنار کعبه گرد آمدند تا به نامه وهابیان نجد پاسخ گویند، در حین گفت‌وگو و مشاوره آنان، ناگهان جمعی از ستمدیدگان طائف داخل مسجدالحرام شدند و آنچه را بر آنان گذشته بود، بیان داشتند و در میان مردم شایع شد که وهابیان به مکه آمده و کشتار خواهند کرد.

مردم مکه سخت در وحشت و اضطراب افتادند. علما اطراف منبر (در مسجدالحرام) جمع شدند. ابوحامد خطیب به منبر رفت و نامه وهابیان و جواب علما در رد عقاید آنان را قرائت کرد. آنگاه خطاب به علما و قضات و ارباب فتوا گفت: گفتار نجدیان را شنیدید و عقایدشان را دانستید. درباره آنان چه می‌گویید؟ همه علما و مفتیان اهل سنت، از مکه و سایر که برای ادای مناسک حج آمده بودند، به کفر وهابیان حکم کردند و بر امیر مکه واجب دانستند به مقابله با آنان بشتابند و افزودند که بر مسلمین واجب است او را یاری کنند و با وی در جهاد شرکت نمایند و هرکس بدون عذر، تخلف کند، گنهکار بوده و هرکس در این راه شرکت کند مجاهد و در صورت کشته شدن شهید خواهد بود. در این امر، اتفاق نظر بود و فتوای مزبور را نوشتند و همه مهر کردند...<sup>۲</sup>

۱. الفجر الصادق، ص ۲۲.

۲. سیف الجبار المسلول علی الاعداء، شاه فضل رسول قادری، استانبول ۱۳۹۵ ه. ق، ص ۲ به بعد.





محمد بن عبدالوهاب به مرض بدی دچار گردید و به همان مرض در سال ۱۲۰۶ ه. ق. در ۹۱ سالگی از دنیا رفت.

فعالیت محمد بن عبدالوهاب تا زمان مرگش هم در قلمرو دین و هم در قلمرو سیاست ادامه داشت. اغلب نوشته‌های او کوتاه و همراه با آیات قرآنی و احادیث است. اثر عمده وی کتاب التوحید است که چندین بار تجدید چاپ شده است و در بردارنده تعلیمات وی مطابق اصول مذهب حنبلی است. کتاب الاصول الثلاثة کتاب دیگری است که وی به درخواست امیر عبدالعزیز تألیف کرد. در واقع نوعی رساله شرعیات رسمی است.

### مشهورترین عالمان مخالف وهابیت

سلیمان بن سحیم حنبلی نجدی؛ وی فقیه و اهل ریاض بود.

سلیمان بن عبدالوهاب تمیمی نجدی (م. ۱۲۰۸ ه. ق)؛ وی برادر تنی او است که از دانش بالاتری نسبت به وی برخوردار بود.

محمد بن عبدالرحمن بن عفالق حنبلی احسائی؛ از علمای بزرگ حنبلی و فقیه فاضلی است.

عبدالله المویس؛ فقیه اهالی حرمه در نجد است و از بزرگترین شیوخ اهل نجد است.

عبدالله بن محمد بن عبداللطیف احسائی؛ یکی از اساتید او و از سرسخت‌ترین مخالفان مسلک وی است. و کتابی با نام «سیف الجهاد لمدعی الاجتهاد» نوشت.



## بن باز

یکی از علمای وهابیت، که نقش مهمی در احیای تفکرات ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم جوزیه و محمد بن عبدالوهاب داشته، عبدالعزیز بن باز است که نزد وهابیان به مفتی اعظم، مشهور است.<sup>۱</sup>



۱. برای مطالعه بیشتر درباره او ر.ک: البانی و بن باز، علی اصغر رضوانی، پژوهشکده حج و زیارت.



## زندگی‌نامه

### کودکی

عبدالعزیز بن عبدالله بن عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله بن باز در ۲۱ نوامبر ۱۹۱۰ میلادی برابر با چهاردهم ذی حجه ۱۳۳۰ هـ. ق در شهر ریاض عربستان سعودی به دنیا آمد. در ۱۹۱۳ میلادی، پدرش باز بن عبدالله و در ۱۹۲۱ م مادرش حفصه بنت سمیح درگذشتند. سال ۱۹۳۶ م عبدالعزیز بن باز، بینایی خود را از دست داد.

### استادان و تحصیلات

بن باز بعد از مدتی قرآن را حفظ کرد و نزد سعد وقاص بخاری، تجوید قرآن را آموخت و علوم شریعت را از مشاهیر علمای نجد مانند شیخ محمد بن عبداللطیف بن حسن الشیخ، شیخ صالح بن عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن، حسین آل الشیخ و الشیخ سعد بن حمد آل الشیخ فرا گرفت که از این میان، بیشترین استفاده علمی را از محمود بن ابراهیم بن عبداللطیف الشیخ برده است.

بن باز که صرف شاگردی نزد اساتید را نوعی فریب نفس می‌دانست، عزم خود را راسخ کرد و تلاش تحقیقی خود را درباره مهم‌ترین کتب اهل سنت با جدیت تمام ادامه داد.

بن باز استادانش را چنین فهرست کرده است:

۱. شیخ محمد بن عبداللطیف بن عبدالرحمن بن حسن بن شیخ محمد بن عبدالوهاب؛

۲. شیخ صالح بن عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن حسین بن شیخ محمد بن عبدالوهاب (قاضی ریاض)؛

۳. شیخ سعد بن حمد بن عتیق (قاضی ریاض)؛



۴. شیخ حمد بن فارس (وکیل بیت المال در ریاض)؛
۵. شیخ سعد وقاص بخاری (از علمای مکه مکرمه)؛
۶. شیخ محمد بن ابراهیم بن عبداللطیف آل‌الشیخ. بن باز حدود ده سال در مجالس و حلقات درس وی حضور یافت و همه علوم شرعی را از ابتدای سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۷ ق، از او فرا گرفت و از سوی وی برای قضا پیشنهاد شد.

### مناصب

بن باز مسئولیت‌ها و مناصب حکومتی مختلفی داشته است که برخی از آنان عبارت‌اند از:

۱. قضاوت در منطقه «الخرج» به مدت چهارده سال و چند ماه، بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱ ه. ق، که زمان تعیین وی به قضاوت، جمادی‌الآخر سال ۱۳۵۷ ه. ق بوده است.
۲. تدریس در دانشکده و آکادمی علوم ریاض از ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ ه. ق در علوم فقه توحید و حدیث.
۳. نایب‌رئیس دانشگاه اسلامی مدینه منوره از ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ ه. ق.
۴. ریاست دانشگاه اسلامی مدینه از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ ه. ق، بعد از وفات رئیس دانشگاه، شیخ محمد بن ابراهیم آل‌الشیخ در رمضان ۱۳۸۹ ه. ق.
۵. رئیس کل ادارات پژوهش‌های علمی و فتوا و تبلیغ و ارشاد با حکم پادشاه در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ ه. ق که این منصب تا سال ۱۴۱۴ ه. ق ادامه داشت. گفتنی است که این منصب، هم‌رتبه وزیر است.
۶. مفتی اعظم عربستان و رئیس هیئت بزرگان علمای اسلامی. وی ریاست اداره پژوهش‌های زیادی را هم در مجالس علمی و اسلامی دیگری بر عهده داشت که عبارت‌اند از:  
- رئیس هیئت بزرگان علمای اسلامی (هیئت کبار العلماء):



این هیئت، عالی ترین هسته صدور فتوا در عربستان سعودی است. این هیئت، متشکل از بیست عالم دینی است که پیرو مذهب حنبلی با قرائت ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب هستند، این تشکل سوابقی دیرینه دارد. پس از آنکه دولت سوم سعودی که عبدالعزیز بن عبدالرحمان الفصیل آل سعود آن را تشکیل داد، هیئت کبار علما از نظر اداری و فنی گسترش پیدا کرد و تشکیلات آن در داخل و خارج از کشور قوت یافت. در ۱۳۹۱ ه. ق شیخ ابراهیم بن محمد آل الشیخ به ریاست هیئت فوق الذکر منصوب شد و این هسته به «ادارات تحقیقات علمی و الافتاء» تغییر نام داد. شیخ محمد بن آل ابراهیم آل الشیخ در ۱۳۹۵ ه. ق، «وزیر عدل» شد.

پس از او شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز به ریاست تشکیلات فوق الذکر منصوب گردید و هسته مزبور به «دبیرخانه ادارات تحقیقات علمی و فتوا و تبلیغات و ارشاد» تغییر نام داد.

اهداف هیئت رئیسه دارالافتاء.

الف) تبیین احکام شریعت اسلامی طبق رهنمودهای ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب.

ب) بالابردن بینش علمی اعتقادات مسلمین و حفاظت از ارزش های اسلامی و محافظت مسلمانان در مقابل گرایش های فکری و محقق ساختن وحدت اسلامی و دعوت نمودن غیرمسلمانان به دین اسلام.

ج) آگاهی حجاج و توجیه آنها در خصوص مناسک حج عمره.

د) ابراز جایگاه پادشاهی سعودی.

ه) مهیامودن وسائل برای ارتقای علمی.

- عضو و رئیس هیئت مؤسس سازمان «الرابطة العالم الاسلامي».

سازمان رابطه العالم الاسلامی، در واقع از پر قدرت ترین سازمان های فرهنگی -



مذهبی و ارگان تبلیغی فرقه وهابیت در عربستان است.

این سازمان را ملک سعود به موجب مصوبه صادره از کنفرانس اسلامی تأسیس کرد. اولین کنفرانس در ۱۳۷۴ ه. ق، برای بررسی اوضاع مسلمین و مشکلات آنان در مکه برگزار شد. مقر این سازمان در مکه مکرمه است.

شورای هیئت رئیسه و مؤسسان «رابطة العالم الاسلامی» در ذی حجه ۱۳۸۴ ه. ق در جلسه‌ای عمومی با حضور اعضای هیئت رئیسه و مؤسسان، آیین‌نامه‌ای را تدوین کرد که به شرح ذیل می‌باشد:

«رابطة العالم الاسلامی، مؤسسه مردمی، مستقل و غیردولتی است که برای جذب نیروهای صالح، فراوان می‌کوشد تا بتواند با اندیشه‌های خارجی و نیروهای مخالف اسلام مبارزه کند. همچنین این مؤسسه، تبلیغ رسالت اسلام و اشاعه آن را در سرلوحه اقدامات خود قرار می‌دهد تا بتواند توطئه‌هایی را که قصد سرکوب عقیده مردم، و ایجاد تفرقه میان مسلمان را دارند، از بین ببرند. برای این منظور از همه دولت‌ها و مؤسسات اسلامی درخواست کمک و همکاری دارد تا بتواند به این اهداف دست یابد. به همین دلیل، همه اعضای سازمان متعهد می‌شوند که تمام ضوابط را اجرا کنند تا بتوانند موانعی را که در راه تأسیس است، از میان بردارند.»

- رئیس کمیسیون دائمی پژوهش‌های علمی و فتوا در هیئت بزرگان علمای اسلامی.

- ریاست مجمع عالی بین‌المللی مساجد.

مجمع مذکور بنا بر تصویب کنفرانس سمینار رسالت مسجد و در سال ۱۳۹۵ ه. ق، به دعوت رابطة العالم الاسلامی بر پا شد. این شورا با ۵۳ نفر از شخصیت‌های مذهبی به نمایندگی از ۴۵ کشور، موجودیت یافت. اعضای این شورا در حال حاضر شصت نفرند که نماینده ملت‌ها و تجمعات اسلامی جهان‌اند. از این تعداد، ۲۶ عضو دائم که



هیئت مؤسس‌اند و ۳۴ تن، اعضای هستند که هیئت مؤسس آنها را انتخاب می‌کنند. این انتخاب هر سه سال یکبار صورت می‌گیرد.

اهداف این شورا عبارت است از: تدوین نظر عمومی اسلام در موضوعات مختلف در چارچوب کتاب و سنت احیای رسالت مسجد، حمایت از مساجد در مقابل تجاوز و تصرف غاصبان، نگهبانی از اوقاف اسلامی، دفاع از حقوق تجمعات اسلامی، فعال کردن تبلیغ اسلام و دفاع از آزادی نشر اسلام.

- ریاست مجمع فقهی اسلامی که زیرمجموعه سازمان «الرابطه للعالم الاسلامی» است.

مجمع مذکور با تصویب شورای مؤسس در ۱۳۹۸ ه. ق. تأسیس شد. محل اصلی این مجمع در شهر جدّه عربستان است و اعضای این شورا مرکب‌اند از: رئیس، نایب‌رئیس و بیست عضو از علما و فقها. از اهداف مجمع، تحقیق درباره مسائل مستحدثه‌ای است که برای جهان اسلام و مسلمین پیش می‌آید و بیان حکم دین درباره آنها.

- عضو هیئت‌مدیره دانشگاه اسلامی مدینه منوره.

- عضو هیئت عالی تبلیغ اسلامی در مملکت سعودی.

بن باز از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱ ه. ق.، قاضی شهر خَرج بود. سال ۱۳۷۱ ه. ق.، ریاست مؤسسه علوم شریعت ریاض را بر عهده گرفت. در ۱۳۸۱ ه. ق. به عنوان رئیس دانشگاه اسلامی مدینه برگزیده شد. سال ۱۴۱۴ ه. ق. به عنوان مفتی بزرگ عربستان سعودی به مجلس علما معرفی گردید و ریاست آن مجلس را بر عهده گرفت.

### جایگاه بن باز نزد وهابیان

وهابیان، از وی به عنوان عالم جلیل‌القدر، شیخ‌الاسلام والمسلمین مفتی اول داخل و خارج کشور، علامه و محدث فقیه یاد می‌کنند و می‌گویند: بن باز، مرجع علما بود و





هرگاه برای علما مشکلات علمی پیش می‌آمد، برای برطرف کردن نزد او می‌رفتند. مسجد جامعی به نام او در ظهران عربستان وجود دارد. در ۱۴۰۲ ه. ق، ملک فیصل و در ۱۴۱۲ ملک فهد از او برای خدماتش به وهابیت قدردانی کردند.



گفتنی است پایان‌نامه «نقد و بررسی دیدگاه‌های سلفی بن باز»، پژوهش پایانی «ابراهیم قاسمی»، برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب قم است، که در تابستان ۱۳۹۰ دفاع شده و استاد راهنمای آن «حجت‌الاسلام دکتر حمید ملک مکان» و استاد مشاور آن «حجت‌الاسلام دکتر مصطفی سلطانی» است و به بررسی و نقد فتاوی سلفی بن باز در موضوعاتی چون توحید و شرک، تأویل و تجسیم، استغاثه و توسل، شفاعت و بدعت و بحث قبور می‌پردازد.



### تألیفات

بیش از شصت کتاب و ده‌ها مقاله از عبدالعزیز بن باز در زمینه تفسیر، حدیث، فقه و احکام و غیره به جای مانده است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم: ۶۷ کتاب از سخنرانی‌های وی در زمینه‌های حدیث، تفسیر، فرائض، توحید، فقه و احکام عملی باقی مانده است. از جمله آنها کتاب برهان‌های نقلی و برهان‌های تجربی و علمی در اثبات حرکت خورشید و ساکن بودن زمین.





## مرگ بن باز

شیخ عبدالعزیز بن باز در روز پنجشنبه، سیزدهم مه ۱۹۹۹ (یازدهم محرم ۱۴۲۰ هـ. ق.) در سن نودسالگی مرد. ملک فهد و ولیعهد عبدالله بن عبدالعزیز، در مسجدالحرام مکه بر جنازه او نماز خواندند.

## باورها و فتاوی قرون وسطایی

### اعتقادات عجیب درباره خدا و ملائکه

خدای صاحب اعضا مورد باور بن باز

بن باز، مفتی وهابی، در صفحه ۶۱ از جلد سوم کتاب «مجموعه فتاوی» می‌گوید: اهل السنه لاینفون عن الله الا مانفاه عن نفسه؛ «اهل سنت (البته خودش را اهل سنت می‌داند) از خدا چیزی را نفی نمی‌کند؛ مگر آن چیزی را که خودش از خودش نفی کرده است».

سپس می‌گوید: «صابونی که خداوند هدایتش کند، گفته است: «تتزيه الله سبحانه عن الجسم والحدقة والساخ واللسان والحنجرة»؛ «خداوند منزه است از اینکه جسم و چشم و بینی و زبان و حنجره داشته باشد».

بن باز در ادامه سخن صابونی می‌گوید: «وهذا ليس بمذهب اهل السنه بل هو من اقوال اهل الكلام المذموم»؛ «این سخنان اهل سنت نیست، بلکه از سخنان اهل کلام مورد مذمت است». او در ادامه پس از ذکر سخنی از امام بیهقی، می‌گوید: «این از جمله سخنان اهل بدعت است، نه سخن اهل سنت».

نتیجه اینکه، در این دو مورد، بن باز هم خدا را جسم می‌داند و هم منکران جسمیت خداوند (امامان صابونی و بیهقی) را اهل بدعت و مخالف اهل سنت می‌پندارد.



# مَجْمُوعَةُ فِتَاوِي

## وَمَقَالَاتٍ مُتَوَحَّاتٍ

تأليف الفقير الذاك عفتو ربه

عبد العزيز بن محمد الشاذلي بن عبد الرحمن بن باز

التوحيد وما يلحق به

الجزء الثالث

جميع واشراك

د. محمد بن سعيد الشويقر

مكتبة الرضا للتحقيق

مكتبة إمامة البحوث العلمية والإفتاء  
الرياض - مكتبة العربية السعودية

دار القاسم للنشر  
الرياض : ١٤٤٢ هـ - ص ١٠٧٣  
٥ : ٤٧٧٥٣٩٩ - الفاكس : ٤٧٧٤٣٣٢

<http://salafi-vahabi.blogspot.com/>



أهل السنة رحمة الله عليهم وإنما يفوض أهل السنة إلى الله سبحانه علم الكيفية لا علم المعاني كما سبق إيضاح ذلك.

**أهل السنة لا يتفون عن الله إلا ما نفاه عن نفسه:**

٩ - ثم ذكر الصابوني - هداه الله - تنزيه الله سبحانه عن الجسم والحدقة والصماخ واللسان والحنجرة، وهذا ليس بمذهب أهل السنة بل هو من أقوال أهل الكلام المذموم وتكلفهم، فإن أهل السنة لا يتفون عن الله إلا ما نفاه عن نفسه أو نفاه رسوله ﷺ ولا يشتون له إلا ما أثبتته لنفسه أو أثبتته له رسوله ﷺ ولم يرد في النصوص نفي هذه الأمور ولا إثباتها فالواجب الكف عنها وعدم التعرض لها لا بنفي ولا إثبات. ويغني عن ذلك قول أهل السنة في إثبات صفات الله وأسمائه أنه لا يشابه فيها خلقه وأنه سبحانه لا ند له ولا كفوله. قال الإمام أحمد رحمه الله: (لا يوصف الله إلا بما وصف به نفسه أو وصفه به رسوله ﷺ لا يتجاوز القرآن والحديث).

وهذا هو معنى كلام غيره من أئمة السنة وأما ما وقع في كلام البيهقي رحمه الله في كتابه: (الاعتقاد) من هذه الأمور فهو مما دخل عليه من كلام المتكلمين وتكلفهم، فراج عليه واعتقد صحته، والحق أنه من كلام أهل البدع لا من كلام أهل السنة.

**أهل السنة يشتون لله عز وجل ما أثبتته لنفسه دون أن يشبهوه بخلقه:**

١٠ - ثم قال الصابوني في مقاله الثاني ما نصه: (أما ما يتخيلُه بعض الجهلة من أدعياء العلم اليوم الذين يصورون الله بصورة غريبة عجيبة ويعملون الله تعالى كأنه جسم مركب من أعضاء وحواس له وجه ويدان وعينان وله ساق وأصابع وهو يمشي وينزل ويهرول، ويقولون في تقرير هذه

<http://salafi-vahabi.blogfa.com/>



### خدای پنج‌انگشتی

بن باز (مفتی وهابی) بر این اعتقاد است که خداوند، پنج انگشت دارد.<sup>۱</sup>

### عمل پسندیده بوسیدن قرآن را ترک کنید

وی در پاسخ به پرسشی درباره بوسیدن قرآن می‌گوید: «هرچند برخی اصحاب (رضی الله عنهم) قرآن را می‌بوسیده‌اند؛ بوسیدن قرآن، دلیل شرعی ندارد و باید این کار را ترک کنیم!»<sup>۲</sup>

### دستور تخریب حرم نبوی

در سایت رسمی بن باز، در قسمت «نور علی الدرب» سؤالی با عنوان حکم القباب علی القبور و شبهة قبة التي علی قبر الرسول (حکم وجود گنبد بر قبرها و گنبد ساخته شده بر قبر رسول الله ﷺ) پرسیده شده است.



۱. مسائل الامام، ابن باز.

۲. مجموع فتاوی و مقالات متنوعه.



بن باز در جواب این سؤال، فتوا داده: «اما در مورد گنبدی که روی قبر پیامبر است، باید گفت: این گنبد در قرون متأخر و به دست حاکمان نادان ساخته شده است و اگر از بین برود، اشکالی ندارد؛ بلکه حق آن است که این گنبد نابود شود».

بن باز جایی دیگر گفته بود: چهل سال در مدینه مسجدالنبی نماز خواندم؛ ولی هنوز به پیامبر سلام نداده‌ام...».

### جدال با آیت الله حکیم

مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم رحمته الله علیه که مرجع شیعیان و زعیم حوزه علمیه نجف بود، در سفری که به عربستان داشت، در جلسه‌ای با «بن باز» مفتی آن روز عربستان مواجه شد.

بن باز، ظاهراً به دیدن آقای حکیم رفته بود؛ ولی در واقع قصد داشت با ایشان جدال، و افکار و هابییگری خود را مطرح کند. در این جلسه، بن باز از آیت الله حکیم پرسید: «شما شیعیان چرا به ظواهر قرآن عمل نمی‌کنید؟ آیت الله حکیم در جواب گفتند: «این دیدار جای چنین صحبت‌هایی نیست. بگذارید به احوالپرسی بپردازم».

بن باز سماجت کرد و خواستار دریافت جواب شد. آیت الله حکیم، ناچار به بن باز گفتند: «اگر قرار باشد به ظاهر قرآن تکیه کنیم و همان را معیار عمل به آن قرار دهیم، باید معتقد شویم که شما به جهنم خواهید رفت!»

بن باز، با تعجب پرسید: «چرا؟ آیت الله حکیم گفتند:

چون قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾؛ «کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا باشد، در جهان آخرت هم نابینا و گمراه‌تر خواهد بود.» (اسراء: ۷۲) و شما که از دو چشم نابینا هستید. طبق ظاهر این آیه باید در آخرت هم نابینا باشید و در زمره گمراهان که اهل جهنم‌اند، قرار بگیرید. بنابراین، ظاهر بسیاری از آیات قرآن مقصود نیست!



### شدت بغض به امیرالمؤمنین علیه السلام

بن باز گفته بود که اگر قرار است حضرت علی چشم‌هایم را شفا دهد، اصلاً نمی‌خواهم این چشم‌ها بینا شود.

بن باز جمله مشهور خلیفه دوم (حسبنا کتاب الله) را چنین نقض می‌کند: شکی نیست که سنت مطهر پیغمبر، اصل دوم دین اسلام به‌شمار می‌رود! و همانا عظمت و مکانت سنت پیغمبر در بالاترین رتبه بعد از قرآن کریم است به‌اجماع اهل علم! و سنت پیغمبر حجت پابرجا و استوار و خودکفایی بر جمیع مسلمانان است!

پس هرکسی که سنت را پس بزند یا آن را انکار کند یا اصلاً فکر کند که می‌تواند از آن اعراض، فقط به قرآن اکتفا کند. بلاشک او به گمراهی بعید و به بزرگ‌ترین کفر مبتلا شده! و اصلاً به سبب این گفته‌اش او مرتد از اسلام است! زیرا او با این سخنش و با این طرز فکر خود، خدا و رسول را دروغ‌گو می‌داند و به آن دستوراتی که خدا و رسولش به او داده‌اند، دهن‌کجی می‌کند و اصلاً یکی از بزرگ‌ترین اصول دین را منکر می‌شود که خدا دستور به التزام به آن اصل را داده و گفته است به آن اصل اعتماد کنید و دین را از آن بگیرید.<sup>۱</sup>

سب بعضی از اصحاب کفر نمی‌آورد!

بن باز در تعلیقاتی که بر کتاب صحیح بخاری داشته، گفته است: «اگر کسی، تمام صحابه را سب یا عیب‌جویی کند، کافر است؛ اما اگر فقط بعضی اصحاب را سب کند، کافر نمی‌شود».<sup>۲</sup>

۱. مجموع فتاوی‌العلامة عبدالعزیز بن باز، ج ۸، ص ۱۳۲.

۲. التعلیقات البازیة، علی صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۷۲.





## توهین به همه برای اثبات وهابیت

در سایت مفتی اعظم وهابیت عربستان، بن باز، فتوایی هست که معنای وهابیت را از دید ایشان شرح می‌دهد. خلاصه ترجمه این فتوا را در ذیل می‌آوریم.

سؤال: جناب شیخ! برخی مردم، علمای عربستان سعودی را وهابی می‌نامند. از این نام‌گذاری خوشحال هستید؟

بن باز: بله، این لقب مشهوری است برای علمای معتقد به توحید که منسوب به امام محمد بن عبدالوهاب هستند، که در نیمه دوم قرن دوازدهم مردم را به خدا خواند. ایشان برای مردم، توحید و شرک را بیان، و خدا به وسیله او توحید را بیان کرد و مردم داخل به توحید شدند (یعنی مردم عربستان که سنی بودند تا نیمه دوم قرن دوازدهم مشرک بودند و با آمدن محمد بن عبدالوهاب موحد شدند). فایده عظیمی به مسلمانان جزیره العرب رسید. هرکس طرفدارش باشد، به او وهابی می‌گویند. این نسبت به شیخ امام محمد بن عبدالوهاب است نه وهاب بن رستم، و این، لقب شریف و نجیبی است. [او] برای مردم عربستان، معنای «لا اله الا الله» را بیان کرد (یعنی مردم سنی عربستان قبل از آمدن عبدالوهاب مشرک بودند)؛ در عینینه نزدیک ریاض، مردم را به توحید فراخواند (یعنی قبل از آن، مردم سنی مذهب ریاض مشرک بودند) و در درعیه، اسلام را گسترش داد. آنجا اسلام گسترش پیدا کرد (یعنی قبل از آن، مردم سنی مذهب درعیه مسلمان نبودند). گنبد های روی قبرها خراب شد و توحید بین مردم پخش شد و مردم معنی حقیقی «لا اله الا الله» را فهمیدند (یعنی معنی «لا اله الا الله» خراب کردن گنبد مردم سنی ریاض بوده است و معنای «لا اله الا الله» این نیست که فقط الله را بپرستیم) و لقب وهابیت لقب معروف و شریفی است... .

## حرمت ازدواج با شیعیان نامسلمان!

بن باز به خاطر خوش خدمتی، مورد توجه ملک فهد بود. از خوش خدمتی های او صدور فتوای ضد شیعی وی بود. او از علمای وهابی است که حکم کافر بودن شیعیان



را صادر کرد که به دنبال این حکم، تا به حال شاهد کشتار بسیاری از شیعیان جهان به دست پیروان بن باز، یعنی وهابیت تندرو، هستیم.

هیئت عالی افتای سعودی به سؤالی درباره ارتباط و رفت و آمد و ازدواج با شیعیانی که هنگام بلندشدن از زمین «یاعلی و یاحسین» می‌گویند، چنین فتوا صادر کردند:

اگر واقعیت چنین است که آنها علی و حسن و حسین علیهم‌السلام و مانند آنها را می‌خوانند، در این صورت آنها مشرک‌اند و دچار شرک اکبر شده‌اند که از دین اسلام خارج‌اند؛ پس ازدواج زنان مسلمان ما با آنها و ازدواج زنان آنها با ما حلال نیست و خوردن گوشتی که آنها ذبح کرده‌اند نیز بر ما حلال نیست.

این فتوا به امضای چهارتن از اعضای هیئت عالی سعودی رسید، که رئیس هیئت، عبدالعزیز بن عبدالله بن باز بود.



وی در کتابی که با حمایت حاکمان مکه و مدینه در همین سال‌های اخیر به نام «مسألة التقریب» منتشر شد، اولین پیش شرط وحدت و تقریب با شیعه را اثبات مسلمان بودن شیعه دانسته است!<sup>۱</sup>

۱. کتاب «مسألة التقریب بین أهل السنة والشیعة»، رساله فوق لیسانس دکتر قفاری است که اخیراً در کشور سعودی، بارها چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر به ج ۲، ص ۲۵۳، از چاپ پنجم این کتاب مراجعه شود.



مفتی اعظم عربستان، در کتاب «نواقض الإسلام» کفر شیعیان را اثبات می‌کند و دلایلی را که موجب کفر می‌شود، با نام «نواقض» مطرح، و بیان می‌کند: دومین ناقض که انسان را از اسلام بیرون می‌کند، این است که کسی که بین خود و خدا واسطه قرار دهد و از آن واسطه، چیزی بخواهد، شفاعت بطلبد و به آنها توکل کند، چنین افرادی به اجماع علما و دانشمندان اسلام، کافر هستند.<sup>۱</sup>

### دشمن وحدت شیعه و سنی

از مفتی اعظم عربستان شیخ عبدالعزیز بن باز استفتاء شده است که نظر شما درباره تقریب میان شیعه و اهل سنت چیست؟

وی اختلاف عقیده میان شیعه و اهل سنت را چنین ترسیم کرده است: تقریب میان شیعه و اهل سنت، ممکن نیست؛ زیرا عقاید این دو باهمدیگر سازگاری ندارد و هم‌بستگی میان آنان امکان‌پذیر نیست؛ چنان‌که نمی‌شود اهل سنت با یهود، نصارا و بت‌پرستان در یک‌جا گرد هم جمع شوند. همچنین به دلیل اختلاف اعتقادی‌ای که میان شیعه و اهل سنت هست، تقریب میان آنان امکان‌پذیر نیست.<sup>۲</sup>

عبدالعزیز قاری از علمای بزرگ مدینه منوره، رسماً اعلام کرد که ما امروز در برابر دشمن مشترکی هستیم که سه زاویه دارد: آمریکا، یهود و روافض (شیعه)، و حوادث عراق و لبنان ثابت کرد که هدف اصلی این دشمنان، اهل سنت و جماعت‌اند و ما باید در برابر این دشمنان متحد باشیم. تا آنجا که وی می‌گوید: کسانی که باور دارند اهل سنت، یک مذهب است، باید بکوشند اعتقاد به مذاهب اربعه را از محدوده اهل سنت و جماعت خارج کنند؛ وگرنه این مذاهب چهارگانه فقهی، وسیله انحراف جامعه خواهد بود.<sup>۳</sup>

۱. نواقض الإسلام، عبدالعزیز بن باز، ص ۲: الثاني «من جعل بينه وبين الله وسائط يدعوهوم و يسألهم الشفاعة و يتوكل عليهم فقد كفر إجماعاً».

۲. مجموع فتاوا و مقالات بن باز، ج ۵، ص ۱۵۶.

۳. جريدة الرسالة، جمعة ۷ رجب ۱۴۲۶.



## مجموعه فتواها درباره ممنوع بودن زیارت

### مراسم بزرگداشت انبیا و اولیا ممنوع

رئیس (بن باز) و هیئت دائم افتای سعودی، در پاسخ به پرسشی درباره برپایی مراسم مولودی و سوگواری برای پیامبران و صالحان و همچنین مراسم بزرگداشت آنها، چنین فتوا داده‌اند:

برپایی مراسم جشن برای انبیا و صالحان که از دنیا رفته‌اند، جایز نیست. همچنین زنده داشتن یاد آنان در ایام ولادت و برداشتن علم‌ها و قراردادن چراغ‌ها و شمع‌ها روی قبر آنان و ساختن قبه‌ها و مساجد روی ضریح‌های آنان یا پوشاندن روی آنها یا مثل این اعمال جایز نیست؛ زیرا تمام آنچه که ذکر شد، از بدعت‌هایی است که در دین پدید آمده و از وسایل شرک است؛ چون پیامبر ﷺ و انبیا و صالحان گذشته، این کارها را انجام ندادند، و همچنین صحابه با پیامبر ﷺ و هیچ‌یک از ائمه مسلمین، در آن سه قرن که پیامبر ﷺ گواهی داده که بهترین قرن‌ها بعد از او است، [این کار را] درباره هیچ‌یک از اولیا و صالحان انجام ندادند.<sup>۱</sup>

### دلیل منع زیارت قبور توسط زنان

مفتی معروف وهابی (عبدالعزیز بن باز) در پاسخ به فتوایی در مورد زیارت قبور برای زنان با استدلال به روایتی ضعیف، زنان را از زیارت قبور منع می‌کند.

۱. فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، دویش، ج ۴، ص ۲۶۹. «لابجوز الاحتفال بمن مات من الأنبياء والصالحين ولا إحياء ذكراهم بالموائد ورفع الأعلام، ولا بوضع السرج والشموع علي قبورهم، ولا ببناء القباب والمساجد علي أضرحتهم أو كسوتها أو نحو ذلك؛ لأن جميع ما ذكر من البدع المحدثه في الدين، ومن وسائل الشرك، فإن النبي صلي الله عليه وسلم لم يفعل ذلك بمن سبقه من الأنبياء والصالحين ولا فعله الصحابة رضی الله عنهم بالنبي صلي الله عليه وسلم، ولا أحد من أئمة المسلمين في القرون الثلاثة التي شهد لها صلي الله عليه وسلم بأنها خير القرون من بعده بأحد من الأولياء والصالحين أو الملوك أو الحكام.»



جواب: ثبت عن رسول الله عليه الصلاة والسلام أنه لعن زائرات القبور من حديث ابن عباس ومن حديث أبي هريرة ومن حديث حسان بن ثابت الأنصاري رضي الله عنهم جميعا...؛ از رسول الله رسیده است که ایشان، زنان زیارت کننده قبور را لعن کرده‌اند. سپس روایاتی را نقل می‌کند که البانی ضعیف دانسته است و در ادامه می‌گوید: وأخذ العلماء من ذلك أن الزيارة للنساء محرمة؛ علما با استدلال به این روایات، زیارت قبور برای زن‌ها را حرام اعلام کرده‌اند (با احادیث ضعیف).

نکته جالب اینکه: البانی (مفتی دیگر وهابی سلفی) در صفحه ۳۹۳ از جلد اول کتاب «سلسلة احاديث الضعيفه والموضوعه» احادیث ضعیف را معرفی کرده، این روایت را ضعیف دانسته است و آن را رد می‌کند.

همچنین البانی در صفحه ۲۱۱ و ۲۱۲ کتاب دیگرش به نام «ارواء الغلیل»، این حدیث را ضعیف معرفی کرده است.

۷۶۱. قول ابن عباس لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم زائرات القبور والمتخذين عليها المساجد والسرج (رواه أبوداود والنسائي): ضعیف.

### دیگر فتاوا و موضع گیری‌های عجیب

از دیگر فتواهای قرون وسطایی بن باز این بود که گفته بود: «هرکس بگوید خورشید ثابت است و زمین می‌چرخد، کافر شمرده می‌شود (و می‌توان او را کشت)».

بن باز در طول عمر خود فتواهای جنجالی و متناقض زیادی صادر کرده است. او حضور کفار در سرزمین عربستان را حرام می‌دانست؛ ولی در جنگ خلیج فارس علیه عراق، حضور کفار را برای نجات بلاد لازم شمرد. او با اینکه حنبلی، و از پیروان محمد بن عبدالوهاب و معتقد به دعوت سلفیه است، اسامه بن لادن را خارجی و مرتد اعلام کرد. او شیعه را نیز کافر خوانده بود. «مجله المصور» در



صفحه پانزده شماره ۲۱۶۶ خود در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۶۶ میلادی، مطلبی را به صورت زیر منتشر کرده است:

«نایب رئیس دانشگاه اسلامی (علامه ابن باز) در آنجا مقاله ای را طی دو ماه در تمام روزنامه ها منتشر کرده است که در آن، خون هرکسی را که بگوید زمین کروی است و ساکن نیست و به دور خورشید می چرخد، حلال اعلام کرده است. او در کتاب «الادله الثقليه والحسيه على جريان الشمس والقمر وسكون الارض وامكان الصعود الى الكواكب» (دلایل نقلی و عقلی بر حرکت خورشید و ثابت بودن زمین) اعلام کرد که قرآن کریم، حدیث و آموزه های پیامبر و اکثریت دانشمندان اسلامی ثابت کرده اند که خورشید در حال چرخش، و زمین ثابت است و مخالفان این عقیده را تکفیر کرد.»

بن باز مدعی بود:

«اعتقاد به چرخیدن زمین، باطل است و کسی که به این فرضیه باور داشته باشد، کافر است؛ زیرا این فرضیه با قرآن کریم ﴿وَالْحِبَالُ أَوْتَادًا﴾ و قوله جل و علا ﴿وَالِی الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾ منافات دارد.

تفسیر روشن آیه، این است که زمین کروی نیست و نمی چرخد، و این واضح است؛ اما فقط در صورت غضب خداوند، می تواند چرخش یا حرکت داشته باشد؛ كما فی قوله سبحانه: ﴿أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ﴾ و قوله ﴿وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي﴾؛ یعنی زمین را با کوه ها، میخ کوب کرده ایم تا به حرکت در نیاید و آرامش مردم برهم نخورد.

وقد ذكر الله سبحانه أن الشمس والقمر يجريان في فلك؛ یعنی خداوند از حرکت خورشید و ماه خبر داده است، و اگر زمین نیز بر محور خود می چرخید، خداوند از آن



خبر می‌داد؛ اما خداوند از حرکت کردن زمین خبری نداده است. بسیاری از علمای دانش ستاره‌شناسی گفته‌اند که زمین می‌چرخد و خورشید ثابت است. این اقوال، کفرگویی و انکار کتاب و سنت سلف صالح است».

او در پایان کتابش، خلاصه مباحث را این‌گونه طرح می‌کند:

«... ان القول بأن الشمس ثابتة وجارية حول نفسها في آن واحد كما يقوله أكثر من العلماء الهيئة.

قول باطل مخالف للدلالة السمعية، والحسية...»<sup>۱</sup>.

«اینکه گفته شود خورشید ثابت است و در همان حال به دور خود می‌چرخد (آن‌چنان‌که علما و منجمین می‌گویند)، قولی باطل و مخالف ادله شنیده‌شده و حس‌شده می‌باشد...».

بن باز همچنین گفته است: «هنگامی که جوان بودم و چشمان قدرتمندی داشتم، با چشمانم به خورشید می‌نگریستم و حرکت خورشید را می‌دیدم. پس اگر زمین در حال حرکت باشد، چگونه ما آن را حس نمی‌کنیم و در آرامشیم؟ پس چگونه کشتی‌های بزرگ در دریاها حرکت می‌کنند و واژگون نمی‌شوند؟»

عبدالکریم بن صالح الحمید نیز در صفحات ۱۲ - ۳۲ کتابش «هدایة الحیران فی مسألة الدوران»، با دفاع از این فتوا به نقض نظریه چرخش زمین پرداخته و نوشته است: برخی علوم و فرضیه‌ها فاسد و تباهگر و ملحدانه است؛ از جمله این اعتقادات، باور به کروی بودن و چرخش زمین است... و باور به دوران زمین، خطایی بسیار بزرگ‌تر از نظریه جهش و تکامل انسان از میمون است. «کل دلیل من الكتاب والسنة علی دوران الأرض فهو تأویل باطل».

همچنین «ابن عثیمین» در صفحه ۱۵۳ از جلد سوم کتاب «مجموع فتاوی و رسائل محمد بن صالح العثیمین» به معلمان اخطار می‌دهد که از تدریس آن بخش از درس

۱. الادلة النقلية والحسية على جريان الشمس و سکون الارض، عبدالعزيز بن باز، ص ۱۷.



علوم و جغرافیا که از حرکت زمین سخن گفته می‌شود، خودداری کنند؛ زیرا این مطلب، باعث مفسده و گمراهی دانش‌آموزان است.

### خادم و غلام رژیم صهیونیستی

سال ۱۳۷۲ هـ ش و مقارن با ایامی که تلاش گسترده‌ای برای عادی‌سازی روابط برخی کشورهای اسلامی، به‌ویژه عربی با رژیم اشغالگر قدس صورت می‌گرفت، شیخ بن باز - مفتی وقت عربستان - طی مصاحبه‌ای با دکتر عبدالله الرفاعی سردبیر هفته‌نامه عربستانی «المسلمون» به پرسش‌های فراوانی پاسخ داد که مضمون این مطالب در آن ایام به‌عنوان «فتوای صلح با اسرائیل»، بازتاب گسترده‌ای در جهان اسلام داشت.

بسیاری معتقد بودند این اقدام، اولین گام در راه لغو محاصره اقتصادی رژیم اشغالگر قدس بوده و عربستان، به‌سبب سخت‌گیری‌های آمریکا مجبور به این کار شده است. عبدالعزیز بن باز در پاسخ به اولین سؤال هفته‌نامه المسلمون درباره «جواز صلح با اسرائیل» نوشت:

«در صورتی که ولی‌امر مسلمین! ضرورت و مصلحت بداند، می‌تواند با دشمن به‌طور دائم یا موقت صلح کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛ «اگر دشمنان به صلح روی آوردند، آن را بپذیر و بر خدا توکل کن. او می‌شنود و می‌داند».

پیامبر خدا ﷺ این عمل را انجام داد و با اهل مکه مصالحه کرد، به مدت ده سال جنگ را ترک کرد. تا از این طریق جان مردم را حفظ، و از خونریزی جلوگیری کند. پیامبر با بسیاری از قبایل عرب صلح کرد؛ ولی زمانی که خداوند به دست او مکه را فتح کرد، عهد خود را با اهل مکه شکست.





بن باز اضافه می‌کند: «ممکن است نیاز و مصلحت اسلام ایجاب کند که صلح دائم برقرار شود؛ ولی در صورت برطرف شدن این نیاز، صلح فسخ می‌گردد؛ چنان‌که پیامبر عمل کرد». وی در پاسخ به این سؤال هفته‌نامه المسلمون که آیا زیارت مسجدالاقصی جایز است، می‌نویسد: زیارت مسجدالاقصی و نمازگزاردن در آن، سنت است و انجام این سنت به فراهم شدن شرایط بستگی دارد. پیامبر می‌فرماید: زیارت سه مسجد واجب است: مسجدالحرام، مسجد من (مسجد مدینه) و مسجدالاقصی.

بن باز در پاسخ به پرسش المسلمون، درباره مخالفان فلسطینی سازش عرفات و رژیم صهیونیستی می‌نویسد: «به همه فلسطینی‌ها نصیحت می‌کنیم که بر سر صلح با اسرائیل باهم همکاری کنند و برای جلوگیری از خون‌ریزی و تضعیف دشمنان، که به تفرقه و اختلاف دعوت می‌کنند، باهم تعاون و همکاری داشته باشند».

شیمون پرز، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، از فتوای شیخ عبدالعزیز بن باز - مفتی عربستان - در مورد جواز صلح با اسرائیل استقبال کرد. وی طی اظهاراتی گفت: «من از این اظهارات بسیار مسئولانه که ثابت می‌کند قرآن، خواهان از خودگذشتگی و صلح است، استقبال می‌کنم!» پرز اظهار امیدواری کرد که مقامات سعودی طبق مضمون فتوا عمل کنند و تأکید ورزید که بسیاری از مسئولان دینی یهود، مسیحی و مسلمان از صلح حمایت می‌کنند. وی گفت، خوب است که حزب‌الله لبنان از مفتی سعودی تبعیت و پیروی کند!

جهان اسلام اعم از شیعه و سنی به این فتوا اعتراض علمی کردند.



## الحوار الذي أجراه رئيس تحرير جريدة "المسلمون" مع سماحته حول الصلح مع اليهود

جواز الهدنة مع الأعداء مطلقة ومؤقتة إذا رأى ولي الأمر المصلحة في ذلك

س ١ : سماحة الوالد : المنطقة تعيش اليوم مرحلة السلام وادفأفاياته ، الأمر الذي أدى كثيرا من المسلمين مما حدا ببعضهم معارضته والسعي لمواجهة الحكومات التي تدعمه عن طريق الاغتيالات أو ضرب الأهداف المدنية للأعداء ، ومنظفهم يقوم على الآتي :

أ- أن الإسلام يرفض مبدأ المهادنة .

ب- أن الإسلام يدعو لمواجهة الأعداء بغض النظر عن حال الأمة والمسلمين من ضعف أو قوة .

نرجو بيان الحق ، وكيف نتعامل مع هذا الواقع بما يكفل سلامة الدين وأهله؟

ج ١ : تجوز الهدنة مع الأعداء مطلقة ومؤقتة ، إذا رأى ولي الأمر المصلحة في ذلك؛ لقول الله سبحانه : ﴿ وَإِنْ جُنْحُوا لِسَلْمٍ فَاجْتَنِبْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴾ ولأن النبي صلى الله عليه وسلم فعلهما جميعا ، كما صالح أهل مكة على ترك الحرب عشر سنين ، وأمن فيها الناس ، وكف بعضهم عن بعض ، وصالح كثيرا من قبائل العرب صلحا مطلقا ، فلما فتح الله عليه مكة نذر إليهم عهدهم ، وأجل من لا عهد له أربعة أشهر ، كما في قول الله سبحانه : ﴿ بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ ﴾ الآية .

وبعث صلى الله عليه وسلم المنادين بذلك عام تسع من الهجرة بعد الفتح مع الصديق لما حج رضي الله عنه ، ولأن الحاجة والمصلحة الإسلامية قد تدعو إلى الهدنة المطلقة ثم قطعها عند زوال الحاجة ، كما فعل ذلك النبي صلى الله عليه وسلم ، وقد بسط العلامة ابن القيم - رحمه الله - القول في ذلك في كتابه ( أحكام أهل الذمة ) ، واختار ذلك شيخه شيخ الإسلام ابن تيمية وجماعة من أهل العلم . والله ولي التوفيق .

حوار أجراه الدكتور عبد الله الرفاعي رئيس تحرير جريدة "المسلمون" مع سماحة الشيخ حفظه الله ، ونشر نص الحوار في العدد ( 516 ) بتاريخ 21 / 7 / 1415 هـ .

- إدارة الموقع
- إرث الشيخ
- مسائل وقضايا
- مؤلفات
- تجيبات
- مع الشيخ
- سيرة المسيرة
- سيرة الشيخ
- قائلا عن الشيخ
- ردود الشيخ
- فهارس
- أبيات
- أحداث
- إرشاد الزوار
- تعرف على الموقع
- خريطة الموقع
- انضم لقائمة البريد
- إرسال الملاحظات
- الاتصال بالشرف

بحث

### خاطره‌ای درباره توسل

خاطره از زبان استاد جعفر الهادی است. حدود چهارسال پیش از مرگ بن باز، همراه تعدادی از علمای قم مانند آقایان واعظزاده خراسانی، حسن زمانی و آخوند رهبر (از روحانیون اهل سنت استان گلستان)، از بن باز خواستیم که با او جلسه‌ای داشته باشیم و درباره وهابیت و اتهام شرک به شیعیان، بحث کنیم. او جواب مثبت داد و با



توجه به عادی شدن روابط سیاسی ایران و عربستان، از ما استقبال کرد. ما نیز اوضاع را برای بحث، مناسب یافتیم. روز موعود در دفترش با او دیدار کردیم. او حدود ۸۶ سال سن داشت و نایبنا بود. ما خود دیدیم برخی افراد که می‌خواستند با او دیدار کنند، مانند بنده‌ای ذلیل در برابر او می‌نشستند و او روی صندلی در مقابل آنها می‌نشست. در آغاز، مقداری با او صحبت کردیم؛ که چرا شما شیعیان را مشرک می‌دانید در حالی که شیعیان و از آن میان مردم ایران، پایبند اسلام‌اند؛ فرائض اسلامی را به خوبی انجام می‌دهند و از اسلام دفاع می‌کنند و شما هر جا تشخیص دهید که اسلام نیاز به دفاع دارد، حاضرند بروند و جان‌فشانی کنند! مردم ایران و دیگر شیعیان سرزمین‌های اسلامی، به اسلام علاقه‌مندند و انسان‌هایی موحد و پرستشگر خدایند. برای او نمونه‌ای از انس و ارادت شیعیان به ارتباط با خدا را یادآور شدیم و برای مثال، به حضور پرشور آنان در مجالس شب‌های قدر و ایام اعتکاف، اشاره کردیم.

بن باز این مطالب را می‌شنید و سری تکان می‌داد و به ظاهر، اظهار تعجب می‌کرد. ما چند عنوان از کتاب‌های آیت‌الله سبحانی که در معرفی شیعه و نقش آنها در تاریخ بود، به بن باز اهدا کردیم و او نیز در مقابل، نه جلد از فتاوا و پاسخ به سؤالات خود را به ما اهدا کرد و از ما خواست که ناهار را مهمان او باشیم؛ ولی عذر خواستیم، و او پیشنهاد کرد که فردا بیایید و از آنجا که ما شنیده بودیم از غذای او تبرک می‌کنند، پذیرفتیم که فردا ناهار نزدش باشیم.

فردای آن روز، بعد از نماز ظهر، به منزل او در خیابان عزیزیه رفتیم. وارد حیاط که شدیم، دیدیم یک طرف سقفی زده‌اند و حدود صد نفر، به شیوه عربی، مشغول غذا خوردن هستند؛ تعدادی سینی بزرگ که در آنها غذا بود و پنج نفر دور سینی نشسته بودند و با دست غذا می‌خوردند. استقبال‌کنندگان به ما گفتند که به اتاق مخصوص برویم. وارد که شدیم، حدود بیست نفر از شخصیت‌های کشورهای



مختلف جهان نشسته بودند و غذا می خوردند. دوباره به ما اشاره کردند که شما بر سر سفره خود شیخ بن باز بروید. ما قبلاً قرار گذاشته بودیم که سر غذا با او صحبت کنیم؛ زیرا عرب‌ها رسم ندارند که هنگام غذا خوردن، به مهمانشان طعنه‌ای بزنند یا چیزی بگویند که مهمان ناراحت شود؛ بلکه مهمان را تحمل می‌کنند. ما نیز فرصت را برای بحث درباره عقاید شیعه مناسب دیدیم. من شروع به صحبت کردم و گفتم: «ما شیعیان، دست کم هر روز در نماز، پنج مرتبه می‌گوییم «اشهد ان محمد عبده و رسوله»؛ پس چگونه ممکن است که پیامبر را خدا بدانیم و با این اعتقاد، از او درخواست حاجت کنیم؟»

بن باز در جواب گفت: «منظور من، شما روحانیون نیستید و شما را نمی‌گوییم؛ چون شما علما آنچه را می‌گویید، می‌دانید؛ بلکه عوام شیعه، این عقاید باطل را دارند». من گفتم: «عامه شیعه نیز مانند ما فکر می‌کنند؛ چون بیشترشان در مجالس ما و پای منبر ما بوده‌اند و با فرهنگ توحیدی اسلام آشنا هستند و کار شرکی انجام نمی‌دهند. در ضمن بین عوام شیعه و مراجع تقلید، رابطه تقلید وجود دارد و کاری بدون موافقت علما انجام نمی‌دهند».

آقای واعظزاده خراسانی اضافه کرد؛ از این بالاتر، اصلاً علمای شیعه، مواظب کار عوام هستند و داستانی از آیت الله بروجردی نقل کرد. پس از اینکه آقای واعظزاده از بن باز پرسید که آیا آقای بروجردی را می‌شناسید، بن باز گفت: «بله شیخ بروجردی را می‌شناسم».

آقای واعظزاده، داستان را چنین نقل کردند: به آیت‌الله بروجردی خبر رسید که در اطراف یکی از شهرها مردم در شبی از هفته، دور درختی جمع می‌شوند و گریه و تضرع می‌کنند و بنا بر ادعای شخصی که از این درخت نوری درآمده است، آن درخت را مقدس می‌دانند. اساساً این مطلب صحت نداشته است؛ ولی این ماجرا، روز به روز گسترش می‌یابد و معتقدان به آن، دچار توهم شده بودند. مرحوم آیت‌الله بروجردی نامه‌ای نوشتند.



چند تن از اهل علم و چند نفر از متدینان را به آن منطقه فرستادند و دستور دادند که درخت را بکنند و تکه تکه کنند و مردم را از این امر موهوم براهانند. این اشخاص از طرف آیت‌الله بروجردی به آن منطقه رفتند و امر ایشان را اجرا کردند.

بن باز پس از شنیدن این ماجرا، آیت‌الله بروجردی را بسیار تحسین، و اظهار تعجب زیادی کرد؛ ولی سؤال دیگری مطرح کرد و گفت: «ولی شیعیان از افراد مرده، چیزی می‌طلبند». من گفتم:

شما پیامبر را مرده می‌دانید؟ آیاتی در قرآن هست که پیامبر، شاهد اعمال مؤمنان است؛ مانند آیه: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ «و بدین سان، شما را امت میانه‌ای قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است» (بقره: ۱۴۳) یا آیه: ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ «بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند» (توبه: ۱۰۵).

از این گذشته، یکی از علمای بزرگ اهل سنت، یعنی ابوالحسن اشعری که سال ۴۳۰ وفات کرده، کتابی نوشته است به نام «حیة الانبیاء بعد مفارقة ارواحهم من أجسادهم»؛ یعنی زندگی پیامبران پس از مفارقت ارواحشان از جسد‌هایشان. بنابراین انبیا مرده محسوب نمی‌شوند.

بن باز در جواب گفت: «بله، انبیاء حیات برزخی دارند».

در جواب گفتم:

حیات برزخی، اختصاصی به پیامبران ندارند. کفار هم حیات برزخی دارند. شاهدش هم این آیه است: ﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ﴾ «عذاب آنها آتش است که هر صبح و شب بر آنان عرضه می‌شوند و روزی که قیامت برپا شود» (غافر: ۴۶). این آیه نشان می‌دهد که عالم برزخ، شب و روز دارد؛ ولی بهشت و جهنم، شب و روز ندارد.



خدا در قرآن، به عنوان امتیاز، برای شهدا و انبیا زندگی خاصی را قائل شده است: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾؛ «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگان اند! بلکه آنان زنده اند و نزد خدا روزی داده می شوند» (آل عمران: ۱۶۹).

این آیات نشان می دهند که انبیا و شهدا حیات والاتر و بالاتر از حیات برزخی دارند و صدای ما را می شنوند و درخواست ما را پاسخ می دهند. پس ما افراد زنده ای را می خوانیم که به ظاهر مرده اند.

بن باز در برابر این جواب هایی که به او می دادیم، انکاری نداشت و فقط با دعا کردن برای حفظ وحدت مسلمانان، از پاسخ گویی فرار می کرد. ضمناً مابا هم قرار گذاشته بودیم که او را خیلی عصبانی نکنیم و ادب مهمانی و حضور در خانه او را مراعات کنیم.

در این اثنا که بن باز از غذا دست کشید، دیدیم یک باره آن تعداد نفری که در اتاق کناری نظاره گر ما بودند، هجوم آوردند و هریک، مشتی برنج از بشقاب او برداشتند و خوردند و این، موجب شگفتی ما شد. آنان دست زدن به در و دیوار مسجدالنبی و خانه حضرت زهرا علیها السلام را شرک و حرام می دانند؛ ولی به مریدانشان اجازه می دهند که از غذایشان تبرک کنند.



## منابع

١. اتحاف النبلاء بسيرة العلامة عبدالرزاق، عفيفي، مكه، ص ١٠٥؛ شيخ ربيع بن هادي، عمير مدخلي، تذكير النابهين بسير أسلافهم حفاظ الحديث السابقين اللاحقين (بي جا)، (بي تا)، ص ٣٢٠.
٢. رسالة الأدلة النقلية والحسية علي جريان الشمس وسكون الأرض وإمكان الصعود إلي الكواكب، عبدالعزيز بن باز، مكه لطباعه والاعلام، ١٣٩٥ هـ. ق، ص ١٧.
٣. عبدالعزيز بن باز، مجموع فتاوى: تحقيق و چاپ، محمد بن سعد الشويعر، موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ٣، ص ٦٢.
٤. فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، أحمد بن عبدالرزاق دويش، چاپ اول، رياض، رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء — الإدارة العامة للطبع، ج ٣، ص ٤٨٦. «إذا كان الواقع كما ذكرت من دعائم عليا والحسن والحسين ونحوهم فهم مشركون شركا أكبر يخرج من ملة الإسلام، فلا يحل أن نزوجهم المسلمات، ولا يحل لنا أن نزوج من نسائهم، ولا يحل لنا أن نأكل من ذبائحهم».
٥. مجموع فتاوى، عبدالعزيز بن باز، عربستان، موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ٥، ص ١٥٦. «التقريب بين الرافضة و بين أهل السنة غير ممكن؛ لأن العقيدة مختلفة، فعقيدة أهل السنة والجماعة توحيد الله وإخلاص العبادة لله سبحانه وتعالى، وأنه لا يدعي معه أحد لملك مقرب ولا نبي مرسل، وأن الله سبحانه وتعالى هو الذي يعلم الغيب، ومن عقيدة أهل السنة محبة الصحابة رضي الله عنهم جميعا والترضي عنهم والإيمان بأنهم أفضل خلق الله بعد الأنبياء وأن أفضلهم أبو بكر الصديق، ثم عمر، ثم عثمان، ثم علي، رضي الله عن الجميع، والرافضة خلاف ذلك فلا يمكن الجمع بينهما، كما أنه لا يمكن الجمع بين اليهود والنصارى والوثنيين و أهل السنة، فكذا لا يمكن التقريب بين الرافضة و بين أهل السنة لاختلاف العقيدة التي أوضحناها».
٦. مشاهير أعلام المسلمين، علي بن نايف شحود، حقوق الطبع متاحة للهيئات



العلمية والخيرية، ص ۱۳۹.

۷. نواقض الإسلام، عبدالعزيز بن باز، چاپ اول، سعودی، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ۱۴۱۰هـ ص ۲، الثاني «من جعل بينه وبين الله وسائط يدعوهم و يسألهم الشفاعة و يتوكل عليهم فقد كفر إجماعاً».

8. Who's Who in Saudi Arabia, 1978-1979 pg.53 Part of the Who's Who series. Edited by M. Samir Sarhan. Jeddah and London: Tihama and Europa Publications

9. Who's Who in the Arab World, 1990-1991 pg123. Part of the Who's Who series. Edited by Gabriel M. Bustros. Beirut: Publitec Publications, 10th ed.

10. Words of Advice Regarding Da'wah by 'Abdul 'Azeez ibn 'Abdullaah ibn Baaz (translated by Bint Feroz Deen and Bint Abd al-Ghafoor)• Al-Hidaayah Publishing and Distribution• Birmingham:1998, Page9-10.

11. Sheikh `Abd al-Wahhâb al-Turayrî, former professor at al-Imâm University in Riyadh. Sheikh Ibn Baz on the roundness of the Earth. Retrieved 9February2013.

12. <http://www.binbaz.org>

13. Holden, David (1982). The House of Saud. p.262.

14. <http://hajj.ir>

15. <http://www.binbazfoundation.org/>

16. <http://www.bin-baz.com/>

17. <http://www.vahhabiyat.com>

18. <http://ar.islamway.net>





19. <http://www.alifta.com>

20. <http://ahramnews.blogfa.com>



## عبدالعزيز آل الشيخ



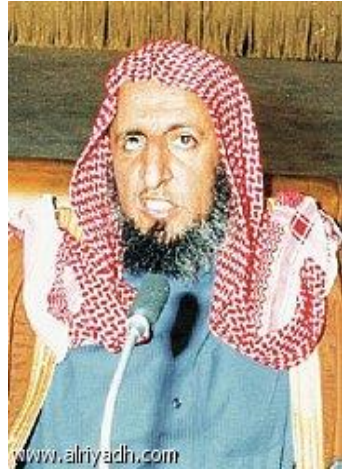
عبدالعزيز بن عبدالله بن محمد  
ابن عبداللطيف آل الشيخ، مفتي  
اعظم وهابيت و وزير فتوى  
عربستان است كه خصومت  
عجيبى با امام حسين عليه السلام، شيعيان و  
ايران دارد. وى كه از نسل محمد  
ابن عبدالوهاب، مؤسس وهابيت  
است، پس از بن باز متصدى اين  
منصب شده و از جمله ويژگى هاى  
او نابينايى اش است كه از همان  
ابتدا جلب توجه مى كند. وى  
علاوه بر كورى باطن، از ناحيه  
يك چشم نيز كور مى باشد.



## زندگی نامه

### دوران کودکی

عبدالعزیز بن عبدالله بن محمد بن عبداللطیف آل الشیخ در سوم ذی حجه ۱۳۶۲ ه. ق، در شهر مکه به دنیا آمد. او در ۱۳۷۰ ه. ق و در سن هشت سالگی پدرش را از دست داد. وی به طور مادرزادی از ضعف چشم آزار می برد، تا اینکه در جوانی و در ۱۳۸۱ ق، از ناحیه یک چشم نابینا شد.



### تحصیلات

آل الشیخ در مسجد احمد بن سنان به آموزش علم قرآن کریم پرداخت و گفته شده است که قرآن را در دوازده سالگی حفظ کرد. او آموختن را نزد بعضی از علما در الحلق آغاز کرد و در ۱۳۷۵ ه. ق، به «معهد امام الدعوة» ملحق شد و تحصیلاتش را در دانشکده فقه در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴ ه. ق با مدرک دکترا تمام کرد.



## مناصب

وی مدرس «معهد امام الدعوة العلمي» تا سال ۱۳۹۲ ه. ق. بود و پس از آن، در دانشکده فقه ریاض به تدریس پرداخت.

وقتی آل الشيخ برای تحصیل به ریاض منتقل شد و از دانشگاه محمد بن سعود شهر ریاض مدرک دکترای خود را گرفت، از ۱۴۰۷ ه. ق.، به عضویت هیئت علمای کبار وهابی عربستان درآمد.

آل الشيخ در ۱۴۱۲ ه. ق. و با دستور مستقیم پادشاه عربستان، به سمت ریاست اداره مطالعات علمی و صدور فتاوا منصوب شده است.

وی در ۱۴۱۷ ه. ق. نیز به مقام نیابت و قائم مقامی مفتی اعظم عربستان درآمد. با مرگ شیخ عبدالعزيز بن باز، مفتی اعظم وقت عربستان، در ۲۹ محرم ۱۴۲۰ به مقام مفتی عام و اعظم وهابیان عربستان سعودی و رئیس هیئت کبار علمای عربستان منصوب شد. آل الشيخ در حال حاضر در حکومت عربستان از جایگاه وزارت برخوردار است.



آل الشيخ اواخر اسفندماه ۹۲ شمسی، بر اثر زمین خوردن در خانه، از ناحیه کمر دچار شکستگی شده و در محل اقامتش، واقع در طائف عربستان بستری شد.



وی پس از ترخیص از بیمارستان، در بستر بیماری کار خود را از سر گرفت؛ او ضبط یکی از برنامه‌هایش با عنوان «نور علی درب» (نوری در مسیر) را که رادیو قرآن عربستان آن را پخش می‌کند، از نو آغاز کرد.

کاربران اینترنتی، تصویری از وی منتشر کرده‌اند که بر تخت پزشکی مخصوص در منزل دراز کشیده است و مجری برنامه مذکور، سؤالات بینندگان را از آل‌الشیخ می‌پرسد و او در همان حال پاسخ می‌دهد. عده‌ای از فعالان اینترنتی طرفدار وی، این اقدام آل‌الشیخ را نشانه توجه ویژه و حرص او در نشر تعالیم دین اسلام دانسته‌اند و آن را ستوده‌اند!





## برخی فتاوی عجیب و مضحک آل الشیخ

وی فتاوی عجیبی دارد که از آن میان می توان به موارد زیر اشاره کرد:



جشن میلاد برای رسول خدا ﷺ حرام

وی در مصاحبه با روزنامه سعودی «المدینه» گفت: «جشن گرفتن برای میلاد پیامبر، بدعتی بی اساس است». وی افزود: «من هیچ پایه و اساسی در خصوص جشن گرفتن برای تولد در سنت رسول خدا، شیوه خلفای راشدین و ائمه هدایت نمی شناسم و بر همین اساس، جشن میلاد پیامبر حرام است!»

راهپیمایی برای دفاع از پیامبر ﷺ حرام!

آل الشیخ پس از بالاگرفتن اعتراض های جهانی به دلیل توهین به رسول خدا ﷺ در بیانیه ای تأکید کرد: «باید بدون خشم، این مسئله را محکوم کنیم».



مفتی عربستان سعودی خاطر نشان کرد، انتشار فیلم توهین آمیز علیه پیامبر اسلام ﷺ، به ایشان و دین اسلام ضرری نمی‌رساند و در حالی که متضرر در تظاهرات، فقط مسلمانان در برخی کشورهای اسلامی، سفارتخانه‌های آمریکا و برخی هم‌پیمانان آن بوده‌اند. مفتی کل عربستان گفت: «مسلمانان نباید به انسان‌های بی‌گناه حمله کنند یا اموال عمومی را آتش بزنند و یا تخریب کنند».







قیام [امام] حسین [علیه السلام] علیه یزید حرام!

وی علاوه بر آنکه از کسانی است که فتوای تخریب قبور ائمه اهل بیت (علیهم السلام) در عراق را صادر کرد، از مهم ترین وظایف خود را توجیه حرکت یزید، ترویج شادی در عاشورا با روزه گرفتن و برپایی مراسم جشن و عروسی و... نیز می داند؛ به گونه ای که از هر ابزار و روشی برای بیان آن استفاده می کند.<sup>۱</sup>



او همچنین در برنامه زنده ای که از ماهواره «المجد» عربستان پخش می شد، در پاسخ خانمی درباره یزید و قیام امام حسین (علیه السلام) این چنین پاسخ داد:

زمان پرداختن به این امور، گذشته و سپری شده است. آنها گروهی بودند که درگذشتند. هر کار نیک و بدی کردند، برای خود کردند و شما هم هرچه کردید، برای خود خواهید کرد و مسئول کار آنها نخواهید بود. بیعت یزید بن معاویه، بیعتی شرعی

۱. فیلم حب یزید ایمان و بغض نفاق است:

مفتی السعودیه حب یزید من الایمان وبغضه نفاق - YouTube

▶ ۱:۲۱ ▶ ۱:۲۱

[www.youtube.com/watch?v=jQ9LtReraQ4](http://www.youtube.com/watch?v=jQ9LtReraQ4)



بود که در زمان پدرش معاویه از مردم گرفته شد و مردم هم بیعت کردند و به این بیعت، گردن نهادند؛ اما هنگامی که معاویه از دنیا رفت، حسن و حسین بن علی [علیهم‌السلام] و ابن زبیر از بیعت با او خودداری کردند.

حسین [علیه‌السلام] و ابن زبیر در تصمیمشان مبنی بر بیعت نکردن به خطا رفتند؛ زیرا بیعت با یزید، شرعی بود و این بیعت در زمان زندگی پدرش معاویه و در مقابل چشم مردم گرفته شده بود. ولی خداوند در آنچه مقدر می‌فرماید، حکیم و علیم است. آن امت‌ها هم بنا به تقدیر خداوند درگذشتند و از دنیا رفتند. شما را به خدا قسم! من دوست ندارم این مطالب را از من نقل کنید. اینها مسائلی است که گذشته. تاریخ هم این مطالب را به شکل‌های مختلف حکایت کرده است. ولی به هر شکل این قضایا گذشته و تمام شده... یزید و حسین [علیهم‌السلام] بیش از هزار و اندی سال است که از دنیا رفته‌اند... ولی به عقیده من، بیعت یزید بن معاویه، شرعی بوده است! و حسین [علیه‌السلام] را نصیحت کردند که از مدینه به عراق نرود، او را نصیحت کردند که بیعت کند؛ ولی او نپذیرفت. ابن عباس و ابن عمر و فرزندان و بسیاری از صحابه او را از رفتن به عراق برحذر داشتند و به او گفتند که رفتن به عراق، به مصلحت او نیست. ولی حسین [علیه‌السلام] این نصیحت‌ها را نپذیرفت... و خدا هم هرآنچه مقدر فرموده بود، انجام شد و... .

با وجود این ما برای حسین [علیه‌السلام] از خداوند درخواست رضایت می‌کنیم و برای او عفو و بخشش را خواستاریم. مقدرات الهی، حکمت‌هایی دارد که ما از آن آگاه نیستیم... اصلاً فایده نقل این مطالب چیست؟ حسین [علیه‌السلام] هر اشتباهی کرده، برای خود کرده است... اهل سنت و جماعت معتقدند که واجب است تا به فرمان‌های کسی که با او بیعت شده و مردم، حول او گرد آمده‌اند، گوش فرا داده شود و از او پیروی گردد! و قیام و سرکشی علیه او نیز حرام است و از همین رو خروج و قیام حسین [علیه‌السلام] علیه یزید حرام بود!... ما می‌گوییم. حسین [علیه‌السلام] در قیامش علیه یزید اشتباه کرد و برای او بهتر بود که این کار را نمی‌کرد. باقی ماندن او در مدینه و بر آنچه مردم بر آن اجتماع



کرده بودند، بهتر و سزاوارتر بود. هر چه به او گفته شد که در عراق، طرفدار و همراه نداری، گوش نداد و توجهی نکرد...<sup>۱</sup>

حقیقت این است که مردم عراق و شام و مصر و حجاز و یمن با یزید بن معاویه در زمان زندگی و حیات پدرش بیعت کرده و امامت و رهبری وی را پذیرفته بودند. به همین دلیل هم، قیام علیه او و تجاوز به حریم خلافت او جایز نبود. این تمام مطلب است بیش از این هم سخنی نمی‌گوییم و معتقد به بیش از این هم نیستیم. نکته مهم اینکه، کلیپی از این صحبت‌ها ساخته شده است و در ماجرای حمله به حرم زینب علیها السلام نهایت سوءاستفاده را از آن در این ایام کرده‌اند.

عزاداری بر امام حسین علیه السلام حرام!

عبدالعزیز آل الشیخ در جدیدترین فتوای خود مدعی شد که عزاداری برای امام حسین علیه السلام شرعاً جایز نیست.



او در سخنرانی خود در خطبه‌های نماز جمعه، بدون ذکر نام شیعیان گفت: «اقداماتی که برخی از مدعیان و منتسبان به اسلام انجام می‌دهند، جایز نیست و اسلام از آن بیزار است!» وی بدون اشاره به آن دسته از روایات اهل سنت که به حزن و گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر مصیبت امام حسین علیه السلام اشاره صریح دارد؛ گریه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام را نامشروع خواند و مدعی شد که تنها کار پسندیده برای روزهای تاسوعا و عاشورا روزه گرفتن است!

۱. مفتی السعودیة: بیعة یزید شرعیة والحسین غیر مصیب!! - YouTube



برای شادی، روزه عاشورا مستحب مؤکداً حتماً بگیرید

در روایت‌ها آمده است که بنی‌امیه بعد از به شهادت رساندن حضرت امام حسین علیه السلام به نشانه شادی، روز عاشورا را روزه می‌گرفتند.

در همین حال، عبدالعزیز آل‌الشیخ نیز طی اظهاراتی، پیروانش را به روزه گرفتن در روز عاشورای امسال دعوت کرد.

آل‌الشیخ که در مسجد ترکی بن عبدالله در مرکز ریاض سخن می‌گفت، برای ترغیب هوادارانش به روزه گرفتن در روز عاشورا به دروغ گفت: «پیامبر نیز روز عاشورا روزه می‌گرفت». گفتنی است پیروی مفتی وهابی آل‌سعود از بنی‌امیه، نشان‌دهنده نزدیکی تفکر و اعتقادات آنها به یکدیگر است.

این در حالی است که حدیث شریفی در کتاب «سنن ترمذی» از حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم آمده:

أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَخَذَ بِيَدِ حَسَنِ وَحُسَيْنٍ فَقَالَ: مَنْ أَحْبَبَنِي وَأَحَبَّ هَذَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا، كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفت و گفت: «هر کس من و این دو و پدر و مادرشان را دوست داشته باشد، در قیامت در کنار من خواهد بود».

از سوی دیگر در کتاب مستدرک صحیحین، که از دیگر کتب اهل سنت است، آمده:

عَنْ سَلْمَانَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيَّ أُمَّ سَلْمَةَ وَهِيَ تَبْكِي، فَقُلْتُ: مَا بِيَكِيكِ؟... قَالَتْ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي الْمَنَامِ بِيَكِي، وَعَلَى رَأْسِهِ وَحَيْثُ التَّرَابِ، فَقُلْتُ: مَا لَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟... قَالَ: شَهِدْتُ قَتْلَ الْحُسَيْنِ أَنْفًا.

سلمان گفت: «بر ام سلمه وارد شدم و دیدم که گریه می‌کند». گفتم: «چه چیزی تو را به گریه انداخت؟» گفت: «رسول الله را در خواب دیدم که گریه می‌کرد، و سر و محاسنش خاکی بود». گفتم: «چه اتفاقی برایتان افتاده است ای رسول الله؟» گفت: «صحنه قتل حسین در آینده را دیدم».



برپایی جشن عروسی پسر شیخ در روز عاشورا!

عمر بن عبدالعزیز آل الشیخ، فرزند مفتی اعظم عربستان، مراسم ازدواج خویش را در عاشورای حسینی برگزار کرد. در این مراسم، بسیاری از مفتی‌های وهابی سعودی شرکت جستند و این ننگ را به مفتی اعظم و فرزندش تبریک گفتند.<sup>۱</sup>

البته این نوع حرکت‌های دشمنان خاندان رسالت، اقدام تازه‌ای نیست؛ چنان‌که در بخشی از زیارت عاشورا آمده است:

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةٍ وَابْنُ أَكَلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَ لِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

خدایا این روز، روزی است که بنی‌امیه مبارک و میمون دانستند و پسر آن زن جگرخوار (معاویه) آن ملعون پسر ملعون (آن لعن‌شده) بر زبان تو و زبان پیامبرت که درود خدا بر او و آتش باد.<sup>۲</sup>

نفرین کردن آمریکا حرام!

شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل الشیخ، در واکنش به مطالب ضدآمریکایی مطرح شده در شبکه‌های اجتماعی عربستان، پس از توفان ساندی گفت: «مسلمانان باید از این حوادث طبیعی عبرت بگیرند. نباید علیه همه دعا کرد؛ زیرا بین مسلمانان بسیاری هستند و این دعا به نفع مسلمانان نیست».

۱. آل شیخ: مفتی وهابی: منی نجس نیست. با فقه وهابیت آشنا شوید....

▶ 0:43 ▶ 0:43

[www.youtube.com](http://www.youtube.com)

۲. فیلم: تنها منافقان از معاویه متنفرند.

العلامة عبد العزيز آل الشيخ: لا يبغض معاوية إلا منافق - YouTube

▶ ۶:۴۶ ▶ ۶:۴۶

[www.youtube.com/watch?v=NM4pBUiDZuE](http://www.youtube.com/watch?v=NM4pBUiDZuE)



پایگاه خبری شبکه العالم نوشت: «ادعای مفتی کل عربستان در حمایت از مسلمانان آمریکا در حالی است که وی تا کنون فتواهای بسیاری را ضد مسلمانان منطقه برای تکفیر آنها صادر کرده است».

شیخ عبدالعزیز بن عبدالله در یکی از این موضع‌گیری‌های متناقض، در اظهاراتی علیه حزب‌الله، مدعی شد گروه‌هایی که در لبنان، نمادهای اسلامی را برافراشته‌اند، دشمنان اسلام هستند.

مفتی کل عربستان همچنین با حمله به شیعیان، ادعا کرده: «برپایی عزاداری برای سالار شهیدان مغایر با شرع خدا و اسلام است!»!

اطاعت از آل سعود واجب!

خبرگزاری سعودی به نقل از آل‌الشیخ گفت:

اطاعت از ولی‌امر ملک عبدالله - به تعبیر وی - و اطرافیانش، منافی عظیم و فواید بسیاری در حال و آینده به همراه دارد و اطاعت و فرمان‌برداری از آنها جزء واجبات است! مصائب کنونی، به دلیل گناهان و نافرمانی است.

وی سپس از مردم مکر و حيله دشمنانی که او هدف آنها را چند دستگی امت و ترویج نافرمانی خواند، برحذر داشت. همچنین وی آنها را به دوری از شایعات باطل - به گفته وی -، و شبکه‌های مغرضی فراخواند که دولت و خدمات او به اسلام و مسلمانان را هدف گرفته‌اند و منبرهای فساد و شبهه و گمراهی هستند.

بیعت روی تخت بیمارستان

مقرن بن عبدالعزیز در بیمارستان نیروهای امنیتی ریاض به عیادت آل‌الشیخ رفت و از وی بیعت گرفت.

مفتی اعظم سعودی خطاب به مقرن گفت: «با تو مقرن، براساس کتاب خدا و سنت



و محافظت از دین امت، کیان، اقتصاد و امنیت آن بیعت می‌کنم و از خدا می‌خواهم گام‌هایت را استوار سازد».

آل‌الشیخ در سخنانی به این مناسبت گفت: «امروز یکشنبه، ۲۷ جمادی الاول ۱۴۳۵ هجری قمری براساس دستور ملک عبدالله مبنی بر گرفتن بیعت، با مقرن بن عبدالعزیز در مقام ولیعهد بیعت می‌کنم».

وی سپس، به ترتیب نام سردمداران سلسله وهابیت عربستان از ملک عبدالعزیز به بعد را شمرد و افزود: «ما امروز با مقرن بیعت، و برایش آرزوی موفقیت می‌کنیم».

در این دیدار، شاهزاده‌های سعودی: فیصل بن مقرن، ترکی بن مقرن، منصور بن مقرن، بندر بن مقرن، عبدالعزیز بن مشعل، سعود بن عبدالرحمن، فیصل بن فهد؛ مقرن ابن عبدالعزیز را همراهی می‌کردند.

انتقاد از آل سعود حرام!

آل‌الشیخ اعلام کرد: «نصیحت حاکمان امر در رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی، رسوایی است نه دعوت به اصلاح امور!»  
روزنامه الشرق اعلام کرد:

فتوای مفتی سعودی بعد از اظهارات سرهنگ فهد الهمدان، سخنگوی پلیس منطقه قصیم، درباره بازداشت بیش از ۱۶۱ نفر از جمله ۱۵ زن، توسط پلیس عربستان سعودی، صورت گرفت.

الهمدان تأکید کرد: «افراد بازداشت‌شده، به دستگاه‌های مربوطه ارجاع داده خواهند شد، تا به اتهامات آنها رسیدگی شود». وی متعهد شد: «نیروهای امنیتی در اجرای دستورات در خصوص سرکوب تظاهرات و اعتصابات از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد، و با تمام مخالفان حکومت، با قاطعیت رفتار خواهد کرد».



تظاهرات، کلاً حرام!

وی تحولات و ناآرامی‌ها در دنیای اسلام و عرب را به دلیل روی‌گردانی از شرع و دین خداوند و ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی دانست! با وجود ناآرامی‌ها در عربستان از آغاز بیداری اسلامی در منطقه و شهادت ده‌ها تن از شهروندان به ضرب گلوله نیروهای امنیتی، مفتی کل سعودی مدعی شد: «عربستان از نعمت امنیت و ثبات برخوردار است؛ نعمتی که بسیاری آرزوی آن را دارند». در حالی که آل سعود برای حفظ تاج و تخت آل خلیفه، از سال گذشته نیروهای خود را برای سرکوب مردم بحرین به این کشور اعزام کرده است؛ الشیخ گفت: «امنیتی که با زور سلاح ایجاد شود، مؤثر نیست؛ بلکه مردم را علیه رژیم‌ها می‌شوراند».

بحث سیاسی در مسجد و منبر حرام!

شیخ عبدالعزیز آل الشیخ، سال ۹۲ شمسی از خطبای مساجد خواسته بود تا فکر نمازگزاران را مشغول امور سیاسی نکنند. به نظر می‌رسد، عربستان از بحث‌های سیاسی با توجه به ادامه تظاهرات مردمی علیه این رژیم، هراسان است.

شک در رؤیت هلال ماه حرام!

عبدالعزیز آل الشیخ، در مصاحبه با روزنامه عکاظ این کشور از تشکیک در ثبوت رؤیت هلال شرعی ماه شوال، به شدت انتقاد کرد و گفت: «همه کسانی که به ثبوت هلال شوال شک و تردید کنند، خطاکار و گناهکارند و از سازمان‌های مرتبط می‌خواهم به این افراد که درصدد تشویش اذهان مردم‌اند، واکنش نشان دهند».

وی افزود: «دولت موظف است جلوی شکاکین در رؤیت هلال را بگیرد تا موارد مشابه در آینده تکرار نشود». اما حاتم العونی، عضو مجلس شورای این کشور، دیدگاهی مخالف مفتی عربستان داشت و تصریح کرد: «اختلاف در ثبوت هلال شرعی، امری طبیعی است و نباید دهان دیگران را به دلیل آرایه‌ای که بیان می‌کنند،





بست». وی اظهار داشت: «همه فقها و منجمان حق دارند درباره هلال شرعی سخن بگویند؛ ولی بهتر است این امر را به سازمان‌های رسمی واگذار، و مردم نیز فقط به این منابع توجه کنند».

گفتنی است بسیاری از منجمان سعودی درباره ثبوت هلال شرعی ماه شوال از سوی مقامات این کشور ابراز شک و تردید کردند و اعلام روز سه‌شنبه به‌عنوان اولین روز ماه شوال را اشتباه خواندند.

آنها اعتقاد دارند که رؤیت هلال در غروب دوشنبه، امری غیرممکن است و مطمئناً روز چهارشنبه، عید سعید فطر بوده است.

#### جشن ملی عربستان حلال!

پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه خبری العالم، بن باز و ابن عثیمین - مفتی‌های پیشین سعودی - برگزاری جشن روز ملی عربستان را حرام اعلام کرده و آن را بدعت دانسته بودند؛ اما آل‌الشیخ در فتوای خود، که در روزنامه عکاظ چاپ شد، اظهار داشت: «باید در این روز با سپاسگزاری از خداوند، در نعمت‌هایش بیندیشیم و برای نعمت امنیت نیز از درگاه خدا سپاسگزاری کنیم».

این روزنامه افزود: «شیخ در گفته‌های خود به سخنان «خادم حرمین شریفین» (ملک عبدالله، پادشاه عربستان) در نشست شورای وزیران استناد کرده است». عبدالله گفته بود: در این جشن، باید از ارزش‌ها، اخلاق نیک مردم، پیشرفت‌های کشور در زمینه‌های مختلف و پیشرفت فرهنگی و فکری ممتاز سخن گفت و با حرف‌شنوی از دستورات حاکمان و مقامات کشور، حس میهن‌پرستی را نشان داد.



شترپلوا!

بیداری اسلامی و اخراج دیکتاتورها حرام!

مفتی بزرگ سعودی با اعتراض به اقدامات جنبش‌های اعتراضی، این حوادث را فتنه خواند، که باعث ایجاد تفرقه در دنیای اسلام می‌شود.





وی با حمله به جریان‌های بیداری اسلامی در منطقه، این انقلاب‌ها را عوام‌فریبی خواند. آل الشیخ گفته بود: «اقدامات جنبش‌های اعتراضی، منجر به تفرقه و شکاف میان آحاد جامعه می‌شود... حوادثی که در جهان اسلام اتفاق افتاد، فتنه‌ها و درگیری‌هایی است که منجر به تفرقه میان دنیای اسلام شده».

آل الشیخ پیش از این نیز در خطبه‌های خود در مسجد جامع ترکی بن عبدالله در شهر ریاض

گفته بود: تحرکاتی که کشورهای عربی شاهد آن هستند، چیزی جز هرج و مرج و خون‌ریزی نیست و نتیجه آن، گمراهی و فتنه است... این هرج و مرج برای برپایی عدالت یا اصلاحات سیاسی نیست، بلکه برای درهم‌شکستن وحدت و تفرقه میان امت اسلامی است.

**کمک ایران ستمکار به یمن حرام!**

سال ۸۸ و در پی انقلاب یمنی‌ها، شیخ عبدالعزیز آل الشیخ، در مصاحبه با روزنامه سعودی الوطن، ایران را متهم به پشتیبانی از شورشیان زیدی‌مذهب یمن کرد و این همکاری را گناه و ستمکاری دانست. در همین مصاحبه، آل الشیخ توضیح داده بود که رویارویی ارتش سعودی با شورشیان شیعه زیدی، نبرد حق و باطل است!

**دستور حمله به شیعیان!**

وی در خطبه‌های شانزدهم فروردین نماز جمعه در مسجد ترکی بن عبدالله واقع در ریاض، همه امت اسلام را به مبارزه با تشیع فراخواند و تأکید کرد: «این مذهب، عقیده مسلمانان را هدف گرفته است»!



اعتراف به شکست و ضعف در برابر شیعیان و ایران

عبدالعزیز آل الشیخ در برنامه‌ای تلویزیونی حاضر شد و گفت: «تا کنون ما و تمام برادرانمان، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، شیعیان را آزمودیم».

وی افزود: «همه، این را بدانند ما دیگر توان مبارزه جنگی با شیعیان را نداریم. اگر قرار شد با شیعیان بجنگیم، نتیجه‌ای کسب نخواهیم کرد».

مفتی اعظم سعودی همچنین گفت: «البته ناگفته نماند که گروه‌های جهادی که هم‌اکنون در قلب روافض و در عراق فعالیت می‌کنند، نتایج قابل قبولی را برای جهان اسلام کسب کرده‌اند».

عبدالعزیز آل الشیخ گفت: «در جلسه‌ای که در میان چندین نفر از شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی شکل گرفت، مشخص شد که تنها راه مبارزه با شیعیان، مبارزه اقتصادی است».

او در ادامه افزود: «ما از تحریم علیه ایران حمایت می‌کنیم. خبر نتایج این تحریم‌ها به گوش ما می‌رسد و ما امیدواریم که این تحریم‌ها روز به روز گسترده‌تر شود».

مفتی اعظم عربستان سعودی در پایان گفت: «مبارزه با روافض، مبارزه با شیطان است. همه مسلمانان باید با روافض بجنگند».



خوشحالی از بستن «واتس آپ» در ایران!

آل الشیخ، مفتی اعظم عربستان سعودی، از خبر فیلترشدن واتس آپ در کشور ایران، ابراز خوشحالی کرد. طبق رصدهای صورت گرفته از واتس آپ جمهوری اسلامی، مشخص شد که شیعیان، بیش از یک میلیون گروه مذهبی تشکیل داده‌اند و در این شبکه اجتماعی، تبلیغ فراوانی برای مذهب خود انجام می‌دهند.

وی در ادامه گفت: «نشر مذهب تشیع و نشر افکار ولایت فقیه در واتس آپ، به سرعت در حال نشر است. اگر واتس آپ در ایران فیلتر شود، درواقع کمک بزرگی به ماست».

کمک به حزب الله لبنان نامسلمان و دعا برای آنان حرام!

چندی قبل بنا به نقل از المحیط، آل الشیخ، حزب الله را به تلاش برای تسهیل ورود یهودیان و دولت‌های بزرگ به کشورهای اسلامی متهم کرد.

شیخ که در دانشگاه آل سعود در ریاض سخنرانی می‌کرد، مطابق روش وهابیت که همه مسلمانان غیر از خود را کافر می‌دانند، گفت: «کسانی در آنجا شعار اسلام سر می‌دهند که اسلام از آنها بری است!»

وی اضافه کرده بود: شکی نیست که آنچه در لبنان رخ می‌دهد، حوادث غم‌انگیز و دردناکی است. انسان آرزو می‌کند این وقایع را نشنود. اما چه می‌شود کرد؟ این حوادث را می‌شنویم و آینده بدی به ذهن انسان خطور می‌کند؛ زیرا کسانی که این انقلاب‌ها را در لبنان به وجود آورده‌اند، شعار اسلام بر زبان دارند؛ در حالی که اسلام از اینها بری است.





عبدالعزیز آل الشیخ که تا چندی پیش از عکس گرفتن هم خودداری می‌کرد، به تازگی در برنامه‌های زنده تلویزیونی ظاهر می‌شود و شخصاً به پرسش‌های بینندگان پاسخ می‌دهد. در یکی از این برنامه‌ها، شخصی با لهجه غیر لبنانی، خود را ایهاب معرفی می‌کند و مدعی می‌شود که از لبنان با برنامه تماس گرفته است تا سؤالاتی را مطرح کند. ایهاب ابتدا در سخنانی که بیش از هر چیز، نوعی تمسخر مفتی به نظر می‌رسد، می‌گوید: «من هرگاه که احساس خستگی می‌کنم، به چهره زیبا و بشاش شما نگاه می‌کنم؛ زیرا نگاه به چهره عالم، عبادت است!» وی ادامه می‌دهد: «من در جنگ تابستان ۲۰۰۶ (جنگ ۳۳ روزه لبنان با رژیم صهیونیستی) حضور داشتم و به نیروهای رافضی حزب الله کمک می‌کردم. آیا به دلیل این کار کیفر خواهم دید؟» مجری برنامه، سخنان ایهاب را ناتمام می‌گذارد و می‌پرسد: «در حال حاضر آیا به اشتباه خودت پی بردی و توبه کرده‌ای؟» ایهاب در پاسخ می‌گوید: «من به نیت مبارزه با اسرائیل به اعضای حزب الله کمک کردم...». در همین حال، ظاهراً تماس قطع می‌شود و بیننده نمی‌تواند سؤال دوم خود را مطرح کند.

اما عبدالعزیز آل الشیخ در جواب این سؤال می‌گوید: این فرد به نیروهای حزب الله که ادعا داشتند با اسرائیل می‌جنگند و تصور می‌کردند برحق‌اند، کمک کرده است، که امیدواریم توبه نصوح کند و خدا از او بپذیرد. البته این کار خطرناکی است؛ زیرا کمک به غیرمسلمانان، با اسلام تناقض دارد. امیدواریم که از این کار خود به سوی خداوند توبه کند و خدا هم او را ببخشد.

اظهارات وقیحانه مفتی آل سعود در حرمت یاری به غیرمسلمانان، در حالی مطرح می‌شود که اربابان او در دربار سعودی، از آشکارشدن خدمات بی‌شائبه‌شان به جنگ طلبان مسیحی و یهودی و در اختیارگذاشتن پایگاه‌های نظامی خود برای کشتن مسلمانان و حتی پرداخت حقوق تفنگداران اشغالگر، هراسی ندارند.



شیخ عبدالعزیز آل الشیخ، مفتی اعظم عربستان سعودی، برای اولین بار و برخلاف مواضع معمولی خود، عاملان حملات انتحاری را که به فتوای مفتیان وهابی با منفجر کردن خود اقدام به کشتن مردم می‌کنند، جنایتکار و سزاوار ورود به جهنم دانست. مفتی اعظم عربستان سعودی در دانشگاه ترکی بن عبدالله ریاض در پاسخ به دانشگاهیان که از وی پرسیدند، حکم افراد مسلمانی که با کمربندهای انفجاری و با ادعای شهادت به منفجر کردن خود و کشتن دیگران اقدام می‌کنند، چیست، «گفت: کشتن دیگران از گناهان کبیره است و کسانی که خود را با این شیوه می‌کشند، جنایتکارانی اند که برای رفتن به جهنم عجله می‌کنند، خود را می‌کشند و دیگران را نیز نابود می‌کنند».

جالب است که شیخ عبدالعزیز آل الشیخ، برخلاف اظهارات همیشگی خود، نکات دیگری نیز در تقبیح و محکوم ساختن افرادی که مرتکب عملیات انتحاری می‌شوند، گفته و موضوع را بسیار داغ و پراهمیت دانسته است. وی در ادامه پاسخی که در دانشگاه ترکی بن عبدالله داد، افزود: «این افراد از راه خدا منحرف شده‌اند، افکارشان تغییر کرده و عقولشان با شر و فساد عجین شده؛ به طوری که فرق میان حق و باطل را تشخیص نمی‌دهند». وی این نکته را هم گفت که: عملیات انتحاری از ابزار و وسایل دشمنان اسلام علیه جوانان مسلمان است، و دشمنان اسلام از چنین افرادی برای هلاکت خود و جامعه، به عنوان وسائل و ابزار، استفاده می‌کنند و هر روز گروهی از مردم را با این اقدام زشت هدف قرار می‌دهند.

این فتوای غیرمنتظره مفتی اعظم عربستان سعودی، هرچند بسیار دیر صادر شده؛ ولی اقدامی درخور توجه است و در عین حال، این سؤال مهم را مطرح می‌کند که چه چیز باعث شده است که وی مبادرت به صدور این فتوا می‌کند؟ این سؤال، هنگامی



بیشتر اهمیت می‌یابد که به سابقه فتواهای مربوط به عملیات انتحاری و انواع و اقسام کشتارها، تجاوزها و تخریب‌ها علیه مسلمانان در کشورهای عراق، سوریه، افغانستان و پاکستان در سال‌های اخیر توجه کنیم و به یاد بیاوریم که ۲۶ مفتی سلفی در سال ۱۳۸۴ ه.ش با صدور فتوایی در پوشش و جوب جهاد در عراق، پیروان خود را به کشتار مردم این کشور و تخریب اماکن مقدسه، ترغیب و تشویق کردند. در سال‌های ۹۰، ۹۱ و ۹۲ ه.ش عده‌ای از مفتیان سلفی عربستان با صدور فتاوی متعدد، کشتار علویان سوریه، تجاوز به زنان آنها و تصاحب اموالشان را مباح اعلام، و در قالب ده‌ها فتوا دستور جهاد نکاح و انواع و اقسام فسادها و خیانت‌ها را علیه ملت‌های مسلمان صادر کردند که در نتیجه آنها ده‌ها هزار نفر کشته شدند، هزاران خانه ویران شد، بسیاری از خانواده‌ها آواره شدند، ظلم‌ها و خیانت‌ها و فسادهای ناگفتنی فراوانی رخ داد؛ کم‌اینکه این روزها نیز انتحاری‌ها در عراق، هر روز جان ده‌ها زائر حسینی را می‌گیرند و از همه مهم‌تر اینکه، چهره اسلام با تبلیغاتی که غربی‌ها با استفاده از این اقدامات خلاف به عمل آورند، در افکار عمومی جهان مشوه جلوه داده می‌شود. در این مدت و در برابر این همه فتوای خلاف و جنایات ناشی از این فتواها، آل‌الشیخ مفتی اعظم عربستان سعودی ساکت ماند و در مواردی نیز با مفتیان همراهی کرد. با توجه به این سکوت و همراهی، اکنون سؤال این است که چه چیزی موجب شده مفتی اعظم عربستان سعودی فتوا به جنایت‌کار بودن عاملان عملیات انتحاری بدهد؟ نکته مهمی که می‌تواند به پیداکردن جواب این سؤال منجر شود، این است که در عربستان سعودی، هیچ فتوایی، به‌ویژه اگر با مسائل سیاسی مرتبط باشد، بدون اجازه حاکمیت صادر نمی‌شود. وجود مفتی در عربستان، امری تشریفاتی است و مفتیان همواره تابع دستور و مطیع فرمان حاکمان هستند. بنابراین، تردیدی نیست که فتوای شیخ عبدالعزیز آل‌الشیخ علیه عملیات انتحاری، آن هم با چند سال تأخیر، به دستور دولت عربستان صورت گرفته است و





پشتوانه‌ای حکومتی دارد. اما اینکه انگیزه دولت عربستان برای گرفتن این فتوا از شیخ عبدالعزیز آل الشيخ چیست، می‌توان از تحلیل اوضاع روز عربستان به دست آورد. تحلیلگران غربی، این روزها با صراحت اعلام می‌کنند که آل سعود، به‌زودی بهای حمایت خود از تروریست‌ها را خواهند پرداخت؛ تروریست‌هایی که در سوریه به دستور آنها آن همه انسان را کشته‌اند و آن همه خانه و مسجد و کلیسا و اماکن اداری و عمومی را ویران کرده‌اند.

دعا برای القاعده و داعش هم حرام!

حکومت سعودی چندی پیش، فهرست گروه‌های تروریستی را اعلام کرد. در این فهرست، نام القاعده، القاعده در جزیره العرب، القاعده در یمن، القاعده در عراق، جبهه النصره، دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)، حزب‌الله داخل عربستان، اخوان المسلمین و گروه الحوثی به چشم می‌خورد. جالب اینجاست که سعودی، هیچ نامی از جبهه اسلامی (النصره) در این بیانیه به میان نیاورده است.

حال، آل الشيخ در گفت‌وگویی با روزنامه الرياض، به همین دستور پادشاه سعودی پرداخته و از همدردی، مهربانی و دعا برای گروه‌هایی که وزارت کشور از آنها نام (علاوه بر حزب‌الله لبنان و...) برده، برحذر داشته است. آل الشيخ در ادامه این گفت‌وگو اظهار داشته است: «ما امت مسلمانی هستیم که از نظر سخن و عمل، به اسلام وابسته‌ایم! اما این گروه‌های اعلام‌شده، هیچ ارتباطی با اسلام ندارند و خیر و مصلحتی در آنها نیست.»

جهاد حرام، کمک مالی به تروریست‌ها مستحب!

عبدالعزیز آل الشيخ، از علمای وهابی سعودی خواست که مردم را به حمایت مالی از گروه‌های مسلح در سوریه ترغیب نکنند.



روزنامه مدینه، امروز (یکشنبه<sup>۱</sup>) به نقل از مفتی اعظم عربستان نوشت: «دعا برای گروه‌های مسلح و حمایت مالی از این گروه‌ها بهترین کار است».

آل‌الشیخ با درخواست برای جلوگیری از مشارکت جوانان سعودی در جنگ سوریه گفت: «مشارکت در درگیری‌های مسلحانه سوریه کار شایسته‌ای نیست».<sup>۲</sup>

عبدالعزیز افزود: من معتقدم که حمایت مالی از گروه‌های مسلح و دعا برای این گروه‌ها بهتر از مشارکت در درگیری‌های مسلحانه سوریه است؛ زیرا مشارکت جوانان عربستانی در این درگیری‌ها آنان را در معرض حملات دشمنان قرار می‌دهد!

مفتی اعظم عربستان خاطر نشان کرد: شایسته نیست که جوانان عربستانی برای مشارکت در درگیری‌های مسلحانه سوریه، به عنوان کالا فروخته شوند. علاوه بر این، شرکت جوانان در این درگیری‌ها آنان را به لقمه راحتی برای دشمنان تبدیل می‌کند.<sup>۳</sup>

راهپیمایی برای هم‌بستگی با مردم غزه و فلسطین ممنوع!

شیخ عبدالعزیز در یکی دیگر از فتوای‌های عجیب خود، تظاهرات گسترده مردمی برای اعلام هم‌بستگی با مردم مظلوم و در محاصره فلسطین در نوار غزه را اقداماتی جنجال‌برانگیز و هرج و مرجی بی‌فایده خوانده بود.<sup>۴</sup>

همه کلیساها را خراب کنید!

آل‌الشیخ در مارس ۲۰۱۲م فتوا داد همه کلیساهای جزیره‌العرب تخریب شوند. در پی فتوای نابخردانه عبدالعزیز بن عبدالله آل‌الشیخ، عالم‌نمای وهابی و مفتی رسمی عربستان سعودی، مبنی بر لزوم تخریب کلیساهای جزیره‌العرب، که باعث

۱. شبکه‌الاعالم (۱۳۹۱/۱۰/۱۷).

۲. شبکه‌الاعالم تاریخ گزارش ۱۳۹۱/۱۰/۱۷.

۳. همان.

۴. سایت مشرق نیوز، تاریخ ۹۲/۸/۲۶.



و هن دین مبین اسلام و بدبینی پیروان ادیان ابراهیمی به آیین آسمانی اسلام شده است، شماری از شخصیت‌های جهان اسلام واکنش نشان دادند و صدور این فتوا را محکوم کردند.

دکتر احمد کریمه، استاد شریعت اسلامی دانشگاه الازهر مصر، با کنایه به آل الشیخ گفت: «مفتی عربستان بهتر است به جای صدور فتوای تخریب کلیساها، فتوای حرمت حضور اشغالگران آمریکایی در سرزمین‌های مسلمانان را صادر کند».

وی افزود: «بخشی از ساکنان کشورهای عربی را مسیحیان عرب تشکیل می‌دهند. پس چگونه ممکن است که آنان جایگاهی برای عبادت نداشته باشند؟»

استاد دانشگاه الازهر با اشاره به آیه چهلم سوره حج، اظهار داشت: «در این آیه شریفه، عبارت «مساجدی که در آن نام خدا زیاد برده می‌شود» وجود دارد و کلیساها هم از اماکنی هستند که نام خدا زیاد در آن برده می‌شود و از همین رو محترم‌اند. همچنین دکتر نجیب جبرائیل، فعال حقوق بشر، در این زمینه گفت: «فتوای آل الشیخ، تضعیف بسترهای گفت و گوی ادیان را به دنبال دارد و با اقدامات علما و نخبگان اسلامی برای ایجاد چارچوب‌های گفت و گوی ادیان، به‌طور کامل ناسازگار است».

وی افزود: «سرزمین‌های اسلامی، همیشه سرزمین امنی برای صومعه‌ها و کلیساها بوده است؛ در حالی که فتوای آل الشیخ، نژادپرستانه است».

این فعال حقوقی از سازمان رابطه العالم الاسلامی و دانشگاه الازهر مصر خواست که در برابر چنین فتوایی واکنش نشان دهند و از صدور چنین فتوای نژادپرستانه‌ای جلوگیری کنند. وی همچنین از رؤسای کشورهای عربی حوزه خلیج فارس خواست به فتوای آل الشیخ، جامه عمل نپوشانند.

شیخ عبدالحمید اطرش، رئیس سابق کمیته فتوای الازهر، نیز اعلام کرد: «کلیساها در کشورهای عربی، همیشه محلی برای عبادت مسیحیان عرب بوده‌اند. این کلیساها در



کنار مساجد و بدون هیچ تنشی وجود داشته‌اند و بی‌شک، حقوق و حرمت دارند». وی افزود: «امثال این فتاوا به مثابه برافروختن آتش طایفه‌ای و برپایی جنگ میان مسلمانان و مسیحیان است».

یکی دیگر از شخصیت‌های جهان اسلام که به فتوای خصمانه مفتی بزرگ وهابیان واکنش نشان داد، ژوزف هاشم شاعر معروف لبنانی، است. این شاعر که از دین مسیحیت به اسلام مشرف شده، با تأکید بر اینکه این گونه فتاوا منجر به برافروختن آتش دینی و مذهبی می‌شود، خطاب به این مفتی وهابی گفت: «لطفاً قرآن را به‌دقت بخوان!»

وی افزود:

چرا عالمان وهابی به آیات قرآنی در مورد ویژگی «رحمة للعالمین بودن پیامبر اعظم ﷺ» و «زندگی همراه با آرامش مسیحیان نجران در دوران پیامبر ﷺ» و «حکم به قصاص قاتل مسلمانی که بی‌سبب مسیحی را کشته بود» و مانند این گونه آیات و اخبار توجهی نمی‌کنند؟

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) هم با صدور بیانیه شدیداللحنی، ضمن محکوم کردن این فتوای بی‌ارزش، به جهانیان اعلام کرد که رژیم آل سعود و عالم‌نمایان وهابی عربستان، نماینده اسلام حقیقی نیستند.

در بخشی از این بیانیه آمده است:

آل سعود در سال‌های ابتدایی قرن گذشته با خشونت سبانه و با حمایت قدرت‌های استعماری، حجاز را تصرف کردند و از آن زمان تاکنون، به‌مدد حاکمیت بر «سرزمین مقدس حرمین شریفین»، قرائت انحرافی و غیرانسانی خود را به نام اسلام ترویج می‌کنند.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) در این بیانیه تأکید کرده است، آنچه که اینک در این فتوا - مبنی بر لزوم تخریب کلیساها - آمده است، با دستورات خداوند، سنت پیامبر اکرم ﷺ و سیره جانشینان آن حضرت، مخالف صریح دارد؛ از این رو نه‌تنها شیعیان، آن را مردود می‌دانند، بلکه اهل سنت نیز از این فتوا بیزاری می‌جویند.



شایان ذکر است که روز نه مارس گذشته (۱۹ اسفند ۱۳۹۰) هیئتی به نمایندگی از جمعیت التراث الاسلامی کویت با «شیخ عبدالعزيز آل الشيخ» مفتی رسمی عربستان دیدار کرد. اعضای این هیئت در آن دیدار از آل الشيخ راجع به تصویب لایحه پارلمان کویت بر ممنوعیت تخریب کلیساها استفتاء کردند و مشروع یا نامشروع بودن این لایحه را جویا شدند.

آل الشيخ نیز در جواب آنان، فتوایی نادر صادر کرد و گفت: کویت بخشی از جزیره عربی است و در جزیره عربی، باید تمام کلیساها تخریب شود؛ زیرا وجود کلیساها، اقرار و تأیید دین آنان است و پیامبر اکرم ﷺ فرموده: دو دین در شبه جزیره عرب جمع نمی‌شود.

**جشن کریسمس حرام!**

علاوه بر آن، رزق المشفی، سخنگوی رسمی شورای امر به معروف و نهی از منکر در عربستان، که به پلیس دینی مشهور است، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: اعضای این شورا در شهر جوف، به منزل یک تبعه آسیایی که ۴۱ مرد و زن آسیایی به همراه یک عربستانی و یک مصری در آن به برگزاری جشن کریسمس مشغول بودند، حمله و همگی را بازداشت کرده‌اند.

به گفته وی، برخی بازداشت‌شدگان، زن و شوهر یا همکار هستند. این در حالی است که شیخ عبدالعزيز بن عبدالله آل الشيخ، مفتی کل عربستان سعودی برگزاری جشن ازدواج یا کریسمس را تحریم کرده است.

شیخ محمد العثیمین، عضو هیئت علمای عربستان نیز فتوا داده که تبریک گفتن کریسمس یا دیگر اعیاد کافران به آنها، حرام است.

**نماز و طلب رحمت برای مرده حرام!**

شیخ عبدالعزيز بن عبدالله آل الشيخ در پاسخ این پرسش که اگر در کنار قبر میتی دو



رکعت نماز بخوانیم و در نماز برای میت دعا کنیم، حکمش چیست، می گوید: «نماز در گورستان جایز نیست و از نشانه‌های شرک است. فقط نماز میت را می‌توان در کنار قبر خواند».<sup>۱</sup>

همه آثار اسلامی را خراب کنید و آثار باستانی را نگاه دارید!

آل‌الشیخ اعلام کرد: «تخریب هریک از آثار در حرمین شریفین، نه تنها مانعی ندارد، بلکه ضروری است». وی از آثار تاریخی و اسلامی، به عنوان اشیا نام برد و افزود: «از میان برداشتن این اشیا برای توسعه ضروری است و اشکالی در آن وجود ندارد».

صدور مجوز رسمی برای تخریب آخرین آثار باقیمانده اسلامی در مکه و مدینه، درحالی است که مسئولان این کشور سال‌هاست به بهانه حفظ آنچه که میراث فرهنگی عربستان سعودی می‌نامند، هر سال جشنواره‌ای را با رقص و آواز برگزار می‌کنند. جشنواره‌ای که همواره به دلیل درگیری میان پلیس دینی و نیروهای گارد ملی با حاشیه‌های فراوانی همراه می‌شود.

مسئولان عربستانی از ده سال پیش، تخریب آثار اسلامی و تاریخی مکه مکرمه را آغاز کردند؛ برای مثال، خانه محل تولد حضرت محمد ﷺ را به کتابخانه عمومی تبدیل، و خانه همسر ایشان خدیجه رضی الله عنها را تخریب کردند و به جای آن، سرویس‌های بهداشتی عمومی ساختند! میدان‌های جنگی دوران صدر اسلام مانند محل وقوع جنگ بدر نیز به پارکینگ تبدیل شده است.

مسئولان سعودی، تخریب آثار اسلامی و تاریخی را با ادعای لزوم توسعه صنعت گردشگری دینی توجیه می‌کنند؛ زیرا این صنعت، درآمدهای بسیار کلانی را برای آنها

۱. هفته‌نامه «المسلمون»، شماره ۶۱۴، مورخ ۲۷ جمادی‌الآخره ه. ق ۱۴۱۷ برابر با ۱۳۷۵/۸/۱۸ ه. ش.



به همراه داشته است که هر سال نیز بر میزان آن افزوده می‌شود. براساس گزارش‌ها در عربستان، ۹۵ درصد بناهایی که عمر آنها به صدها سال پیش بازمی‌گردد، طی دو دهه گذشته تخریب شده است. این در حالی است که مقامات سعودی، مدعی اند این تغییرات، بخشی از پروژه نوسازی شهر، و به نفع حجاج است. مقامات سعودی علاوه بر مکه، برای توسعه مدینه منوره، به ویژه مسجد پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آرامگاه مطهر ایشان نیز برنامه دارند.

این در حالی بود که عبدالله بن سلیمان المنیع از مفتی‌های سعودی، طی بازدید از یک اثر باستانی به نام مدائن صالح در شمال غرب مدینه منوره، آثار باستانی را نماینده تمدن‌های گذشته و مایه پند و عبرت مردم دانسته و بر حفظ آن تأکید کرده بود. این فتوا هیچ‌گاه مورد اعتراض آل‌الشیخ قرار نگرفت.

گفت‌وگوی بقیه غیر از خودم با شبکه‌های ماهواره‌ای حرام!

مفتی اعظم عربستان تماس و گفت‌وگوی مردم این کشور با شبکه‌های ماهواره‌ای درباره مسائل عربستان را خیانت و جنایت قلمداد کرد.

العالم: شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل‌الشیخ، مفتی اعظم و رئیس شورای عالی علمای عربستان، دیروز در تازه‌ترین فتوای خود در خطبه‌های نماز جمعه در مسجد امام ترکی بن عبدالله در ریاض گفت: «گفت‌وگو با شبکه‌های ماهواره‌ای درباره مسائل داخلی عربستان، خیانت و جنایت به شمار می‌رود».

مفتی عربستان مدعی شد: «این شبکه‌ها مغرض‌اند و هدف آنها انتشار هرج و مرج و فتنه‌انگیزی در کشور است و هیچ هدفی جز ایجاد تفرقه در میان مردم و نابودی وحدت آنها ندارند».

به نوشته روزنامه عکاظ عربستان، وی درباره افراد معترض و منتقد به رژیم حاکم



عربستان نیز گفت: «شهروندان باید این افراد را به نهادهای ذیربط معرفی کنند و همکاری با این افراد، خیانت و کمک به دشمن به شمار می‌رود».

میزان آزادی‌ها از جمله آزادی رسانه‌ای در عربستان، در پایین‌ترین حد در منطقه عربی و حتی در جهان سوم است. عربستان در جدول آزادی مطبوعات، جزء یک سوم آخر دوستان کشور جهان است، و بیش از ۲۵۰ هزار سایت خبری در این کشور فیلتر شده است. براساس محدودیت‌های موجود در عربستان، انتقاد از مفتی اعظم، اعضای مجمع علمای ارشد و مقامات و کارمندان دولتی، برهم‌زدن امنیت ملی و خدمت به منافع خارجی علیه منافع ملی و جرم به شمار می‌رود.

فروش لباس زیر زنانه توسط زنان حرام!

آل‌الشیخ در مخالفت با نظر وزارت کار عربستان، اعتراض خود را با کارکردن زنان در فروشگاه‌های لباس‌های مخصوص زنان (لباس زیر) ابراز داشت. وی در توجیه این فتوای عجیب گفته است: «زنان، امانتی بر گردن ما هستند و به همین سبب، ایشان را در غیرکارهایی که مختص ایشان است، به کار نخواهیم گرفت».

پرداخت «فطریه نقدی» حرام!

آل‌الشیخ، رئیس کمیته دائمی فتوا، فتوا داده است که پرداخت فطریه به صورت نقدی جایز نیست؛ زیرا احادیث و روایات موجود از حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد که ایشان به ما دستور داده فطریه خود را از خوراک و طعامی مانند برنج، کشمش و غیره بپردازیم. بنابراین می‌بینیم که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هیچ‌گاه فطریه به صورت نقدی پرداخت نمی‌شد؛ از همین رو می‌توان گفت که پرداخت نقدی فطریه مخالفت با سنت رسول الله صلی الله علیه و آله است و بدعت به شمار می‌رود. هر فرد مسلمانی باید از شریعت خداوند متعال پیروی کند و مخالفت با آن، بدعت است.





آل الشیخ همچنین افزوده است: نباید فراموش کرد که پرداخت فطریه، بهتر است دقیقاً قبل از برگزاری نماز عید فطر انجام شود؛ اما اگر هم یک یا دو روز زودتر پرداخت شود، هیچ اشکالی ندارد. اما اگر بعد از نماز عید فطر پرداخت شد، دیگر فطریه به شمار نمی‌رود، بلکه به صدقه تبدیل می‌شود. بنابراین فرد باید فطریه را در زمان تعیین شده بپردازد.

#### شهیدان ویروس کرونا

عبدالعزیز آل الشیخ با استناد به حدیثی که جان‌باختگان طاعون را در زمره شهدا به شمار می‌آورد، به روزنامه عکاظ گفت: «این بیماری هم از طاعون‌هایی است که گروهی از مردم را مبتلا کند». این در حالی است که مفتی‌ها و شیوخ عربستان در زمینه شهیدانستن جان‌باختگان بیماری کرونا دچار اختلاف هستند.

شیخ عبدالله بن سلیمان المنیع، عضو هیئت شیوخ بلندپایه و مشاور دربار عربستان، معتقد است که جان‌باختگان این بیماری، شهید نیستند؛ اما دکتر علی بن عباس الحکمی، عضو هیئت، در قبال نامیدن آنان به چنین صفتی، دچار تردید بوده و معتقد است در صورتی که بیماری مسری و فراگیر اعلام شود، جان‌باختگان مزبور شهیدند.

#### دیدن سریال‌های ترکیه حرام!

طبق فتوای برخی مفتیان وهابی عربستان سعودی از جمله شیخ عبدالعزیز آل الشیخ، دیدن سریال‌های ترکیه، اقدامی حرام است.

در این فتوایی که علمای وهابی عربستانی آن را صادر کردند، پخش این گونه سریال‌ها از سوی شبکه‌های ماهواره‌ای، مبارزه با خدا و پیامبر اسلام ﷺ معرفی شده است.

در همین راستا شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل الشیخ، مفتی اعظم عربستان سعودی، گفت: «مشاهده این گونه سریال‌ها جایز نیست؛ زیرا در آن شر و بلا وجود دارد و اخلاق در چنین فیلم‌هایی منهدم می‌شود و در آن، فقط با فضایل الهی و اسلامی مبارزه



شده است».

وی در ادامه افزود: «مسلمان باتقوا که از خداوند متعال می‌ترسد، خطر این‌گونه کارها را می‌داند و بی‌شک از آن پرهیز، و فرزندان و خانواده خود را نیز از دیدن این چنین سریال‌های ضداخلاقی منع می‌کند».

شیخ منبع همچنین گفت: متأسفانه وسایل ارتباط جمعی وجود ندارد که از خدا بترسد و تقوا پیشه کند و به جای اینکه ندیدن این‌گونه فیلم‌ها را تبلیغ کنند، برای مشاهده هرچه بیشتر آن تبلیغ می‌کنند، زیرا بیشتر مالکان این‌گونه شبکه‌ها افرادی یهودی، مسیحی و سکولار هستند.

نکته قابل توجه این است که این فتوا در حالی صادر شد که طی یکی دو سال اخیر، بسیاری از شهروندان عربستان سعودی به مشاهده سریال‌های ساخت ترکیه روی آورده‌اند و به شدت از آن استقبال می‌کنند.

**دیدن کارتون ساخت خودمان حرام!**

کمیته دائم پژوهش‌های علمی و فتوا در عربستان، از سریال کارتونی با نام «۹۹ نفر» که شبکه کارتون و کودک «ام بی سی» پخش می‌کند، انتقاد کردند و با صدور فتوایی، دیدن این کارتون را تحریم کردند. روزنامه «القدس العربی» چاپ لندن در این باره تأکید کرد:

جنجال درباره سریال «۹۹ نفر»، از آنجا آغاز شد که قهرمان این سریال کارتونی، کارهایی را انجام می‌دهد که فراتر از توانایی‌های انسان است. به همین دلیل، این مسئله بحث و جدلهایی را در میان علمای این کمیته برانگیخته است.

اسامی قهرمانان این سریال کارتونی از صفات خداوند است. این فتوا را «شیخ عبدالعزیز آل‌الشیخ» و شش تن دیگر از اعضای کمیته دائم پژوهش‌های علمی و فتوا امضا کرده‌اند. گفتنی است، مالکان شبکه «ام بی سی» اهل دبی، سعودی و وهابی هستند. در ادامه مطالب به آنها خواهیم پرداخت.



سجده فوتبالیست‌ها بعد از گل‌زدن مکروه!

چندی قبل در یکی از برنامه‌های تلویزیونی شبکه المجدد، این سؤال از آل الشیخ پرسیده شد که حکم سجده ورزشکاران در میدین ورزشی چیست؟

آل الشیخ پاسخ داد: «اگر سجده، به مصلحت عامه مسلمین باشد، جایز است؛ زیرا رسول خدا ﷺ وقتی خبر خوشی در مورد پیروزی اسلام به او می‌دادند، برای خدا سجده می‌کرد؛ زیرا آن خبر به مصلحت عامه مسلمانان بود...».

پس از آن، آل الشیخ با ذکر دلایل زیر، از سجده ورزشکاران نهی کرد:

۱. ورزشکاران لباس‌های تن‌نما می‌پوشند و خدا از این کار نهی کرده است؛
۲. گاهی مواقع، حریف مقابل از مسلمانان و برادران دینی‌شان هستند. یعنی در اینجا مصلحت شخصی وجود دارد، نه مصلحت عامه.

و سرانجام پاسخ آل الشیخ چنین بود: «سجده ورزشکاران در میدین ورزشی مکروه است».<sup>۱</sup>

۱. فیلم: شیوه تأسف‌بار تعرض وهابی‌ها به روحانیون ایرانی در مدینه منوره



نامه اعتراض سرگشاده آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی به عبدالعزیز آل‌الشیخ

با ادامه و شدت یافتن تهاجم‌های آل‌الشیخ به شیعیان، هجده اردیبهشت ۱۳۹۰ هـ. ش، آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به عبدالعزیز آل‌الشیخ، تهمت‌های ناروا و بی‌اساس و تکفیر شیعیان را خدمت بزرگی به دشمنان اسلام، به‌ویژه آمریکا و اسرائیل دانست.

در نامه آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی آمده است:

جناب‌عالی در اظهارنظر اخیر خود، با تعبیرات بسیار توهین‌آمیز و زشت و زننده‌ای که در شأن اهل علم نیست، شیعیان جهان را «صفویه مجوس» و دشمن مسلمانان خوانده‌اید و مسلمین را از آنها برحذر داشته‌اید.

این اولین بار نیست که این‌گونه تهمت‌های ناروا و دور از منطق را از علمای وهابی می‌شنویم که با آن، بذر اختلاف می‌پاشند و دشمن را شاد می‌کنند. اهانت زشت دیگر شما به پیشگاه مقدس حضرت مهدی (ارواحنا فداه) و توهین به شیعیان، به سبب اعتقادشان به امام زمان علیه السلام کار ناپسند دیگری است که تازگی ندارد. نشان می‌دهد که مفتیان وهابی از بحث منطقی گریزان‌اند و دائماً به هتاک‌ها و توهین پناه می‌برید.





آیت‌الله العظمی مکارم در ادامه نامه خود آورده است:

در اینجا چند نکته را خدمت شما یادآور می‌شوم:

۱. عجیب است از شما که در چنین مقامی قرار دارید، چرا تعلیمات قرآن مجید را فراموش کرده‌اید که دعوت به سوی راه خدا را از طرق مؤدبانه و «موعظه حسنه» توصیه می‌کند؛ ولی شما به جای آن، به توهین و تهمت و دروغ متوسل شده‌اید که اسلام از آن بیزار است.

۲. شما از تاریخ اسلام و کتب حدیث خودتان، متأسفانه اطلاع کافی ندارید که انتخاب نام شیعه برای پیروان و علاقه‌مندان علی علیه السلام از سوی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است و از همان زمان رواج داشته. خوب است نگاهی به تاریخ اسلام کنید. صدها سال قبل از صفویه، شیعیان علی علیه السلام در مکه و مدینه و عراق و شام و مصر و ایران و نقاط دیگر بوده‌اند و حتی حکومت‌هایی را اداره می‌کرده‌اند.

۳. شما مفتی بزرگ وهابی، فراموش کرده‌اید که اگر شیعیان ایران و لبنان نبودند، اسرائیل و آمریکا بر تمام منطقه خاورمیانه مسلط شده بود و معلوم نیست در آن زمان، مفتیان شما چه می‌کردند و کجا بودند؟!

۴. هنگامی که اسرائیل، مسلمانان غزه را که عموماً اهل سنت بودند، قتل عام می‌کرد، شیعیان ایران و نقاط دیگر بیش از همه از آنها حمایت کردند که اگر این حمایت‌ها نبود، اسرائیل به جنایات خود ادامه می‌داد.

۵. خوب است علمای وهابی، تاریخ پیدایش علوم اسلامی را مطالعه کنند تا ببینند پدیدآورندگان علوم اسلام، غالباً شیعیان اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند و آثار علمی آنها از آن زمان در تمام کتابخانه‌های معتبر جهان وجود دارد، جز در کتابخانه‌های شما!

۶. از این حقیقت غافل نشوید که این تهمت‌های ناروا و بی‌اساس و تکفیر شیعیان، خدمت بزرگی به دشمنان اسلام، مخصوصاً آمریکا و اسرائیل می‌کند؛ زیرا عکس‌العمل آن، تنفر شدید شیعیان جهان از وهابی‌هاست و نتیجه آن، همان چیزی است که دشمنان اسلام می‌خواهند که نزاع و جنگ مذهبی در میان مسلمین پیدا



شود و آنها به راحتی ثروت‌های عظیم منطقه را به غارت برند.

۷. جناب عالی نباید فراموش کنید که بارها از سوی بعضی علمای وهابی، حکم تکفیر شیعیان صادر شده [است]. این حربه کهنه و زنگ‌زده، کمترین اثری در تضعیف آنها نداشته، بلکه روز به روز در حال پیشرفت فرهنگی در جهان اسلام‌اند.

در پایان این نامه بیان شده است:

بارها گفته‌ایم اگر جلسه‌ای میان ما و شما تشکیل می‌شد، ما اشتباهات شما را در این زمینه از کتاب‌های خودتان به اثبات می‌رساندیم تا بیش از این ضربه به وحدت جامعه اسلامی، که مایه شادی دشمنان است، وارد نکنید.

بیاید منطق پوسیده تهمت و توهین و تکفیر را رها کرده، دست دوستی به سوی هم دراز کنیم و به فکر پیشرفت و عظمت اسلام و مسلمین باشیم.

## منابع

<http://themuslim500.com>

<http://www.sohari.com>

<http://mufti.af.org.sa/>

<http://ar.islamway.net>

<http://www.vahabiat.porsemani.ir>

<http://fa.alalam.ir/news/373404>

<http://www.khanekheshti.com>

<http://www.cbn.com>

<http://www.sibtayn.com>

<http://islam-press.ne>

<http://fararu.com>



<http://fa.alalam.ir>

<http://www.fardanews.com>

<http://www.monazereh.ir>

<http://www.tebyan-sk.ir>

<http://www.valiasr-aj.com>

<http://www.armageddon.ir>

<http://alnejah.com>

<http://ansar-albadr.ir>





## محمد ناصرالدین البانی



### زندگی نامه

البانی از علمای معاصر وهابیت است که در علوم حدیث از شهرت بسزایی در بین وهابیان برخوردار، و مورد احترام خاص آنهاست.<sup>۱</sup> رهبران وهابی از او به عالم، محدث، فقیه و امام یاد می‌کنند و درباره او این تعبیر را به کار برده‌اند که گویا با وجود البانی در این زمان، عصر ابن حجر عسقلانی و ابن کثیر، دو استوانه علمی اهل سنت، دوباره تکرار شده است.<sup>۲</sup>

وهابیان در مباحث حدیثی به او مراجعه، و آراء او را در مورد احادیث از حیث ضعف و صحت اخذ می‌کنند و آن‌قدر در حق او غلو می‌کنند که درباره او تعبیراتی چون

۱. رک: البانی و بن باز، علی‌اصغر رضوانی، پژوهشکده حج و زیارت.

۲. مشاهیر أعلام المسلمین، علی بن نایف الشحود، ص ۱۴۵.



داناترین شخص روی زمین به سنت، محدث عصر، امام دعوت، ناصر سنت، محدث متقن و علامه متقن به کار می‌برند. این در حالی است که می‌دانند او طلب علم نکرده و علم حدیث و جرح و تعدیل را نزد استاد متخصص یا غیرمتخصص فرا نگرفته است، و این امری است که پیروان او آن را از علما مخفی می‌کنند.

### کودکی

البانی سال ۱۳۳۳ ه. ق مطابق با ۱۹۱۴م، در شهر اشکودر پایتخت حکومت آلبانی در خانواده‌ای فقیر و اهل علم به دنیا آمد. پدرش «نوح نجاتی» بعد از اینکه دروس دینی را در مدارس دینی آستانه قدیم، استانبول امروزی، پایتخت دولت عثمانی فراگرفت، به آلبانی برگشت.

### مهاجرت به سوریه

پس از آنکه فردی لائیک به نام احمد زوغو بر حکومت البانی مسلط شد، او به مسلمانان سخت گرفت. او کشف حجاب و پوشیدن لباس‌های غربی را اجباری کرد، و از همین رو بسیاری از مردم از جمله خانواده البانی نه‌ساله به دمشق مهاجرت کردند.

### تحصیلات

وی مدتی در مدرسه، سپس نزد پدر و بعضی از دوستان پدر مانند شیخ «سعید برهانی» قرآن، تجوید، نحو و صرف و فقه مذهب حنفی را آموخت. از شیخ «راغب طباخ» اجازه روایت حدیث گرفت.

البانی در بیست سالگی با اثرپذیری از مطالعه مجله «المنار» شیخ رشید رضا، به علم حدیث روی آورد. خود البانی می‌گوید:

روزی در یکی از کتاب‌فروشی‌ها یک شماره از مجله «المنار» را دیدم، که در آن سید رشید رضا، درباره کتاب احیاء علوم‌الدین اثر غزالی، خوبی‌ها و اشکالاتی که در این کتاب وجود دارد، بحثی علمی کرده بود. من برای اولین بار چنین نقد علمی را می‌دیدم. همین امر باعث شد تا تمام مجله را بخوانم، و آنگاه تخریب



حافظ «عراقی» را بر کتاب «احیاء علوم» مطالعه و بررسی کنم، و چون خریدن پول کتاب را نداشتم، آن را به عاریت گرفتم و خواندم. وقتی که آن تخریب دقیق را دیدم، تصمیم گرفتم از آن کتاب نسخه برداری کنم، و گمان می‌کنم این کوشش و تلاشی که در این راه به کار بردم، مرا تشویق کرد، و به ادامه این کار علاقه‌مند ساخت.

وی حرفه ساعت‌سازی را از پدر آموخت و در این فن، استادی ماهر شد، و از این راه امرار معاش می‌کرد.

### آغاز سلفی‌گری در شام

بعد از شهرت یافتن وی نزد وهابیان<sup>۱</sup>، برای تدریس علوم حدیث در دانشگاه اسلامی به مدینه فراخوانده، و به مدت سه سال در آنجا مشغول تدریس شد.<sup>۲</sup> وی سپس به دستور محمد بن ابراهیم آل‌الشیخ به سبب اختلافاتی که پدید آورد، اخراج شد!

البانی پس از ورود جریان سلفی‌گری، با صوفی‌گری به مبارزه برخاست و در این راستا به شهرهای دیگر سوریه مانند حلب، لاذقیه، حمص، حماه، و دیگر کشورها مانند اردن و لبنان سفر کرد.

### زندان

البانی در مجموع تا سال ۱۹۶۷م، به مدت هفت ماه زندانی شده بود. وی در زندان، «صحیح مسلم» را تلخیص کرد و برای زندانی‌ها علاوه بر سخنرانی، نماز جمعه و جماعت برپا می‌کرد.

---

۱. نکته‌ای که باید اشاره شود، اینکه شهرت او بین وهابیان بوده است، و الا با ابراز تفکر وهابی و با نوشتن کتاب «تذییر الساجد من اتخاذ القبور مساجد» علمای شام این کتاب را از کتب ضاله دانستند و مردم را از خواندن آن نهی می‌کردند.

۲. مشاهیر أعلام المسلمین، ص ۱۴۵.



## مسافرت‌های تبلیغی

البانی، بعد از آزادی از زندان، از سوریه به اردن رفت و سپس به سوریه برگشت و از آنجا به بیروت، سپس به امارات، و در نهایت، به اردن رفت و در شهر «عمّان» پایتخت اردن مسکن گزید.

## مناصب

- مسئول طرح تحقیقاتی پالایش احادیث دایرةالمعارف فقه اسلامی ۱۹۵۵م؛
- عضو لجنة الحدیث، در دوره اتحاد مصر و سوریه برای اشراف بر نشر کتب اهل سنت؛
- شیخ الحدیث دانشگاه سلفی بنارس الهند، که البته به سبب دوری از خانواده و از ترس جنگ‌های میان پاکستان و هند آن را قبول نکرد؛
- ریاست گروه مطالعات اسلامی دانشگاه مکه به پیشنهاد حسن بن عبدالله آل الشیخ، وزیر معارف دولت سعودی، ۱۳۸۸ ه. ق که شرایط برای آن فراهم نشد!
- عضو مجلس اعلای دانشگاه اسلامی مدینه ۱۳۹۵ - ۱۳۹۸ ه. ق؛
- تدریس و سخنرانی در کشورهای مختلف غرب آسیا و اروپا.

## آثار

البانی کتاب‌های بسیاری را تحقیق و تخریج، و کتاب‌های فراوانی نیز تألیف کرده است، که گویا تا کنون حدود چهل کتاب چاپ شده است. برخی از کتاب‌های البانی عبارتند از:

## تألیفات

۱. آداب الزفاف في السنة المطهرة؛
۲. الأجوبة النافعة عن أسئلة مسجد الجامعة؛
۳. أحاديث البيوع وآثاره (خاص موسوعة الفقه الإسلامي دانشکده فقه اسلامی دمشق)؛



٤. أحكام الجنائز وبدعها؛
٥. أحكام الركاز؛
٦. إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل؛
٧. إزالة الشكوك عن حديث البروك (مسألة البروك في السجود، در پاسخ به استدلال ابن قيم در زاد المعاد)؛
٨. بغية الحازم في فهرسة مستدرک الحاكم؛
٩. تحذير الساجد من اتخاذ القبور مساجد؛
١٠. تصحيح حديث إفطار الصائم قبل سفره بعد الفجر؛
١١. تلخيص أحكام الجنائز؛
١٢. تلخيص صفة صلاة النبي صلى الله عليه وسلم؛
١٣. تمام المنة في التعليق على كتاب (فقه السنة) للسيد سابق — التوسل أنواعه وأحكامه؛
١٤. الثمر المستطاب في فقه السنة والكتاب (منتشر شده پس از مرگ او)؛
١٥. حجاب المرأة المسلمة في الكتاب والسنة: جلابب المرأة المسلمة في الكتاب والسنة؛
١٦. حجة النبي صلى الله عليه (وآله) و سلم كما رواها جابر؛
١٧. حجة الوداع؛
١٨. حديث حجة بنفسه في العقائد والأحكام؛
١٩. الحوض المورود في زوائد منتقى ابن الجارود وهو في زوائده على الصحيحين؛
٢٠. خطبة الحاجة التي كان رسول الله صلى الله عليه (وآله) وسلم يعلمها أصحابه؛
٢١. دفاع عن الحديث النبوي والسيرة والرد على جهالات الدكتور البوطي في فقه السيرة؛
٢٢. الذب الأحمدي عن مسند الإمام أحمد؛
٢٣. الرد على ابن حزم في إباحة آلات اللهو والطرب؛



٢٤. الردُّ على (هدية البديع) في مسألة القبض بعد الركوع؛
٢٥. الرد على رسالة (إباحة التحلي بالذهب المحلق) للشيخ إسماعيل الأنصاري  
(ضمن كتاب «حياة الألباني وآثاره»);
٢٦. الرد على رسالة (التعقيب الحثيث) لعبدالله الحبشي؛
٢٧. الرد على رسالة العلامة الشيخ التويجري في بحوث من صفة الصلاة؛
٢٨. الرد على كتاب (المراجعات) للمدعو عبدالحسين شرف الدين الشيعي؛
٢٩. رفع الآصار في ترتيب (مشكل الآثار) للإمام الطحاوي؛
٣٠. الروض النضير في ترتيب وتخريج معجم الطبراني الصغير؛
٣١. سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهاها وفوائدها؛
٣٢. سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة؛
٣٣. العقيدة الطحاوية شرح وتعليق؛
٣٤. صحيح (الأدب المفرد) للبخاري؛
٣٥. صحيح (الترغيب والترهيب) للمنذري؛
٣٦. صحيح (الجامع الصغير وزياداته) للسيوطي في ستة أجزاء؛
٣٧. صحيح (سنن ابن ماجه)؛
٣٨. صحيح (سنن أبي داود)؛
٣٩. صحيح (سنن أبي داود) (الموسع) ناتمام؛
٤٠. صحيح (سنن الترمذي)؛
٤١. صحيح (سنن النسائي)؛
٤٢. صحيح (الكلم الطيب) لشيخ الإسلام ابن تيمية؛
٤٣. صفة صلاة النبي من التكبير إلى التسليم كأنك تراها؛
٤٤. صفة الصلاة (الكبير) وهو الأصل للكتاب السابق؛
٤٥. صفة صلاة الكسوف وما ورد فيها من الآيات؛



٤٦. صلاة التراويح؛
٤٧. صلاة العيدين في المصلى خارج البلد هي السنة؛
٤٨. ضعيف (الأدب المفرد) للبخارى؛
٤٩. ضعيف (الترغيب والترهيب) للمنذرى - في مجلدين؛
٥٠. ضعيف (الجامع الصغير) في ستة أجزاء؛
٥١. ضعيف (سنن أبي داود) (الموسع) - ناتمام؛
٥٢. عودة إلى السنة وهي سلسلة مقالات نشرت في مجله (المسلمون)؛
٥٣. غاية المرام في تخريج أحاديث (الحلال والحرام) قرضاوى؛
٥٤. فهرس أحاديث كتاب (الشريعة) للأجرى؛
٥٥. فهرس ات دار الكتب الظاهرية وهو (المنتخب من ات الحديث)، من ات (المجمع العلمي العربي) دمشق؛
٥٦. فهرس لمسانيد الصحابة لمسند الإمام أحمد - چاپ شده در مقدمة المسند، چاپ المكتب الإسلامى؛
٥٧. قيام رمضان و معه بحث قيم عن الاعتكاف؛
٥٨. كشف النقاب عما في (كلمات أبي غدة) من الأباطيل والافتراءات؛
٥٩. اللحية في نظر الدين؛
٦٠. مختصر (صحيح البخارى) طبع الأول منه والثاني؛
٦١. مختصر (صحيح مسلم) في أربعة أجزاء - گمشده؛
٦٢. مختصر كتاب (العلو للعلي العظيم) ذهبي؛
٦٣. معجم الحديث، ٣ جلد؛
٦٤. مناسك الحج والعمرة في الكتاب والسنة وآثار السلف؛
٦٥. مناظره مكتوب با تعدادى از پيروان فرقه قاديانية، و رئيس آنها در دمشق نور أحمد پاكستانى؛



٦٦. منزلة السنة في الإسلام وبيان أنه لا يستغني عنها بالقرآن؛
٦٧. نصب المجانيق في نسف قصة الغرائق؛
٦٨. نقد كتاب (التاج الجامع للأصول) الجزء الأول - شيخ منصور ناصيف؛
٦٩. نقد (نصوص حديثية في الثقافة العامة) شيخ محمد منتصر الكتاني؛
٧٠. وجوب الأخذ بأحاديث الأحاد في العقيدة؛
٧١. وصف الرحلة الأولى للحجاز والرياض مرشداً للجيش السعودي أثناء عودته للمملكة بعد حرب فلسطين عام ١٩٤٨م؛
- تحقيقات، تخريجات، وتعليقات:
١. تحقيق كتاب (الآيات البينات على عدم سماع الأموات على مذهب الحنفية السادات) نعمان آلوسي - والتعليق عليه؛
  ٢. تحقيق كتاب (الأحاديث المختارة) للضياء المقدسي - ناتمام؛
  ٣. تحقيق كتاب (الأحكام الوسطي) لعبدالحق الإشبيلي وتخريج أن؛
  ٤. تحقيق كتاب (اقتضاء العلم العمل) للخطيب البغدادي، وتخريج أن؛
  ٥. تحقيق كتاب (الإيمان) لابن أبي شيبة، و تخريج أن؛
  ٦. تحقيق كتاب (الإيمان) لأبي عبيد القاسم بن سلام، و تخريج أن؛
  ٧. تحقيق كتاب (التنكيل بما في تأنيب الكوثري من الأباطيل) نوشته شيخ عبدالرحمن بن يحيى معلمى يمانى، و تعليق بر آن ٢جلد؛
  ٨. تحقيق كتاب (رياض الصالحين) إمام النووي؛
  ٩. تحقيق كتاب (العلم) أبي خيثمة، و تخريج أن؛
  ١٠. تحقيق كتاب (رفع الأستار لإبطال قول القائلين بفناء النار) صنعاني؛
  ١١. تحقيق كتاب (فضائل الشام ودمشق) حافظ ربعي؛
  ١٢. تحقيق كتاب (فضل الصلاة على النبي صلى الله عليه وسلم) قاضي إسماعيل بن إسحاق، و تخريج أن؛





١٣. تحقيق كتاب (مختصر صحيح مسلم) للمنزري، و تعليق بر آن؛
١٤. تحقيق كتاب (مساجلة علمية بين الإمامين ابن عبدالسلام وابن الصلاح حول صلاة الرغائب المبتدعة) با همكارى زهير شاويش؛
١٥. تخريج أحاديث كتاب (الاحتجاج بالقدر) ابن تيمية؛
١٦. تخريج أحاديث كتاب (الإيمان) ابن تيمية؛
١٧. تخريج أحاديث كتاب (حقوق المرأة في الإسلام) شيخ محمد رشيد رضا؛
١٨. تخريج أحاديث كتاب (حقيقة الصيام) ابن تيمية؛
١٩. تخريج أحاديث كتاب (حل مسئلة الفقر قرضاوي)؛
٢٠. تخريج أحاديث كتاب (شرح العقيدة الطحاوية) ابن أبي العز الحنفي.
٢١. تخريج أحاديث كتاب (الصراط المستقيم فيما قرره الثقات الأتبات في ليلة النصف من شعبان) بعضى علمای الأزهر؛
٢٢. تخريج أحاديث كتاب (فقه السيرة) غزالي؛
٢٣. تخريج أحاديث كتاب (الكلم الطيب) ابن تيمية؛
٢٤. تخريج أحاديث كتاب (كلمة الإخلاص) ابن رجب؛
٢٥. تخريج أحاديث كتاب (ما دل عليه القرآن مما يعضد الهيئة القويمه البرهان) محمود آلوسی؛
٢٦. تخريج أحاديث كتاب (المرأة المسلمة) شيخ حسن البنا؛
٢٧. تخريج أحاديث كتاب (مشكاة المصابيح) خطيب التبريزى - ٣ جلد؛
٢٨. تخريج أحاديث كتاب (المصطلحات الأربعة في القرآن) مودودي؛
٢٩. التعقيب على كتاب (الحجاب) مودودي؛
٣٠. التعليق الرغيب على (الترغيب والترهيب) منذرى؛
٣١. التعليقات الجياد على (زاد المعاد) ابن القيم - ناتمام؛



۳۲. التعليقات الرضية على (الروضة الندية) - تحقيق مشترك با شيخ على بن حسن حلبى بر روضة ندية؛
۳۳. تعليق بر (إصلاح المساجد) جمال الدين قاسمى؛
۳۴. تعليق بر (الباعث الحثيث شرح اختصار علوم الحديث) ابن كثير - أحمد شاکر - جلد ۲ - با تحقيق شيخ على بن حسن؛
۳۵. تعليق بر كتاب (حجاب المرأة ولباسها في الصلاة) ابن تيمية؛
۳۶. تعليق بر كتاب (سبل السلام) صنعانى - جلد ۱؛
۳۷. تعليق بر كتاب (صفة الفتوى والمفتى والمستفتى) شيخ ابن حمدان الحنبلى با تخريج آن؛
۳۸. تعليق بر كتاب (سؤالات جعفر بن عثمان بن أبي شيبة شيوخه)؛
۳۹. تعليق بر كتاب (المسح على الجوربين) جمال الدين قاسمى؛
۴۰. مراجعة (صحيح ابن خزيمة) باتحقيق محمد مصطفى أعظمى با تعليق بر آن، ۴ جلد.

### شاگردان

معروفترین شاگردان او عبارتند از:

۱. حمدى عبدالمجيد. ۲. عبدالرحمن عبدالخالق. ۳. دكتور عمر سليمان الأشقر. ۴. خيرالدين وائلى. ۵. محمد عيد عباسى. ۶. محمد ابراهيم شقره. ۷. عبدالرحمن عبدالصمد. ۸. مقبل بن هادى الوادعى. ۹. زهير الشاويش. ۱۰. على خشان. ۱۱. محمد جميل زينو. ۱۲. على حسن عبدالحميد. ۱۳. أبو إسحاق الحوينى. ۱۴. محمد إبراهيم الشيبانى. ۱۵. دكتور عاصم القريوتى.

### میراث سلفى - تکفیری البانى در شام

جریان سلفى شام، در دمشق به دست ناصرالدين الالبانى ظهور کرد. تفکر سلفى را در اواخر دهه پنجاه، تعدادى از طلاب مراکز دينى عربستان به لبنان آوردند. مهم‌ترین اين افراد



شیخ سالم الشهال و شیخ عبدالرزاق الزغبی بودند. این دو نفر طرابلس را به مرکز گسترش و ترویج تفکر سلفی در تمام مناطق لبنان تبدیل کردند. فعالیت سلفی‌ها در لبنان از طرابلس شروع شد. از سال ۱۹۷۷م، سلفیه به‌نحو چشمگیری، به‌وسیله افرادی که محورشان شیخ سالم الشهال بود، فعال شد. سلفیه در ۱۹۸۱م، به‌صورت تشکیلات منظم و سازمان‌یافته، فعالیت خود را شروع و جمعیت نواه الجیش اسلامی را بنیان‌گذاری کردند. این تشکیلات در کنار دیگر تشکیلات و نیروهای اسلامی سنی که بر عرصه مسلط بودند از جمله جنبش توحید اسلامی یا جماعت اسلامی، حضور کم‌رنگی داشتند. با فروپاشی جنبش توحید اسلامی بعد از حوادث طرابلس در ۱۹۸۵م سلفی‌ها امکان توسعه و گسترش بیشتری یافتند و توانستند ویژگی‌های عقیدتی خود را در جایگاه یک جماعت مستقل، ابراز کنند. حضور آنان به‌طور متمرکز و قوی در طرابلس و برخی مناطق شمال از جمله عکار و الضنیه به چشم می‌خورد. در کل، مناطق شمال به‌علت استقرار بیشتر شخصیت‌ها و مؤسسات سلفی لبنانی برای سلفی‌ها اهمیت خاص دارد. همچنین حوادث سال‌های اخیر که در این مناطق بین دولت و سلفی‌ها روی داده مانند حوادث ظنیه، انفجار کلیساها و حمله به منافع غربی‌ها و غیره و به‌تبع آن، تحولات و اقدامات امنیتی دستگاه‌های دولتی، شمال را به پایگاه و مرکز تجمع سلفی‌ها تبدیل کرده است.

در اواسط دهه ۹۰ جنبش سلفیه دستخوش بحران‌ها و حوادث تعیین‌کننده‌ای شد که به تضعیف فعالیت آن انجامید؛ زیرا دستگاه امنیتی لبنان به‌علت بمب‌گذاری‌ها و جنایات و ترورهایی که پیروان این جنبش مرتکب می‌شدند، آنها را در تنگنا گذاشتند. پس از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱م، سخت‌گیری‌های امنیتی بر گروه‌های سلفی تشدید شد. با بررسی پراکندگی جمعیت‌ها، مدارس و مراکز آموزشی و دینی سلفیه و همچنین ساخت مساجدی در روستاهای فقیر و استفاده از این مساجد برای تبلیغ مذهب سلفیه می‌توان به روند گسترش چشمگیر سلفی‌ها در شمال لبنان پی برد. حجم رشد و گسترش سلفیه را در این مناطق، می‌توان با انجام مقایسه‌های ساده دریافت. برای مثال از



مجموع هفتاد مسجد در شهر طرابلس، شانزده مسجد متعلق به سلفی هاست؛ در حالی که دارالافتاء با وجود انبوه امامان تابع خود، فقط سیزده مسجد و جنبش توحید و جماعت هریک فقط هفت مسجد را در اختیار دارند. در عکار حدود ۲۱۰ مسجد وجود دارد که در روستاها و شهرهای کوچک پراکنده‌اند. از این تعداد ۲۷ مسجد متعلق به وهابی هاست که در آن به انجام وظایف نماز جماعت و تدریس می‌پردازند.

جریان مشکوک فتح‌الاسلام در لبنان و تحریکات نظامی این گروه در اردوگاه نهرالبارد نیز ناشی از تلاش‌های جریان‌های افراطی اهل سنت برای اثرگذاری بر تحولات منطقه، به‌ویژه لبنان بود. گزارش‌ها حاکی از آن بود رهبری این جریان به عهده فردی به نام ابوخلد العلمه بود که سابقه عملیات تروریستی در عراق و همکاری با ایمن الظواهری و زرقاوی را داشت. وی به‌واسطه برخی اقدامات خراب‌کارانه علیه شیعیان، تحت تعقیب قرار گرفت و مدتی نیز در سوریه زندانی شد.

وی بعد از آزادی از زندان با همکاری یک اردنی فلسطینی تبار به نام شاکر العیسی اقدام به تأسیس گروه فتح‌الاسلام کرد. العیسی در ۱۹۷۰م وارد سازمان فلسطینی فتح شده بود، اما بعدها جزو گروه‌های شورشی علیه عرفات درآمد و در ۱۹۹۰م به القاعده پیوست. وی در سوریه تحت تعقیب بود و به مدت سه سال در زندان به سر برد. العیسی بعد از آزادی از زندان با زرقاوی ملاقات داشت و در نهایت، بعد از توافق با العلمه، گروهی با نام فتح‌الاسلام شکل داد. این گروه وارد خاک لبنان شد و اقدامات تروریستی بی‌شماری را در این کشور مانند انفجار مینی‌بوس حامل مسافران، برهم‌زدن اعتصابات ضد سنیوره و اختلاف بین شیعه و سنی انجام داد. پرونده گروه فتح‌الاسلام، در نهایت با دخالت دولت سینیوره و خویشتن‌داری حزب‌الله لبنان بسته شد، اما کارشناسان و صاحب‌نظران سیاسی این تلاش‌ها را در راستای کاهش اقتدار حزب‌الله ارزیابی کردند. براساس نظر تحلیلگران، آنچه در لبنان روی داد، بخشی از سناریوی ناتمام آمریکایی - اسرائیلی بود که در سیاست آزمون و خطا از زمان جنگ ۳۳ روزه در سال گذشته با قوت بیشتر در حال انجام بود.



## تقدیرها و جوایز

سال ۱۹۹۹ میلادی، جایزه بین‌المللی ملک فیصل، به دلیل خدماتی که البانی درباره کتاب‌های حدیث و سنت پیغمبر اکرم انجام داده بود، به وی تعلق گرفت.

## مفتیان درباری و پاسخ به جوایز

ناصرالدین البانی در شرح عقیده طحاویه، به صراحت قیام و حتی کودتا برضد حکومت‌های عربی را بدعت دانسته است.<sup>۱</sup> عبدالعزیز بن باز (۱۳۳۰ تا ۱۴۲۰ ه. ق.)، محمد بن صالح العثیمین (۱۳۴۷ تا ۱۴۲۱ ه. ق.) و عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین (۱۳۵۲ تا ۱۴۳۰ ه. ق.) نیز همگی بر حرمت خروج بر حاکم نظر داده‌اند.<sup>۲</sup>

به لحاظ منابع فتاوی‌ای فقهی، امروزه سایت‌های رسمی شیوخ سلفی، مرجعی مهم در این زمینه‌اند. علی حلّبی در کتاب «البراهین الواضحات فی حکم المظاہرات»، فهرست اسامی مؤسسات افتاء و شیوخی را که حکم بر حرمت خروج بر حاکمان ظالم و ستمگر داده‌اند، چنین نام برده است:<sup>۳</sup>

۱. هیئت علمای کبار عربستان سعودی؛
۲. شورای دائمی بررسی‌های علمی و افتاء عربستان سعودی؛
۳. مرکز امام البانی؛
۴. عبدالعزیز بن باز؛
۵. ناصرالدین البانی؛
۶. محمد بن صالح العثیمین؛

---

۱. العقیده الطحاویه، شرح و تعلیق، محمد ناصرالدین البانی، ص ۳۳.  
۲. شروح سلفی بر کتاب «العقیده الطحاویه»، یکی از منابع ثابت درس اعتقادات در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی سلفی است و مهم‌ترین آنها شرح ابن ابی‌العز، از شاگردان ابن کثیر (متوفی ۷۹۲ ق) است که شرح خود را مبتنی بر آرای ابن تیمیه و ابن قیم نگاشته است.  
۳. الدعوه السلفیه الهادیه و موقفها من الفتن العصریه الجاریه و بیان الاسباب الشرعیه الشرعیه الواقیه، علی بن الحسن بن علی بن عبدالله حلّبی، صص ۱۵ و ۱۶.



۷. عبدالعزيز آل الشيخ؛
۸. عبدالمحسن العباد؛
۹. عبدالله بن سليمان المنيع؛
۱۰. صالح بن فوزان الفوزان؛
۱۱. بكر عبدالله ابوزيد؛
۱۲. عبدالله بن عُدَيان؛
۱۳. صالح الغصون؛
۱۴. عبدالعزيز الراجحي؛
۱۵. صالح آل الشيخ؛
۱۶. عبدالوهاب بن ابراهيم أبو سليمان؛
۱۷. عبدالله بن عبدالمحسن التركي؛
۱۸. عبدالله بن محمد آل الشيخ؛
۱۹. أحمد بن علي سير المباركي؛
۲۰. صالح بن عبدالله المطلق؛
۲۱. محمد بن عبدالكريم العيسى؛
۲۲. صالح بن عبدالرحمن الحصين؛
۲۳. سعد الحُصَيْن؛
۲۴. عبدالله بن محمد حُنين؛
۲۵. عبدالكريم بن عبدالله الحُصَيْر؛
۲۶. محمد بن حسن آل الشيخ؛
۲۷. يعقوب بن عبدالوهاب الباسين؛
۲۸. علي بن عباس الحكمي؛
۲۹. محمد بن محمد المختار الشنقيطي؛



۳۰. قیس بن محمد آل الشیخ مبارک؛

۳۱. مشهور بن حسن آل سلمان؛

۳۲. علی بن حسن الحلبی؛

۳۳. محمد بن موسی آل نصر؛

۳۴. ابواسحاق الحوینی؛

۳۵. محمد بن علی فرکوس؛

۳۶. باسم الجوابره؛

۳۷. حسین العوایشه؛

۳۸. اکرم زیاده؛

۳۹. زیاد العبادی.

جالب اینجاست که این گونه موضع گیری ها از شیوخ سلفی، به ویژه شاگردان آلبانی، در راستای حفظ بسیاری از حکومت های فاسد جهان عرب، مکرر دیده می شود. برای مثال، علی حلبی در کتاب «الدعوة السلفية الهادية و موقفها من الفتن العصرية الجارية»، که آن را در واکنش به قیام های عربی تونس، مصر و لیبی، در ۱۱ جمادی الاول سال ۱۴۳۲ق منتشر کرد، با استفاده از نظر ناصرالدین البانی مبنی بر حرمت تظاهرات، اساساً تظاهرات را پدیده ای اروپایی خوانده و «وسیله ای شرعی برای اصلاح حکومت» نمی داند؛ با این حال زمانی که موضوع رویارویی با بشار اسد در سوریه پیش می آید، ورق برمی گردد و همین تحریم کنندگان حکم به وجوب می دهند.

**حمایت البانی از ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب**

محدث وهابیان، نه تنها از ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب به شیخ الاسلام تعبیر می کند، بلکه به این قضیه نیز اعتراف دارد که محمد بن عبدالوهاب در عقیده، فردی



سلفی بوده است و بعد از شیخ الاسلام ابن تیمیه، اولین فضیلت در نشر دعوت به توحید در عالم اسلام به طور عام و شهرهای نجد و حجاز به طور خاص بوده است.<sup>۱</sup>

### تمجید علمای وهابی از البانی

علمای وهابی از البانی یک محدث بزرگ و متخصص علم حدیث و فاضل دانشمند یاد می‌کنند و در مسائل حدیثی، از لحاظ صحت و ضعف روایت، به آراء و نظرات او مراجعه می‌کنند و ملاک عمل قرار می‌دهند و درباره او مدح و تمجید می‌کنند.

هیئت دائم افتاء عربستان درباره البانی گفته است: «او اطلاعات گسترده‌ای در حدیث داشته و در نقد آن قوی بوده و بر آن، حکم به صحت و ضعف داشته است؛ هرچند گاهی خطا می‌کرده است».<sup>۲</sup> همچنین بن باز، مفتی اعظم عربستان، درباره البانی بر این نکته اشاره می‌کند که: «در زیر آسمان در این عصر، داناتر از شیخ ناصر در علم حدیث ندیده است».<sup>۳</sup> شیخ عثیمین نیز او را صاحب علم بسیار در درایه و روایت حدیث، معرفی می‌کند و او را ثمره بزرگ برای مسلمان برمی‌شمرد.<sup>۴</sup>

۱. دروس للشیخ محمد ناصرالدین الألبانی، محمد ناصرالدین البانی، نرم‌افزار مکتبه الشاملة، درس شماره ۳۸، ص ۱۳.

۲. فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء، أحمد بن عبد الرزاق دویش، ج ۶، ص ۴۰۴: «مؤلفه واسع الاطلاع في الحديث، قوي في نقدها والحكم عليها بالصحة أو الضعف، وقد يحظى».

۳. الإعلام بأخر أحكام الألبانی الإمام، محمد کمال سیوطی، ص ۲: «ما رأيت تحت أديم السماء عالماً بالحديث في العصر- الحديث مثل العلامة محمد ناصر الدين الألبانی».

۴. همان «وأنه ذو علم جم في الحديث رواية ودراية... وهو ثمرة كبيرة للمسلمين» و عبارات دیگر بزرگان وهابی درباره او:

محمد بن صالح العثیمین: «فضيلة محدث الشام الشيخ الفاضل: محمد بن ناصر الدين الألباني، والذي عرفته عن الشيخ من خلال اجتماعي به - وهو قليل - أنه حريص جداً على العمل بالسنّة، ومحاربة البدعة سواء كانت في العقيدة أم في العمل. أما من خلال قراءتي لمؤلفاته فقد عرفت عنه ذلك، وأنه ذو علم جم في الحديث رواية ودراية، وأن الله قد نفع فيها كتبه كثيراً من الناس من حيث العلم ومن حيث المنهاج والاتجاه إلى علم الحديث، وهو ثمرة كبيرة للمسلمين، والله الحمد. أما من حيث التحقيقات العلمية الحديثية فناهيك به على تساهل منه أحياناً في ترقية بعض الأحاديث إلى درجة





## مخالفت الباني با صحيح بخارى و صحيح مسلم

نظر عموم علمای اهل سنت بر وجاهت و اعتبار کامل صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) است.

برای نمونه، عثمان کردی شهرزوری، در کتاب «علوم الحدیث» که به «مقدمه ابن صلاح» معروف است، می نویسد:

نخستین کسی که «صحیح» را نوشت، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری جعفی است و به دنبال او ابوالحسین مسلم بن حجاج نیشابوری قشیری است. با اینکه مسلم از محضر بخاری استفاده کرده، در بسیاری از شیوخ با وی اشتراک دارد.

لا تصل إليها من التحسين أو التصحيح وعدم ملاحظة ما يكون شاذ المتن مخالفاً لأحاديث كالجبال صحة ومطابقة لقواعد الشريعة، وعلى كل حال فالرجل طويل الباع واسع الاطلاع قوي الإقناع وكل يؤخذ من قوله ويترك سوى الله ورسوله. ونسأل الله أن يكثر من أمثاله في الأمة وأن يجعلنا وإياه من الهداة المهتدين والقادة المصلحين وأن يعلمنا ما ينفعنا وينفعنا بما علمنا إنه جواد كريم [4].

ربيع المدخلي: «ظلم هذا الرجل وما عرف حقه العرب، رجل ينقله الله من قلب أوروبا ويضعه في المكتبة الظاهرية أحسن مكتبة في الشرق ويعكف فيها ستين سنة ويقدم هذه الجهود العظيمة.» وقال أيضاً: «عالم بارع في الحديث وعلومه والعلل وفي الفقه، فقيه النفس على طريقة السلف ولا يتكلم فيه إلا أهل الأهواء.»

عبد العزيز بن باز: «ما رأيت تحت أديم السماء عالماً بالحديث في العصر الحديث مثل محمد ناصر الدين الألباني [5].»  
مقبل بن هادي الوادعي: «إننا لا نزال نزداد علماً بسبب كتب الشيخ.» وقال أيضاً: «لا يقدر في الشيخ ناصر الدين وفي علمه إلا مبتدع من ذوي الأهواء، فهم الذين يبغضون أهل السنة وينفرون عنهم.»  
عبد العزيز آل الشيخ: «الشيخ ناصر الدين الألباني من خواص إخواننا الثقات المعروفين بالعلم والفضل والعناية بالحديث الشريف تصحيحاً وتضعيفاً.»

حافظ بن عبد الرحمن مدني - مدير جامعة لاهور - : «إن الشيخ قد ترك للأجيال ذخيرة لا يستغنى عنها.»  
المفسر محمد الأمين الشنقيطي: قال عنه الشيخ عبد العزيز الهدهد: «أن العلامة الشنقيطي يجل الشيخ الألباني إجلالاً غريباً، حتى إذا رآه ماراً وهو في درسه في الحرم المدني يقطع درسه قائماً ومسلماً عليه إجلالاً له.»

مفتي الديار محمد بن إبراهيم آل الشيخ: «ناصر الدين الألباني - وهو صاحب سنة ونصرة للحق ومصادمة لأهل الباطل، ولكن له بعض المسائل الشاذة [6].»

تلميذه ابو إسحاق الحويني محدث الديار المصرية: «عندما رأيت الشيخ علمت أنه سقطت سهواً من القرون الأول وذهبت عنده محباً للحديث فرجعت وأنا محب للسنة.»



کتاب این دو، [نزد اهل سنت] صحیح‌ترین کتاب‌ها بعد از قرآن کریم است. ولی آنچه را ما از شافعی روایت کردیم که گفته: «من در روی زمین کتاب علمی که صحیح‌تر از کتاب مالک باشد، سراغ ندارم» برخی سخن شافعی را با عبارت دیگر نقل کرده‌اند.

شافعی این سخن را قبل از اینکه کتاب‌های بخاری و مسلم نوشته شود، گفته است. پس از آن، کتاب بخاری صحیح‌ترین آنها و دارای بیشترین فوائد است.<sup>۱</sup>

البانی از نظریه عامه علمای اهل سنت در صحت صحیحین تخلف کرده است تا جایی که در یکی از کتب خویش چنین می‌نویسد: «عده‌ای از سر تعصب، بی‌دلیل می‌گویند که همه مطالب صحیح بخاری و مسلم صحیح است».

حال سؤال این‌جاست که علمای اهل سنت نظر البانی وهابی را می‌پذیرند یا صحیحین را معتبر می‌دانند؟ علمای چند صد سال گذشته اهل سنت را متعصب و بی‌منطق می‌دانید یا وهابیان افرادی هتاک و بی‌منطق‌اند؟

### برملاکردن راز صحابی عادل چشم‌چران در نماز!

البانی در یکی از جلسات درس خود نقل می‌کند که یکی از صحابه رسول خدا عمداً در صف آخر نماز می‌خواند. برای چه؟ برای اینکه زن زیبایی بود که در صف اول خانم‌ها نماز می‌خواند. پس وقتی که به سجده می‌رفت، از زیر بغل او را نگاه می‌کرد. (بعد کمی خودش و شاگردانش می‌خندند) سپس می‌گوید: رضی الله عنه؛ خدا از او راضی باشد. به حق؛ زیرا او صحابی است. شاید یادتان آید. من نمی‌گویم تا مثل

۱. الثالثة: أول من صنف الصحيح، البخاري أبو عبد الله محمد بن إسماعيل الجعفي مولا هم وتلاه أبو الحسين مسلم بن الحجاج النيسابوري القشيري من أنفسهم ومسلم مع أنه أخذ عن البخاري واستفاد منه يشاره في كثير من شيوخه وكتابهما أصح الكتب بعد كتاب الله العزيز وأما ما روينا عن الشافعي رضي الله عنه من أنه قال ما أعلم في الأرض كتاباً في العلم أكثر صواباً من كتاب مالك ومنهم من رواه بغير هذا اللفظ فإنما قال ذلك قبل وجود كتابي البخاري ومسلم ثم إن كتاب البخاري أصح الكتابين صحيحاً وأكثرهما فوائد. علوم الحديث (مقدمة ابن الصلاح)، ج ۱، ص ۱۷.



آنها انجام دهید. (بعد کمی می خندد) ولی می گویم تا بدانید که ما مثل آنها در فضیلت نیستیم و بدانید که خدا بر حسب حسنات و سیئات محاسبه می کند. پس کسی که حسناتش بر سیئاتش غلبه کند، از رهیافتگان خواهد بود. و برعکسش هم برعکس. بهترین و بیشترین فضیلت همان مصاحبت با رسول خداست.

### اهانت‌های البانی به علمای اهل سنت

البانی که مورد تمجید علمای وهابیت است، نه تنها کتب مهم اهل سنت مانند صحیح مسلم و صحیح بخاری، از تعرض او در امان نمانده<sup>۱</sup>، بلکه به علمای مشهور اهل سنت نیز تعرض و اهانت کرده است. برای نمونه مواردی را ذکر می‌کنیم:

البانی، افرادی مانند عبدالبر، ابن حزم، ذهبی، ابن حجر، صنعانی<sup>۲</sup> را به خطا متهم کرده و به ذهبی، تهمت تناقض‌گویی زده<sup>۳</sup> و محدث مناوی<sup>۴</sup> را متعصب معرفی کرده است<sup>۵</sup> و درباره او می‌گوید: «همانا از عجایب که توجیهی بر آن نمی‌دانم، این است که در بسیاری از اوقات حرف‌های مناوی تناقض دارد»<sup>۶</sup>.

ناصرالدین البانی، معروف به دشنام‌دادن به کسانی است که مخالف اویند<sup>۷</sup> و از همین رو برخی علمای اهل سنت، کتابی را به نام «قاموس شتائم الالبانی» تألیف کرده‌اند. اینک برای اثبات این ادعا به برخی از اهانت‌های او به علمای اهل سنت مخالف اشاره می‌کنیم:

۱. البانی وشذوذہ وأخطاؤه، ارشد سلفی، ص ۲.

۲. همان.

۳. سلسله الأحادیث الضعیفة والموضوعة وأثرها السیئ فی الامة، محمد ناصرالدین بن الحاج نوح البانی، ج ۴، ص ۴۴۲: «فتأمل مبلغ تناقض الذهبي! لتحرص على العلم الصحيح، وتجنومن تقليد الرجال».

۴. مناوی از محدثین مشهور اهل سنت و صاحب کتاب معروف فیض القدير است.

۵. سلسله الأحادیث الضعیفة والموضوعة وأثرها السیئ فی الامة، ج ۲، ص ۳۴۵: «بل هو من تعصب المناوي عليه».

۶. همان، ج ۴، ص ۳۴: «وان من عجائب المناوي التي لا أعرف لها وجهاً، أنه في كثير من الأحيان يناقض نفسه».

۷. برای مطالعه بیشتر ر.ک: البانی و بن باز محدث و مفتی وهابیان، علی اصغر رضوانی.



۱. او درباره ذهبی می گوید: «پس خوب در مقدار تناقض ذهبی تأمل کن تا بر علم صحیح حریص شوی و از تقلید مردان نجات یابی».<sup>۱</sup>
۲. درباره محدث مناوی می نویسد: «بل هو من تعصب المناوی»؛ «بلکه این از تعصب مناوی است».
- نیز درباره او می گوید: «همانا از عجایب مناوی که توجیهی بر آن نمی دانم، اینکه در بسیاری از اوقات حرف هایش متناقض است».<sup>۲</sup>
۳. البانی درباره محمد سعید بوطنی و شیخ محمد عوامه می گوید: گمان من این است که این مقلد و آن شخص، با اختلافی که بین آن دو در اصول و فروع است جز در تقلید کورکورانه... پس چیست چاره ما با کسانی که آنان را به پیروی از کتاب و سنت دعوت می کنیم تا به سبب آن از تعصب مذهبی و گمراهی حیوانیت رها شوند، ولی نمی پذیرند».<sup>۳</sup>
۴. البانی درباره شیخ عبدالفتاح ابوغده از علمای اهل سنت می گوید: «خداوند دست تو را شل و زبانت را قطع کند».<sup>۴</sup>
۵. او درباره شیخ صابونی در مقدمه کتاب «سلسلة الاحادیث الصحیحة» می نویسد: «او دزد، دروغ گو، جاهل گمراه کننده، صاحب ادعای بی دلیل است، و من به زودی از خواربودن و عاربودنش پرده برمی دارم».<sup>۵</sup>

۱. فتأمل مبلغ تناقض الذهبي لتحرص علي العلم الصحيح و تنجو من تقلید الرجال. سلسلة الاحادیث الضعیفة، ج ۴، ص ۴۲۲.
۲. و أنّ من عجائب المناوي التي لا اعرف لها وجهاً أنّه في كثير من الأحيان يناقض نفسه؛ همان، ج ۲، ص ۳۴۵.
۳. و ظني أنّ هذا المقلد و ذاك، علي ما بينهما من الخلاف في الأصول و الفروع إلّا في التقليد الأعمي... فما حيلتنا مع اناس؛ ندعوهم إلي اتباع الكتاب و السنة لينجو من العصبية و الغباوة الحيوانية، فيأبون.
۴. «اشلّ الله يدك و قطع لسانك».
۵. سراق، غير صادق، جاهل مضلّ، صاحب دعوي فارغة، سأكشف خزیه و عاره.



### توهین البانی به ابوحنیفه

البانی در تعلیقه‌ای که بر «کتاب السنة» نوشته است، پس از نقل روایتی در بررسی روایت، امام ابی‌حنیفه را فردی غیر موثق و ضعیف‌الحافظه معرفی می‌کند و می‌گوید: سندهای این روایت ضعیف است. رجالش همه مورد وثوق‌اند و از رجال بخاری به جز ابوحنیفه که با وجودی که در باب فقه بزرگ است؛ بزرگان او را به دلیل ضعف حافظه، ضعیف می‌دانند.<sup>۱</sup>

این در حالی است که امام ابن حجر عسقلانی در کتابش «تهذیب التهذیب» نقل می‌کند که:

ابن معین یقول کان أبوحنیفه ثقة لا یحدث بالحديث إلا بما یحفظه ولا یحدث بها لا یحفظ. وقال صالح بن محمد الاسدی عن ابن معین کان أبوحنیفه ثقة فی الحدیث. عن ابن معین: کان أبوحنیفه لا بأس به: وقال مرة کان أبوحنیفه عندنا اهل الصدق ولم یتهم بالکذب.

امام خطیب بغدادی نیز در کتابش «تاریخ بغداد» آنگاه که به معرفی بزرگان حدیث می‌پردازد، در معرفی امام ابوحنیفه می‌نویسد: «ابوغسان می‌گوید من از اسرائیل بن یونس شنیدم که می‌فرمود: نعمان (ابوحنیفه) انسانی بزرگووار است؛ زیرا وی احادیث مسائل فقهی را به خوبی حفظ دارد».<sup>۲</sup>

### توهین البانی به حنفی‌ها

البانی، امام حدیث وهابیان، در کتاب «مختصر صحیح مسلم»، ذیل حدیثی که مربوط به فرود آمدن عیسی علیه السلام است، به تمام حنفی‌ها اهانت کرده، می‌گوید:

۱. کتاب السنة، تعلیقات آلبانی، ص ۷۶.

۲. کان نعم الرجل نعمان، ما کان أحفظه لكل حدیث فیہ فقه؛ تاریخ بغداد، بغدادی، خطیب، ج ۱۳ ص ۳۳۹، المكتبة السلفية مدینه منوره.



این حدیث واضح است در اینکه، عیسی علیه السلام به شرع ما حکم می‌کند و طبق قرآن و حدیث تصمیم می‌گیرد، و به غیر از این دو مورد به چیز دیگری چون انجیل و مذهب حنفی و مانند آن، رفتار نمی‌کند.<sup>۱</sup>

هرکس که این مطلب البانی را بخواند، چند نکته برداشت می‌کند:

۱. مذهب حنفی مانند انجیل مخالف اسلام است؛
۲. مقلدین ابوحنیفه همچون کافران، دنباله‌رو انجیل گمراه هستند؛
۳. مذهب حنفی، هیچ ارتباطی به اسلام ندارد، چون عیسی علیه السلام، به اسلام حکم می‌کند و نه به مذهب حنفی!

از تهمت زنازادگی به دکتر محمد سعید البوطی تا ترور او

دکتر محمد سعید رمضان البوطی، رئیس اتحادیه علمای بلاد الشام و از علمای برجسته اهل سنت شافعی مذهب است. وی در ۱۹۶۵م، دکترای خود را در علوم اسلامی از دانشگاه الازهر گرفت. شیخ سعید البوطی، بیش از شصت عنوان کتاب درباره علوم اسلامی نگاشته است. اما البانی وهابی، این عالم برجسته اهل سنت را متهم به زنازادگی می‌کند و ایشان را «الدعی» مخاطب قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

محمد سعید رمضان البوطی، استاد مطرح دانشگاه اسلامی دمشق بود که از دولت سوریه و نظام بشار اسد، حمایت جدی کرد. در برابر این فتوا عده‌ای، کتاب‌هایش را به آتش کشیدند، و او را همواره نفرین می‌کردند... شیخ در طول عمر خود پاسدار اسلام سنتی سنی در مقابل گروه‌های افراطی و از آن میان سلفیون بوده است. بوطی از اندیشه‌های ناصرالدین البانی، این «مرجع» سلفیت معاصر انتقاد می‌کرد. وی همچنین

۱. هذا صریح في ان عيسى عليه السلام يحكم بشرعنا يقضي بالكتاب والسنة لا بغيرهما من الانجيل او الفقه الحنفي ونحوه. به پاروقی شماره ۴ در این کتاب دقت کنید (مختصر صحیح مسلم، محمد ناصرالدین البانی، ص ۵۳۸).

۲. دفاع عن الحديث النبوي والسيرة في الرد على جهالات الدكتور السيوطي، محمد ناصرالدین البانی، ص ۱۰۰.



مؤلف کتاب «سلفیت مرحله موقت مبارک است و نه مذهب اسلامی» می‌باشد. شیخ محمد سعید رمضان البوطی، مخالف مصمم توسل به زور به‌عنوان وسیله دستیابی به اهداف سیاسی بود. وی نقطه‌نظرهای خود را در این‌باره در اثرش «جهاد در اسلام» تبیین کرد که در ۱۹۹۳م به چاپ رسید.

می‌گویند، روزی محمد سعید البوطی به شیخ ناصرالدین البانی گفته بود که تو یک شخص منافق و دو رو هستی. ناصرالدین البانی به البوطی می‌گوید: «خداوند یکی از من و تو را نمی‌راند، تا اینکه منافقی ما را ثابت نسازد». در نهایت و برای اثبات نفرین البانی، البوطی در نود سالگی، به دست مریدان البانی ترور شد. این در حالی بود که البانی سال‌ها قبل از وی مرده بود و به بهانه‌ای به‌سرعت دفن شد.

### توهین و تهمت زنازادگی به علامه حسن السقاف عالم اهل سنت!

علامه حسن السقاف، از علمای برجسته شافعی مذهب است که در ۱۳۸۰ ه. ق در اردن به دنیا آمد و بیش از هشتاد عنوان کتاب درباره علوم اسلامی (حدیث، فقه، توحید و...) نگاشته است.

البانی، پیشوای حدیث وهابیت که از او به بخاری دوران یاد می‌کنند، جناب علامه حسن السقاف را متهم به زنازادگی می‌کند و ایشان را «الدعی» مخاطب قرار می‌دهد!

### رضاع بزرگسال

البانی در یکی از جلسه‌های درس خویش با استناد بر روایاتی؛ به‌ویژه روایتی از عایشه می‌گوید که شیرخوردن حتی شیخ بزرگ از نامحرم اشکالی ندارد و پسر رضاعی آن می‌شود؛ حتی اگر از شیردهنده بزرگ‌تر باشد! دلیلش بر جواز هم روایت عایشه



است و هم اینکه این امر شهوت‌انگیز نیست.<sup>۱</sup>



عثمان الخمیس شاگرد ناصرالدین البانی، بر اساس فتوای استاد خود می‌گوید: «رضاع بزرگسال از نامحرم می‌تواند بدون شیر خوردن مستقیم از پستان زن باشد. می‌تواند شیر او را بدوشند پس در لیوان به او بدهند و او بنوشد».<sup>۲</sup>

### مرگ البانی

البانی در اواخر عمرش دچار بیماری‌های سختی شد و در نهایت، غروب آفتاب شنبه ۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۲۰ مطابق با ۲ اکتبر ۱۹۹۹م در ۸۵ سالگی، مرد و ظاهراً از بیم بروز درگیری، به‌سرعت او را دفن کردند.

### مذمت‌ها و مخالفت‌های علمای اهل سنت درباره البانی

هرچند برخی بزرگان وهابی درباره شیخ ناصرالدین، غلو می‌کنند و او را تا حد علامه و امام بالا می‌برند؛ عده‌ای از اهل سنت، البانی را به‌دلیل حمایت از ابن تیمیه و نداشتن تخصص در تصحیح و تضعیف روایات و اعتقادات ضددینی و اهانت به علما سرزنش کرده‌اند. در میان آثار ابن غماری و پیروان وی نوشته‌هایی در رد ناصرالدین

۱. برای استماع کلام او:

<http://www.ansarweb.net>

<http://uk.youtube.com>

برای دانلود:

<http://www.ansarweb.net>

چهار عکس از کاست آلبانی که عنوانش رضاع بزرگ است:

<http://albrhan.org>

<http://albrhan.org>

<http://albrhan.org>

<http://albrhan.org>

۲. برای استماع کلام او:

<http://www.ansarweb.net>

<http://www.ansarweb.net>

برای دانلود:





البانی به چشم می خورد. ابن غماری کتابی را با عنوان «الرد المقنع علی الالبانی المبتدع» تحریر کرد که به ظاهر چاپ نشد. طرفداران ابن غماری نیز کتاب‌هایی بر رد البانی تحریر کرده‌اند؛ مانند: «وصول التهانی فی الرد علی الالبانی، محمود سعید ممدوح».

نقدهای زیادی نیز بر آثار و افکار وی تدوین شده است؛ از قبیل:

- التعریف باوهام من قسم السنن الی صحیح و ضعیف، محمود سعید ممدوح، دبی، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م، ۶ج.

- تناقضات الالبانی الواضحات، حسن بن علی السقاف، عمان، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م، ۲ج.

- خطبة الحاجة لیست بسنة، عبدالفتاح أبوغدة، مجله مرکز بحوث السنة و السیره، ش ۹، ص ۱۴۷، سال ۱۹۹۶م.

- «تنبيه المسلم الی تعدی الالبانی علی صحیح مسلم»، از علامه محدث شیخ محمد سعید شافعی.

- «القول المقنع فی الرد علی الالبانی المبتدع»، از علامه حافظ شیخ عبدالله بن صدیق غماری.

- «قاموس شتائم الالبانی» از حسن بن علی سقاف شافعی.

- «البشارة و الاتحاف فی ما بین ابن تیمیة و الالبانی فی العقیده و الاختلاف» از همان.

- «الشماطیط فی ما یهدی به الالبانی فی مقدماته من تخبطات و تخلیط» از همان.

- «الالبانی؛ شذوذه و اخطاؤه»، از علامه محدث شیخ حبیب الرحمان اعظمی.

- «کتاب مفتوح الی الشیخ ناصر الدین الالبانی» از شاگردش محمود مهدی استانبولی.

القول المقنع فی الرد علی الالبانی المبتدع»، از علامه شیخ عبدالله بن صدیق غماری.



## مذمت‌های اهل سنت به البانی

### خائن و بدعت‌گذار بودن البانی

ابن صدیق غماری<sup>۱</sup> از علمای معاصر اهل سنت، درباره البانی این چنین اقرار می‌کند:

(الف) البانی، شخصی است که در تصحیح و تضعیفش، به او اعتماد نیست؛ بلکه در این زمینه، انواعی از تدلیس و خیانت در نقل و تحریف کلمات علما دارد و جرئت بر مخالفت اجماع و بر ادعای نسخ بدون دلیل دارد که این به نادانی او به علم اصول و قواعد استنباط باز می‌گردد.

(ب) شیخ ناصرالدین مدعی است که با بدعت‌ها همچون توسل به پیامبر ﷺ می‌جنگد و با درود بر پیامبر ﷺ و قرائت قرآن بر میت مخالف است؛ ولی مرتکب زشت‌ترین بدعت‌ها با تحریم حلال الهی و دشنام دادن مخالفان خود با بدترین دشنام‌ها شده است که حال او در این مورد همانند حال ابن تیمیه است؛ و طایفه‌ای از علما را تکفیر کرده و طایفه‌ای دیگر را بدعت‌گذار خوانده است، ولی خودش دو بدعت گذاشته که قبیح‌تر از آن وجود ندارد: یکی اعتقاد او به قدیم‌بودن عالم که بدعت کفری است - پناه به خدای متعال - و دیگری انحرافش از علی علیه السلام و بدین سبب است که علمای عصرش او را منافق خوانده‌اند؛ به دلیل قول پیامبر ﷺ به علی علیه السلام که فرمودند: «دوست ندارد تو را جز مؤمن و دشمن ندارد تو را جز منافق».

(ج) البانی چگونه این لقب شیخ‌الاسلام را به ابن تیمیه داده است؛ در حالی که معتقد به تناقض در عقاید اسلام است. غماری بعد از نقل این قضایا می‌گوید: من گمان

۱. غماری، محدث و اصولی اهل سنت است که رده‌هایی بر نظرات البانی نگاشته است؛ از جمله آن، کتاب ارغام المبتدع است که درباره جواز توسل به پیامبر ﷺ است که البانی جایز نمی‌دانست.



می‌کنم بلکه یقین دارم که حافظ ابن‌ناصر اگر از عقیده او مطلع بود و آنچه مفاسد بر آن مترتب است، آگاهی داشت، کتاب «الردّ الوافر» را در دفاع از او نمی‌نوشت؛ زیرا او این کتاب را در حالی نوشت که مغرور به گفته‌های تعریف درباره او بود. نیز نعمان آلوسی فرزند صاحب تفسیر، اگر عقیده ابن تیمیه را به‌طور حقیقی می‌دانست، کتاب «جلاء العینین»<sup>۱</sup> را درباره او نمی‌نوشت.<sup>۲</sup>

### اجتهادات غلط و حيله‌گری البانی در تصحيح و تضعيف احاديث

غماری، درباره اجتهادات البانی، بر این عقیده است که اجتهادات غلط البانی و حيله‌گری و خیانتش در تصحيح و تضعيف احاديث، به‌سبب پیروی وی از هوای نفس است. همچنین این محدث اهل سنت، بر این باور است:

اهانت البانی و زبان‌درازی او بر علیه علما و فضلاء مسلمین، همگی عقوبتی است از خداوند بر او در حالی که نمی‌داند، و در کتابش به این نکته نیز اشاره می‌کند که شیخ ناصرالدین، از کسانی است که گمان می‌کند، کار خوب انجام می‌دهد؛ در حالی که گمان اشتباهی دارد و از خداوند می‌خواهیم تا ما را از آنچه او به آن مبتلا شده است، نجات دهد و از هر بدی به خدا پناه می‌بریم.<sup>۳</sup>

۱. نعمان بن محمد آلوسی در این کتاب شروع به تمجید از ابن تیمیه کرده و مدح‌هایی را که از علما درباره ابن تیمیه شده است؛ را جمع کرده.

۲. إرغام المبتدع الغبي بجواز التوسل بالنبي ﷺ، عبد الله بن محمد الغماری الحسني ابن الصديق غماری، صص ۲۱ و ۲۲: «الألباني غير مؤمن في تصحيحه وتضعيفه، بل يستعمل في ذلك أنواعا من التديس والحيانة في النقل، والتحرير في كلام العلماء، مع جرأته على مخالفة الإجماع، وعلى دعوى النسخ بدون دليل، وهذا يرجع إلي جهله بعلم الأصول، وقواعد الاستنباط، ويدعى أنه يحارب البدع مثل التوسل بالنبي صلى الله عليه وسلم وتسويده في الصلاة عليه فأكفر طائفة من العلماء، وبدع طائفة أخرى، ثم اعتنق هو بدعتين لا يوجد أحق منهما: إحداهما قوله بقدم العالم وهي بدعة كفرية».

۳. همان، ص ۲۳: «شواذ الألباني في اجتهاداته الأئمة، وغشه وخبائثه في التصحيح والتضعيف حسب الهوى، واستطالته على العلماء وأفاضل المسلمين. كل ذلك عقوبة من الله له».



اهلیت نداشتن البانی در علم حدیث

سقاف<sup>۱</sup> از علمای شافعی، نظرش درباره البانی این گونه است:

البانی راه هوای نفس و مزاجی بودن را در تصحیح و تضعیف پیموده و با علم جرح و تعدیل، به حسب آنچه رأیش ابراز می‌دارد، بازی می‌کند و این نشان‌دهنده آن است که او اهلیت اشتغال به این علم شریف (علم حدیث) را ندارد که تصحیح و تضعیف کند، و جایز نیست بر کسی که بر قول او اعتماد کند.<sup>۲</sup>

بنابراین علمای اهل سنت، البانی را به سبب حمایت وی از ابن تیمیه و بدعت‌گذاری در دین و آراء و فتواهای ضد دینیش، مورد طعن و مذمت قرار داده‌اند.

## آرا و افکار البانی

### دشمنی البانی با عقل

البانی، کتاب و موسوعه بزرگ حدیثی خود یعنی «سلسلة الاحادیث الضعیفه والموضوعه» را با نقد احادیث عقل شروع کرده و به بررسی و تعیین اعتبار آنها از نظر صحت و سقم پرداخته است. نخستین آن احادیث، روایت محکم و سازنده «الدین هو العقل و من لادین له لا عقل له» است.<sup>۳</sup>

البانی بعد از تتبع این احادیث از منابع گوناگون، حکم به کذب و جعلی بودن همه آنها می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که البانی تمام آنچه را که در مورد فضیلت عقل در احادیث بیان شده است، ضعیف یا دست‌ساز می‌داند و می‌گوید: «من تمام آنچه را که

۱. سقاف، از جمله علمای معاصر است که در رد بر وهابیت تلاش زیادی کرده و کتاب‌های فراوانی در این زمینه نگاشته است.

۲. تناقضات الألبانی الواضحات، حسن بن علی السقاف، ج ۲، ص ۳۰۴: «فتأملوا کیف یسلك الألبانی سبیل الهوی والمزاجیة فی التصحیح والتضعیف فیتلاعب بعلم الجرح والتعدیل حسب ما یمیل علیه رأیه! وکل ما قدمناه یرهن بأنه لیس أهلا لان یشغل بهذا العلم الشریف فیصح ویضعف ولا یحل لاحد أن یعتمد قوله لما تقدم».

۳. سلسلة الاحادیث الضعیفه، ج ۱، ص ۵۳.



ابن ابی‌الدنیا در کتابش «العقل و فضله» آورده تتبع کردم و همه این احادیث را فاقد حجیت تشخیص دادم.<sup>۱</sup> احادیث مربوط به عقل با عبارات گوناگونی روایت شده که البانی همه آنها را به‌نوعی گزارش، و سپس نقد کرده است. یکی از نمونه‌ها این حدیث است: «قوام المرء عقله و لادین لمن لاعقل له».<sup>۲</sup> البانی موضوع این روایت را ارزیابی کرده است.

او معتقد است که راوی این احادیث، داوود بن مجبر، صاحب کتاب «العقل» بوده و ذهبی نیز آرزو کرده که ای کاش داوود این کتاب را نمی‌نوشت.<sup>۳</sup> در عین حال یکی از معیارهای البانی برای انتقاد از احادیث و آرا، مخالفت آنها با عقل است.<sup>۴</sup>

حقیقت این است که در مکتب البانی، اصالت با نقل است و اگر چیزی از منقولات برای او ثابت شود، وی و مکتبش آن را خواهد پذیرفت؛ هرچند با عقل کاملاً مخالف باشد. اما آنها به‌هیچ‌وجه اعتراف نخواهد کرد که این مسئله با عقل مخالف است، بلکه به وجهی آن را توجیه خواهد کرد؛ چنان‌که این امر در صفات خبریه و اثبات علو، استعلاء و ید و سمع و بصر برای خداوند، کاملاً واضح و آشکار است. البانی همه این صفات را برای خدای متعال قائل است؛ ولی آن را خلاف عقل نمی‌داند. همچنین معتقد است که رؤیت خدا در آخرت و اینکه کسی خدا را در خواب ببیند، می‌تواند درست باشد.<sup>۵</sup>

مطلب شگفت‌انگیزی که می‌توان آن را شاهد بر این نتیجه‌گیری دانست، کلامی از البانی ذیل حدیث خلقت آدم است: «ان فی ابن آدم مضغة اذا صلحت صلح سائر جسده و اذا

۱. سلسله الاحادیث الضعیفه، ج ۱، ص ۵۳.

۲. همان، ص ۵۶.

۳. همان.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۹۵ و ج ۳، ص ۲۶۷.

۵. ظلال الجنة فی تخریج کتاب السنة، ص ۵۲.



فسدت فسد سائر جسده ألا و هی القلب؛ «در وجود فرزندان آدم، تکه گوشتی است که اگر سالم باشد، تمام جسدش سالم، و اگر فاسد شود، تمام جسدش فاسد خواهد شد که این عضو همانا قلب است».

البانی در خصوص حدیث یادشده می گوید: گرچه یکی از پزشکان با اعتراض گفت که مغز مقر عقل و کار قلب، پخش خون به جسد انسانی است؛ من معتقدم که قلب، مرکز عقل است، زیرا خداوند هم می فرماید: ﴿وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ (حج: ۴۶) و نمی فرماید و لکن «تعمی القلوب التي في الرؤس»<sup>۱</sup>.

البانی معتقد است که روایات، آنچه را که برای دین و دنیای انسان مفید یا لازم بوده، بیان کرده اند و لزومی ندارد که به بحث های عقلی فلسفی یا کلامی وارد بشویم و اگر در مسئله ای از مسائل، حدیث ثابتی از رسول خدا وجود داشت که جواب آن سؤال یا مسئله بود، می پذیریم و دیگر به بحث های عقلی پیرامون آن وقعی نمی نهیم و اصلاً ما از این گونه مباحث منع شده ایم.

به طور خلاصه باید گفت که البانی، عقل را معتبر ندانسته و تمام روایاتی را که در فضیلت عقل صادر شده، دست ساز و مجعول ارزیابی کرده است. وی داوود بن مجبر، راوی این احادیث را غیرثقه و جعل کننده حدیث خوانده است؛ در حالی که با توجه به منابع رجالی، مشخص شد که وی، فردی ثقه بوده و به سبب گرایش های اعتزالی اش مغضوب رجالیون واقع شده است. البانی دفاع عقلانی از دین را که با علم کلام انجام می شود، مقبول نمی داند و روایات را در پاسخ گویی به مسائل کافی می داند. این رویکرد، موجب شده است که او بسیاری از احادیث را که عقل قطعی، مضمون آنها را رد می کند، بپذیرد و اعتقاد به آنها را لازم و واجب بشمرد؛ مانند داشتن دست و تجسم خداوند.

۱. سلسله الاحادیث الصحیحه، ج ۱، ص ۳۰۱.



وی سلفی عقل ستیزی است که نه تنها از عقل و مبانی عقلی گریزان است، بلکه از نقل نیز متنفر است؛ زیرا تمام روایات مربوط به عقل را تکذیب کرده.<sup>۱</sup>

**رسول خدا ﷺ، برترین مخلوق خداوند نیست!**

البانی می‌گوید: «دلیلی نداریم بر اینکه رسول خدا حضرت محمد ﷺ از همه مخلوقات افضل است».<sup>۲</sup>

### تحریف آیه تطهیر

البانی، در اتهامی دیگر، شیعیان را به تحریف در آیات قرآن متهم کرده است و می‌گوید: اهل بیت، طبق صریح آیه تطهیر، در واقع همان زنان پیامبر ﷺ هستند و اینکه شیعیان آن را به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اختصاص می‌دهند و شامل زنان پیامبر علیهم السلام نمی‌دانند، از تحریفات شیعه درباره آیات خداست تا هواهای نفسانی خود را یاری دهند.<sup>۳</sup>

**ابقاء قبر پیامبر اسلام، بدعت است!**

البانی در کتاب «مناسک الحج و العمرة» به مواردی که در مدینه منوره بدعت شناخته می‌شوند، اشاره می‌کند و در یکی از این موارد از ابقاء القبر النبوی فی مسجده (باقی گذاشتن قبر نبی اکرم در مسجدالنبی) نام می‌برد!

این بدان معناست که باقی گذاشتن قبر پیامبر اسلام ﷺ را نوعی بدعت به شمار می‌آورد و در صورتی که او و مریدانش این قدرت را داشته باشند، آن را نیز تحریف خواهند کرد!

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: منزلت عقل نزد البانی.

۲. التوسل أنواعه و أحكامه، الالبانی، ص ۱۴۹.

۳. سلسله الأحادیث الصحيحة وشیء من فقہها و فوائدها، البانی، ج ۴، ص ۳۵۹: «وتخصیص الشیعة (أهل البيت) فی الآیة بعلي و فاطمة و الحسن و الحسين رضي الله عنهم دون نسائه صلی الله علیه و سلم من تحریفهم لآیات الله تعالی انتصار لأهوائهم كما هو مشروح فی موضعه».



## تحریک به آتش زدن مرفد مطهر رسول الله ﷺ و تخریب گنبد خضرا

عبدالمنعم ابراهیم، وهابی تندرو، کتابی دارد به نام «مغنی المرید الجامع لشروح کتاب التوحید»، که شرحی است بر کتاب «التوحید» محمد بن عبدالوهاب. این شخص، پس از نقل سخن ابن قیم، شاگرد ابن تیمیه در مورد تخریب گنبد شریف پیامبر ﷺ، آتش زدن حجره پیامبر را امری عادی جلوه داده و با کنایه، خواستار خراب شدن و آتش زدن حرم ملکوتی آن حضرت شده است.

وی با بی شرمی تمام می نویسد: ابوحفص می گوید: آن اتاق باید در آتش بسوزد، بلکه باید ویران شود. پس وقتی که نظر او درباره حجره چنین باشد، (یعنی: اگر حکم به آتش زدن اتاق پیامبر بدهیم) پس گنبد چگونه است؟ (یعنی: حکم از بین بردن گنبد نیز کاملاً واضح است).<sup>۱</sup>

البانی، هم گفته بود: «اگر دولت عربستان سعودی داعیه دفاع از توحید را دارد، باید گنبد خضرای پیامبر را ویران کند».

از تأسف آورترین فتوهای البانی، فتوا به تخریب گنبد و بارگاه رسول خدا ﷺ و اخراج قبر شریف آن حضرت از داخل مسجدالنبی است که صراحتاً در این فتوا از لزوم تخریب گنبد سبز پیام آور خدا سخن گفته و برای دولت سعودی، کشیدن دیواری بین قبر شریف و مسجدالنبی را ضروری می داند. وی در کتاب «تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد» می نویسد:

از چیزهایی که باید برای آن تأسف خورد، این است که این بنا در قرن های گذشته ساخته شده، و اگر این نبود، باید این گنبد سبز و بلند خراب می شد. اطراف قبر شریف با پنجره هایی از جنس مس، نقاشی شده و دارای پرده و... احاطه شده است که صاحب قبر از آنها راضی نیست.

۱. قال ابوحفص: تحرق الحجره، بل تهدم. فاذا كان كلامه في الحجره فكيف بالقبه؟ مغنی المرید الجامع لشروح کتاب التوحید، ج ۴، ص ۱۶۰۱.





بلکه در زمان زیارت مسجد نبوی، هنگامی در سال ۱۳۶۸ ه.ق. برای عرض سلام به رسول خدا رفته بودم، در پایین دیوار شمالی قبر، محراب کوچکی را دیدم که در پشت آن سکویی که کمی از سطح مسجد بلند بود، وجود داشت و اشاره داشت به این مطلب که اینجا مکان مخصوص نماز در پشت قبر شریف است؛ پس در این هنگام، شگفت‌زده شدم که چگونه این نماد بت‌پرستی در زمان دولت توحید باقی مانده است!

اعتراف می‌کنم که هیچ فردی را ندیدم که برای نماز خواندن در این مکان بیاید؛ زیرا به شدت از سوی نگهبانانی که مردم را از انجام کارهای خلاف شرع در کنار قبر شریف منع می‌کردند، حراست می‌شد و باید برای این کار از دولت سعودی تشکر کرد. اما این تنها کفایت نمی‌کند و دواى درد نیست. من سه سال پیش در کتابم «احکام الجنائز و بدعها» گفتم: «پس واجب است مسجد نبوی به همان شکل سابق خود برگردد و بین مسجد و قبر پیامبر از طرف شمال تا جنوب دیواری کشیده و فاصله شود؛ به طوری که در داخل مسجد هیچ چیزِ خلافی که مؤسس مسجد از آن راضی نیست، دیده نشود.

اعتقاد دارم که این مسئله بر دولت سعودی واجب است؛ اگر آنها می‌خواهند پشتیبان واقعی توحید باشند. شنیدم که دولت سعودی دستور توسعه مجدد مسجد را داده است؛ پس شاید آنها به این پیشنهاد من اعتنا کنند، و مسجد را از طرف غرب و دیگر جاها توسعه دهند و جلوی این نقصی را که با گسترش مسجد اتفاق می‌افتد، بگیرند. اگر پیشنهاد پذیرفته شده، امید دارم که خداوند آن را به دست دولت سعودی تحقق بخشد و چه کسی سزاوتر از آنها به این کار!

ولی نزدیک دو سال پیش، مسجد را گسترش دادند بی‌اینکه آن را به همان صورتی برگرداندند که در زمان صحابه بوده است.<sup>۱</sup>

---

۱. قلت: ومما يؤسف له أن هذا البناء قد بني عليه منذ قرون إن لم يكن قد أزيل تلك القبة الخضراء العالية. وأحيط القبر الشريف بالنوافذ النحاسية والزخارف والسجف وغير ذلك مما لا يرضاه صاحب القبر نفسه صلى الله عليه وسلم؛ بل



نکته عجیب در این فتوا این است که البانی، دلیل تخریب نشدن گنبد رسول خدا را ساخته شدن این گنبد در قرن‌های گذشته می‌داند!

### نمونه‌ای از اعتقادات و فتوهای عجیب البانی

البانی با اینکه به عنوان یک محدث معروف است نه مفتی؛ با این حال فتوهای عجیب صادر می‌کند که برای نمونه مواردی را ذکر می‌کنیم:

– خداوند دارای دو صفت تعجب و خندیدن است.<sup>۱</sup>

– پدر و مادر و جد پیامبر ﷺ عبدالمطلب، بت پرست بودند و با حال کفر از دنیا رفته‌اند و اهل آتش هستند.<sup>۲</sup>

قد رأيت حين زرت المسجد النبوي الكريم وتشرفت بالسلام على رسول الله صلى الله عليه وسلم سنة 1368 هـ رأيت في أسفل حائط القبر الشالي محرابا صغيرا ووراء سدة مرتفعة عن أرض المسجد قليلا إشارة إلى أن هذا المكان خاص للصلاة وراء القبر فعجبت حينئذ كيف ضلت هذه الظاهرة الوثنية قائمة في عهد دولة التوحيد.

أقول هذا مع الاعتراف بأنني لم أر أحدا يأتي ذلك المكان للصلاة فيه لشدة المراقبة من قبل الحرس الموكلين على منع الناس من يأتيوا بها يخالف الشرع عند القبر الشريف فهذا مما تشكر عليه الدولة السعودية ولكن هذا لا يكفي ولا يشفي وقد كنت قلت منذ ثلاث سنوات في كتابي «أحكام الجنائز وبدعها»:

«فالواجب الرجوع بالمسجد النبوي إلى عهده السابق وذلك بالفصل بينه وبين القبر النبوي بحائط يمتد من الشمال إلى الجنوب بحيث أن الداخل إلى المسجد لا يرى فيه أي مخالفة لا ترضى مؤسسه صلى الله عليه وسلم.

اعتقد أن هذا من الواجب على الدولة السعودية إذا كانت تريد أن تكون حامية التوحيد حقا وقد سمعنا أنها أمرت بتوسيع المسجد مجددا فلعلها تتبنى اقتراحنا هذا وتجعل الزيادة من الجهة الغربية وغيرها وتسد بذلك النقص الذي سيصيبه سعة المسجد إذا نفذ الاقتراح أرجو أن يحقق الله ذلك على يدها ومن أولى بذلك منها؟

ولكن المسجد وسع منذ سنتين تقريبا دون إرجاعه إلى ما كان عليه في عهد الصحابة والله المستعان (تحذير الساجد من اتخاذ القبور مساجد، ج ۱، ص ۶۸)

۱. سلسله الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها و فوائدها، ج ۶، ص ۷۳: «فها التعجب والضحك» صفتان لله عز وجل عند أهل السنة».

۲. صحيح السيرة النبوية، صص ۲۷ و ۲۸: «والمقصود أن عبد المطلب مات على ما كان عليه من دين الجاهلية كيف لا يكون أبواه وجده عليه الصلاة والسلام بهذه الصفة في الآخرة وقد كانوا يعبدون الوثن حتى ماتوا».



- اذان در مساجد در برابر بلندگوی صوتی (میکرفون) مشروع نیست!<sup>۱</sup>
- دعا برای جنگ جویان و مرزبانان و مدافعان از وطن از جانب خطیب نماز جمعه حرام است.<sup>۲</sup>
- روز جمعه را روز تعطیلی دانستن، بدعت است.<sup>۳</sup>
- خواندن فاتحه برای ارواح مردگان، مخالف با سنت؛ بلکه بدون شک، بدعت است؛ خصوصاً آنکه قرائت - بنابر قول صحیح - به مرده‌ها نمی‌رسد.<sup>۴</sup>

### اهانت‌های البانی به شیعه و امام خمینی علیه السلام

اهانت‌های تند البانی به شیعه و علمای آنها در آثار (چه کتب و چه نوارهای درسی) وی مشهود است. البانی در ضمن پاسخ به سؤالی که از او درباره حکم فرقه‌ای که علیه وهابیت، ردیه نوشته‌اند و بر آنها هجمه می‌کنند<sup>۵</sup>، به این نکته اشاره می‌کند که نزد ما وهابیان، شیعه و کسانی که به آنها رافضی گفته می‌شود، در اینکه بیشتر علمایشان مانند امام خمینی در کفر و گمراهی‌اند، شک نداریم.<sup>۶</sup>

### آرایش زنان حرام!

زیاد سؤال می‌شود: مثلاً زنی که روی دست‌هایش موی زیادی می‌روید و همسرش از این موضوع ناراضی است، آیا زن اجازه دارد موها را بردارد؟  
جواب: این کار تغییردادن در خلقت خداوند است که او را با موی زیاد خلق کرده

۱. الاجوبة النافعة عن اسئلة لجنة مسجد الجامعة، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۷۲.

۳. همان، ص ۶۵.

۴. أحكام الجنائز، ص ۳۴ (حاشیه).

۵. البانی در پاسخ به این سؤال به این نکته اشاره می‌کند که حکم نهایی درباره این فرقه، این است که گمراه‌اند.

هرچند حکم نهایی به تک‌تک افراد فرقه ضاله، ظلم و جفاست، ولی به‌طور کلی آنها را گمراه می‌داند.

۶. دروس للشيخ محمد ناصرالدین الألبانی، محمد ناصرالدین الألبانی، درس شماره ۲۹، ص ۶، «مثلاً الشيعة ومن

يقال فيهم الرافضة، كثير من علمائهم لا نشك في كفرهم وضلالهم ك الخميني مثلاً».



و واجب است که به این خلقت خداوند راضی باشد و در خلقت خداوند تغییری ایجاد نکند.<sup>۱</sup>

### انگشتر طلا برای زنان حرام!

البانی، پیشوای حدیث و هابیت، انگشتر و دستبند طلا را برای زنان حرام می‌داند! در حالی که رسول خدا ﷺ آن را حلال دانسته است. او می‌گوید: «بدان که زن‌ها نیز به همراه مردها، در حرام‌بودن انگشتر طلا و امثال آن مانند، دستبند و گردنبند طلا، مشترک هستند».<sup>۲</sup>

### منابع

۱. الابناني حياته و آثاره و ثناء العلماء عليه، الشيخ محمد بن إبراهيم الشيباني.
۲. رسالة «صوت العرب تسأل ومحدث الشام يجيب».
۳. علماء ومفكرون عرفتهم، الشيخ محمد المجذوب رحمه الله.
۴. ترجمة موجزة لفضيلة محدث العصر الشيخ محمد ناصرالدين الألباني، نشرت في مجله «الجامعة السلفية» بالهند، كتبها الأستاذان الشيخ محمد عيد العباسي و الشيخ علي خشان بخط اليد وحررتها ببعض الإضافات.
۵. ثبت مؤلفات الشيخ الألباني، للشمراني.
۶. جهود الشيخ مُحَمَّدٍ نَاصِرِ الدِّينِ الألباني في خدمة السنة المطهَّرة، للدكتور خالد

۱. يكثر السؤال - مثلاً - عن امرأه في ذراعها شعر و يستقيح ذلك زوجها، فهل يجوز لها ان تنف هذا الشعر؟! الجواب: ان هذا تغيير لخلق الله، خلقها الله كثيره الشعر، فيجب ان ترضي بخلق الله و لا تغيره، الا باذن الله، كتشف الابط و غيره.

المسائل العلميه و الفتاوى الشرعيه فتاوى الشيخ محمد ناصرالدين الباني فى المدينة و المارات، ص ۲۴۹.

۲. ۳۹ - تحريم خاتم الذهب ونحوه علي النساء.

و اعلم أن النساء يشتركن مع الرجال في تحريم خاتم الذهب عليهن ومثله السوار والطوق من الذهب. آداب الزفاف فى السنه المطهره، الباني، ص ۲۲۲.



علي، ضمن بحوث ندوة (الجهود المبذولة في خدمة السنة النبوية، من بداية القرن الرابع عشر الهجري إلى اليوم)، في الإمارات.

٧. منهج الإمام المجدد المحدث الألباني في تعليل الحديث للدكتور محمد حمدي أبوعبدة، رسالة دكتوراة، صدر عن دار اللؤلؤة.

٨. مقالات الألباني؛ جمعها: الشيخ نورالدين طالب، وقد جمع ما كتبه الشيخ قديماً في: المجالات، والصحف، والدوريات.

٩. جهود الألباني في بيان عقيدة السلف الصالح في الإيمان بالله رب العالمين، لأحمد صالح الجبورى، ط ١، الأردن، الدار الأثرية، ١٤٣٠هـ، ط ١.

١٠. الإمام العلامة محمد ناصرالدين الألباني محدثاً، للدكتور زكي صلاحى رسالة دكتوراه، في جامعة كاليكوت بالهند، يسر الله نشرها.

١١. العقيدة الطحاوية، شرح و تعليق، محمد ناصرالدين الباني، ١٣٩٤ هـ. ق.

١٢. الدعوة السلفية الهادية و موقفها من الفتن العصرية الجارية و بيان الاسباب الشرعية الشرعية الواقية، علي بن الحسن بن علي بن عبدالله حلي، منشورات (منتديات كل السلفيين)، ١٤٣٢ هـ. ق.

١٣. ثورة مصر و اخواتها في موازين الفقهاء و مناهج العلماء، محمد نعيم محمد هاني الساعى، ط ١، القاهرة، دارالسلام للطباعة و النشر و التوزيع و ترجمه، ٢٠١١م.

١٤. صحيح مسلم، ابوالحسن مسلم بن الحجاج مسلم، (تحقيق) محمد فؤاد عبدالباقي، داراحياء الكتب العربية، ١٤١٢ هـ. ق.

١٥. التفكير والهجرة من التراث إلى النهضة العربية الثانية، ناصيف نصار، بيروت، دارالنهار للنشر، ١٩٩٧م.

١٦. حياة الألباني وأثاره وثناء العلماء عليه، محمد بن إبراهيم الشيباني.

١٧. مع شيخنا ناصر السنة والدين (محمد ناصرالدين الألباني) مجدد القرن، ومحدث



العصر، في شهور حياته الأخير، وضمن ذلك: ملخص سيرته، ونص وصيته، ومسرد مؤلفاته بقلم: علي الحلبي.

١٨. ثبت مؤلفات الألباني، عبدالله بن محمد الشمراني، الناشر: دار ابن الجوزي - الدمام.

١٩. ترجمة موجزة لفضيلة الشيخ الألباني، محمد عيد العباسي.

٢٠. جهود الإمام الألباني، ناصر السنة والدين، في بيان عقيدة السلف الصالحين، في الإيمان بالله رب العالمين، أحمد الجبوري.

٢١. جهود الشيخ الالباني في الحديث رواية ودراية، عبدالرحمن بن محمد بن صالح العيزري، رسالة ماجستير من جامعة صنعاء، مكتبة الرشد.

٢٢. المنهج السلفي عند الشيخ الألباني، عمرو عبدالمنعم سليم، مكتبة الضياء طنطا - مصر.

٢٣. جهود الإمام الالباني في محاربة الرافضة وتفنيد أباطيلهم، جمع وإعداد أبي طلحة عمر بن إبراهيم، عمان، الدار الأثرية.

٢٤. آراء الإمام الالباني التربوية، إياد بن محمد الشامي، تقديم وتعليق: الشيخ مشهور ابن حسن، وأصل الكتاب رسالة ماجستير عن الجامعة الإسلامية بغزة.

٢٥. جهود الإمام الالباني في توحيد العبادة، وليد سيف النصر، المدينة النبوية، طبع دار منار التوحيد.

٢٦. جامع تراث العلامة الالباني في العقيدة، شادى بن محمد بن سالم آل نعمان توزيع: مصر، دار ابن عباس.

٢٧. نظم الفرائد مما في سلسلتي الالباني من فوائد، عبداللطيف ابي ربيع.

٢٨. الإمام الالباني مواقف ودروس وعبر، عبدالعزيز بن محمد السدحان، دار التوحيد بالرياض.

٢٩. الثمر الداني في الذب عن الالباني، أبواسحاق الحويني.



۳۰. الالحاد الخميني في الارض الحرمين، مقبل بن هادي الوادعي، القايره، الحرمين،

.۱۴۰۷

31. <http://maaref.ac.ir>
32. [www.alalbany.net/](http://www.alalbany.net/)
33. <http://shamimshia.com>
34. <http://alsoal.ir>
35. <http://www.fanzar.net>
36. <http://salafi-vahabi.blogfa.com>
37. <http://mohakeme.com>
38. <http://globemuslims.com>
39. <http://eslahe.com>
40. <http://www.ahmadbeheshti.ir>
41. <http://vahhabiyat.net>
42. <http://pers.iran.ru>
43. <http://14mah.parsiblog.com>
44. <http://vista.ir>
45. <http://www.apmkadeh.com>
46. <http://science.ahlabaht.org>





## صالح بن فوزان



### زندگی نامه

#### کودکی

صالح بن فوزان بن عبدالله بن علی آل فوزان، متولد ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۵م مطابق با اول رجب ۱۳۵۴ هـ. ق در منطقه شماسیه حوالی شهر بریده در منطقه قصیم عریستان است. او در کودکی پدر خود را از دست می دهد و با سرپرستی اقوام و خویشان روزگار می گذراند.



## تحصیلات

وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را در شهر بریده زیر نظر صالح بن ابراهیم بلیهی، صالح بن عبدالرحمن سکیتی، علی بن سلیمان ضالع، صالح بن عبدالله مقبل، حمد بن محمد محمید و فهد بن محمد المشیقح می‌گذارند و سپس تحصیلات آکادمیک خود را تا مقطع دکترا در دانشکده فقه ریاض تا سال ۱۳۹۴ ه. ق طی می‌کند. عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد او «تحقیقات مرضی درباره امور فرضی مباحث ارث» و پایان‌نامه دکتری او نیز «احکام خوراکی‌ها در اسلام» است.

## استادان

علاوه بر افراد یادشده، این افراد نیز در شکل‌گیری شخصیت وی اثرگذار بوده‌اند:

۱. عبدالرحمن السعدی؛
۲. محمد امین شنقیطی؛
۳. عبدالعزيز بن باز؛
۴. عبدالله بن حمید؛
۵. عبدالرزاق عقیفی؛
۶. صالح بن ابراهیم البلیهی؛
۷. صالح سکیتی؛
۸. محمد السبیل؛
۹. عبدالله بن صالح خلیفی؛
۱۰. ابراهیم بن عقلاء شعبی؛
۱۱. ابراهیم بن عبید العبدالمحسن؛
۱۲. محمد بن صالح المنصور؛
۱۳. صالح العلی ناصر.



علاوه بر اینان، تعدادی از استادان دانشگاه الازهر مصر نیز در زمره استادان او نام برده می‌شوند.

### تدریس

وی از نیمسال دوم تحصیلی سال ۱۴۱۲ تا سال ۱۴۲۵ ه.ق، در دانشگاه اسلامی محمد بن سعود مشغول تدریس بوده است و از آن تاریخ به بعد، برخی دروس را در مسجد نزدیک خانه‌اش تدریس می‌کند و غالباً در جلسات افتاء و مناظرات و... مشغول به فعالیت است.

### تألیفات

گفته شده وی بیش از سی جلد کتاب و کتابچه منتشر کرده است که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. التحقیقات المرضیة فی المباحث الفرضیة فی الموارث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛
۲. أحكام الأطفمة فی الشریعة الإسلامیة، پایان‌نامه دکتری؛
۳. الإرشاد إلى صحیح الاعتقاد، کتابچه؛
۴. شرح العقیة الواسطیة، کتابچه.
۵. البیان فیما أخطأ فیہ بعض الكتاب، قطع رحلی؛
۶. مجموع محاضرات فی العقیة والدعوة، ۲ جلد؛
۷. الخطب المنبریة فی المناسبات العصریة، ۲ جلد؛
۸. من أعلام المجددین فی الإسلام؛
۹. رسائل فی مواضع مختلفة؛
۱۰. مجموع فتاوی فی العقیة والفقہ مفرغة من نور علی الدرب، ۴ جزء؛
۱۱. نقد کتاب الحلال والحرام فی الإسلام؛
۱۲. شرح کتاب التوحید - للإمام محمد بن عبدالوهاب، جزوه درسی؛



۱۳. التعقيب على ما ذكره الخطيب في حق الإمام محمد بن عبد الوهاب؛
۱۴. الملخص الفقهي؛
۱۵. إتحاف أهل الإيمان بدروس شهر رمضان؛
۱۶. الضياء اللامع من الأحاديث القدسية الجوامع؛
۱۷. بيان ما يفعله الحاج والمعتمر؛
۱۸. كتاب التوحيد، ۲ جزء مقرري مرحلة متوسطة برای وزارت معارف؛
۱۹. فتاوا و مقالات منتشر شده در مجلة الدعوة، که ضمن كتاب الدعوة منتشر شده است؛
۲۰. البدع والمحدثات وما لا أصل له؛
۲۱. مجالس شهر رمضان المبارك؛
۲۲. عقيدة التوحيد؛
۲۳. أضواء من فتاوى ابن تيمية؛
۲۴. بحوث فقهية في قضايا عصرية؛
۲۵. محاضرات في العقيدة والدعوة؛
۲۶. شرح كتاب كشف الشبهات؛
۲۷. فقه وفتاوى البيوع؛
۲۸. دروس من القرآن الكريم؛
۲۹. زاد المستقنع؛
۳۰. الملخص في شرح كتاب التوحيد؛
۳۱. إعانة المستفيد بشرح كتاب التوحيد؛
۳۲. شرح مسائل الجاهلية؛
۳۳. حكم الاحتفال بذكرى المولد النبوي؛



٣٤. المتتقى؛
٣٥. لمححة عن الفرق؛
٣٦. الإيمان بالملائكة وأثره في حياة الأمة؛
٣٧. الإعلام بنقد كتاب الحلال والحرام؛
٣٨. مجمل عقيدة السلف الصالح؛
٣٩. البيان بالدليل لما في نصيحة الرفاعي ومقدمة البوطي من الكذب الواضح والتضليل؛
٤٠. حقيقة التصوف؛
٤١. من مشكلات الشباب؛
٤٢. وجوب التحاكم إلى ما أنزله الله؛
٤٣. الفرق بين البيع والربا؛
٤٤. مسائل في الإيمان؛
٤٥. التعليقات المختصرة على متن العقيدة الطحاوية؛
٤٦. تدبر القرآن؛
٤٧. من أعلام المجددين في الإسلام؛
٤٨. وجوب التثبت في الأخبار واحترام العلماء؛
٤٩. من أصول عقيدة أهل السنة والجماعة؛
٥٠. دور المرأة في تربية الأسرة؛
٥١. معنى لا إله إلا الله؛
٥٢. شرح كتاب شرح السنه للإمام البربهاري؛
٥٣. شرح نواقض الإسلام؛
٥٤. التوحيد في القرآن؛
٥٥. التحذير من الفوضى والفتن والمظاهرات؛



۵۶. کتاب مناسک الحج والعمرة؛

۵۷. مختصر أحكام الجنائز؛

۵۸. أسئلة وأجوبة في مسائل الإيمان والكفر.

### مناصب

- مدرس آکادمی علمی ریاض، دانشکده فقه، دانشکده اصول دین و پژوهشکده عالی قضا، عضو هیئت دائم فتوا و بحث‌های علمی؛
  - عضو هیئت کبار العلماء؛
  - عضو مجمع فقهی مکه مکرمه؛
  - عضو گروه اشراف بر داعیان و مبلغان حج؛
  - امام و خطیب مسجد جامع امیر متعب بن عبدالعزیز ملز؛
  - کارشناس برنامه رادیویی نور علی الدرب.
- بن باز وصیت کرده بود که بعد از من، مسائلتان را از صالح بن فوزان بپرسید.





## باورها و فتاوی عجیب فقیه دربار آل سعود و در خدمت یهود

وی از مهم‌ترین فقهای در خدمت آل سعود است که هر نوع انتقاد علنی به حکومت را در حکم بغی و طغیان دانسته، و آن را حرام اعلام کرده است. وی حتی اعتراض قلبی را هم مصداق شورش می‌داند و مدعی است تنها حالتی که مصداق «النصيحة لولي المسلمین» می‌تواند باشد، انتقاد غیرعلنی و پنهانی است.<sup>۱</sup>

### فقط حج وهابی‌ها قبول است!

صالح فوزان، انجام مناسک حج را در تمام ادیان و مذاهب دیگر باطل می‌داند و تنها وهابیت را دین کامل معرفی کرده است.

براساس فتوای او، انجام مناسک حج برطبق تعالیم تمام ادیان و مذاهب، به جز وهابیت، حرام است.

«صالح فوزان» طی اظهاراتی در این باره گفت:

ما از همه مسلمانان می‌خواهیم که تعالیم مذهب خود در مورد اعمال مناسک حج را کنار بگذارند و با در نظر گرفتن ادله شرعی که در دست داریم، طبق احکام و روایات ما مناسک حج را به جای آورند. ما نمی‌توانیم به زور عقایدمان را به آنها تحمیل کنیم؛ اما در همین حال هم نمی‌توانیم ببینیم که دیگر مذاهب با بدعت و شرک، مناسک خود را به‌جا بیاورند. ما باید اشتباهاتشان را به آنها بفهمانیم.<sup>۲</sup>

### اعتراض به آل سعود حرام و مجاز بودن دولت به کشتار معترضان!

صالح فوزان طی فتوایی اعلام کرد که برای حفظ منافع کشوری، کشتار تظاهرکنندگان به‌وسیله حاکم ایرادی ندارد.

<http://www.youtube.com>

۱. فیلم گریه صالح فوزان بر احمد بن حنبل:

2. [www.shia-online.ir](http://www.shia-online.ir)



وی جنبش اصلاح طلب مخالفان عربستانی را به «خوارج» تشبیه کرد و در توجیه فتوای مضحک خود افزود: «پیامبر ﷺ موافق مبارزه با خوارج بوده است». صالح الفوزان در پیامی اعلام کرد: «جشنواره خرید شتر به قیمت گزاف و بالا که مسئولان عالی رتبه دولت عربستان آن را برپا می کنند، عملی کاملاً باطل، قبیح و نوعی قمار و فخرفروشی جاهلی است».

شیخ عبدالله المنیع از اعضای شورای علمای عربستان نیز در این باره گفت: «برنامه ها و مسابقات جشنواره خرید شتر، اسراف و تبذیر در اموال، و برگرفته از غرور کذب جاهلی امیران و دولتمردان عربستان است». وی تأکید کرد: «این جشنواره، نوعی تفاخر جاهلی و از عادات و سنت های منسوخ عربستان است که با تعالیم و مبادی دین مبین اسلام منافات دارد و کسانی که این کار را انجام می دهند، کافر و گمراه اند». گفتنی است، خرید شتر به قیمت بسیار بالا و هنگفت، از جمله جشنواره ها و مسابقاتی است که همه ساله در عربستان برگزار می شود و در آن، دولتمردان و امیران عربستان، مبالغی حدود یک میلیون ریال سعودی یا حتی بیشتر برای خرید شتر می پردازند.

### اذیت یهودیان ممنوع!

شیخ صالح فوزان از اعضای سرشناس هیئت علمای عربستان سعودی در جدیدترین فتوای خود جهاد الکترونیکی علیه پایگاه های یهودی را اقدامی غیرشرعی و بی فایده دانست.

شیخ صالح فوزان که عضو دارالافتای عربستان سعودی نیز بوده است، در ادامه سخنرانی خود در شهر ریاض گفت: برخی مسلمانان، به پایگاه های الکترونیکی یهودیان حمله، و آن را هک می کنند. این کار هیچ آسیبی به صاحبان این پایگاه ها نمی رساند؛ زیرا آنان می توانند پایگاه دیگری راه اندازی کنند. آسیب و ضرر این کار به خود





مسلمانان برمی گردد.

فوزان که عنوان سخنرانی خود را «جهاد و شرایط آن» نامیده بود، در ادامه افزود: «این گونه حملات را بیشتر شبکه تروریستی القاعده علیه پایگاه‌های الکترونیکی یهودی انجام می‌دهد. این حملات را نمی‌توان جهاد نامید، بلکه باید آن را خراب‌کاری بنامیم».

فتاوی قرون وسطایی

و جوب اعتقاد به ثابت بودن زمین!

صالح بن فوزان از قائلان به وجوب اعتقاد به ثابت بودن زمین است و همچنین وی، منکر صحت و اعتبار حدیث جعلی «شفا با ادرار شتر!» را کافر مرتد زندیق می‌داند! که دیگر مفتیان وهابی به این فتوا اعتراض کردند.

و جوب قتل بی‌نمازان!

صالح فوزان در پاسخ سؤالی درباره افراد تارک الصلاة و وظیفه افراد در قبال آنان، ضمن فتوایی از جنس فتاوی خوارج، مدعی شد که این افراد را باید دور کرد و اگر توبه نکردند، کشتن آنان نیز واجب است.

تحریم اهدای گل توسط هیئت علمایی که صالح فوزان عضو آن است

شماره فتوا: ۲۱۴۰۹

تاریخ: ۱۴۲۱/۳/۲۱

و بعد، کمیته دائم پژوهش‌ها و فتواهای علمی از سؤال مستفتی محمد عبدالرحمن العمر از حضرت مفتی کل آگاه شد که از سوی دبیرکل هیئت علمای ارشد با شماره ۱۳۳۰ و در تاریخ ۱۴۲۰/۳/۲۱ برای این کمیته مطرح شده است.

سؤال: در بعضی از بیمارستان‌ها، اماکنی برای فروش گل وجود دارد، و ما عیادت‌کنندگانی را می‌بینیم که دسته‌های گل را به بیماران تقدیم می‌کنند. این کار چه



## حکمی دارد؟

جواب: در طول قرون متمادی، اهدای گل طبیعی یا مصنوعی، هیچ گاه جزء سنت عیادت از بیماران نبوده و این عادت است که از بلاد کفر وارد شده و عده‌ای که ایمان ضعیفی داشته‌اند، از آنها اثر پذیرفته و این عادت را انتقال داده‌اند. حقیقت این است که بردن گل، نفعی برای بیمار ندارد؛ بلکه تشبیه و تقلید محض از کفار است و نه هیچ چیز دیگر، و فقط خرج کردن پول در غیر راه درست است که این، اعتقاد فاسد را به دنبال دارد که این گل‌ها باعث شفا می‌شود! بر این اساس، نباید از گل در مورد مذکور استفاده کرد، نه به صورت فروش و نه خرید و نه اهدا... .

این سخنان در حالی از طرف کارخانه‌های فتواسازی وهابیت صادر می‌شود که امیران آنان با امضای قراردادهای میلیاردی و اهدای کمک‌های بلاعوض به همان بلادهای کفر، نوکری خویش را به شکلی متفاوت به اثبات می‌رسانند...<sup>۱</sup>

## سلف سرویس حرام!

روزنامه اینترنتی سبق عربستان نوشت که الفوزان در برنامه‌ای رادیویی، در پاسخ به سؤال یکی از شنوندگان درباره رستوران‌های بوفه‌باز گفت: کسی که وارد رستوران بوفه‌باز می‌شود و با پرداخت مبلغی مشخص، هرچه می‌خواهد می‌خورد؛ در حال انجام دادن کاری ناآگاهانه است. شرط خرید و فروش آن است که مقدار هر دو مورد برای فرد مشخص باشد.

وی ادامه داد: «کسی که به بوفه‌باز می‌رود و به او می‌گویند که در مقابل پرداخت ده یا پنجاه ریال سعودی می‌تواند هرچه می‌خواهد بخورد، بی‌آنکه نوع غذا مشخص شود، این کار او ناآگاهانه است و جایز نیست».



## تحریف حدیث ثقلین

صالح فوزان در کتاب خود حدیث ثقلین را تحریف کرده و به جای عبارت «کتاب الله و عترتی» عبارت «کتاب الله و سنتی» را گذاشته است.<sup>۱</sup>

### دشمن قسم خورده شیعه

صالح فوزان، شیعیان را دشمنان همیشگی مسلمانان از قدیم الایام می خواند که تاریخی سیاه در برابر اسلام و مسلمین دارند! و این روزها سیاهی آنان، ایران و لبنان برای دفاع از حکومت سوریه، بیشتر رخ کرده است.

وی با چشم پوشی از اقدامات سلفی در ویران کردن اماکن مقدس سوریه و خانه های مردم، عبارت توهین آمیز عبدالعزیز آل الشیخ درباره حزب الله لبنان را که آنان را «حزب بت لات» خوانده است، تأیید می کند و مدعی می شود: «الان شیعیان، عامل ویرانی خانه و کاشانه مردم سوریه اند!»<sup>۲</sup>

او در ادامه می گوید: «اگر جایی دیدید شیعیان به اسلام و دوستی با ما اظهار می کنند، بدانید نیرنگ و فریبی است برای اینکه خود را از انتقام مسلمانان نجات دهند».<sup>۳</sup>

وی خوردن گوشت های ذبح شده به دست شیعیان مانند دروزی ها و نصیری ها را به علت مشرک خواندن آنان، حرام می داند.<sup>۴</sup>

### دستور به دوری از شیعیان

چندی قبل، سلمان بن عبدالعزیز، امیر منطقه ریاض، در همایشی ضدشیعی با عنوان «مملکت ما... وحدت ما» که با حضور امیران برخی مناطق عربستان، چهره های سیاسی

۱. فیلم تحریف حدیث ثقلین توسط صالح فوزان: <http://www.youtube.com>

۲. فیلم تخریب مسجدی در سوریه توسط وهابی ها: <http://www.aparat.com>

۳. فیلم تخریب قبور علما و بزرگان دین در آفریقا توسط وهابیان: <http://www.aparat.com>

4. <http://www.alfawzan.af.org>



و مفتیان سلفی از جمله صالح الفوزان، عبدالله بن جبرین، ناصر العمر و برخی چهره‌های مشهور ضدشیعی دیگر برگزار شده بود، در سخنانی التزام عربستان به مذهب سلفی را از اصول کشور خود دانست و از چنین اندیشه‌ای، به‌عنوان تنها اندیشه صحیح اسلامی نام برد!

در این همایش، سخنرانان به جای دعوت به وحدت در جهان اسلام، حاضران را به دوری و حتی قتل مسلمانانی که اندیشه سلفی را نمی‌پسندند، ترغیب کردند! در این زمینه، صالح الفوزان در سخنانی خواستار دوری از شیعیان شد و پیروان مذهب شیعه را خطر اصلی برای عربستان دانست.

وی در ادامه خواستار آن شد که هیئت حاکمه کشور عربستان، شیعیان مقیم مناطقی چون القطیف، مدینه منوره و نجران را به اسلام اندیشه سلفی دعوت کند و در صورتی که نپذیرفتند، آنان را برای پذیرش اندیشه سلفی مجبور کند!<sup>۱</sup>

**توهین به شیعیان و حزب‌الله لبنان**

وی شیعیان را برادران شیطان می‌خواند و حزب‌الله را حزب اللات!<sup>۲</sup>

**مسائل زنان و تحقیر زنان**

تلفن همراه برای زنان حرام، چون عقل ندارند!

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه العالم، شیخ صالح بن فوزان در پاسخ به سؤال روزنامه المدینه در خصوص تلفن‌های همراه جدید و شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی در اینترنت و تأثیر و خطرات آنها برای نوجوانان و ایجاد روابط غیرشرعی بین دختران و پسران جوان، گفت: «باید از این تجهیزات به‌درستی استفاده کرد؛ به

۱. فیلم تحریف حدیث ثقلین موجود در سنن ترمذی توسط صالح الفوزان: <http://14mah.parsiblog.com>

۲. فیلم شیعیان برادران شیطان: <http://www.youtube.com>



صورتی که سودمند باشند».

وی افزود: «این تجهیزات باید در دست افراد عاقل، اهل دین و مردان باشد، نه زنان و کودکان».

شلوار پوشیدن زنان ممنوع!

وی در پاسخ به سؤالی گفته است که و حتی اگر شلوار گشاد باشد، باز هم به دلیل اینکه تشخیص دادن هر یک از پاهای یکدیگر، وجهی از پوشیده نبودن دارد، [پوشیدن آن جایز نیست] و دیگر اینکه این ترس وجود دارد که [پوشیدن شلوار گشاد] تقلید زنان از مردان باشد، به این دلیل که شلوار از لباس‌های مردانه است.<sup>۱</sup>

مش کردن موی زنان ممنوع!

صالح فوزان در مورد رنگ موی سر زنان می‌گوید: رنگ کردن موی سفید مستحب است، مگر با رنگ سیاه، مثلاً با حنا و وسمه و... ولی سیاه کردن موی سفید جایز نیست، بنا به فرموده پیامبر ﷺ در مورد موهایی که سفید نیستند، پس به همان شکل و وضعیت اصلی و طبیعی خودشان باقی می‌مانند و تغییر داده نمی‌شوند؛ ولی اگر بدرنگ باشند، برای به دست آوردن رنگ مناسب، با رنگ کردن، این زشتی مو را از بین می‌برند. اما موی طبیعی که، رنگ آن زشت نیست، آن را به حالت طبیعی خود باقی می‌گذارند؛ زیرا دلیلی برای رنگ کردن آنها وجود ندارد. اگر رنگ کردن مو به روشی باشد که تقلید از زنان کافر و مدهای وارداتی شمرده شود، شکی در حرام بودن آن نیست و فرقی ندارد که کل موها یک رنگ زده شده باشند یا رنگارنگ باشند (که همان مش کردن است).<sup>۲</sup>

۱. به تفصیل فتوی در کتاب «الفتاوی الجامعه للمرأة المسلمه»، (۸۵۲/۳) مراجعه شود.

۲. فتاوی المرأة المسلمه، صالح فوزان، ج ۲، ص ۵۲۰.



## مسائل روز

صالح فوزان مواضع متناقضی درباره موضوعات روز دارد؛ به ویژه درباره سوریه و

مصر:

دعوت به جهاد در سوریه!

وی روزی تمام حکومت‌ها و مردم را برای برطرف شدن فتنه سوریه به جهاد فراخواند<sup>۱</sup> و برای کسانی که امکان حضور در عرصه نبرد با گمراهان حاکم در سوریه را ندارند، دعا برای سقوط حکومت سوریه را واجب کرد.

موضع متفاوت بعد از شکست: فتنه سوریه نه جهاد!

داود الشریان، مجری سرشناس عربستانی در اظهاراتی بی سابقه، جهاد در سوریه را ادعایی دروغ توصیف کرد که حتی مفتیان و مبلغان این کشور حاضر نیستند فرزندان خود را به چنین جهادی بفرستند.

مجری برنامه الثامنه در شبکه ام بی سی، با استناد به فتوای صالح الفوزان از اعضای هیئت علمای ارشد سعودی، تحولات سوریه را فتنه توصیف کرد که انسان، نباید مشغول آن شود.

الشریان در یکی از پست‌های خود در تویتر، جهاد در سوریه را دروغ خواند. الشریان سپس خطاب به عرعور، از مفتیان وهابی مورد حمایت عربستان سعودی و از مهم‌ترین تحریک‌کنندگان مردم برای شرکت در جنگ سوریه، نوشت: «اگر تو و امثال تو واقعاً به وجود جهاد در سوریه ایمان دارید، چرا پیش از هر کسی، فرزندان خود را برای جهاد نمی‌فرستید؟»

الشریان تأکید کرد:

<http://www.youtube.com>

۱. فیلم وجوب جهاد علیه حکومت سوریه:

<http://www.youtube.com>

فیلم لزوم جهاد همه جانبه مسلمین علیه حاکمیت سوریه:



این مفتی، جوانان را برای رفتن به سوریه تحریک می‌کند؛ زیرا جنگ در این کشور او را معروف کرده است. به همین سبب، همواره به دمیدن در آتش این جنگ ادامه خواهد داد تا همچنان به عنوان ستاره‌ای تلویزیونی و جمع‌آوری‌کننده کمک‌های مردمی باقی بماند.

صالح فوزان، پیش از این در برنامه‌ای رادیویی با موضوع فتوا، در پاسخ به شخصی درباره حکم جهاد در سوریه و بعد از شکستی که در سوریه متحمل شده بودند، گفت: «آنچه در سوریه می‌گذرد، فتنه است و انسان نباید خود را درگیر فتنه کند؛ بلکه باید از آن دوری ورزد و برای پیروزی و فرج مسلمانان دعا کند. از آنجاکه مسلمان، خانواده دارد، جایز نیست به این جهاد برود؛ زیرا رفتن به جهاد، نیازمند اجازه پدر و ولی امر است و چنین مسئله‌ای فتنه است و باید از آن دوری کرد».

در این میان، تحلیلگران از رویکردهای تازه عربستان سعودی در شگفت مانده‌اند و احتمال می‌دهند که جنگی داخلی بر سر قدرت در میان خاندان حاکم درگرفته که بازتاب آن به تغییر مواضع در رسانه‌ها انجامیده است. این تحلیلگران می‌پرسند آیا تغییری در سیاست خارجی عربستان سعودی به وجود خواهد آمد؟ علت مطرح شدن این سؤال آن است که عربستان، حامی و پشتیبان اصلی همه جریان‌های تکفیری است.

داود الشریان همچنین در برنامه الثامنه در شبکه سعودی ام بی سی، در اقدامی بی سابقه، برای نخستین بار به موضوع تحریک جوانان عربستانی برای جنگ در سوریه پرداخت.

اقدام بی سابقه این شبکه سعودی در مطرح کردن این موضوع جنجالی، در حالی است که این کشور از حامیان اصلی گروه‌های مسلح و تروریستی، به‌ویژه داعش و جبهه النصره در سوریه است.

دکتر ابراهیم المیمن از مسئولان دانشگاهی عربستان در این برنامه اذعان کرد، کسانی که جوانان سعودی را برای اعزام به سوریه فریب می‌دهند، افراد کم سن و سال را



انتخاب می‌کنند؛ زیرا به‌سادگی می‌توانند بر آنان اثر بگذارند.

وی افزود:

این افراد نیازهای روانی جوانان را تأمین می‌کنند، ولی در مقابل، آنان را در تنگنا می‌گذارند و برای انجام کارهای مشخصی آموزش می‌دهند. به آنان وعده بهشت و حورالعین می‌دهند و برای آنان مثال‌هایی را از رهبران تاریخ اسلام در دوران جوانی می‌آورند. این مسئول سعودی خاطر نشان کرد، بیشتر آنهایی که از سوریه بازگشته‌اند، کسانی را که آنان را برای رفتن به جنگ در سوریه تحریک کرده‌اند، نفرین می‌کنند. وی تأکید کرد:

تحریک، به‌صورت مستقیم از طریق دعوت یا صدور فتوا یا نشست‌ها صورت می‌گیرد یا به‌صورت غیرمستقیم از طریق شبکه‌ها، فیلم‌ها و یا تصاویر جنگ در سوریه. بنابراین کسانی هستند که جوانان را با اثرگذاری عاطفی برای جنگ تحریک می‌کنند.

این مسئول دانشگاهی سعودی اذعان کرد: «جهاد، اصول و قواعدی دارد که باید به آنها پایبند بود».

در ادامه این برنامه، داود الشریان به‌شدت از مطالب مطرح‌شده از سوی مبلغان در شبکه اجتماعی توئیتر انتقاد کرد و گفت که مبلغان سعودی مانند سلمان العوده، محمد العواجی و محمد العریفی، فرزندانمان را به افغانستان، عراق و سوریه می‌فرستند. در حالی که فرزندان خود آنان در رفاه زندگی می‌کنند.

وی خطاب به مفتی‌های وهابی سعودی گفت: «اگر بهشت را می‌خواهید، خودتان به‌سوی آن بروید. ما نیز به دنبال شما می‌آییم».

الشریان همچنین به عدنان عرعور، پدر معنوی تروریست‌ها در سوریه که در عربستان زندگی می‌کند، گفت: «تو ای عرعور از کجا به کشور ما آمده‌ای؟! ما را از شر خودت راحت کن».





## مواضع متفاوت درباره اخوان المسلمین مصر

صالح فوزان، پیش از انقلاب مصر، اخوان المسلمین این کشور را پاره تن وهابیت خوانده بود و پس از جداسدن از حکومت سعودی نسبت آنها را به فرقه خود منکر شده و اخوان المسلمین مصر را یکی از ۷۲ فرقه گمراه و غیرناجیه اسلامی خوانده بود.<sup>۱</sup>

### حمله به کلبانی

صالح فوزان، نماز خواندن پشت کسی را که شنیدن و خواندن آواز و موزیک را حلال می‌داند، تحریم کرد. وی که در حال تدریس در یکی از دوره‌های آموزش تابستانی، زیر نظر هیئت علمای عربستان بود، در ادامه گفت: «هرکسی که شنیدن و خواندن آواز و موزیک را حلال می‌داند، گناهکار است و آشکارا در حال گناه کردن است؛ از همین رو نماز خواندن پشت سر چنین فردی حرام است». فوزان بدون اشاره به نام کسی، در ادامه افزود:

حالا اگر فردی موسیقی را در خفا و به صورت پنهانی گوش می‌داد و کسی از این موضوع باخبر نبود، شاید مسئله کمی آسان‌تر بود؛ اما نه اینکه فردی می‌آید و به صورت آشکارا از شنیدن و خواندن آواز و موزیک دفاع می‌کند و آن را حلال می‌داند و خود را امام جماعت نیز می‌داند!

شیخ عادل کلبانی، کارمند سابق فرودگاه و قاری سرشناس عربستانی، که مدتی نیز به سبب صدای زیبا و رسایی که داشت، در سمت امام جماعت مسجد الحرام تعیین شد، چندی قبل، طی اظهاراتی که خود، آن را فتوا نامید، با تکیه بر داستانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدن و خواندن هر نوع آواز و موزیکی را حلال دانست.

۱. فیلم موضع صالح فوزان قبل از انقلاب مصر درباره اخوان المسلمین: <http://altaghyeer1.3abber.com>

فیلم از فتنه مصر باید حذر کرد: <http://akhbaar24.argaam.com>



## حمله به بن لادن

صالح بن فوزان در برخی موارد، فتاوی جالبی هم دارد که از آن میان می‌توان به خوارج خواندن اسامه بن لادن و کسانی که در عملیات‌های انفجاری، شهر و کاشانه مردم را ویران می‌کنند و جان آنان و پلیس‌ها را می‌گیرند، اشاره کرد. البته این فتاوا پس از انفجارات انجام‌شده در عربستان بیان شده‌اند.

## منابع

<http://www.liveislam.net>

<http://al-fuzan.net/>

<http://ar.islamway.net>

<http://www.alfuzan.islamlight.net/>

<http://www.alriyadh.com>

<http://www.alifta.net>

<http://civicegypt.org>

<http://altaghyeer1.3abber.com>

<http://www.vahhabiyat.com>

<http://akhbaar24.argaam.com>

<http://www.esharh.net>

<http://www.arab-eng.org>

<http://www.aviny.com>

<http://www.shia-leaders.com>

See more at: <http://fa.alalam.ir>

<http://al-fuzan.net>



<http://www.alborznews.net>

<http://www.tabnak.ir>

<http://www.jamnews.ir>

<http://www.matlabgah.com>

<http://vazeh.com>

<http://www.alfawzan.af.org>

<http://bonyanejihad5.com>



## عبدالله بن جبرین

### زندگی نامه



عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله بن ابراهیم بن فهد بن حمد بن جبرین من آل رشید، مشهور به «بن جبرین» از خانواده بنی زید از بزرگان وهابیت و درباری در عربستان سعودی بود که فتاوی مشهور و کینه‌ورزانه‌ای درباره شیعیان، حزب‌الله لبنان و حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام داشت.

«کایدو اشتاینبرگ»، شرق‌شناس و کارشناس آلمانی امور خاورمیانه در مؤسسه علوم و سیاست برلین، در مورد وی چنین گفت:

بن جبرین براساس آموزه‌های نژادپرستانه وهابی معتقد است: اقلیت‌ها، گروه‌هایی مرتدند که سزاوار مرگ می‌باشند؛ زیرا از اسلام حقیقی فاصله گرفته‌اند. اگر شخصی در آلمان، جایگاه و افکار بن جبرین را داشت، قطعاً سازمان اطلاعات آلمان برای اخراجش از کشور یا دست کم تنظیم دادخواست قضایی علیه او به علت فتنه‌انگیزی در میان مردم اقدام می‌کرد.



## دوره کودکی

وی در ۱۳۵۲ ه. ق، در روستای قویعیه در منطقه ریاض عربستان سعودی به دنیا آمد. تحصیلات خود را در شهر رین انجام می‌دهد که ظاهراً به سبب نبود مدارس متوسطه، مدتی در تحصیلات وی وقفه افتاده است. وی در ۱۳۷۴ ه. ق به همراه استادش ابو حبیب شیخ عبدالعزیز بن محمد الشری به ریاض می‌رود و به تحصیلات خود ادامه می‌دهد. وی در جوانی، چندان به رعایت احکام شرع مقید نبود و با صورت تراشیده در مجامع عمومی حاضر می‌شد.<sup>۱</sup>



## تحصیلات دانشگاهی

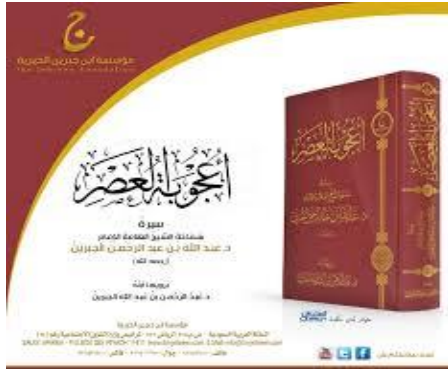
وی در طول سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۷ ه. ق، تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکترا در پژوهشکده امام الدعوه، سپس در پژوهشکده عالی قضا (کارشناسی ارشد) و در دانشکده فقه ریاض (مقطع دکتری) طی می‌کند. یادنامه او را با عنوان «عجوبه دوران» منتشر کرده‌اند.

بن جبرین، چند ماه آغازین سال ۱۳۸۰ ه. ق را به تبلیغ وهابیت در مناطق مرزی می‌پردازد.

۱. فیلم، عربی: بن جبرین چهل سال است به قرآن دست زده است:

العربی ۴۰ سنة لم يمسك ابن جبرین بالمصحف - YouTube

▶ ۰۳:۴ ▶ ۰۳:۴



### اساتید

مهم ترین استادان او بنا بر نقل سایت شخصی بن جبرین از این قرار است:

- عبدالعزیز بن محمد أبو حبيب الشری (مهم ترین استاد او)؛

- شیخ صالح بن مطلق؛

- شیخ محمد بن إبراهيم آل الشيخ؛

- شیخ إسماعیل الأنصاری؛

- شیخ عبدالعزیز بن ناصر بن رشید؛

- شیخ حماد بن محمد الأنصاری؛

- شیخ محمد البیحانی؛

- شیخ عبدالحمید عمار الجزائری.



الشیخ الدكتور عبد الله بن جبرین



## تألیفات

- أخبار الآحاد في الحديث النبوی، پایان نامه کارشناسی ارشد؛
- التدخین مادته وحکمه في الإسلام؛
- الجواب الفائق في الرد علی مبدل الحقائق؛
- الشهادتان معناهما وما تستلزمه کل منهما؛
- التعليقات علی متن اللمعة؛
- تحقیق شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی، پایان نامه دکترا؛
- الإسلام بین الإفراط والتفریط؛
- طلب العلم وفضل العلماء؛
- أخبار الآحاد؛
- الإجابات البهیة في المسائل الرمضانية؛
- حوار رمضاني.

## مناصب



- مدرس معهد امام الدعوة: ۱۳۸۱ - ۱۳۹۵ ه. ق؛
- مدرس کتاب توحید در دانشکده فقه:
- ۱۳۹۵ ه. ق؛
- عضو شورای فقهی و پاسخ گوی شفاهی
- و تلفنی سؤالات فقهی: ۱۴۰۲ ه. ق؛
- امام جماعت مسجد آل حماد ریاض:
- ۱۳۸۹ ه. ق؛
- خطیب موقت و علی البدل جمعه و
- جماعت مساجد و مناسبت های مختلف؛





- امام جایگزین بن باز در مواقع غیبت او در مسجد جامع کبیر از ۱۳۹۸ ه. ق؛
- امامت جماعت مسجد برغش از ۱۴۰۲ ه. ق؛
- تدریس در مسجد بازار سبز به دستور بن باز از ۱۴۰۹ ه. ق؛
- تدریس در مساجدی که نماز اقامه می‌کرده است.

### روزهای پایانی عمر و ذلت در غربت

وی در صفر ۱۴۳۰ ه. ق، سکنه‌ای قلبی می‌کند و پس از عملی که برای بازکردن رگ‌های قلبش صورت می‌گیرد، دچار عفونت ریه می‌شود و به دستور ملک عبدالله برای اولین بار از عربستان بیرون می‌رود و برای تکمیل درمان راهی آلمان می‌شود؛ اما گروهی از شیعیان در یکی از دادگاه‌های این کشور علیه وی شکایت کردند و خواستار محاکمه‌اش شدند.



### دادخواست علیه مفتی سعودی در دادگاه لاهه

همان روزها و با خبر سفر بن جبرین به آلمان، به نقل از پایگاه خبری «صوت‌السلام»، «مصطفی الصافی»، «عقیل الکعبی» و «حسین الربیعی» اعضای سازمان «صلح جهانی»، این دادخواست را طی مراسم ویژه‌ای، تسلیم دادگاه بین‌المللی لاهه کردند.



تهیه‌کنندگان این دادخواست، از دادگاه لاهه خواسته‌اند تا بن جبرین، مفتی تندروی سعودی را به اتهام صدور فتاوی تشویق‌کننده قتل عمد، انفجار، انهدام اماکن مقدسه و ابنیه فرهنگی مسلمانان و دیگر ادیان، احضار و محاکمه کند.

براساس این گزارش، وکیل دادگاه لاهه، که این پرونده تسلیم وی شده بود، و اعضای سازمان صلح جهانی، در نشست خبری، جزئیات کامل این پرونده را اعلام کردند.

در دادخواست قضایی ضد بن جبرین، این روحانی تندروی سعودی به تشویق و ترغیب افراد به اقدامات تروریستی متهم شده بود. مجموعه‌ای از مدارک و فتوای بن جبرین اعم از صوتی و تصویری و فیلم، که این اتهامات را ثابت می‌کرد، ضمیمه دادخواست قضایی شده بود.

بعد از دادن دادخواست قضایی علیه بن جبرین، او ساعاتی بعد از مذاکرات رسمی بین وزیران کشور عربستان سعودی و آلمان در ریاض، به‌طور ناگهانی از آلمان فرار کرد.

آن روزها در اخبار آمد که نمایندگان مجلس آلمان وابسته به حزب سبزها چگونگی ورود بن جبرین، عالم تندروی وهابی عربستانی به آلمان و نقش خاندان آل سعود در این قضیه را مطرح خواهند کرد.

«علی السرای»، مسئول کمیته‌های قضایی مهاجران در اروپا که دادخواست را وی در این پرونده قضایی مطرح کرده است، در جلسه پارلمان حضور خواهد داشت.

این در حالی است که روزنامه آلمانی اشپیگل از بستری شدن «بن جبرین» در یکی از بیمارستان‌های آلمان و اقامت در این کشور با «آرامش کامل» ابراز شگفتی کرده و نوشته است که این شیخ سعودی، نماینده تندروها و تروریست‌هایی است که در حوادث یازدهم سپتامبر بوده است. در همین راستا روزنامه آلمانی اشپیگل نوشت: «پارلمان آلمان می‌خواست موضوع دادخواست قضایی علیه «عبدالله بن جبرین» را طی چند روز بررسی کند؛ اما پیش از آغاز این بررسی، بن جبرین گریخت».



### پایان عمر

بی نتیجه بودن درمان‌ها مرگ او را در رجب همان سال رقم می‌زند و او را به اساتید و اولیایش ملحق می‌کند. عبدالله بن عبدالرحمن بن جبرین با شدت گرفتن بیماری‌اش، بعد از ظهر دوشنبه، ۱۳ جولای ۲۰۰۹ میلادی (مطابق با ۲۲ تیر ۱۳۸۸ ه.ش) مرد و در گورستان «العود» در شهر ریاض دفن شد.





همان‌ها که مرثیه‌سرایایی و عزاداری بر خاندان رسول الله ﷺ را شرک می‌خوانند، به اقامه عزا و ماتم و مرثیه‌سرایایی برای مرگ بن جبرین پرداختند.<sup>۱</sup>



## باورها و فتاوا

وی در حمله به بزرگان اهل سنت نیز تردیدی به خود راه نمی‌داد. برای نمونه، او امام طحاوی را به صراحت دارای دینی فاسد معرفی می‌کرد:

### فتوا به تخریب حرم اهل بیت علیهم‌السلام در عراق

بن جبرین، محرک بزرگی در به خاک و خون کشیده شدن مردم مسلمان عراق است. همچنین فتوای تخریب حرم مطهر امامان شیعه را نیز این عالم‌نمای وهابی صادر کرد

۱. فیلم مرثیه ابن جبرین - YouTube:

▶ ۱:۴۲ ▶ ۱:۴۲

[www.youtube.com/watch?v=\\_fH5\\_-i3XRlo](http://www.youtube.com/watch?v=_fH5_-i3XRlo)

رثاء ابن جبرین رحمه الله المنشد أبو علی - YouTube

▶ ۴:۵۵ ▶ ۴:۵۵

[www.youtube.com/watch?v=rlsV5L55uPM](http://www.youtube.com/watch?v=rlsV5L55uPM)

أنشودة فی رثاء الشيخ ابن جبرین رحمه الله - YouTube

▶ ۳:۰۳ ▶ ۳:۰۳

[www.youtube.com/watch?v=\\_yJo6UjtDQs](http://www.youtube.com/watch?v=_yJo6UjtDQs)



که سرانجام، منجر به تخریب حرم مطهر امامین عسکریین علیهم السلام به دست افراتیون وهابی در سامرا شد.

این فتوا که در پی استفتای جمعی از دانشجویان دانشگاه وهابی «محمد بن سعود» صادر شده است، از مدتی پیش و پس از آغاز تعطیلات تابستانی حوزه‌های وهابیت و دومین حمله به بارگاه عسکریین در سامرا، در سطح گسترده‌ای توزیع و در آن، از هر اقدامی برای محو آنچه آثار شرک، به‌ویژه در کشور عراق و شهر کربلا خوانده شده، استقبال شده است.

پایگاه خبری النهرین نت نیز به نقل از منابع مطلع در منطقه العوامیه عربستان، گزارش داده بود این روحانی وهابی که سال گذشته به همراه ده‌ها تن دیگر از مفتیان سعودی، بیانیه‌ای را در تکفیر شیعیان صادر کرده بود، در پی انهدام گلدسته‌های حرم عسکریین علیهم السلام در سامرا، با ارسال تبریکات شفاهی و کتبی برای دیگر مفتی‌های سعودی، از تخریب بقایای حرمین عسکریین علیهم السلام ابراز خشنودی کرده و این اقدام را تبریک و شادباش گفته بود.

براساس این گزارش، شیخ بن جبرین، به‌تازگی با صدور فتوایی از پیروان وهابی خود خواسته بود که بقایای حرم عسکریین علیهم السلام را که از انفجار سال گذشته برجای مانده بود نیز با خاک یکسان کنند.

در بخشی از این فتاوا که از حرم امامان شیعه، به‌عنوان بت‌هایی یاد کرده است که باید با خاک یکسان شود، آمده است: «حسین از شرک شیعیان به دور است؛ اما حرم او باید به‌عنوان اصلی‌ترین نماد شرک در عراق ویران شود».<sup>۱</sup>

وی که خبرها و دیدارهایش را خبرگزاری رسمی عربستان سعودی (واس) با پشتیبانی مالی وزارت امور اسلامی این کشور پوشش می‌داد، مدعی شد: «نباید این بناها

۱. مشرق نیوز ۱۳۹۳/۹/۳.



را به سبب زیبایی هنری شان جزء میراث اسلامی و جزء اماکن اسلامی به شمار آورد؛ زیرا اگرچه این ساختمان ها در کشورهای اسلامی است، شرع چنین بناهایی را قبول ندارد و اسلام، دستور نابودی آنها را داده است.<sup>۱</sup>

وی همواره در بیانیه هایش، برگزاری عزاداری عاشورا و جشن گرفتن عید غدیر خم را بدعت های شیعی برشمرده و آنان را متهم به فحاشی علیه اصحاب پیامبر ﷺ کرده است.

این فتوا با واکنش تند مسلمانان غیروهابی، به ویژه شیعیان مواجه شد. دارالافتای مصر در بیانیه شدیدالحنی، تخریب کنندگان قبور بزرگان دین را خوارج عصر و سگان دوزخ نامید.<sup>۲</sup>

#### ادامه تحریک وهابیان برای تخریب حرم حسینی و...

کارمندان دانشگاه محمد بن سعود اعلام کردند که ده ها تن از دانشجویان، به ویژه دانشجویان سال های بالا در دانشکده شریعت، به طور داوطلبانه در حرکتی با عنوان فرهنگ توحید ناب در میان امت و به ویژه عراق، برای خلاص شدن از مراقد و قبور و پاکسازی کشورهای اسلامی از آنها، اقدام به توزیع این فتاوا کرده اند.

این دانشجویان با تشکیل کمیته های داوطلبانه در حال راه اندازی پایگاه های اینترنتی، دوره های تابستانه و جذب نیرو از کشورهای حاشیه خلیج فارس و دیگر کشورهای عربی هستند تا بدین وسیله، حرم امام حسین علیه السلام و حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را مانند حرم عسکرین علیه السلام به عنوان اهداف آینده موحدان مجاهد ویران کنند.

در ادامه فتوای بن جبرین، سفر الحوالی مفتی مشهور وهابی در پاسخ به استفتائی در این باره گفت: «علاوه بر کربلا، واجب است که حرم زینب در دمشق و حرم سید احمد

۱. مشرق نیوز ۱۳۹۳/۹/۳.

۲. مشرق نیوز ۱۳۹۳/۹/۳.



البدوی از نوادگان امام هادی [علیه السلام] در مصر نیز به عنوان بت‌هایی که به جای خدای تبارک و تعالی پرستش می‌شوند، با خاک یکسان کردند.

دفتر وعظ و ارشاد دانشگاه وهابی الامام بن سعود، که از مهم‌ترین منابع تأمین تروریست در عراق و گروه تروریستی فتح الاسلام در اردوگاه نهرالبارد لبنان است نیز طی روزهای اخیر، اقدام به توزیع فتاوی بن جریر، الحوالی، البراک، الحربی و دیگر مفتی‌های وهابی کرده که در آنها از عملیات‌های صورت گرفته علیه مراقد ائمه [علیهم السلام]، امامزادگان و اولیا در عراق تمجید شده است.

در پی صدور این فتاوا، انجمن علمای دینی انگلیس با صدور بیانیه‌ای شدیدالحن، صدور فتاوی تکفیری از این دست را به شدت محکوم کرد.

نویسندگان این بیانیه، تأکید کرده‌اند: «تشویق مفتی‌های سعودی به انهدام حرم امام حسین [علیه السلام]، نه تنها اعلام جنگ آشکار علیه شیعیان، بلکه جنگی علیه همه مسلمانان است».

این انجمن از حکومت عربستان سعودی خواسته است تا در اقدامی سریع و فوری، ضمن اتخاذ موضعی روشن در قبال این فتاوا، آنها را به طور رسمی محکوم کند و کسانی را که در صدور، تکثیر و تشکیل کمیته‌های داوطلبانه در دانشگاه‌ها برای عملی کردن این فتواها فعالیت دارند، محاکمه کند.

انجمن علمای دینی در ادامه افزوده است:

دانشکده‌های شریعت در عربستان سعودی، به‌ویژه دانشگاه محمد بن سعود که دانشجویان و استادان آن، همه اهل قبله به جز مؤمنان به مذهب تکفیری‌ها را کافر می‌پندارند، مراکز خطری هستند که در خون‌ریزی و کشتار بی‌گناهان در عراق و پاکستان نیز دست دارند.

یکی از برگزارکنندگان این تجمع در گفت‌وگو با نهرین نت تأکید کرد:



این تجمع، آغاز تحرک گسترده رسانه‌ای، دیپلماتیک، اجتماعی و فرهنگی علیه علمای تکفیری سعودی است که با فتاوی خود، زمینه کشتار صدها هزار عراقی بی‌گناه و همچنین انهدام مراقد مقدسه از جمله حرم عسکریین علیهم‌السلام را فراهم کردند.<sup>۱</sup>

### تحریف مسلمات تاریخ: معاویه هرگز امیرالمؤمنین علیه‌السلام را سب و لعن نکرد!

درباره بدعت سب و لعن امیرالمؤمنین علیه‌السلام در منابر و مساجد در زمان معاویه و بعد از او، در این سایت مطالبی را عرضه کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که معاویه - علیه الهایه - کسی بود که این کار را به صورت عمومی، بدعت نهاد. او را از این لحاظ، مبدع سب و لعن امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌دانیم؛ زیرا وی اولین کسی بود که این رذیله اعتقادی و اخلاقی را به صورت سنت عمومی درآورد که تا حدود هشتاد سال این امر ادامه داشت. و گرنه اگر بخواهیم به صورت تاریخی به تحلیل این موضوع بپردازیم، باید پرده از اعمال برخی کسانی برداریم که معاویه، نتیجه اعمال و اعتقادات ایشان می‌باشد... بگذریم. بن جبرین (عبدالله بن عبدالرحمن بن جبرین) عالم وهابی و تکفیری مشهور، که شاید کمتر کسی باشد که او را شناسد، در کتاب «الریاض الندیة علی شرح العقیة الطحاویة» که مجموعه سخنرانی‌های وی در باب شرح عقیده طحاویه است، چنین می‌گوید: اولین پادشاه اسلام، معاویه است و او بهترین و برترین پادشاهان اسلام است؛ زیرا او از اصحاب و فرزندان صحابی، و سیرت او سیره حسنه است. الا اینکه او مورد ملامت قرار گرفت به سبب استوارکردن سب علی علیه‌السلام و به واسطه این عمل او، (سب علی علیه‌السلام) هنگام خلافت معاویه در عراق و شام، این طایفه‌ای که بر علی تعصب دارند، به وجود آمدند... . سب علی علیه‌السلام در دوران خلافت بنی مروان، نه در همه جا بلکه در برخی مساجد عراق و شام ادامه داشت.<sup>۲</sup>

<http://www.aparat.com/v/zgct>

۱. فیلم تخریب قبور علما و بزرگان دین در آفریقا توسط وهابیان:

۲. شرح العقیة الطحاویة.





این سخنان بن جبرین در صفحه ۲۸ از جلد پنجم کتاب «شرح الطحاویه لابن جبرین» که شبکه الاسلامیه براساس نوارهای سخنرانی‌های او جمع‌آوری کرده (و در مکتبه الشامله موجود است) چنین آمده است:

وأول ملوك الإسلام معاوية، وهو أفضل وخير ملوكهم؛ وذلك لأنه صحابي وابن صحابي، ولأن سيرته سيرة حسنة، إلا أنه أخطأ حيث أمر أو أقر من يسب علياً، وحصل بسب علي في خلافته سواء في العراق أو في الشام حدوث هذه الطائفة التي تعصبت له علي... سب علي استمر في العراق، وإن لم يكن في كل الأماكن، بل في بعض المساجد، وكذلك في الشام مدة خلافة بني مروان...

معاویه، اولین پادشاه اسلام است و برترین و بهترین ایشان؛ زیرا او از اصحاب و فرزند اصحاب است و سیره او سیره حسنه بوده؛ الا اینکه او اشتباه کرد وقتی به سب دستور داد یا این امر را استوار کرد و به سبب سب علی (علیه السلام) در خلافت معاویه - چه در شام و چه در عراق - این طایفه ای که بر علی تعصب دارند، به وجود آمدند... سب کردن علی (علیه السلام) در دوران خلافت بنی مروان، نه در همه جا بلکه در برخی مساجد عراق و شام ادامه داشت.

پس معاویه، بحث سب امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در زمان خلافتش بنیان نهاد و آن را استوار کرد و این بدعت او در زمان بنی مروان نیز ادامه داشت! بقیه حرف‌های او مبنی بر اینکه در همه جا نبوده و فقط در بعضی از مساجد بوده؛ و این عمل سبب به وجود آمدن متعصبین بر علی (علیه السلام) شد؛ و... صرفاً توجیهاً بی اساس و بی ربط است.

### بن جبرین و توهم اثبات کفر شیعه

بن جبرین بنا به دلایلی عجیب، شیعه را کافر می‌خواند: «شیعیان، بدون شک کافرند. آنها به قرآن طعن می‌زنند و چنین ادعا می‌کنند که بیش از دوسوم قرآن حذف شده است؛ همچنان که نوری کتابی درباره اثبات تحریف قرآن نوشته و در کتاب کافی و غیر



از آن، روایاتی در طعن قرآن آمده است و هرکس به قرآن طعن بزند، کافر و تکذیب شده است؛ زیرا خداوند تعالی فرموده: ما از قرآن محافظت می‌کنیم.<sup>۱</sup> این در حالی است که برای نمونه، یکی از علمای مشهور اهل سنت، رحمت الله کیرانوی هندی حنفی - متوفی ۱۳۰۸- درباره اثبات تحریف نشدن قرآن، کتابی به نام اظهار الحق نوشت. این کتاب مورد توجه علما و بزرگان اهل سنت قرار گرفت و به زبان‌های مختلف ترجمه شد. این عالم بزرگ اهل سنت، درباره رأی شیعه در تحریف قرآن می‌نویسد:

اکثر علمای شیعه اثناعشری بر آن‌اند که قرآن مجید از هرگونه تغییر و تبدیل محفوظ مانده است و نظر کسانی که نقصان در قرآن را می‌پذیرند، نزد آنان مردود است. وی پس از بیان این مطلب، اقوال علمای شیعه (مرحوم شیخ صدوق، طبرسی، سید مرتضی، قاضی نورالله شوشتری و...) مبنی بر تحریف نشدن را ذکر می‌کند و در نهایت می‌نویسد:

مشخص شد که نظر تحقیق شده نزد علمای فرقه امامیه اثناعشریه بر این است، قرآنی را که خداوند متعال بر پیامبرش نازل کرده، همین قرآن موجود می‌باشد که در دست مردم است و چیزی به آن اضافه نشده و این قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ جمع آوری و حفظ شده و هزاران صحابی آن را نقل کرده‌اند و عده‌ای از اصحاب پیامبر همچون عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و دیگران قرآن را در پیشگاه پیامبر اکرم از اول تا آخر قرائت کرده‌اند و این قرآن با همین ترتیب موجود، زمان ظهور امام دوازدهم حضرت حجة بن الحسن المهدي (عجل الله فرجه) ظاهر

۱. فیلم نظر بن جبرین درباره شیعه:

رأی العلامة عبدالله بن جبرین فی الشيعة الروافض!!! - YouTube

▶ ۱:۱۵ ▶ ۱:۱۵



می‌شود، و قول گروه اندکی که نظریه تغییر در قرآن را پذیرفته‌اند، مردود است و هیچ اعتنایی به آن نمی‌شود و روایات ضعیفی که در کتبشان موجود است، هیچ‌گاه جایگزین روایات قطعی و یقینی (مبنی بر عدم تحریف) نمی‌شوند و حق نیز چنین است؛ زیرا اگر از خبر واحد مطلبی به دست آمد که ادله یقینی آن را تأیید نمی‌کند، واجب است چنین خبری را مردود بدانیم؛ چنان که ابن مطهر حلی (علامه حلی) در کتاب خود به نام «مبادئ الوصول الی علم الاصول» به این مطلب تصریح کرده و در تفسیر «الصراط المستقیم» که کتاب معتبری نزد علمای شیعه است، در توضیح آیه مبارکه ﴿مَنْ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ چنین نوشته: «یعنی اینکه ما قرآن را از تحریف و تبدیل و زیاده و نقصان حفظ می‌کنیم».

#### دستور به محدود کردن شیعیان عربستان

عبدالله بن جبرین در همایش ضدشیعی «مملکت ما... وحدت ما» خواستار دشمنی با شیعیان و اهانت و تحقیر آنان شد و گفت: «نباید به شیعیان اجازه داد تا در مساجد نماز بخوانند، باید به آنان به شدت واکنش نشان داد».

وی ادامه داد که باید روش ملک عبدالعزیز را در مقابله با شیعیان ادامه داد و شیعیان را در مقامات دیپلماتیک و نظامی نپذیرفت و به آنان اجازه نداد تا سمت‌های مهمی را در کشور به دست گیرند. ضمن آنکه باید قربه الی الله! با فرزندان شیعه در دانشگاه‌ها سخت‌گیری کرد و در صورت لزوم، حتی کشتار شیعیان واجب است!

سلمان بن عبدالعزیز، امیر منطقه ریاض، در این همایش ضدشیعی که با حضور امیران برخی از مناطق عربستان، چهره‌های سیاسی و مفتیان سلفی از جمله صالح الفوزان، عبدالله بن جبرین، ناصر العمر و برخی از چهره‌های مشهور ضدشیعی دیگر در سال ۱۳۸۶ ه.ش برگزار شد، در سخنانی التزام عربستان به مذهب سلفی را از اصول کشور خود دانست و از چنین اندیشه‌ای، به‌عنوان تنها اندیشه صحیح اسلامی نام برد.



## فتاوی تند ضد شیعه

از جمله فتاوی تند ضد شیعی او به این موارد می توان اشاره کرد:

**فتوای اول:** شخصی از وی می پرسد که من کارمند یک شرکت هستم و با برخی روافض (یعنی شیعیان) همکارم و با آنها غذا می خورم و به گپ و گفت می پردازم؛ اما نمی دانم این کار من درست است یا باید ارتباطم را در کار با آنها محدود کنم. لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

بن جبرین در پاسخ می گوید: تو باید به جایی دیگری که این روافض در آن نیستند، بروی و اگر نتوانستی، آنها را تحقیر و تمسخر کنی، و هرگز به روی آنها نخند. اگر عکس العملی از آنها دیدی، به رئیس گزارش بده تا به حسابشان برسند و بر تو است که بطلان عقیده آنها و درستی اعتقادات ما را بر آنها ثابت کنی!

**فتوای دوم:** شخصی از او می پرسد که در محله ما قصابی رافضی است که برخی مردم و رستوران های مربوط به اهل سنت برای ذبح کردن او را حاضر می کنند. آیا این ذبح به دست او حلال است؟

بن جبرین در پاسخ می گوید: این ذبح کاملاً حرام است و روافض مشرک هستند.

## ریختن خون شیعیان حلال!

متن سؤال: ... و بعد... در شهر ما شخصی است رافضی (شیعه)، که کارش قصابی است و اهل سنت او را برای ذبح حیواناتشان نگه داشته اند. برای همین، دلایلی برای تعامل با این رافضی در این شغل وجود دارد... حکم تعامل با این شخص رافضی و امثال او چیست و حکم حیوانی که به دست او کشته شده است چیست، آیا حلال است یا حرام؟ به ما در این مسئله فتوا دهید.

جواب استفتاء: ... و بعد... مسلماً من ذبح آن رافضی را حلال نمی دانم و گوشت قربانی او را نمی خورم؛ زیرا این رافضیان، غالباً مشرک اند و علی بن ابی طالب را دائم در



سختی و آسانی، حتی در عرفات و طواف و سعی صفا و مروه می خوانند و فرزندان او را امامانشان می دانند؛ چنان که بارها از آنان شنیده ایم و این بزرگترین شرک و ارتداد در اسلام است. پس سزاوار قتل می باشند؛ زیرا در وصف علی (رضی الله عنه) غلو می کنند و او را با اوصافی که جز برای خدا صحیح نیست، توصیف می کنند؛ چنان که در عرفات از آنها شنیده ایم. بنابراین آنها مرتد شمرده می شوند؛ زیرا او (علی) را ربّ و خالق و متصرف در هستی می دانند، کسی که غیب می داند و در ضرر و نفع آنها و... تأثیر دارد، و نیز آنها به قرآن کریم افترا می بندند و گمان می کنند که اصحاب پیامبر آن را تحریف کرده اند و چیزهای زیادی از آن را که مربوط به اهل بیت و بزرگانشان بوده است، حذف کرده اند. بنابراین از قرآن پیروی نمی کنند و آن را مایه گمراهی می دانند، و آنها بزرگان صحابه مانند خلفای سه گانه و بقیه عشره و أمهات المؤمنین و مشاهیر صحابه مانند انس و جابر و ابی هریره و... را نیز قبول ندارند و احادیثشان را دروغ می دانند، یا دلیلی برای آنچه که می گویند، نمی بینند. با وجود این سرشان را بلند می کنند و می گویند چیزی در دلشان نیست و در درونشان آنچه را که اعتقاد دارند، پنهان می کنند و می گویند هرکس در دین تقیه نداشته باشد، دین ندارد. ادعای آنان در مورد برادران ما و دین دوستی شان پذیرفته نیست... عقیده آنان نفاق است.

خدا شرّشان را کم کند و صلّی الله علی محمد و آله و صحبه و سلّم!!!

۱۴۱۲/۳/۲۲ هجری.

### فتوایی درباره حزب الله لبنان

بن جبرین در پاسخ استفتایی درباره حزب الله لبنان گفته بود:

«یاری کردن این حزب رافضی، جایز نیست. جایز نیست تحت فرمان آنان رفت و جایز نیست برای پیروز و قدرتمند شدن آنان دعا کرد. نصیحت ما به اهل سنت این است که از آنان بیزاری بجویند، کسانی را که به این حزب می پیوندند، رها کنند و



دشمنی آنان با اسلام و مسلمانان و ضررهای کهن و جدید آنان را به اهل سنت روشن کنند. رافضیان، همواره دشمنی اهل سنت را در دل داشته‌اند و در حد توان کوشیده‌اند عیوب اهل سنت را آشکار، و از اهل سنت انتقاد کنند و برای آنان خدعه بورزند».

### حمایت از تروریسم دینی

#### حمایت از بن لادن

وی در پاسخ به استفتایی درباره مفسد بودن بن لادن پاسخ می‌دهد:

«این اتهام درباره او وارد نیست. بن باز و هیچ مسلمانی، چنین مطلبی را قبول ندارند.



اسامه، مجاهدی است که در افغانستان، اقدامات و تلاش‌هایی داشته. خداوند به او توفیق دهد و یاری‌اش کند و دیگران را با او نصرت دهد. او مجتهدی است که مدام به جهاد همت گماشته است و...»<sup>۱</sup>

این در حالی است که بن لادن مورد انتقاد رسمی بن باز و عموم مسلمانان و حتی اهل سنت بوده است.<sup>۲</sup>

#### حمایت از طالبان و دشمنی با حزب‌الله لبنان

بن جبرین که از اعضای اصلی وهابیان است، به صدور فتاوی تند و عجیب علیه مذاهب مختلف و مسلمانان مخالف خود مشهور بوده و از جمله در ماجرای جنگ ۳۳

۱. فیلم بن جبرین، اسامه بن لادن را مجتهد می‌داند.

این جبرین یری آن ابن لادن مجتهد - YouTube

▶ ۲:۰۵ ▶ ۲:۰۵



روزه لبنان در مقابل اسرائیل، با صدور فتوایی عجیب و خنده‌دار، هرگونه دعا برای پیروزی حزب‌الله لبنان را به‌صرف شیعه‌بودن آنها حرام دانسته بود.

### منابع

1. <http://www.ibn-jebreen.com>
2. <http://ar.islamway.net>
3. <http://www.shia-news.com>
4. <http://www.valiasr-aj.com>
5. <http://m-noor.com>
6. <http://alvahhabi.blogfa.com>
7. <http://altohid.com>
8. <http://jaskeslami.blogspot.com>
9. <http://www.islamtxt.ir>
10. <http://m-noor.com>





## ابن عثیمین



ابوعبدالله محمد بن صالح بن محمد بن سلیمان بن عبدالرحمن عثیمین تمیمی  
نجدی، معروف به ابن عثیمین.

### گذری بر زندگی

#### ولادت

ابن عثیمین در چهاردهم ژوئن ۱۹۲۵م، برابر با ۲۷ رمضان ۱۳۴۷ ه. ق در شهر  
عنیزه واقع در ایالت قصیم در پادشاهی عربستان سعودی متولد شد.



## تحصیلات

ابن عثیمین از محمد بن عبدالعزیز، عقاید اهل سنت و فقه و نحو عربی را آموخت. نزد عبدالرحمن بن ناصر السعدی، تفسیر و اصول و فرائض تحصیل کرد. ابن عثیمین قبل از اینکه پای درس عبدالرحمن بن سعدی بنشیند، مدتی را از شاگردان او درس آموخته است (چون روش سعدی این بوده که فرد، ابتدا باید نزد شاگردانش درس می‌آموخت تا در صورت صلاحیت، آنگاه اجازه ورود به درس سعدی را پیدا می‌کرد). از این رو عثیمین، نخست شاگردی امثال علی حمد صالحی و محمد بن عبدالعزیز مطوع را کرد و بعد اجازه ورود به درس سعدی را یافت. همچنین ابن عثیمین در شهر عنیزه به مدت نه سال شاگرد عبدالله بن علی بن عودان بوده است.

عبدالرحمن بن علی بن عودان، محمد امین شنقطی، عبدالعزیز بن ناصر رشید و عبدالرحمن افریقی از مدرسان وی در بلاغت و ادبیات عرب بودند. ابن عثیمین بعد از انتقال به ریاض، کتاب صحیح بخاری و بعضی کتب فقهی را نزد عبدالعزیز بن باز فرا گرفته است. او همچنین در این شهر از شقیطی درس آموخته است.

## تدریس

ابن عثیمین از سال ۱۳۷۱ ه. ق در زادگاه خود شروع به تدریس در موضوعات فقه، عقیده، تفسیر و حدیث کرده است. در مقدمه کتاب «شرح ریاض الصالحین» زمانی که می‌خواهند شاگردان ابن عثیمین را معرفی کنند، آمده از بس در کلاس درس شیخ ازدحام بوده است، شمارش تعداد شاگردان ممکن نیست. حتی گفته شده در بعضی از دروس او، تعداد شاگردانش تا پانصد نفر نیز می‌رسیده است.

## آثار

۱. شرح ریاض الصالحین؛

۲. تفسیر آیات الکرسی؛



۳. تفسیر عمّ جزء قرآن کریم؛
۴. تفسیر سوره بقره؛
۵. تفسیر سوره کهف؛
۶. کتاب العلم (مجموعه حدیث)؛
۷. جامعه الحدیث (مجموعه حدیث)؛
۸. عقیده اهل السنة و الجماعة؛
۹. صفات الله و اسمائه الحسنی؛
۱۰. قول مفید علی کتاب التوحید؛
۱۱. شرح کشف الشبهات؛
۱۲. شرح عقائد الواسطیة؛
۱۳. شرح عقائد السماویة؛
۱۴. شرح لمعات الاعتقاد؛
۱۵. شرح اصول الإیمان؛
۱۶. شرح اصول الثلاثة؛
۱۷. فتاوی لارکان الاسلام؛
۱۸. مجموعه الفتاوی؛
۱۹. شرح زاد المستغنی؛
۲۰. عمدة الأحکام.

#### مناصب

از او با این تعابیر یاد کرده اند: «هو صاحب الفضیلة العالم المحقق، الفقیه المفسر- الورع الزاهد، العلامة صاحب التألیف النافعة المشهورة، والمأثر الحمیده، ساحة الشیخ».

- ابن عثیمین در ۱۳۷۶ هجری، پس از فوت عبدالرحمن سعدی، به امامت و خطیب جمعه مسجد جامع عنیزه منصوب شد.



- پس از مدتی، ابن عثیمین به خطیبی مسجدالحرام در مکه منصوب شد.
- عضو هیئت کبار علمای عربستان سعودی از ۱۴۰۷ ه.ق تا زمان فوتش.
- عضو هیئت علمی دانشگاه امام محمد بن سعود از ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ ه.ق.
- عضو مجلس شرعیه و اصول دین.
- عضو در لجنه توعیه عربستان در موسم حج از سال ۱۳۹۲ ه.ق تا زمان فوتش.
- او در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ ه.ق، به ایراد سخنرانی در دانشگاه ام القرای مکه در مسائل فقهی، عقیدتی، حدیث و تفسیر پرداخت و شرح آثار ابن تیمیه و ابن القیم جوزی را آغاز کرد.
- وی سپس به ریاست دانشگاه شریعت امام محمد بن سعود در قصیم برگزیده شد.
- او همچنین در مجلس شریعت و اصول دانشگاه قصیم و هیئت علمای کبار عربستان عضویت داشت.

### مفتی دربار

ابن عثیمین معتقد است که اقامه حج، حتماً باید همراه یک امیر باشد (منظور این است که باید حاکم اسلامی برای سرپرستی حجاج در موسم حج، کسی را به سرپرستی برگزیند و به اصطلاح، امیر حاج باشد). هرچند آن امیر فاسق باشد، حتی اگر آن امیر (سرپرست) در موسم حج شراب بخورد؛ باید مسلمین تابع و مطیع او باشند و هرگز نباید بگویند این امام و سرپرستی فاجر است و ما از او پیروی نمی‌کنیم؛ زیرا عقیده آنها این است که اطاعت ولی امر واجب است، هرچند فاجر باشد و انواع گناهان از او سر بزنند. در باب نماز هم به همین صورت است. نمی‌توان به دلیل شراب‌خوار بودن امام و حاکم یا ظالم بودن او گفت که این فرد فاسق است و من پشت سر او نماز نمی‌خوانم.<sup>۱</sup>

ابن عثیمین در کتاب دیگرش «شرح ریاض الصالحین» می‌گوید:

«مردم در هر حالتی باید از حکام تبعیت کنند و حق هیچ‌گونه اعتراضی را ندارند، حتی اگر حاکمان و سلاطین به آنها ظلم کنند. اگر سلاطین در کاخ‌های مجلل زندگی کنند و از لوکس‌ترین ماشین‌ها بهره ببرند و بهترین لباس‌ها را بپوشند و بهترین امکانات را داشته باشند، در حالی که مردم از کمترین امکانات بی‌بهره باشند و از گرسنگی رنج ببرند و سرپناهی نداشته باشند، باز حق اعتراض ندارند و باید از حاکمان اطاعت کنند»<sup>۱</sup>.



### تقدیرها و جوایز

ابن عثیمین در هشتم فوریه ۱۹۹۴م، از سوی ملک فیصل نشان خدمت به اسلام گرفت.

۱. جهود الشیخ ابن عثیمین فی الفقه، سلیمان بن عبدالله، ص ۱۱۵.



## فوت

ابن عثیمین روز چهارشنبه پانزدهم شوال ۱۴۲۱ هجری قمری برابر با دهم ژانویه ۲۰۰۱م در سن ۷۴ سالگی در گذشت. او در مکه دفن شد و عبدالعزیز بن عبدالله بن باز بر جنازه وی نماز گزارد.

## فتاوی عجیب و نادر از ابن عثیمین!

مجموعه شاهکارهای او در فتوادادن را چنین می توان برشمرد:

### اولین کاشف وجود اشتباه در قرآن!

محمد بن صالح عثیمین در صفحه‌ای از کتاب «القول المفید علی کتاب التوحید» پس از مقدمه‌ای می گوید:

از این آیه «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ»<sup>۱</sup> «و بگو: هر چه می خواهید عمل کنید که به زودی خدا و رسول او و... عمل شما را خواهند دید». بدست نمی آید رسول ﷺ پس از رحلتش می تواند ببیند، بلکه فقط خداوند می بیند و این (دیدن اعمال امت پس از مرگ) دروغ بستن بر پیامبر ﷺ به شمار می رود!

سؤالی که در اینجا باید از این شیخ وهابی پرسید، این است که چگونه نوشتن یک آیه ممنوع می شود، در حالی که در متن قرآن موجود است؟ آیا این شیخ می خواهد این آیه را از قرآن بردارد؟ پیامبر ﷺ چگونه نمی بیند در حالی که در روز قیامت، آگاه و شاهد بر تمام اعمال امتش است؟ آیا این به جز گمراهی است.<sup>۱</sup>

### خدای ابن عثیمین

اعتقادات عجیب ابن عثیمین درباره خدا از این قرار است:

۱. القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۵۴۲.



خدا قطعاً محدود است!

محمد ابن عثیمین معتقد است که خدا حد دارد و محدود، و در مکان خاصی است. ابن عثیمین در کتاب خود «شرح العقیة الواسطیة» بیان می‌کند: «خدا حد دارد. هرچند در قرآن و سنت وارد نشده است؛ اما مانعی ندارد خدا را در محدوده‌ای فرض کنیم».<sup>۱</sup> همچنین ابو محمد دشتی در صفحه سی از کتاب «اثبات حد لله» بیان می‌کند: «از قدیم، دانشمندان به محدود بودن خدا معتقد بودند!» مطلبی که هرگز در جهان اسلام نبوده است.

در کتاب «اثبات حد لله» آمده است که «واجب است بگوییم برای خدا حدی وجود دارد و او محدود است، و هرکس با این عقیده مخالفت کند، جزو جماعت و اهل سنت نیست». این سخن، یعنی تمام برادران اهل سنت و شیعه، مشرک و کافرند!<sup>۲</sup> همچنین در کتاب «قمع الدجاجة» عبدالعزیز ابن فیصل راجحی نقل شده است: «باید دانست که در حد دانستن برای خدا، قرآن و سنت متواتر و آثار علمی سلف، همگی دلالت می‌کند». در جای دیگر می‌بینیم که وهابیت عقیده دارد که خدا در جهت فوق و بالاست؛ مانند صفحه ۲۶۳ از جلد سوم کتاب «منهاج السنة» ابن تیمیه و صفحه ۱۴۹ از کتاب «التوحید ابن خزیمه»: «هوا فوق زمین است. ابر فوق هواست. آسمان‌ها فوق ابرها و زمین است و عرش فوق آسمان‌هاست و خدا فوق همه اینها می‌باشد. در واقع این تصریح، بر عقیده فوقیت است».<sup>۳</sup>

خدای دو چشم و دست دار

نظر شیخ صالح بن فوزان بن عبدالله الفوزان درباره دست خدا:

۱. شرح العقیة السفارنیة، ص ۲۴۰.

۲. اثبات حد لله، ابو محمد دشتی، ص ۱۲۱.

۳. توحید ابن خزیمه، ص ۱۴۹.



جناب شیخ محمد بن صالح العثیمین، از علمای معاصر وهابی در کتاب «عقیده اهل سنت و جماعت» تحت عنوان عقیده شماره سی می‌نویسد: «۳۰. ایمان می‌آوریم به اینکه خدا دو دست گرامی و عظیم و بزرگ دارد».<sup>۱</sup>

ما در ظاهر کلام ایشان، نمی‌دانیم که مراد از دست خدا چیست و آیا ایشان، مثال زده‌اند و از کنایه استفاده کرده‌اند یا واقعاً خداوند مانند ما انسان‌ها دارای جسم است و دست حقیقی دارد؟

به کتاب «شرح المنظومة الحائیه»، نوشته صالح بن فوزان بن عبدالله الفوزان مراجعه کردیم و دیدیم که ایشان نوشته‌اند: «مراد از دست خدا، همان معنای لغوی آن است» (یعنی خداوند حقیقتاً دست دارد).<sup>۲</sup>

ابن عثیمین در کتاب «شرح العقیده الواسطیه» خویش چنین می‌گوید: «قطعاً خداوند دو چشم دارد».<sup>۳</sup>

حتی بالاتر از این مسئله، در کتاب «عقیده اهل السنة و الجماعه» از قول ابن عثیمین آمده است که: «ایمان داریم که خدا دو چشم دارد. ایمان داریم که خداوند دو دست دارد».<sup>۴</sup>

#### خدای جسمانی

بن عثیمین می‌گوید: «اگر لازمه دیدن خداوند، جسم بودن اوست، اشکالی ندارد که خداوند را جسم بدانیم»؛ «إِنْ كَانَ يَلْزَمُ مِنْ رُؤْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَكُونَ جَسْمًا، فَلْيَكُنْ ذَلِكَ».<sup>۵</sup>

۱. عقیده اهل سنت و جماعت، ترجمه اسحاق دبیری، ص ۱۴.

۲. شرح المنظومة الحائیه، ص ۱۱.

۳. شرح العقیده الواسطیه، ج ۱، ص ۳۱۲.

۴. عقیده اهل السنة و الجماعه، ص ۱۴.

۵. شرح العقیده الواسطیه، ص ۴۵۸.





نوشتن نام خدا و پیامبر ﷺ در کنار هم ممنوع

بنابر فتوای ابن عثیمین:

«نوشتن نام الله و محمد در کنار هم، جایز نیست؛ زیرا که این کار باعث می‌شود پیامبر ﷺ هم‌تراز خداوند و مساوی با او گردد. به‌شکلی که اگر کسی این نوشته را ببیند و معنا را نفهمد، یقین می‌کند که آن دو با یکدیگر مساوی و یکسان‌اند. پس واجب است نام پیامبر ﷺ زایل و محو شود، و اما درباره نوشتن نام الله؛ از آنجاکه صوفی‌ها همواره الله، الله می‌گویند و این نام را ذکر خود قرار می‌دهند، باید نام الله نیز از دیوارها و کاغذها محو شود.»

در حالی که در بیش از پنجاه کتاب معتبر اهل سنت روایت شده است، پیامبر ﷺ در حدیثی قدسی در تفسیر آیه شریفه: ﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ فرمود:

جبرائیل نزد من آمد و عرضه داشت: «پروردگرم فرموده: آیا می‌دانی چگونه نام تو را بالا برم؟» پاسخ دادم: «خدا داناتر است» جبرائیل عرضه داشت: «خدایت فرمود: هر کجا نام من باشد، نام تو نیز باشد.»<sup>۱</sup>

خدای خسته و بی‌حوصله و...



۱. صحیح ابن حبان، ج ۸، ص ۱۷۵.



ابن عثیمین در صفحه پنجاه کتاب «العقیده» خود می‌گوید:

«نمی‌شود خدا را به مکر توصیف کرد... خدا به مکر توصیف نمی‌شود، مگر با ضوابطی، و اگر گفته شد که چه جور ممکن است که خدا به این صفت موصوف شود و این کار را انجام دهد با اینکه این کار مذموم است، می‌گوییم: مکر و حیل در محلس خوب است»<sup>۱</sup>.

وی در صفحه ۵۱ همان کتاب می‌گوید: «خدا هم خسته و بی‌حوصله می‌شود؛ ولی بی‌حوصلگی خدا طوری است که به ذات او لایق است!»

همچنین وی در صفحه ۱۲۰ همان کتاب می‌گوید: «ابن تیمیه گفت: و کسانی که نزدیک شدن عباد و مؤمنین را به ذات خدا اثبات می‌کنند، این قول معروف سلف پیشین و ائمه (وهابیت) است»<sup>۲</sup>.

وی در صفحه ۱۹۸ کتاب «شرح حدیث النزول» می‌نویسد: «خدا در وسط شب خم می‌شود تا آسمان دنیا!» در صفحه ۱۷۶ کتاب «قره عیون الموحدین»، نوشته نوه محمد بن عبدالوهاب آمده است: «خندیدن خدا یک اصل و حقیقت است، و خدا هر جوری که بخواهد، می‌خندد!» همچنین ابن عثیمین در کتب و فتاوی‌های دیگرش، به صراحت از جسم‌بودن خداوند سخن به میان آورده است.

زمان پایین آمدن خدا به آسمان زمین!

خداوند تنها در آسمان

ابن عثیمین می‌گوید: «خداوند در آسمان است! و هر کس که بگوید خداوند همه جا است کفر ورزیده است»<sup>۳</sup>.

۱. ابن عثیمین، العقیده، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۱۲۰.

۳. مجموع فتاوی و رسائل، ج ۱، صص ۱۳۲ و ۱۳۳، سؤال شماره ۵۵.



او این مطلب را در پاسخ برخی از مردم - زمانی که از آنها سؤال می‌شود خدا کجاست؟ - بیان می‌کند و می‌گوید: «اگر منظور کسی که می‌گوید خدا در همه جا هست، ذات خدا باشد، همانا این کفر است».

گویا این آیه را نخوانده که خدا گفته ما از رگ گردن به شما نزدیک‌تریم: ﴿وَ تَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾<sup>۱</sup>

### دعا رو به قبر رسول الله ﷺ حرام

طبق اعتقاد وهابی‌ها، دعا کردن رو به قبر رسول خدا ﷺ بدعت و مشرکانه است. فتوای ابن عثیمین در این باره چنین است:

سؤال: دیده می‌شود که برخی از مردم از هر جایی در این مسجد (مسجدالنبی) رو به قبر رسول خدا ﷺ می‌ایستند و بر آن حضرت سلام می‌دهند، آیا چنین کاری مشروع است؟

پاسخ: اگر هدف او از این کار، سلام کردن به رسول خدا ﷺ است، به او می‌گوییم که نزدیک قبر برود؛ چرا که برای زیارت باید نزدیک قبر شد.

اما اگر هدف او دعا کردن باشد، دو حالت دارد:

اول: اگر هدف از رو به قبر کردن و دعا، درخواست از خود آن حضرت باشد، این عمل شرک اکبر است! و شخص را از امت رسول خدا خارج می‌کند؛

دوم: اگر رو به قبر بایستند و از خداوند طلب کمک کند، این کار بدعت و وسیله‌ای به سمت شرک است! خداوند منزّه است از چنین کاری.

آیا عاقلانه است که خداوند صورتش را از سمت خانه خدا بچرخاند و به سمت قبر پیامبرش نماید؟

کسی که رو به قبر می‌کند و از خداوند درخواست می‌کند، من می‌گویم که این کار



بدعت، وسیله به سوی شرک، اشتباه، گمراهی در دین، دیوانگی و بی عقلی است؛ زیرا رو کردن به سوی خانه خدا بهتر از رو کردن به سوی قبر رسول خدا است. و اگر رو به قبر رسول خدا از خود آن حضرت درخواستی نماید، این شخص مشرک و شرک او شرک اکبر است و او را از ملت رسول خدا ﷺ خارج می‌کند.<sup>۱</sup>

با وجود این فتوا، جالب است که بدانید ملک عبدالله، امیر مؤمنان مردم عربستان! دقیقاً همین عمل مشرکانه را انجام داده است که عکس زیر نشانگر آن است.



المدینة الشویفة - المعاهل السعودی الملک عبدالله بن عبدالعزیز ومسؤولون سعودیون امام قبر النبی محمد صلی الله علیه وسلم فی المسجد النبوی امس - روتیرز

Shia-leaders.com

۱. ر.ک: دروس و فتاوی الحرم المدنی، سال ۱۴۱۶هـ الشیخ: محمد بن صالح العثیمین. السؤال: نری بعض الناس فی هذا المسجد یقف مستقبلًا قبر النبی ﷺ علیه من أي مکان فی المسجد فهل هذه الصفة مشروعة؟ الجواب: اذا كان یرید بذلك أن یسلم علی الرسول ﷺ نقول: ادن من قبر؛ فإن زیارة قبر لا ید فیها من الدنو، واذا كنت ترید ان تدعو فهو علی قسمین:

الاول: ان توجه الدعاء للرسول ﷺ؛ فهذا شرک اکبر ینجرک عن ملة الرسول علیه الصلاة والسلام.

الثاني: ان تدعو الله متوجها نحو القبر؛ فهذا بدعة ووسيلة الى الشرک ویا سبحان الله!

هل من المعقول أن تنصرف عن بیت الله عزوجل الى قبر الرسول؟

الواقف علی هذا الوجه یدعو الله عز وجل متوجهاً إلى القبر نقول: هذا بدعة ووسيلة إلى الشرک، وخطأ وضلال فی الدین، و سفه فی العقل؛ لأنّ توجّهک إلى بیت الله أولى من توجّهک إلى قبر الرسول علیه الصلاة والسلام.

ثالثاً: إذا كان يتوجه هذا التوجه لیدعو الرسول؛ فهو مشرک شرکاً أكبر ینجرجه من ملة الرسول علیه الصلاة والسلام.



حال می‌گوییم: اگر دعا کردن رو به قبر شریف رسول خدا ﷺ شرک است، چرا جناب عثیمین از یک مشرک این چنین پذیرایی می‌کند؟



### ابن عثیمین و صحابه

ابن عثیمین می‌گوید: «شکی در این نیست که گروهی از صحابه سرقت کرده، شرب خمر کرده، قذف کرده، زنا محصنه و غیر محصنه انجام دادند، ولی تمامی این اعمال در کنار فضایل و محاسن ایشان پنهان بوده و بر برخی از ایشان نیز حد جاری شد که به مثابه کفاره آنها است»<sup>۱</sup>.

### دروغ ابن عثیمین درباره حدیث توسل و شفای نابینا

مرد نابینایی خدمت پیغمبر اکرم ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! از خدا بخواه که مرا شفا دهد و چشمم را به من بازگرداند. پیغمبر فرمود: «اگر بخواهی من دعا

---

۱. ولا شك أنه حصل من بعضهم سرقة وشرب خمر وقذف وزنى بإحصان وزنى بغير إحصان، لكن كل هذه الأشياء تكون مغمورة في جنب فضائل القوم ومحاسنهم وبعضها أقيم فيه الحدود فيكون كفارة. شرح العقيدة الواسطية، ج ۲ ص ۲۹۲.



می‌کنم و اگر بخواهی صبر کن. این صبر برای تو بهتر است. (و شاید مصلحت تو در همین حالت باشد)» ولی پیرمرد بر خواسته خود اصرار کرد! پیغمبر اکرم ﷺ به او دستور داد وضوی کامل و خوب بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتُوجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي حَاجَتِي لِتَقْضِي، اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِي؛ خداوندا! من تو را می‌خوانم و به سوی تو متوجه می‌شوم به وسیله پیغمبرت محمد نبی رحمت، ای محمد! من متوجه می‌شوم به سوی پروردگارم در حاجتم که حاجتم برآورده شود، خداوندا! او را شفیع من قرار بده».

مرد دنبال آن برنامه رفت تا وضو بگیرد، و نماز را بخواند و دعایی را که پیغمبر به او تعلیم داده بود، انجام دهد.<sup>۱</sup>

از ابن عثیمین سؤال پرسیده شده است: آیا روایت توسل اعمی به رسول الله «ان اعمی اتی رسول الله» صحیح است یا خیر؟ وی در پاسخ می‌گوید این روایت را گروهی ضعیف و عده‌ای دیگر حسن دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

این ادعای ابن عثیمین قطعاً دروغ و تهمتیه بیش نیست؛ زیرا هیچ یک از علمای اهل سنت و حتی وهابیت این روایت را تضعیف نکرده‌اند. تا جایی که ابن تیمیه - تضعیف‌کننده - هم به این مسئله اقرار کرده است؛ وی به هنگام بررسی روایات توسل، که روایات را ضعیف برمی‌شمارد، اما زمانی که به روایت اعمی می‌رسد، می‌گوید: همه

۱. مسند احمد، ج ۴، ص ۱۳۸: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عَمَرَ، أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ عُمَارَةَ بْنَ حُرَيْبَةَ، يَحَدِّثُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ حُنَيْفٍ، أَنَّ رَجُلًا صَرِيحَ الْبَصَرِ أَتَى النَّبِيَّ ﷺ، فَقَالَ: ادْعُ اللَّهُ أَنْ يَسَافِنِي، قَالَ: إِنْ شِئْتَ دَعَوْتُ لَكَ، وَإِنْ شِئْتَ أَخْرْتُ ذَاكَ، فَهُوَ خَيْرٌ. فَقَالَ: ادْعُهُ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَوَضَّأَ، فَيُحْسِنُ وُضُوءَهُ، وَيَصِلِي رُكْعَتَيْنِ، وَيَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ، وَأَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، يَا مُحَمَّدُ، إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي حَاجَتِي هَذِهِ، فَتَقْضِي لِي، اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِي.

۲. مجموع الفتاوى، ج ۳، ص ۳۴۸: هذا الحديث اختلف اهل العلم في صحته فمنهم من قال انه ضعيف ومنهم من قال انه حسن.



این نوع احادیث ضعیف و ساختگی است غیر از حدیث نابینایی که می‌گوید: «اسألک و اتوجه الیک».<sup>۱</sup>

وی همچنین در کتاب دیگرش گفته است: «این حدیث را ترمذی و نسائی و احمد نقل کرده‌اند و ترمذی آن را صحیح دانسته است».<sup>۲</sup>

البته ابن تیمیه در توجیه این روایت گفته است: این دلیلی بر توسل نیست، بلکه معجزه‌ای از معجزات رسول الله بوده است که با دعای رسول الله این شخص نابینا شفا پیدا کرده است!

البته ابن حجر هیتمی به این ادعای ابن تیمیه پاسخ داده است و چنین گفته است:

«پیامبر برای او دعا نکرد و بلکه به او دعا کردن را آموخت!»<sup>۳</sup>

علمای سلفی معاصر نیز این روایت را صحیح دانسته‌اند؛ البانی ذیل روایت چنین

نگاشته است: قال الشيخ الألبانی: «صحیح».<sup>۴</sup>

شعب ارنووط هم ذیل این روایت چنین نوشته است: تعلیق شعب الأرنووط:

«إسناده صحیح رجاله ثقات».<sup>۵</sup>

حالا سؤال اینجاست که ابن عثيمين این ادعا را - که گروهی گفته‌اند این حدیث

ضعیف است - از کجا برداشت کرده است؟

---

۱. قاعدة جلیلة فی التوسل و الوسيلة، ابن تیمیه، ص ۱۰۷: لکن ما روي عن النبي في ذلك كله ضعيف. بل موضوع.

و ليس عنه حدیث ثابت قد یظن ان لهم فيه حجة الاحديث الاعمي الذي علمه ان يقول: «اسالك و اتوجه الیک بنبيک محمد نبي الرحمة».

۲. الرد علی البکری، ج ۱، ص ۲۶: و حدیث الأعمی رواه الترمذی و النسائی و الإمام أحمد و صححه الترمذی و لفظه

النبي صلى الله عليه و سلم علم رجالا فيقول اللهم إني أسألك و أتوجه إلیک بنبيک محمد نبي الرحمة.

۳. الجوهر المنظم، ص ۱۷۳: و انها علمه النبي صلى الله عليه و سلم ذلك و لم يدع له.

۴. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۶۹.

۵. مسند احمد، ج ۴، ص ۱۳۸.



## تبرک حرام

تبرک در لغت به معنای طلب برکت است و برکت به معنای زیادت و رشد یا سعادت است.<sup>۱</sup>

تبرک جستن به چیزی در اصطلاح، به معنای طلب برکت از طریق آن چیز و یا چیزها، و یا حقیقت‌هایی است که خداوند متعال برای آنها امتیازها و مقام‌های خاصی قرار داده است؛ همانند لمس کردن یا بوسیدن دست پیامبر ﷺ یا برخی از آثار آن حضرت بعد از وفاتش.

### فتاوی علمای وهابیت در حرمت تبرک

۱. شورای دائمی مفتیان وهابیان می‌گویند: «توجه پیدا کردن مردم به این مساجد و مسح نمودن دیوارها و محراب‌ها و تبرک به آنها بدعت و نوعی شرک و شبیه به عمل کفار در جاهلیت است».<sup>۲</sup>

۲. ابن عثیمین می‌گوید: «تبرک جستن به پارچه کعبه و مسح آن، از بدعت‌هاست؛ زیرا در این باره از پیامبر ﷺ چیزی نرسیده است».<sup>۳</sup>

۳. ابن عثیمین نیز می‌گوید: «برخی از زائرین دست به محراب و منبر و دیوار مسجد می‌کشند، تمام اینها بدعت است».<sup>۴</sup>

۴. و نیز ابن عثیمین می‌گوید: «حکم قرار دادن قرآن در ماشین به جهت دفع چشم زدن یا محافظت از خطر، بدعت است؛ زیرا صحابه چنین نمی‌کردند».<sup>۵</sup>

۱. لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۰، ص ۳۹۰؛ صحاح اللغة، الجوهری الفارابی، ج ۴، ص ۱۰۷۵.

۲. اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الافتاء، ح ۳۰۱۹.

۳. مجموع فتاوی و رسائل فضیلة، الشیخ محمد بن صالح العثیمین، رقم ۳۶۶.

۴. دلیل الاخطاء التي يقع فيها الحاج والمعتمر، ابن عثیمین، ص ۱۰۷.

۵. البدع و المحدثات، ابن عثیمین، ص ۲۵۹؛ حکم وضع المصحف في السيارة دفعاً للعين أو توقياً للخطر بدعة؛ فان الصحابة لم يكونوا يحملون المصحف دفعاً للخطر أو للعين؛ السؤال علی الهاتف،





۵. شیخ بن باز می‌نویسد: «قرار دادن قرآن در ماشین به جهت تبرک به آن، اصل و اساسی ندارد و مشروع نیست».<sup>۱</sup>

### احکامی برای دنیای امروز

دیدگاه‌های ابن عثیمین درباره مسائل روز هم جالب است:

خودآرایی زنان حتی برای شوهر حرام!

بنابر فتوای ابن عثیمین مواردی که خودآرایی به وسیله آنها حرام است از این قرار است:

از او پرسیده‌اند: هنگامی که درباره حکم برداشتن ابرو مخصوصاً وقتی که ابروها پهن هستند و باعث ناراحت شدن شوهر می‌شوند، آیا این کار به منظور آراستن خود برای شوهر درست است؟

جواب داده:

«برداشتن ابرو جایز نیست و رسول خدا ﷺ کسی را که ابروی دیگران را بر می‌دارد و کسی که از دیگران می‌خواهد تا ابروی او را بردارند، و یا خودش این کار را انجام می‌دهد، نفرین کرده است، و این عمل حرام است و خداوند برای آنچه که مقدر کرده است، حکمتی دارد. پس بعضی از مردم ظاهر زیبایی دارند، و بعضی دیگر این چنین نیستند، و همه کارها به دست خداوند - عزوجل - صورت می‌گیرد و بر شخص واجب است که صبر کند، و اجر خود را از خداوند - عزوجل - بگیرد و به خاطر رسیدن به خواسته‌هایش به حرام نیفتد. نباید هیچ کس موی ابروی را بکند مگر زمانی که مو در قسمت‌هایی خارج از ابرو روییده باشد، مثل خالی که روی آن مو روییده است، پس می‌تواند این موها را از بین ببرد، که در این صورت از بین بردن

۱. فتاوی اسلامیة، ج ۴، ص ۲۹: وضع المصحف فی السیارة للتبرک بذلک لیس له أصل و لیس بمشروع.



یک نقص زشت است، و خودآرایی نیست»<sup>۱</sup>.

### جشن تولد حرام!

ابن عثیمین می‌گوید: «برپایی مراسم جشن تولد برای فرزند که در آن تشبّه به دشمنان خداست، از عادت مسلمین نبوده، بلکه از دیگران به ارث گذاشته شده است. پیامبر ﷺ فرمود: هر کس به قومی شبیه شود از زمره آن قوم به حساب می‌آید».

### تبریک کریسمس و نوروز حرام!

بنابر اعتقاد ابن عثیمین و همه پیروان و مریدانش، تبریک کریسمس و نوروز به کفار و مجوس حرام است تا در گناه آنان شریک نشوند و به آنان شباهت نیابند! اینان می‌گویند: تبریک گفتن عید کریسمس یا دیگر عیدهای دینی آنها به اتفاق حرام است؛ ابن‌قیم رحمته الله علیه می‌گوید:

«تبریک گفتن شعائر مختص کفار، به اتفاق حرام است، مانند: تبریک عید و روزه ایشان که بگوید عید بر شما مبارک و یا این عید بر شما مبارک باد و مانند اینها! اگر گوینده این (تبریک) از کفر سالم بماند، این عمل از محرمات است، چنین تبریکی به منزله تبریک به خاطر سجده بر صلیب است، حتی گناهش در نزد خدا بزرگ‌تر و دشمنی اش بر خدا سخت‌تر، از تبریک گفتن به خاطر شراب خواری، قتل، زنا و... است!

بسیاری از کسانی که از دین آشنایی ندارند، مرتکب این چنین گناهانی می‌شوند، درحالی که از زشتی عملش بی‌خبر است و اگر کسی بر انجام دهنده گناه، بدعت یا کفر تبریک بگوید، خودش را در معرض خشم و غضب خدای تعالی قرار داده است.

تبریک گفتن عید به آنان چه با فرد مسلمان همکار باشند یا نباشند، حرام است. حتی اگر اعیادشان را به ما تبریک گفتند، ما نباید جواب تبریک شان را بدهیم؛ چرا که

۱. الفتاوی منار الاسلام، ج ۳، ص ۳۸۲.



از اعیاد ما نیست و عید آنها عیدی است که مورد تأیید خدای تعالی نیست؛ چرا که این عیدها یا در دین‌شان نبوده، پس بدعت است و اگر در دین‌شان بوده که به‌وسیله دین اسلام که - خدای تعالی محمد ﷺ را با آن برای تمام بندگان مبعوث کرده - منسوخ گردیده است؛ به این ترتیب برای فرد مسلمان، اجابت دعوت‌شان به این مناسبت حرام است، چون این عمل از تبریک گفتن به آنها بزرگ‌تر است؛ چرا که مشارکت با آنها [در این عمل جایز نیست] است و هم چنین بر مسلمان تشبیه به کفار در برگزار کردن جلسات به این مناسبت‌ها یا رد و بدل کردن هدایا یا توزیع حلوا، غذا دادن، تعطیل کردن کارها و... حرام است، به دلیل اینکه پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»؛ «هرکس خود را به قومی تشبیه کند از آنها است».<sup>۱</sup>

ابن تیمیه نیز می‌گوید: «مشابهت به آنها در بعضی از اعیادشان موجب شادی و سرور آنان در عمل باطل شان می‌گردد».<sup>۲</sup>

و در جای دیگر گفته است: «حتی چه بسا که آنها را به طمع بیاندازد تا فرصت را غنیمت بشمارند و ضعفا را به ذلت بکشانند، هر کس چیزی از این گونه اعمال را انجام دهد گناهکار است. فرقی ندارد که به‌خاطر سازش، دوستی، از روی شرم یا دیگر اسباب باشد. چون این سازش با کفار در دین است و از اسباب تقویت روحی کفار است و موجب افتخار کردن به دین شان می‌گردد».<sup>۳</sup>

دیدن مسابقات فوتبال حرام!

سؤال: مسابقات فوتبال که در تلویزیون پخش می‌شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: به نظر من حکم مشاهده بازی‌هایی که در تلویزیون و غیره پخش می‌شود،

۱. احکام اهل ذمّه، ابن قیم، ج ۱، ص ۴۴۱

۲. اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۱۹.

۳. مجموع فتاوی و رسائل، شیخ ابن عثیمین، ج ۳، ص ۴۴.



این است که دیدن مسابقات آنها وقت انسان را تلف می‌کند و انسان عاقل زیرک به هیچ وجه وقت خود را با این چیزها - که هیچ فایده‌ای برایش ندارد - تلف نمی‌کند. اینها اگر یک شرّ نداشته باشند، دچار شرّ دیگری هستند، به طوری که مثلاً در دل بیننده احساس تعظیم نسبت به شخصیت بازیکن که کافر است، به وجود می‌آورند، که این بی‌شک حرام است؛ زیرا ابداً برای ما جایز نیست که کفار را تعظیم کنیم، هر قدر که پیشرفت داشته باشند؛ و همچنین در این مسابقه‌ها ران جوانان آشکار است و این باعث فتنه‌گری است، پس به نظر من ارجح آن است که برای جوانان جایز نباشد که به هنگام بازی با توپ باسن‌های خود را آشکار سازند؛ به سبب آنکه این کار فتنه‌گری است. حتی اگر گفته شود، باسن عورت نیست، باز هم ابداً خوب نیست که جوانی باسن خود را نمایان سازد، اما اگر گفته شود که باسن عورت است، چنانکه همین در مذهب امام احمد حنبل مشهور است، امر واضح است که در هر حال جایز نیست و نصیحتی که من به برادرانمان می‌کنم، این است که اوقات خود را قدر بدانند؛ زیرا وقت ارزشمندتر از مال است.



1. <https://www.rasekhoon.net>
2. <http://www.valiasr-aj.com>
3. <http://www.nooreaseman.com>
4. <http://salafi-vahabi.blogfa.com>
5. <http://www.islahweb.org>
6. <http://globemuslims.com>
7. <http://www.islamtxt.ir>
8. <http://shia-sonni.com>
9. <http://sahaabeh.com>
10. <http://www.jamnews.ir>
11. <http://jaskeslami.blogspot.com>
12. <http://www.faranash.com>
13. <http://www.nbasirat.ir>
14. <http://www.faezin.ir>



## عبدالله بن محمد الغنيمان



البحر الفهامة، الشيخ العلامة، العلم الزاهد الورع، ذا الفهم الثاقب، الشيخ معروف بين أهل العلم، مشهود له بدقة الفهم، لاسيما في باب اعتقاد أهل السنة والجماعة ومنهجهم، از جمله عناوینی است که وهابیان برای شیخ عبدالله الغنيمان به کار می‌برند.

**زندگینامه**

**کودکی**

غنيمان در شهر «بریده» به دنیا آمد و اکنون در همین شهر سکونت دارد.



## مناصب

وی ریاست بخش عقیده دانشگاه اسلامی (رئیس پیشین تحصیلات تکمیلی دانشگاه اسلامی) شهر مدینه را عهده داشت و در کنار آن از اساتید سطح عالی وهابیت بود که در مسجدالنبی تدریس می‌کرد. اما بعد از مدتی به زادگاهش برگشت و در آنجا به ادامه فعالیت‌های خود پرداخت.

از جمله دروسی که وی تدریس می‌کند، می‌توان به شرح کتاب التوحید و درس العقیده الواسطیة و سنن أبی داود اشاره کرد.

## تالیفات

۱. شرح کتاب التوحید من صحیح البخاری؛
۲. مختصر منهاج السنة للشیخ الإسلام ابن تیمیة؛
۳. ثبات العقیده الإسلامية أمام التحديات المعاصرة؛
۴. المنهج الصحیح؛
۵. تحقیق و تعلیق علی کتاب الصفات للإمام الدارقطنی؛
۶. ذم الفرقة والإختلاف فی الكتاب والسنة؛
۷. الهوی وأثره فی العلم؛
۸. لا یصلح هذه الأمة إلا ما أصلح أولها؛
۹. الإیمان حقیقته وزیادته؛
۱۰. حقیقة الرافضة و بیان خطرهم.

## باورها و احکام تکفیری

وی از جمله مفتیان تندروی وهابی است که به همراه عده‌ای دیگر از همفکرانش حکم به کفر شیعیان داد و به همین خاطر بسیاری از شیعیان بی‌گناه و مظلوم عراق به خصوص به دست مزدوران این مفتی ظالم و سنگدل به شهادت رسیدند.





توهين به امام خمينی علیه السلام

از ديگر نظرات سخياف وي، مي توان به نوشتن مقاله اي با نام «حقيقة الرافضة و بيان خطرهم» اشاره کرد که در اين مقاله با هتاکي و جسارت به امام خمينی علیه السلام و مردم ايران، آنها را شريك کفار قلمداد کرده و شيعيان و ايران و رهبر فقيد انقلاب اسلامي را قاتل اهل سنت معرفي کرده بود.

دشمني با شيعيان

يکي از بينندگان برنامه تلويزيوني از او مي پرسد: آيا مي شود مانند روافض (شيعيان) بعد از نام علي و اولاد وي - امامان شيعه - «عليه السلام» بگويم؟

وي در جواب گفت: «چون از شعارهاي رافضيان است، پس جايز نيست گفتن آن». اين در حالي است که بزرگان اهل سنت مانند بخاري و مسلم و ديگران از عبارات «عليه السلام» و «صلوات الله عليه» براي ايشان به کار برده اند:

برخي از تصريحات بخاري به عليه السلام درباره ائمه عليهم السلام:

۱. حدثنا يحيى حدثنا وكيع عن الأعمش عن سعد بن عبيدة عن أبي عبد الرحمن عن علي عليه السلام قال كنا جلوسا عند.

۲. حدثني محمد بن الحسين بن إبراهيم قال حدثني حسين بن محمد حدثنا جرير عن محمد عن أنس بن مالك رضي الله عنه أتى عبيد الله بن زياد برأس الحسين عليه السلام ...

۳. حدثنا عبدان أخبرنا عبدالله أخبرنا يونس عن ابن شهاب قال أخبرني علي بن حسين أن حسين بن علي رضي الله عنهما أخبره أن عليا عليه السلام قال.

۴. حدثني محمد بن بشار حدثنا غندر حدثنا شعبة عن الحكم سمعت ابن أبي ليلى قال حدثنا علي أن فاطمة عليها السلام.

... و



چند نمونه از دیگر کتب اهل سنت:

۱. صحیح مسلم: قال: عبدالله فلا أدري شيئاً أسره إليه رسول الله صلى الله عليه وسلم أو علم ما فى نفس رسول الله صلى الله عليه وسلم قال والرجل هو على بن ابي طالب صلوات الله عليه... .
۲. سنن ترمذی: حدثنا أحمد بن منيع حدثنا الحسين بن محمد حدثنا إسرائيل عن ثوير هو ابن ابي فاختة عن ابيه قال أخذ على بیدی قال انطلق بنا إلى الحسن نعوده فوجدنا عنده أبا موسى فقال على عليه السلام... .
۳. سنن ابی داود: أنه كان فى الجيش الذين كانوا مع على عليه السلام... .
۴. مسند أحمد بن حنبل: يقول عنه حدثنا هاشم بن القاسم حدثنا حريز عن عبدالرحمن بن ابي عوف الجرشى عن معاوية قال رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم يمص لسانه أو قال شفته يعنى الحسن بن على صلوات الله عليه... .

توهين ابن غنيمان به شيعيان در مقدمه‌ای بر «منهاج السنه»

او در مقدمه این کتاب چنین نوشته است: «خدا را گواه می‌گیرم که با وجود تحقیق فراوان و اطلاع بر اقوال و مذاهب مردم، شخصی را نیافتم که به مذهب شیعه امامیه متهم باشد، و امت اسلامی از او به نیکی یاد کنند، چه برسد به کسانی که از صمیم قلب به مذهب امامیه معتقدند!»

و در صفحه ۲۱ همین کتاب می‌نویسد:

«کتابی که در دست دارید تداوم همان مبارزه و پیکار بین حق و باطل است، آنگاه که باطل پرستی چون ابن مطهر حلی رافضی، قد علم کرده بود و بر خلاف عقیده توحیدیان و شاگردان راستین پیامبر اسلام قلم فرسایی می‌کند، و با زیر پا گذاشتن امانت علمی و اهانت به مقام علم و دانش، تهمت‌ها و افتراهای زیادی را به راستگوترین فرزندان اسلام نسبت می‌دهد، شخصیت مبارز و فارس میدان علم و



ادب<sup>۱</sup>، شیخ الاسلام ابن تیمیه، با احساس ایمانی و وجدانی، و با هدف دفاع از کیان اسلام و پاسداری از حریم یاران صمیمی و قهرمان رسول خدا، کتاب بی نظیر منهج السنة النبویة را به امت اسلامی هدیه نموده و برای همیشه دهان ابن مطهر رافضی و رافضیان دیگر را می بندد، و این کتاب از آن زمان به بعد، سپری بس بزرگ در مقابل جهان رفض و تشیع است، و با اطمینان کامل فریاد می زنیم که برای هیچ قومی امکان پذیر نیست که تا روز قیامت جواب و رد قانع کننده ای بر این کتاب بنویسد؛ زیرا که این حق و حقیقت را روشن نموده است.

بلکه گمراهان با مطالعه این کتاب، یا باید از شرک و باطل پرستی خویش دست کشیده و به دامن توحید بازگردند، که این خواسته شیخ الاسلام، و خواست ما می باشد، و یا در گمراهی خویش بسوزند و بسازند، و راه سومی هرگز وجود ندارد.

شیخ عبدالله الغنيمان - از اساتید وهابی رئیس بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه اسلامی مدینه - در جای دیگر می گوید: «وهابیان به یقین دریافته اند، تنها مذهبی که در آینده، اهل سنت و وهابیت را به طرف خود جذب خواهد کرد، همان مذهب شیعه امامی است»<sup>۲</sup>.

## منابع

1. <http://thaghalain.persianblog.ir/>
2. <http://alef.ir>
3. <http://velayat.parsiblog.com>

---

۱. نکته قابل توجه این است که شیخ را با ادب جلوه داده است؛ چرا که وقتی ما صفحاتی از منهج السنه را بخوانیم واقعا پی به ادب ابن تیمیه می بریم. لطفا برای اطلاع بیشتر به: همه چیز در مورد وهابیت، محمد بردبار رجوع کنید.

۲. الشیعة الامامية فی میزان الاسلام، ربیع بن مسعود السعودی، مکتبه ابن تیمیه، ۲۰۱۰ م، ص ۵.



4. <http://vahabiat.porsemani.ir>
5. <http://www.islamhouse.com/>
6. <http://www.shia-salafi.blogfa.com>

## ربیع المدخلی



### زندگینامه

#### کودکی

ربیع بن هادی بن محمد عمیر المدخلی، متولد ۱۳۵۱ ه. ق، از قبیله مشهور «مداخله» در منطقه جازان - جنوب عربستان سعودی و روستای جرادیه در غرب شهر صامطه - به دنیا آمد؛ یک سال و نیم پس از تولدش، پدرش را از دست داد و تحت تکفل مادرش رشد کرد.

#### تحصیلات

وی از هشت سالگی تا سال ۱۳۸۰ ه. ق، زیر نظر افرادی همچون شیبان عریشی، قاضی أحمد بن محمد جابر مدخلی، محمد بن حسین مکی - از شهر صیاء - محمد



این محمد جابر مدخلی، ناصر خلوفه طیاش مبارکی، حافظ بن أحمد حکمی، محمد بن أحمد حکمی، أحمد بن یحییٰ نجمی، محمد أمان بن علی جامی و محمد صغیر خمیسی تحصیل کرد.

او سال ۱۳۸۱ هـ. ق به دانشکده فقه ریاض وارد شد و پس از افتتاح دانشگاه اسلامی مدینه، به دانشکده فقه آنجا رفت و سه سال بعد با رتبه ممتاز به مدرک کارشناسی دست یافت.

استادان وی در این مدت عبارت بودند از: عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، محمد ناصر الدین الألبانی، عبدالمحسن العباد، محمد الأمين الشنقیطی، صالح العراقی و عبدالغفار حسن الهندی.

المدخلی پس از مدتی تدریس در دانشگاه اسلامی، در رشته حدیث - شعبه مکه دانشگاه عبدالعزیز در سال ۱۳۹۷ هـ. ق - کارشناسی ارشد خود را گرفته و سال ۱۴۰۰ نیز در همان دانشگاه به دکترا نائل آمد.

### مناصب

وی دو نوبت رییس بخش تحصیلات تکمیلی دانشکده سنت دانشگاه عبدالعزیز بوده است.

### آثار و تألیفات

از آثار و تألیفات او عبارت‌اند از:

۱. بین الإمامین مسلم والدارقطنی، پایان نامه کارشناسی ارشد؛
۲. النکت علی کتاب ابن الصلاح، ۲ جلد، پایان نامه دکترا؛
۳. تحقیق: المدخل إلى الصحيح حاکم، جلد اول آن منتشر شده است.
۴. تحقیق: التوسل والوسيلة ابن تیمیة؛
۵. منهج الأنبياء في الدعوة إلى الله فيه الحكمة والعقل؛



٦. منهج أهل السنة في نقد الرجال و الكتب و الطوائف؛
٧. تقسيم الحديث إلى صحيح وحسن وضعيف بين واقع المحدثين ومغالطات المتعصبين در رد عبدالفتاح أبوغدة ومحمد عوامه؛
٨. كشف موقف الغزالي من السنة وأهلها؛
٩. صدّ عدوان الملحدين وحكم الاستعانة بغير المسلمين؛
١٠. مكانة أهل الحديث؛
١١. منهج الإمام مسلم في ترتيب صحيحه؛
١٢. أهل الحديث هم الطائفة المنصورة الناجية (كُفّت وگو با سلمان العودة)؛
١٣. مذكرة في الحديث النبوي؛
١٤. أضواء إسلامية على عقيدة سيد قطب وفكره؛
١٥. مطاعن سيد قطب في أصحاب رسول الله ﷺ؛
١٦. العواصم مما في كتب سيد قطب من القواصم؛
١٧. الحد الفاصل بين الحق والباطل حوار مع بكر أبوزيد؛
١٨. مجازفات الحداد؛
١٩. المحجة البيضاء في حماية السنة الغراء؛
٢٠. جماعة واحدة لا جماعات و صراط واحد لا عشرات حوار مع عبدالرحمن عبدالخالق؛
٢١. النصر العزيز على الرد الوجيه؛
٢٢. التعصب الذميم وآثاره أعني به سالم العجمي؛
٢٣. بيان فساد المعيار، حوار مع حزبي مستر؛
٢٤. التنكيل بما في توضيح المليباري من الأباطيل؛
٢٥. دحض أباطيل موسى الدويش؛
٢٦. إزهاق أباطيل عبداللطيف باشميل؛
٢٧. انقراض الشهب السلفية على أوكار عدنان الخلفية؛



۲۸. مقاله النصیحة هي المسؤولية المشتركة في العمل الدعوى. (مجله التوعية الإسلامية)؛

۲۹. مقاله الكتاب والسنة أثرهما ومكانتهما والضرورة إليهما في إقامة التعليم في مدارسنا. (مجله الجامعة الإسلامية، شماره ۱۶).

### مفتی دربار و نظریه پرداز قعود

مدخلی بیش از ۱۰۰ کتاب و مقاله در موضوعات روز و به خصوص پاسخ و توهین و هتاک به دیگر علمای غیر همسو با خود نوشته و منتشر کرده است. بیشترین کتاب‌ها و مقالات وی علیه تفکرات و اندیشه‌های سید قطب است. این در حالی است که در میان نوشته‌های او - مانند دیگر وهابی‌ها - در رد مارکسیست، بودائیسیم، بهائیت و تفکرات اسرائیلی و آمریکایی چیزی نمی‌بینیم. تمام نوشته‌های آنان فقط علیه مسلمانان است.

مدخلی بسیار مورد توجه و تأیید بن باز و از جمله مفتیان درباری بود که قائل است تحت هر شرایطی باید از حاکم دفاع کرد. او به همه نوع جهاد چه از نوع سید قطب، چه امثال عرعور و عریفی می‌تازد. وی دشمنی جدی با جهاد و هر نوع اعتراضی دارد و همه اعتراضات و جهادهای وهابیان را تحت تأثیر افکار سید قطب می‌داند و بر همین اساس در نوشته‌های خود از دست رفتن جوانان وهابی را مایه تاسف می‌داند و شکوه می‌کند که چه بسیار جوانانی را مورد آموزش دادیم، اما هم اکنون در جنگ و خونریزی و مباح شمردن خون حاکمان به سر می‌برند و این به سبب کوتاهی ماست.

ربیع المدخلی در کتاب‌های خود می‌گوید: ما دچار اشتباه بزرگی شدیم! ما در جریانات سیاسی مصر و ائتلاف جمال عبدالناصر و شاه فیصل خواستیم که اخوان المسلمین را به خود جذب کنیم، از همین رو آنان را به عربستان دعوت کردیم و در نتیجه شیخ غزالی و دیگر علمای اخوان به این منطقه هجرت کردند، اما علم علمای اخوان المسلمین بیش از





علم ما بود و در نتیجه تاثیر آنها بر ما، بیش از تاثیر ما بر آنان بود.

برخی از اخوان المسلمین از تفکر وهابیت متأثر گشتند، اما حقیقت آن است که شیخ ربیع المدخلی شکایت می‌کند که بسیاری از رهبران وهابی از میان ما رفتند و به اخوان المسلمین پیوستند.

یکی از کتاب‌های او اثر پنج جلدی در نقد سید قطب و کتابی با عنوان «تحدیر الامم من کلب العجم» است که یکی از متعصبین وهابیت در نقد شخصیت و اندیشه سید جمال نوشته است.

عصام العماد شاگرد شیعه شده او می‌گوید:

شیوخ وهابی معتقدند تا پیش از آشنایی عربستانی‌ها با سید قطب و ورود اندیشه‌های او به آن دیار، کسی با اسلام آمریکایی مشکلی نداشت و وهابیت کلاسیک به سفارت‌های غربی احترام می‌گذاشتند، اما با ورود آثار و تفکرات سید قطب به عربستان، کم‌کم این سفارت‌خانه‌ها در مناطق وهابی‌نشین مورد حمله قرار گرفتند؛ شیخ ربیع المدخلی از تندروهای وهابی معتقد بود: سید قطب همه جامعه عربستان را به هم ریخت و «اگر وهابیت نابود شود، به علت تفکرات سید قطب ملعون است»؛ کسانی چون بن‌لادن - که شاگرد بن‌باز بوده - تا پیش از آشنایی با سید قطب علیه آمریکا نبودند و همیشه با آمریکا همکاری می‌کردند تا روزی که کتاب درس‌های قرآن سید قطب، را خواند و علیه آمریکا قیام کرد. از همین رو آمریکا وهابی‌های سید قطبی را دشمن خود می‌داند نه وهابی‌های محمد عبدالوهابی را.

احمد بن قاسم غامدی، یکی از شاگردان وی که از او اجازه روایت دارد، طی فتوایی عجیب مدعی شده حجاب تنها خاص همسران پیامبر ﷺ بوده و برای دیگران الزامی نیست.<sup>۱</sup>



## منابع

1. <http://1212news.ir>
2. <http://www.velayattv.com>
3. <http://aboo.blogsky.com>
4. <http://shorijeh10.blogfa.com>
5. <http://salafi-vahabi.blogfa.com>
6. <http://www.valiasr-aj.com>
7. <http://aqeedehmovahedin.blogfa.com>
8. <http://zamane.info>
9. <http://mobin22az.blogfa.com>
10. <http://form1.amoozesh.hajj.ir>
11. <http://rahehagh1.blogfa.com>
12. <http://roshangar14.blogfa.com>
13. <http://www.startimes.com>
14. <http://yeuquangngai.net>
15. <http://www.vahabiat.porsemani.ir>
16. <http://gate4deal.com>
17. <http://www.3tubelight.com>
18. <http://www.al-shia.org>
19. <http://labbaik.ir>
20. <http://ipi.blogfa.com>

## مقبل بن هادی الوادعی



مقبل بن هادی الوادعی از جمله عالمان وهابی سلفی است و یمنی الاصل است. وی پس از اتمام تحصیلات خود در عربستان، فعالیت‌های تبلیغی و تدریسی خود را در یمن آغاز کرد و در مراکز علمی مختلف عربستان به تحصیل پرداخت و از دانشگاه اسلامی مدینه در رشته حدیث‌شناسی با درجه کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شد. وی در عربستان شاگرد استادانی چون البانی و عبدالعزیز بن باز و عبدالمحسن العباد و محمد الامین الشنقیطی و برخی دیگر از اساتید سلفی بوده است. پس از فراغت از تحصیل به یمن بازگشت و به ترویج افکار وهابیت در آنجا پرداخت. وی در شهر دماج



از شهرهای یمن که زادگاه وی بود، مدرسه علمیه‌ای با نام دارالحدیث تأسیس و به جذب و تربیت طلاب از شهرهای مختلف یمن پرداخت. شیوخ سلفی بسیاری در آنجا درس خواندند و فارغ التحصیل شدند. وی همچنین با کمک شاگردان خود مدارس گوناگونی را برای ترویج افکار سلفیون وهابی در شهرهای مختلف یمن ایجاد کرد. وی کتب مختلفی را در موضوع عقاید، حدیث، رجال و فتوا نوشته است که عبارتند از:

۱. الشفاعة.
۲. الجامع الصحيح فى القدر.
۳. الصحيح المسند من دلائل النبوة.
۴. صعقة الزلزال لنسف أباطيل الرفض والاعتزال.
۵. السيوف الباترة لإلحاد الشيوعية الكافرة.
۶. رياض الجنة فى الرد علي أعداء السنة.
۷. الطليعة فى الرد علي غلاة الشيعة.
۸. بحث حول القبة المبنية علي قبر رسول الله صلي الله عليه وسلم.
۹. الإلحاد الخميني فى أرض الحرمين.
۱۰. فتوي فى الوحدة مع الشيوعيين.
۱۱. إرشاد ذوى الفطن لإبعاد غلاة الروافض من اليمن، حاشية علي الرسالة الوازنة للمعتدين ليحيى بن حمزة.
۱۲. ردود أهل العلم علي الطاعنين فى حديث السحر.
۱۳. المخرج من الفتنة.
۱۴. هذه دعوتنا وعقيدتنا.
۱۵. إيضاح المقال فى أسباب الزلزال.
۱۶. الجامع الصحيح مما ليس فى الصحيحين.
۱۷. تتبع أوهام الحاكم فى المستدرک.



١٨. تحقيق ودراسة الإلزامات والتتبع للدارقطنى.
١٩. تراجم رجال الحاكم الذين ليسوا من رجال تهذيب التهذيب، فى مجلدين.
٢٠. تراجم رجال الدارقطنى الذين ليسوا فى تهذيب التهذيب، ولا رجال الحاكم.
٢١. نشر الصحيفة فى ذكر الصحيح من أقوال أئمة الجرح والتعديل فى أبى حنيفة.
٢٢. المقترح فى أجوبة أسئلة المصطلح.
٢٣. أحاديث معلة ظاهرها الصحة.
٢٤. غارة الفصل فى الرد علي المعتدين علي كتب العلل.
٢٥. الجمع بين الصلاتين فى السفر.
٢٦. شرعية الصلاة فى النعال.
٢٧. تحفة الشباب الربانى فى الرد علي الإمام محمد بن على الشوكانى فى شأن الاستملاء.
٢٨. تحريم الخضاب بالسواد.
٢٩. حكم تصوير ذوات الأرواح.
٣٠. غارة الأشرطة علي أهل الجهل والسفسطة، فى مجلدين.
٣١. قمع المعاند وزجر الحاقد الحاسد.
٣٢. تحفة المجيب علي أسئلة الحاضر والغريب.
٣٣. إجابة السائل عن أهم المسائل.
٣٤. المصارعة.
٣٥. الفواكه الجنية فى المحاضرات والخطب السنية.
٣٦. إقامة البرهان علي ضلالات عبد الرحيم الطحان.
٣٧. قرة العين بأجوبة العلابى وصاحب العدين.
٣٨. ترجمة أبى عبدالرحمن مقبل بن هادى الوادعى.



۳۹. الباعث علي شرح الحوادث.  
 ۴۰. ذم المسألة.  
 ۴۱. مقتل الشيخ جميل الرحمن الأفغانی.  
 ۴۲. فضائح ونصائح.  
 ۴۳. البرکان لنسف جامعة الإيمان ومعه الرد علي يوسف بن عبدالله القرضاوی.  
 ۴۴. رثاء الشيخ عبدالعزيز بن باز.

## باورها و فتاوا

### دستور به تخریب گنبد خضرا

وی از مفتیان مشهور وهابی جریان تعلیمی و غیر جهادی یمن است، در دو کتاب خویش، فتوا به وجوب تخریب گنبد رسول خدا ﷺ و برگرداندن مسجد به حالت سابق خویش دارد؛ او در کتاب «ریاض الجنة فی الرد علی أعداء السنة» می نویسد: «بعد از این سخنان، گمان ندارم که یقین کرده باشی که بر مسلمانان واجب است که مسجد رسول خدا ﷺ را به همان صورتی که در زمان پیامبر، در جهت شرقی آن بوده است بازگردانند، تا قبر داخل مسجد نباشد و بر مسلمانان واجب است که گنبد را برچینند!»<sup>۱</sup>

همچنین در کتاب دیگرش «تحفة المجیب علی أسئلة الحاضر والغریب» می نویسد: «ما می گوئیم - درحالی که گنبد پیامبر در کنار ما است - آرزو داریم، آرزو داریم که ببینیم کلنگ‌ها به جان آن افتاده است، تا آن را با خاک یکسان کند!»<sup>۲</sup>

۱. ریاض الجنة، ص ۲۵۷: وبعد هذا لا إخالک تردد في أنه يجب علی المسلمین إعادة المسجد النبوي كما كان في عصر- النبوة من الجهة الشرقية حتى لا يكون القبر داخل المسجد! وأنه يجب علیهم إزالة تلك القبة!  
 ۲. تحفة المجیب (دار الانار صنعاء)، ص ۴۰۶: نحن نقول وتلكم قبة الهادي بجوارنا نتمنى أن قد رأينا المساحي في ظهرها إلى أن تصل إلى الأرض.



### عیب پوشی از معاویه

وی در کتاب تحفة المجیب می‌نویسد: «بعضی از امویین، از سعد بن ابی وقاص خواستند که علی علیه السلام را سب کند، وی از این کار خودداری کرد، آنها گفتند: چه چیزی باعث شده است که علی علیه السلام را سب نمی‌کنی؟»<sup>۱</sup>

با اینکه دیگر علمای اهل سنت، از جمله مسلم، ترمذی، ذهبی، ابن اثیر، ابن کثیر و... به نام معاویه تصریح کرده‌اند. اما وی روایت را تحریف و برای جانبداری از خاندان اموی، کلمه «معاویه» را تبدیل به «بعض الأمویین» کرده است!

### مفتی دربار یمن

شیخ مقبل الوادعی بر این عقیده است که قانون در این نظام‌های اسلامی، قانون طاغوت، زندقه، کفر و شرک اکبر است و پس از آن می‌نویسد: «بر ما واجب است که از حاکم نظام اطاعت کنیم!!!».

وادعی که نمی‌توانست به شکل صریح شعارهای تظاهرکنندگان مراسم براثت از مشرکین، چون شعار «مرگ بر امریکا»، «مرگ بر شوروی»، «مرگ بر اسرائیل» و «نه شرقی و نه غربی» را رد کند، گستاخانه در کتاب «الالحداد الخمینی فی الارض الحرمین» با پیش کشیدن آنچه «نیت خبیث شیعیان» می‌نامد! به‌طور عام هرگونه تظاهراتی را چه از سوی شیعه یا اهل سنت زیر سؤال برده و نوشته است:

باید دانست که این تظاهرات، عملی اسلامی نیست و به ما چیزی از نبی صلی الله علیه و آله و سلم نرسیده است که جماعتی در حالی که شعاری واحد دهند بیرون بیایند. و این چیزی نیست جز تقلید از دشمنان اسلام و تشبه به آنان، که رسول صلی الله

۱. تحفة المجیب، ص ۹. ودعا بعض الأمویین سعد ابن وقاص لیسب علیا، فما فعل، قالوا: ما منعک أن تسب علیاً؟



علیه و آله و سلم در وصفشان فرموده است: «کسی که خود را شبیه قومی در آورد از آنان است».<sup>۱</sup>

### زمینه‌سازی برای حوثی‌کشی

در اوایل دهه ۹۰ - از قرن میلادی گذشته - مقبل الوادعی با علی عبدالله صالح دیکتاتور سابق و سرلشکر علی محسن الاحمر فرمانده سابق نظامی شمال یمن - که پس از مدتی به علی شیمیایی یمن معروف شد - ملاقات کرد؛ در این ملاقات الوادعی تلاش کرد تا خطر شیعیان الحوثی را بزرگ‌نمایی کند و در این زمینه مدعی شد که الحوثی‌ها امتدادی از شیعیان ایران هستند، با اینکه الحوثی‌ها هیچ‌گاه قصد دخالت در ساختار سیاسی یمن را نداشتند، اما شیخ بدر الدین الحوثی - رهبر معنوی حوثی‌ها - با درک توطئه مشترک علی عبدالله صالح و رژیم آل سعود، مجموعه الشباب المومن و حزب الحق را پایه‌گذاری کرد.

### مذاهب اربعه اهل سنت نامشروع‌اند!

شیخ وهابی مقبل الوادعی می‌گوید: «مذاهب اربعه (شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی) ما انزل الله بها من سلطان هستند یعنی هیچ دلیلی برای مشروعیت آنها نیست»<sup>۲</sup> او می‌گوید: «اگر اهل سنت راست می‌گویند که ارتباطی با اسلام دارند، یک دلیل از کتاب خدا یا سنت رسول الله ﷺ بیاورند»<sup>۳</sup> وهابیان قبل از اینکه به شیعه طعن بزنند، اهل سنت را هم از دایره اسلام خارج

۱. الاحاد الخمينی فی الارض الحرمین، ماهنامه زمانه، شماره ۳۰ (کامیار صداقت ثمر حسینی) (سایت زمانه)

[www.zamane.info/1390](http://www.zamane.info/1390)

۲. اجابة السائل علی اهم المسائل، مقبل بن هادی الوادعی، ص ۳۱۷. (دار الحرمین، القاهرة)

۳. همان.





می‌دانند، گویا فقط خودشان را مسلمان می‌دانند! و فقط ایشان قرآن را می‌فهمند و دیگر مسلمین از قرآن خبر ندارند!

### دیدن تلویزیون حرام!

الوادعی نگاه کردن به تلویزیون را جایز نمی‌داند؛ وی در کتاب تحفة المجیب می‌نویسد:

سؤال شماره (۱۰): حکم روشن کردن و نگاه کردن به تلویزیون به منظور آگاهی از اخبار چیست؟

پاسخ: جایز نیست. به‌خاطر (حرمت) تصویر سازی و به‌خاطر فسق و فجوری که از آن حاصل می‌شود و به‌خاطر یاد دادن دزدی.<sup>۱</sup>

یکی نیست به این وهابی بگوید که تلویزیون فقط استفاده حرام ندارد، این شما و اطرافیان شما هستید که از تلویزیون فقط استفاده‌های زشت و حرام می‌کنند! با همین تلویزیون می‌شود شبکه ولایت و برنامه کلمه طیبه را دید.

### توهین به قرضای

وادعی با نام‌گذاری کتابی در رد قرضای، شیخ قرضای را الکل العاوی (سگ عو عو کننده) خطاب کرده و ایشان را گمراه می‌داند.<sup>۲</sup>

### توهین به سید قطب و اخوان المسلمین

وادعی در کتاب فضائح و نصایح، مردم را از مطالعه کتب سید قطب پرهیز داده و ایشان را ملحد دانسته است؛ او از اخوان المسلمین با تعبیر اخوان المفلسین یاد کرده و بزرگان و دکترهای اخوانی را همچون گاو می‌دانند!

۱. تحفة المجیب، ص ۲۷۰؛ دارالآثار، یمن، ۱۴۲۳ق.

۲. اسکات الکل العاوی یوسف بن عبدالله القرضای.



### باز هم توهین به شیخ یوسف قرضاوی

و ادعی در مقدمه‌ای که بر کتاب رفع اللثام عن مخالفة القرضاوی لشريعة الاسلام نوشته است، شیخ یوسف قرضاوی را این‌گونه معرفی می‌کند: «از جمله دعوت‌گران به گمراهی در زمان ما یوسف ابن عبدالله قرضاوی مفتی قطر است، همو که سخن‌گوی دشمنان اسلام بوده و زبان و قلم خود را در جنگ با اسلام قرار داده است».<sup>۱</sup>

### باز هم توهین به اخوان المسلمین و حزب التحریر

و ادعی در پاسخ به سؤالی، اخوان المسلمین و حزب التحریر را بدعت‌گذار و مرده‌پرست می‌خواند و بزرگ‌ترین دشمنان سنت می‌داند.<sup>۲</sup>

### توهین الوادعی به شیخ عجلونی

و ادعی در کتاب المقترح فی أجوبة... با توهین به امام اسماعیل العجلونی وی را شخصی خرف، اهل اوهام و خرافات و گوینده خزعبلات می‌داند! در حالی که بزرگان اهل سنت و جماعت، عجلونی را این‌گونه معرفی کرده‌اند:

### طعن بر ابوحنیفه

دشمنی و هابیت با پیروان ابوحنیفه، امری واضح و مبرهن است؛ در اینجا چند تا از شذوذات فقهی ابوحنیفه براساس برخی مصادر اهل تسنن و طعنه و ادعی به او، بیان می‌شود.

۱. و من دعا الضلالة في زماننا هذا يوسف بن عبدالله القرضاوي مفتي قطر، فقد أصبح بوقاً لأعداء الاسلام، فسخر لسانه وقلمه لمحاربة دين الإسلام.

۲. السؤال: ما هو موقف اهل السنة والجماعة من الاخوان المسلمين و حزب التحرير؟ بينوا لنا وجه انحرافهم و جزاكم الله خيراً؟ الجواب: موقف اهل السنة والجماعة من اخوان المسلمين أنهم يحكمون علي منهجهم بأنه منهج المبتدع وعلي أفرادهم بأنه كان يعلم بمنهج ويلزم به؛ فإنه مبتدع ومن كان لا يعلم منهج وهو يظن أنه ينصر الاسلام والمسلمين فيعتبر خطأً. واصل دعوة الاخوان دعوة قبورية

او در ادامه می‌گوید:

فدعوة الاخوان المسلمين تعتبر علي الدعوات لان اكبر اعدائهم علي السنة .



## ازدواج بدون اذن ولی

ابی برده گوید: پیامبر ﷺ فرمود: عقد و نکاح بدون اذن ولی جای نیست. مقبل الوادعی به نقل از ابن ابی شیبیه می گوید: «وذكر أن أبا حنيفة كان يقول: جائز إذا كان كفوءاً» ابوحنيفة می گفت: تنها حالتی که بدون اذن ولی، زن می تواند ازدواج کند آنجاست که کفو (همسان) باشد. در این صورت جایز است»<sup>۱</sup>.

### زنا با محارم

براء گوید: پیامبر او را فرستاد تا سر مردی را که با زن پدرش ازدواج کرده بود برایش ببرد.

براء گوید: دائم را دیدم که با او پرچم بود. گفتم کجا می روی؟ گفت پیامبر مرا فرستاده است مردی را که با زن پدرش ازدواج کرده است بکشم یا گردنش را بزنم.

مقبل الوادعی به نقل از ابن ابی شیبیه می گوید: «وذكر أن أبا حنيفة قال: ليس عليه إلا الحد»؛ «ابوحنيفة گفت: به کسی که برای ازدواج با همسر پدرش رفته، فقط بر او باید حد جاری کرد»<sup>۲</sup>.

### نقد و انکار فضایل اهل بیت علیهم السلام توسط الوادعی

الوادعی در حاشیه خود بر مستدرک حاکم تا آنجا که می توانست فضائل اهل بیت علیهم السلام را انکار کرد.

در صفحه اول کتاب چنین نوشته است:

مستدرک علی الصحیحین... چاپی حاوی انتقادات ذهبی و در ذیل آن پی گیری اوهام حاکم نیشابوری که ذهبی به آنها نپرداخته نوشته ابو عبدالرحمن مقبل بن هادی الواعی.

۱. نشر الصحیفة فی ذکر الصحیح من أقوال أئمة الجرح والتعدیل وانکار فی ابی حنیفة، الوادعی، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۱۶۹.



توهین به شیخ محمد عبده و شیخ رشید رضا و جمال الدین اسد آبادی

وادعی در کتاب المخرج من الفتنة بزرگانی همچون سید جمال الدین اسد آبادی، محمد عبده، رشید رضا را افرادی گمراه و نا آشنا و جاهل نسبت به سنت نبوی ﷺ معرفی می کند!

### منابع

۱. ترجمة أبی عبد الرحمن مقبل بن هادی الوادعی، بقلم صاحب الترجمة-الطبعة الرابعة-دار الآثار صنعاء.
۲. الشيخ مقبل ودار الحديث بدماج، معمر بن عبد الجليل القدسی، دار الآثار-صنعاء.
۳. نبذة يسيرة من حياة أحد اعلام الجزيرة، أبوهمام الصومعی، مجالس الهدی-الجزائر.
۴. نبذة مختصرة من حياة نصائح والدى العلامة مقبل بن هادی الوادعی وسيرته العطرة، أم عبد الله بنت الشيخ مقبل بن هادی الوادعی، دار الآثار-صنعاء.

5. <http://ghaem16.persianblog.ir>
6. <http://www.tebyan.net>
7. <http://anti666.ir>
8. <http://zamane.info>
9. <http://www.iwna.org>
10. <http://www.valiasr-aj.com>
11. <http://14mah.parsiblog.com>
12. <http://www.vahhabiyat.com>
13. <http://salafi-vahabi.blogfa.com>
14. <http://shorijeh10.blogfa.com>
15. <http://alvahhabi.blogfa.com>

## عبدالمحسن العباد

عبدالمحسن بن حمد بن عبدالمحسن بن عبدالله بن حمد بن عثمان آل بدر



زندگینامه

کودکی

وی در سال ۱۳۵۳ ه. ق در - منطقه زلفی - شمال ریاض عربستان به دنیا آمد.  
عبدالمحسن را به انتساب پدر بزرگش عبّاد می‌نامند.



## تحصیلات

عَبَاد دوره ابتدایی را تا سال ۱۳۷۱ هـ.ق در زلفی مشغول تحصیل بود و پس از آن به ریاض رفت. در ریاض به پژوهشکده علمی ریاض و پس از آن به دانشکده فقه دانشگاه محمد بن سعود رفت.

## استادان

- محمد بن ابراهیم؛
- و عبدالعزیز بن باز؛
- محمد الأمين الشنقیطی؛
- عبدالرحمن الأفریقی؛
- عبدالرزاق عقیفی.

## مناصب

- مدرس پژوهشکده علمی بریده (۱۳۷۹ هـ)؛
- مدرس پژوهشکده علمی ریاض (۱۳۸۰ هـ)؛
- مدرس دانشگاه اسلامی مدینه (۱۳۸۱ هـ)؛
- مدرس مسجد نبوی (۱۴۰۶ هـ).

منابع تدریسی او عبارت‌اند از: الصحیحین، سنن أبی داود، سنن النسائی، جامع الترمذی، سنن بن امامه، ألفیة السیوطی - در اصطلاحات -، مقدمة ابن أبی زید القيروانی، تطهیر الاعتقاد صنعانی، شرح الصدور شوکانی، شرح شروط الصلاة و کتاب آداب المشی إلى الصلاة محمد بن عبدالوهاب.

## آثار

۱. ۲۰ حدیث از بخاری؛
۲. ۲۰ حدیث از صحیح مسلم؛



۳. من أخلاق الرسول الكريم؛
  ۴. عقيدة أهل السنة والجماعة في الصحابة الكرام؛
  ۵. فضل أهل البيت وعلو مكانتهم عند أهل السنة والجماعة؛
  ۶. عقيدة أهل السنة والأثر في المهدي المنتظر؛
  ۷. الرد على الرفاعي والبوطي؛
  ۸. الانتصار للصحابة الأخيار في رد أباطيل حسن المالكي؛
  ۹. الشيخ عبدالعزيز بن باز نموذج من الرعيل الأول؛
  ۱۰. الشيخ عمر بن عبدالرحمن فلاته وكيف عرفته؛
  ۱۱. الإخلاص والإحسان والالتزام بالشريعة؛
  ۱۲. فضل المدينة وآداب سكناها وزيارتها؛
  ۱۳. من أقوال المنصفين في معاوية؛
  ۱۴. فضل آل البيت؛
  ۱۵. اجتناء الثمر في مصطلح أهل الأثر؛
  ۱۶. عالم جهبذ وملك فذ؛
  ۱۷. قبس من هدى الإسلام؛
  ۱۸. دراسة حديث - نضر الله إمرأ سمع مقالتي - رواية ودراسة.
- مجموعه تمام كتابها و مقالات او علاوه بر آنچه در بالا ذکر شد، در يازده جلد با عنوان مجموعه آثار عبدالمحسن العباد گردآوری و منتشر شده است.<sup>۱</sup>
- ماجرای دیدار با حجة الاسلام سيدهادی خسروشاهی و شهيد مطهری
- حجة الاسلام خسروشاهی در کتاب مصلح جهانی خود می نویسد:
- در موسم حج، همراه شهيد استاد مطهری، مرحوم سيد علی شاهچراغی، دکتر

1. <http://www.al-abbaad.com>



شریعتی، سید غلامرضا سعیدی و چند نفر دیگر برای بازدید «دانشگاه اسلامی مدینه منوره» به این دانشگاه رفتیم. ملاقاتی رخ داد با «شیخ ناصر العبودی» - نائب رئیس دانشگاه - و از نشر رساله شیخ ابوبکر جابر الجزائری - که تحت عنوان «نصیحتی الی کل اخ شیعئی!» چاپ شده بود - گله شد، مذاکره با شیخ ناصر، در محیطی «برادرانه» و با «حسن تفاهم» پایان یافت. اتفاقاً «شیخ عبدالمحسن العباد» در اتاق وی بود. قیافه عبوسی داشت و سکوت کرده بود! شیخ ناصر گفت که: او سخنرانی جالبی درباره مهدی منتظر دارد، و سپس نسخه‌ای از مجله را از روی میز خود برداشت و به این جانب که سخن‌گوی گروه شده بودم، تحویل داد همان‌جا ورق زدم... مقاله‌ای داشت مبسوط، تحت عنوان: «عقیده اهل السنة والائثر فی المهدی المنتظر» تشکر کردیم و دسته جمعی به مقر کاروان حسینیہ ارشاد - در اول خیابان ابوذر - برگشتیم. بعد از ظهر، مقاله را در اتاقم مطالعه کردم. بحث واقعا مفید، تحقیقی و جالب از شیخ عبدالمحسن العباد در تأیید بحث و همراه با نیشی گزنده بر ضد شیعه! شب در گپ و گفت هیات علمی، محتوای کلی مقاله را بر دوستان تعریف کردم. خیلی مسرور شدند و استاد مطهری گفت: خوب است آن را ترجمه کنید. چون اعتقاد این آقایان به مسئله مهدویت و نشر آن در میان مردم، تاثیر مثبتی در ایجاد تفاهم خواهد داشت. پیشنهاد استاد را پذیرفتم و مجله را با خود به ایران آوردم و نخست خلاصه آن را در دو شماره از مجله الهادی - که به عربی، از قم منتشر می‌شد - چاپ کردیم ولی ترجمه آن که تقریباً تعهدی بر عهده من بود، یک ربع قرن به تاخیر افتاد تا سال گذشته که توفیق حق یار شد و ترجمه آن به مناسبت نیمه شعبان، در چند شماره از جریده شریفه «اطلاعات» منتشر گردید؛ بعضی از دوستان خواستار چاپ آن به شکل کتابی مستقل بودند، در قم با برادر محقق و گرانمایه جناب رسول جعفریان صحبت می‌کردم، گفت: شیخ عباد مقاله مشروح دیگری در همین زمینه دارد که می‌تواند مکمل همین بحث باشد و در کتاب: الامام المهدی عند اهل السنه که در بیروت چاپ شده، نقل شده است. کتاب را -





که در ایران کمیاب و یا نایاب است - به طور امانت از ایشان گرفتم... بحث شیخ در واقع یک کتاب جدید بود تحت عنوان: الرد علی من انکر الاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی که ما به ترجمه آن پرداختیم و تا نیمه رجب ۱۴۱۴ ه. ق ترجمه پایان یافت و قرار شد همراه بخش اول، به مناسبت نیمه شعبان ۱۴۱۴ ه. ق به طور مستقل از سوی مؤسسه اطلاعات چاپ و منتشر گردد.

گذشته از مقدمه، مجموعه ترجمه دو کتاب شیخ عبدالمحسن العباد و دو بحث خودم را - که مربوط به ۳۷ سال پیش بود - برای حروف چینی به مؤسسه اطلاعات تحویل دادم... و ناگهان زیارت عمره غیرمترقبه‌ای پیش آمد و این، پس از ده سال سلب توفیق، امدادی از غیب بود، چرا که من در مدینه به دنبال کتاب شیخ عبدالمحسن العباد می‌گشتم، ولی همین امر موجب گردید در مدینه - و سپس مکه - ده‌ها کتاب جدید درباره مهدی و یا اشراف الساعة به دست آورم که اغلب آنها در ۱۵ سال گذشته تالیف و چاپ شده‌اند و در همین تحقیق و بررسی معلوم شد که مجموعه دو بحث شیخ عبدالمحسن العباد هم در «مطابع الرشید» مدینه منوره به سال ۱۴۰۲ ه. ق به طور مستقل به شکل کتابی تحت عنوان: الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی و یلیه: عقیده اهل السنة والاثار فی المهدی المنتظر، هر دو به قلم: عبدالمحسن ابن حمد العباد، چاپ شده است. کتاب جمعا در ۲۲۲ صفحه است. رساله نخست از صفحه ۵ تا ۱۵۲ و رساله دوم از صفحه ۱۵۳ تا ۲۲۲ کتاب را شامل می‌شود و دارای مقدمه دو صفحه‌ای است که ترجمه آن را در این مقدمه خواهم آورد!

... روز شنبه ۴ شعبان ۱۴۱۴ ه. ق، بدون تعیین وقت قبلی، به دانشگاه اسلامی مدینه، برای دیدار شیخ ناصر العبودی و شیخ عبدالمحسن العباد رفتم... ولی معلوم شد که شیخ ناصر، هم اکنون نائب رئیس «رابطة العالم الاسلامی» در مکه مکرمه است و شیخ عبدالمحسن هم به علت کوری<sup>۱</sup> بازنشسته شده و در «حی الفیصلیه» در

۱. موضوع کوری علمای وهابی نکته‌ای قابل تأمل و تحقیق است.



«مسجدالسلام القدوس» به وعظ و امامت مشغول است! و بعضی شب ها هم در «مسجدالنبی» جلسه درس دارد.

برای دیدار با شیخ عبدالمحسن، انتظار تا شب، دیر بود! به راننده تاکسی گفتم که به حی الفیصلیه برود... و بالاخره مسجد و منزل شیخ را پیدا کردیم و با وی به گفت و گو پرداختیم:

(خ). بحث شما را ترجمه کرده ام و می خواهم چاپ کنیم؟

(ع). کجا؟ (خ) در ایران! (ع). نه نخست ترجمه را بفروستید!

(ع). برای چی جناب شیخ! شما که فارسی نمی دانید؟

(ع). ممکن است تغییراتی داده شده باشد! کسانی هستند که فارسی می دانند!

(خ). نه جناب! اگر قصد تغییرات بود خود کتابی مستقل تالیف می کردیم. ما خود

استادیم! و حداقل تاکنون پنجاه کتاب تالیفی و ترجمه ای داریم...

(ع). خوب، پس تغییر ندهید!

(خ). نه! ما مطالب شما را ترجمه کرده ایم تا دیدگاه اهل سنت را در مورد مهدی در

اختیار عموم قرار دهیم... البته ممکن است مطالب صرفا تخصصی و فنی را - که برای

عموم قابل فهم نباشد، مانند بحث حدیث شناسی - در ترجمه نیاورده باشیم که در کل

درصد قابل توجهی نیست و به هر حال اصل مطالب را ترجمه کرده ایم و اگر نظری

داشته باشیم در پاورقی می آوریم نه در متن!... جناب شیخ! شنیدم که بحث شما به

شکل کتاب چاپ شده، آیا اضافاتی هم در چاپ مستقل دارید؟

(ع). نه! فقط مقدمه ای کوتاه!

(خ). جناب! می توانیم عکسی به یادگار بگیریم؟

(ع). نه، لایجوز!

(خ). از زندگی خود چیزی نمی گوید تا در کتاب بیاوریم؟

(ع). نه! در آخر کتاب آورده ام، تحت عنوان: ذکریات و معلومات!



(ع). پس گفتید که اضافاتی ندارید؟

(خ). نه، فقط دو صفحه در اول و دو صفحه در آخر! که مهم نیست.

(خ). جناب شیخ! من کتاب شما را در هیچ کتابفروشی در مدینه نیافتم، حتی ناشر

آن هم که «دار طيبة للنشر» است نسخه‌ای ندارد. شما دارید؟

(ع). نه، من یک نسخه فقط برای خود دارم!

(خ). در کتابخانه دانشگاه اسلامی مدینه که شما نایب رئیس آن بودید، نسخه‌ای

یافت می‌شود؟

(ع). نمی‌دانم! یجوز! یجوز!

شیخ همان شیخ عبوس ۲۷ سال پیش بود، از او خداحافظی می‌کنم و با تاکسی به سوی مسجدالنبی می‌روم تا در نماز جماعت شرکت کنم. مدینه است! باز با تاکسی به سوی دانشگاه اسلامی مدینه می‌روم، مسؤولین کتابخانه عبوس نیستند و با خوش رویی برخورد می‌کنند، کتاب را در اختیار من قرار می‌دهند، فتوکپی دو صفحه اول و دو صفحه آخر آن را می‌خواهم، معلوم می‌شود که «عمید دانشگاه» باید اجازه دهد.

به مکتب عمید می‌روم. شیخ به بازدید نمایشگاه کتاب رفته است که همان روز در دانشگاه افتتاح شده است، باید برگردد تا اجازه دهد! فرصت مغتنمی است! به بازدید نمایشگاه می‌روم. فقط چهل ناشر از سعودی، در آن غرفه دارند. چند کتاب جدید درباره مهدی و اشراف الساعة و کتابی به پنجاه ریال سعودی در دو جلد و ۸۰۰ صفحه هم تحت عنوان مسئله التقرب بین اهل السنة والشیعة می‌خرم که نام جالبی داشت، اما محتوا، اکاذیبی بر ضد شیعه، تهمت و افتراء، تکرار ناسزاهای پیشینیان و افزودن دروغ‌های جدید بود و در واقع در راستای اهداف امپریالیسم و صهیونیسم و برای ایجاد اختلاف تالیف شده است!

نزدیک ظهر به مکتب عمید برمی‌گردم، اجازه می‌دهد - که چون کتاب چاپی است - فتوکپی بدهند! تشکر می‌کنم و با چهار صفحه فتوکپی! به سوی کاروان برمی‌گردم و به



ترجمه آن می‌پردازم. خلاصه دو صفحه آخر کتاب شیخ عبدالمحسن - که شرح زندگی وی می‌باشد - چنین است:

«من نیازمند خداوند، عبدالمحسن بن حمد بن عبدالمحسن بن عبدالله بن حمد ابن عثمان آل بدر، از خاندانی وابسته به یکی از قبیله‌های عدنانی هستم و در ماه رمضان ۱۳۵۳ ه. ق، در شهر «الزلفی» - سیصد کیلومتری شمال ریاض - به دنیا آمده‌ام. خواندن و نوشتن و سپس قرائت گرفتم و در سال ۱۳۶۸ ه. ق، به نخستین مدرسه ابتدایی الزلفی رفتم و در سال ۱۳۷۱ ه. ق، تحصیل دروس ابتدایی را به پایان بردم و برای دوره دبیرستان، به مؤسسه علمی - ریاضی در دانشکده ریاض، پیوستم و شاگرد اول شدم و سپس در امتحان نهایی، در دانشکده حقوق، در میان هشتاد نفر، باز شاگرد اول شدم! و در سال ۱۳۸۰ ه. ق، به تدریس در مؤسسه علمی ریاض پرداختم. پس از تاسیس دانشگاه اسلامی مدینه منوره، توسط شیخ محمد بن ابراهیم آل الشیخ برای تدریس در «کلیة الشریعة» انتخاب شدم و از سال ۱۳۸۱ ه. ق، در آن به تدریس پرداختم که تا امروز ادامه داشته است. در سال ۱۳۹۳ ه. ق، توسط «ملک فیصل» به عنوان نائب رئیس دانشگاه اسلامی، منصوب شدم و تا سال ۱۳۹۹ ه. ق، در این مقام بودم که دو سال اول آن را مسؤول دوم و پس از انتقال الشیخ بن باز به ریاست مراکز علمی و افتاء، مسؤول اول شدم و در همان مدت هم از تدریس باز نماندم. البته در طول این شش سال، خدمات بی‌شماری در دانشگاه انجام دادم که از آن جمله تبدیل دانشگاه از یک نهاد دولتی به یک مؤسسه علمی بود. سپس برگزاری دوره لیسانس و دکترای دانشگاه را بنیان نهادم و دانشکده‌های قرآن، حدیث، بررسی‌های اسلامی و لغت عربی را تاسیس کردم و برای پذیرش بیست هزار دانشجو از سوی دانشگاه، برنامه ریزی نمودم و چاپ‌خانه دانشگاه را تاسیس کردم و نخستین کنفرانس جهانی را درباره «دعوت و تربیت مبلغ» برگزار نمودم و تعدادی مؤلفات و چندین فرزند دختر و پسر دارم. این مختصری از زندگی



من بود که برای ذکر نعمت الهی، بازگو نمودم و از خداوند متعال راست گویی و اخلاص و تحصیل علم و عمل به آن را مسئلت دارم. انه سمیع مجیب».

و اکنون پس از شناخت مقامات شیخ! نوبت به مقدمه دو صفحه‌ای او می‌رسد. ترجمه آن شاید در «ایران» دیر شود! این دو صفحه درباره علت تالیف کتاب، چگونگی چاپ نخست آن و اصرار شیوخی چون «بن باز» بر چاپ مستقل آن است:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين و صلى الله و سلم و بارک علی عبده و رسوله نبینا محمد و علی آله و اصحابه و تابعیهم باحسان، الی یوم الدین.

اما بعد: در ماه ربیع الاول سال هزار و چهارصد هجری، توسط پست، بسته‌ای به دستم رسید که از سوی ریاست دادگاه‌های شرعی قطر به آدرس من ارسال شده بود و شامل سه نسخه از رساله «شیخ عبدالله بن زید آل محمود» رئیس دادگاه‌های شرعی قطر بود و نام آن «لا مهدی ینتظر، بعد الرسول خیرالبشر» بود.

هنگامی که آن را مطالعه کردم، دیدم که نویسنده آن به طور آشکار از بعضی نویسندگان قرن چهاردهم تقلید و دنباله روی نموده، در حالی که آنان هیچ گونه خبری در احادیث پیامبر ﷺ و شناخت صحیح و غیر صحیح آنها را ندارند و با تکیه بر شبهه‌های بی‌اساس عقلی به انکار و تکذیب احادیث وارده درباره مهدی پرداخته‌اند و به این نیز بسنده نکرده و به مقام شامخ علمای پیشین و پسین جسارت ورزیده و ادعا نموده که علما و فقها و محدثان پیشین، از یکدیگر نقل می‌کرده‌اند و این نوعی دنباله روی از پیشینیان است! و سپس باز ادعا نموده که علمای پیشین همواره درباره راویان حدیث، حسن ظن به کار برده و باور نکرده‌اند که یک فرد با ایمان، بتواند به طور عمد، دروغی از قول رسول خدا نقل کند! و ظهور مهدی را نقل کرده‌اند، در حالی که آنها ساختگی است! و گفته‌های بی‌پایه دیگری که با قلمی گستاخ و بی‌قید و شرط آنها را بیان داشته است؛ از این رو، من تصمیم گرفتم که این مطالب را بنویسم و بسیاری از اشتباهات و اوهام او را در این رساله روشن سازم و اثبات کنم که اعتقاد به ظهور



مهدی در آخرالزمان، مطلبی است که احادیث صحیحی به آن دلالت دارند و اهل سنت و اثر، در گذشته و امروز به آن اعتقاد دارند، مگر تعداد اندکی که قابل اعتنا نیستند. و چون او مطالب را با عبارت های مختلف در موارد متعدد رساله خود تکرار نموده است، من نقاط بحث را تحت چهل عنوان مورد بررسی قرار داده و برای هر کدام شماره ای انتخاب کردم تا «تکرار» را کمی جبران کرده باشم! و البته سعی کرده ام که عبارت های گوناگون و متعدد وی در یک موضوع را، در زیر یک شماره توضیح دهم. این پاسخ نخست در مجله «الجماعة الاسلامیة» مدینه منوره چاپ شد، به این ترتیب که از شماره ۱ تا ۲۳ در شماره ۴۵ مورخ ماه رجب ۱۴۰۰ هـ، و از شماره ۲۴ تا ۴۰ در شماره ۴۶ مورخ محرم ۱۴۰۱ هـ، درج گردید.

سپس گروهی از بزرگان پیشنهاد کردند که این بحث را به طور مستقل چاپ کنیم و در طلّیعه آنها جناب شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، رئیس کل مراکز بررسی های علمی و افتاء و دعوت و ارشاد، جناب شیخ عبدالله محمد بن حمید، رئیس مجلس اعلای قضاء قرار داشتند که مرا به این امر ترغیب نمودند و حتی چندین بار در مورد چاپ آن از من سؤال کردند! و اکنون آن بحث را با اضافاتی کوتاه در بعضی موارد، تقدیم می کنم و از خداوند عزوجل می خواهم که مرا توفیق دهد که به سنت نبوی خدمت کنم و به دفاع از آن پردازم و از او مسئلت دارم بر همگان توفیق تفقه در دین، تعظیم شریعت و پیروی از آن را عنایت فرماید. انه سمیع مجیب.

مدینه منوره: عبدالمحسن العباد - ۱۴۰۲ هـ.

## باورها و افکار

توهین به امام خمینی علیه السلام و تشیع

وی به تاریخ ۱۶/۰۲/۱۴۳۴ هـ مقاله ای در رد حسن مالکی نامی می نویسد که او در برنامه ای ماهواره ای از فضیلت امام خمینی علیه السلام نسبت به معاویه صحبت کرده بود. وی



در این مقاله مکرر از امام با تعبیری مانند تائه تافه (سرگردان و حیران) یاد می‌کند. وی در ادامه یاسر حبیب را از پیروان امام خمینی علیه السلام معرفی می‌کند تا مخاطبش را به پذیرش مطالبش تحریک کند.

### تهمت به شیعیان

وی در چندین مقاله خود شیعه را متهم به هتاک و سب اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌کند و چنین به شیعیان نسبت می‌دهد که بدترین مردم نزد آنان اصحاب پیامبرند! وی اهل سنت را دوستداران واقعی اهل بیت علیهم السلام و شیعیان را صرفاً غلو کننده درباره ایشان معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

### منتقد جدی بن لادن

از او درباره بن لادن می‌پرسند - سال ۱۴۳۲ ه. ق. - که آیا مجاهد بوده و می‌توان او را شهید نامید؟ پاسخ می‌دهد: «او مجاهد در راه شیطان بود. او شر بزرگی را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد و با رفتنش همه نفس راحتی می‌کشند». به یاد داشته باشیم عباد رابطه بسیار نزدیکی با بن لادن داشت.

### دلایل منع رانندگی زنان تنها در عربستان!

وی در کتابی ضمن ۵۰ صفحه به پاسخ این پرسش می‌پردازد و اهم دلایل او از این قرار است:

- دولت سعودی تنها دولتی است که برای اقامه دستورات دین در دنیا برپا شده است!

- تنها در این کشور وزارت امر به معروف وجود دارد.

---

۱. برای مطالعه بیشتر درباره مواضع او درباره موضوعات روز و شخصیت‌های معاصر ر. ک: کتب و رسائل و کلمات عبدالمحسن بن حمد العباد البدر: اثنتان و خمسون کلمة فی مجالات إصلاحية متنوعة ودحض أباطیل مختلفة.



- ضرورت ترک اختلاط زن و مرد.
- رانندگی، زنان را به بی‌حجابی سوق می‌دهد.
- مفسد بدیهی رانندگی زنان بسیار بیش از مصالح آن است.
- فتوای علمای این دیار دال بر حرمت رانندگی‌ست!
- این دیار قلب عالم و قبله مسلمانان است و حرمین شریفین در آن قرار دارد و طبیعتاً قوانین باید سخت‌گیرانه تر باشد.
- رانندگی زنان و اختلاط زنان و مردان از مظاهر دموکراسی است و باید از آن پرهیز نمود.
- منع رانندگی زنان حق این دولت است!
- وی در ادامه می‌گوید رانندگی زنان باعث می‌شود آنان بدون محارم خود بیرون بروند و دچار اختلاط حرام شوند.<sup>۱</sup>
- ...

## منابع

1. <http://www.hawzah.net>
2. <http://www.almeshkat.com>
3. <http://islamancient.com>
4. <http://subulsalam.com>
5. <http://sasmari.com>
6. <http://www.al-abbaad.com>
7. <http://ar.islamway.net>

۱. شبکه العالم به نقل از برنامه تلویزیونی «فتاوی المرأة» و روزنامه المدینه مورخه ۲۲/۸/۲۰۱۱م/ ۱۴۱۲ ه. ق.



## عثمان الخمیس



دکتر عثمان بن محمد بن حمد بن عبدالله بن صالح ابن محمد الخمیس ناصری تمیمی که نسبش به قبیله نواصر از نسل مسور بن عمر بن عباد بن حُصین تمیمی آخرین امیر سنی کویتی قبیله بنی تمیم می‌رسد.

### زندگینامه

### کودکی

وی متولد ۱۶ ژانویه ۱۹۵۶ در کویت است و در دانشگاه اسلامی محمد بن سعود ریاض درس خوانده است.

### پایان نامه ضدشعی

موضوع پایان نامه او نقد کتاب شریف المراجعات سید شرف الدین عاملی بوده و اصلی‌ترین تخصص و فعالیت او هم مناظره با شیعیان در فضاهای مختلف و به خصوص برنامه‌های ماهواره‌ای و اینترنت است و از همین رو او را شیر(!!؟) و هابیان

---

۱. البته عده‌ای از وهابیان او را رد می‌کنند و برخی نیز او را صرفاً به درد مناظره و محاجه با شیعیان می‌دانند نه بیشتر:



١. كلام الشيخ العلامة عبيد الجابري — حفظه الله: — السائل: ما رأيكم في الشيخ عثمان الخميس؟ الشيخ: والله يعني.. جملة ما أعرفه عن الرجل أنه ليس من ذوي التخصص الشرعي، تخصصه تاريخ. السائل: تاريخ تخصصه؟ الشيخ: نعم. السائل: له يا شيخ أسطرطه بعنوان "السلسلة الذهبية" في السيرة؟ الشيخ: السيرة غير الشرع يعني السيرة هي ما يتضمن بيان أخلاق النبي — صلى الله عليه وسلم — في عبادته وفي تعامله فإذا.. المتخصص فيها يتحرى ما صحت من الأخبار في ذلك. نعم لكن لا يرجع إليه في الشرع، الشرع يرجع فيه إلى المتخصصين فيه.
- السائل: بارك الله فيكم طيب الشيخ... الشيخ — مقاطعاً: — مثلاً في الحج لا نرجع إلى المتخصص في السيرة أو في اللغة نرجع إلى الفقهاء. في الأحكام الحديثية من ناحية معرفة صحيح الحديث من ضعفه ومعرفة علل الحديث نرجع إلى أهل الفن، أهل الصنعة الحديثية، أهل العلم بحديث رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وهكذا. السائل: الله يجزاكم خير يا شيخ.. الشيخ - مقاطعاً: — فمثلاً أنا في التاريخ لست متخصصاً يعني في التاريخ لست متخصصاً عندي جملة يعني أفهم ما كان صحيحاً وما كان ضعيفاً في القصص لكن المرجع إلى التاريخ من حيث هو. هذا إلى المتخصصين فيه إلا إذا تعارض التاريخ مع الشرع. تعارض التاريخ مع الشرع مع علماء الشرع. هذا رابط فيه كلام الشيخ في عثمان الخميس — هده الله: — [https://www.bo\\*\\*\\*\\*m/shared/zm58boo1lr](https://www.bo****m/shared/zm58boo1lr) وقال الأخ جاسم إبراهيم المنصوري في شبكة سحاب السلفية: ( من شهور عدة أتى عثمان الخميس الإمارات ليلقي دورة بعنوان) القواعد النافعة في أسماء الله الحسنى وصفاته ( وسئل العلامة عبيد الجابري عن هذا الرجل - أعني عثمان الخميس - فأجاب الشيخ - حفظه الله: - ) الرجل إخواني محترق وأخبر الشباب ألا يحضروا له ( ومن أراد الدليل فليصل في الشيخ العلامة عبيد الجابري - حفظه الله). - وهذا هو رابط كلامه <http://www.sahab.net>:
٢. كلام الشيخ علي رضا: قال الشيخ علي رضا: ( عثمان الخميس يستفاد منه جداً في الرد على الروافض الأنجاس الأرجاس الكفار؛ وأما المنهج فلا). وهذا هو رابط كلامه <http://www.albaidha.net>:
٣. كلام الشيخ أبي عمر أسامة بن عطايا العتيبي: رد الشيخ العتيبي حفظه الله على عثمان الخميس <http://www.archive.org>: والتفريغ: (يسأل السائل عن هشام البيلي وعثمان الخميس والسائل من فرنسا: هشام البيلي: للمرة الثالثة أقول أنا لا أعرفه ولا أعرف كتاباته وهذا تقصير مني، لا أعرف هشام البيلي هذا، أما عثمان الخميس من الناس من الذين ما زالوا متمسكين بالجمعية الحزبية) جمعية إحياء التراث (وهو معهم قلباً وقالباً، ثم بينت الأيام أن هذا الرجل بسبب مخالطته لهؤلاء المبتدعة فقد جرى عليه حكمهم ووقع في بدعتهم، فتكلم بكلام قبيح في حق تعامل السنة مع الروافض، وكذلك تكلم بكلام قبيح في بعض الأمور المتعلقة بالتعامل مع الجمعيات أو الأحزاب، والرجل سمعت له باقتين أخيراً تدل على انحرافه في عقيدته، فالكلام فيه كالكلام في باقي أعضاء إحياء التراث، وإن كان هم على دركات، لكن كل من ينضم لإحياء التراث فهو حزبي، فما دام أنه معهم وفي حزبهم فيأخذ حكمهم، وعثمان الخميس والنجدي وغيرهما كلهم يلحقهم هذا الحكم. ومن عقيدة أهل السنة والجماعة الولاء والبراء والرسول عليه الصلاة والسلام يقول: (أوثق عرى الإيمان الحب في الله والبغض في الله والموالاة في الله والمعاداة في الله) فأين ولاء وبراء عثمان الخميس على هؤلاء، إنه يواليهم ولا يعاديهم وهم أهل



می خوانند. او یکی از چهار مدافع جدی جریان وهابیت - عثمان الخميس، عدنان عرعور، عبدالرحمن الدمشقیه و عبدالرحیم البلوشی ملقب بأبی المنتصر بلوشی - است.

### استادان

استادان وی را چنین برشمرده اند:

- عبدالعزيز بن عبدالله بن باز؛
- محمد بن صالح العثیمین؛
- ناظم المسباح؛
- أبی عمر إبراهيم اللاحم؛
- أبی محمد ناصر حمید؛
- أبی إبراهيم علی الیحی؛
- أبی علی عبدالله الجعیتم؛
- أبی محمد صالح المیان؛
- أبی عبدالله علی الجمعه؛
- حمود العقلا؛

بدعة وأهل انحراف، وشيخه عبد الرحمن عبد الخالق قد أظهر مخازيه مؤخرأ وكلهم يبجلونه ويوالونه وهو مبتدع ضال مما يدل على أنهم أولياء، بعضهم أولياء بعض، فموالاة حزب إحياء التراث والدخول معهم في حزبهم هذا يجعل الحكم فيهم واحداً). قامت بالتفريغ: أم أنس السلفية الفلسطينية. بتصرف يسير.

٤. كلام الشيخ أحمد بن عمر بازمول قال الأخ مالك السلفي في متدييات البينة السلفية (: كنت اطلعت على كلام للشيخ أحمد بازمول من أكثر من سنة حول عثمان الخميس عبر سؤال وجه إليه السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، بارك الله فيكم يا شيخ وأحسن الله إليكم أسألكم عن حال عثمان الخميس هل هو مرجعية لنا؟ وهل هو على المنهج السلفي؟ وهل لديه تزكية من لدنكم أهل العلم؟ جزاكم الله خيراً. الجواب: هذا الرجل ليس على المنهج السلفي فلا يؤخذ منه العلم ولا يعتبر من المرجعية السلفية كما حكم بذلك جماعة من أهل بلده وغيرهم. والله أعلم). وهذه صورة الفتوى <http://dc09.arabsh.com>: المصدر: هذا سؤال وجه للعلامة عبيد الجابري حفظه الله سئل فيه عن حال "عثمان الخميس" - شبكة البينة السلفية وهذا مقال للأخ الفاضل عبد الله الخليلي - وفقه الله - في الرد عليه.

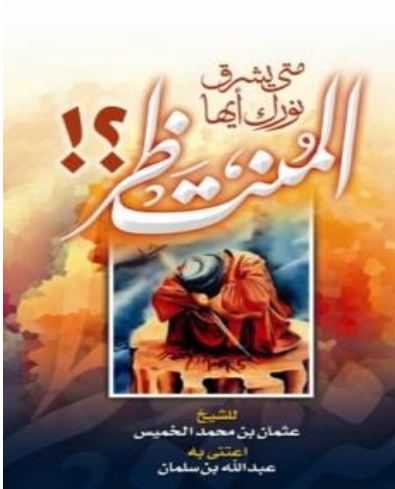


- محمد المرشد؛
- أبوسامی.

### تالیفات

مهم ترین کتاب‌ها و تالیفات وی در طول سال‌های گذشته از این قرار است:

۱. المراجعات دراسة حدیثية (بررسی تازه کتاب المراجعات) پایان نامه دکترای وی؛
۲. حقبة من التاريخ (دوره‌ای از تاریخ)؛
۳. كشف الجانی محمد التیجانی؛ این کتاب در رد کتاب: «آنگاه هدایت شده» تیجانی نوشته شده است؛



۴. من هو المهدي المنتظر (مهدی منتظر کیست؟) در رد انتظار امام زمان عجل الله فرجه؛
۵. سیاحه فی کتاب الکافی (گشت و گذار در کتاب کافی) مرحوم کلینی؛
۶. کتاب الکافی؛ عرض و نقد (بررسی و نقد کتاب کافی)؛
۷. شبهات وردود (شبهات و پاسخ‌ها)؛
۸. متی یشرق نورک ایها المنتظر؟ (ای منتظر کی نورت طلوع می‌کند؟) در رد انتظار

امام زمان عجل الله فرجه؛

۹. من القلب إلى القلب (از قلب به قلب)؛
۱۰. الأحادیث الواردة فی شأن السبطين (احادیث جعلی؟؟) درباره امام حسن و امام حسین عجل الله فرجهما؛

۱۱. كنوز السیرة (گنج‌های سیره نبوی)؛

۱۲. الدعاء أحكام و آداب (احکام و آداب دعا).



## مرزبانان حریم تشیع

عثمان خمیس در لابه لای مناظرات و صحبت‌های خود علیه شیعه، اتهامات مختلفی را مطرح کرده و بی‌خبران را نیز بر ضد شیعه می‌شوراند. در اینجا برخی از موارد از ادعاهای باطل او را با هم مرور می‌کنیم. پیش از آن یادآور می‌شویم که مشهورترین شخصیت‌های شیعی که پاسخ شبهات او را داده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. آیت الله العظمی جوادی آملی که علاوه بر جلسات مختلف کلاس‌ها و سخنرانی‌های خود، به تالیف آثاری چند در رد او پرداخته‌اند؛ کتاب مهم و ارزنده امام مهدی علیه السلام موجود موعود، از این عالم پرکار و توانای شیعه، در رد کتاب عجیب‌ترین دروغ تاریخ این وهابی کویتی، نوشته و منتشر شده است.

۲. علامه علی کورانی نیز علاوه بر انجام مناظرات و سخنرانی در عرصه اینترنت و برنامه‌های ماهواره، به تالیف آثاری در پاسخ به شبهات او اقدام کرده‌اند که از جمله آثار منتشر شده ایشان در این راستا، می‌توان به مجموعه مفصل و چندجلدی شبهات و ردود (پاسخ به شبهات) ایشان اشاره کرد؛ جالب است بدانیم پاسخ‌های علامه کورانی برای مریدان خمیس چنان دردناک بوده که در سایت‌ها و وبلاگ‌های خود از این محقق فعال و خادم واقعی امام عصر علیه السلام، با تعبیر زندیق یاد می‌کنند. یادآور می‌شود آثار محققان عصر ظهور، المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی علیه السلام و نیز ویرایش اول معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام - که با همکاری جمعی از محققان و فضایی حوزه علمیه قم تالیف و منتشر شده بودند - مهم‌ترین آثار مهدوی این محقق لبنانی الاصل و عاشق دل‌باخته امام زمان علیه السلام هستند.

۳. استاد حسینی قزوینی نیز علاوه بر سخنرانی و مناظره‌های متعدد، به طور مستقل در سایت مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر علیه السلام مغالطات و ایرادهای او را برشمرده و پاسخ داده‌اند.



۴. استاد عصام العماد وهابی یمنی مستبصر و شیعه‌ای که مفصل‌ترین مناظره‌ها را با عثمان خمیس انجام داده و بخشی از این مناظرات در کتاب ۹۰۰ صفحه‌ای منتشر شده است.<sup>۱</sup> علاوه بر اساتید یاد شده، محققان و پژوهش‌گران متعددی در قالب کتاب، سخنرانی، سایت و وبلاگ‌های متعدد به مطالب این دشمن قسم خورده امام عصر (عجل الله فرجه) پرداخته‌اند.

### ادعایی خنده‌دار

وی در یکی از برنامه‌های «احدیة» در ریاض و در گفت‌وگو با محمد جبررشید مدعی شده بود: «من توانسته‌ام بسیاری از شیعیان را در مناطق مختلف دنیا وهابی کنم که برخی از آنها از این قرار است: ۴۰۰ نفر در کویت؛ ۴۰۰۰ نفر در عربستان سعودی؛ ۷۰۰ نفر در بحرین؛ ۱۰۰۰۰۰ (صدهزار) نفر از شیعیان عرب اهواز؛ هزاران نفر از شیعیان در تهران و صدها نفر در عراق».

وی در ادامه مدعی می‌شود: «بی شک حداقل سه هزار (۳۰۰۰) نفر از شیعیان عربستان را وهابی کرده‌ام که از ترسشان نمی‌توانند وهابیت خود را اظهار کنند - و البته نگفته در عربستان وهابی اینان از چه چیز و چه کس ترسیده‌اند که بگویند وهابی‌اند؟! - و علاوه بر آنان هم ۴۰۰ نفر دیگر در کویت، و ۱۲۰۰ نفر در بحرین و هزاران نفر دیگر در اهواز نیز از اظهار وهابیت خود هراسناکند».



جا دارد خوانندگان عزیز این مطلب، تنها در تهران با جمعیت میلیونی‌اش بفرمایند تا پیش از خواندن این مطلب، آیا از اسم این مدعی دروغ‌گو و نه حتی ادعاها و اعتقاداتش، چیزی به گوش و چشمشان خورده بود یا نه؟! و آیا اساسا تنها و تنها یک نفر در شهرها و کشورهایی که نام برده با تخیلات و اوهام او از فرهنگ شیعی دست برداشته و به آیین خشن و خونریز و بی‌رحم وهابی گرویده است؟ تنها یک نفر هم کافست چه رسد به صدها هزار مورد ادعای او!



## فتاوا و مواضع هتاکانه

دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام

وی ضمن پاسخ دادن به مطالب دکتر تیجانی در کتاب کشف الجانی محمد التیجانی، علاوه بر انکار عصمت امیرالمؤمنین علیه السلام، بر بت سجده نکردن ایشان در دوره جاهلیت را هیچ فضیلتی برای ایشان نمی‌داند!

انکار حقانیت حضرت زهرا علیها السلام نسبت به فدک

عثمان الخمیس، در برنامه خود در شبکه ماهواره‌ای «الصفاء» به حدیث جعلی: «نحن معاشر الانبیاء لانورث، ما ترکناه صدقة» استناد کرده و فدک را حق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام



ندانست. وی در این برنامه‌ها به زعم خود تلاش کرد تا با دلایل متعدد ثابت کند که منظور آیات قرآن از ارثی که انبیاء باقی گذاشتند تنها «علم و نبوت» است.

شیعیان و ابن زیاد قاتل امام حسین علیه السلام و بی‌گناهی یزید

وی در خطبه‌ای مفصل مدعی می‌شود شیعیان، امام حسین علیه السلام را به کوفه دعوت کردند و سپس تحت فرمان ابن زیاد خبیث و به رغم عدم تمایل یزید! در حق امام حسین علیه السلام خیانت کردند و ایشان را به شهادت رساندند! وی که فراموش کرده در سپاه ابن زیاد تعداد زیادی از دعوت‌کنندگان امام حسین علیه السلام حضور داشتند و حتی یک شیعه امامی در سپاه او دیده نمی‌شد! مدعی می‌شود ما وهابیان دوست‌داران واقعی امام حسین علیه السلام هستیم و قاتلان ایشان را همیشه لعن می‌کنیم.

سایت‌ها و مجموعه‌های وهابی نیز این روزها جمله‌ای را منتشر کرده‌اند که متأسفانه به سبب ضعف مطالعات تاریخی عامه مردم، در ایام عزاداری سیدالشهدا علیه السلام به‌عنوان پیامکی عاشورایی بین مردم ما دست به دست می‌چرخد: «منتظران به هوش حسین را منتظرانش کشتند».

غافل از اینکه میان منتظر، مدعی و دعوت‌کننده، حالی به حالی از زمین تا آسمان فرق است. با مطالعه آثار متعدد تاریخی از منابع اهل سنت و شیعه، به خوبی می‌توان دریافت که روز عاشورا تمام شیعیان یا در سپاه امام حسین علیه السلام بودند یا در زندان یزیدیان و بقیه مردم کوفه عثمانی مذهب بودند و در مقام مقایسه رهبری امام حسین علیه السلام را بهتر از یزید می‌دانستند. در میان اینان یهودی و خوارج و ناصبی‌ها هم کم نبودند.

به اینها اضافه کنید این مطلب را که ما همین الان - به همه باورمندان شیعه - به امام زمان علیه السلام منتظر نمی‌گوییم و مقام منتظران را مقام بالایی می‌دانیم که بهترین و ناب‌ترین و خالص‌ترین شیعیان تاریخ را منتظر می‌خوانیم. حال جا دارد از خود پرسیم آیا واقعا





«حسین علیه السلام را منتظرانش کشتند؟! یا اینکه صرفاً جمعی مدعی غیر معتقد به ایشان؟<sup>۱</sup>»

### امیرالمؤمنین یزید بن معاویه!

عثمان خمیس، شیخ وهابی، در کتاب حقیقه من التاریخ از قاتل فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین! یاد می‌کند.

البته شاید وهابیان از جد خود دفاع کنند و بگویند: یزید، امام حسین علیه السلام را نکشته، و به این کار هم راضی نبوده! اما ذهبی می‌گوید:

یزید، حسین علیه السلام و برادران و خانواده اش را کشت و شراب می‌نوشید و افعال قبیح و منکر انجام می‌داد! خداوند به عمر او برکت نداد و همه مردم بر علیه او قیام کرده - از جمله - ابوبلال مرداس بن ادیه حنظلی، قلت: ولما فعل یزید بأهل المدينة ما فعل، وقتل الحسین وإخوته وآله، وشرب یزید الخمر، وارتكب أشياء منكرة، بغضه الناس، وخرج علیه غیر واحد، ولم یبارک الله فی عمره، فخرج علیه أبوبلال مرداس بن أدیة الحنظلی.<sup>۲</sup>

### حمله تمام قامت به مهدویت

وی بغض عجیبی نسبت به امام عصر علیه السلام دارد که از لابه لای آثار و گفته هایش به خوبی قابل مشاهده است.

### خرافه بودن انتظار و اعتقاد به امام زمان علیه السلام

خمیس در ادعایی عجیب ضمن قبول و اعتراف به احادیث متواتر امامان دوازده جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله ائمه دوازده گانه را ابوبکر، عمر، عثمان، علی، معاویه، یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان و دوازدهمین امام مهدی بیان می‌کند. وی معتقد

<http://www.quranradiofm.com>

۱. صوت: نقل تاریخ عاشورا با تحلیل عثمان خمیس:

<http://wesalshia.blogfa.com>

کلپ دفاع عثمان خمیس از یزید بن معاویه:

۲. تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۳۰.



است اکثر ائمه اموی هستند.<sup>۱</sup>

۱. توجیهاات علمای اهل سنت در اسامی خلفای دوازده گانه پیامبر ﷺ:

۱. ابن حجر عسقلانی در فتح الباری و عینی در عمدة القاری و سیوطی و دیگران تلاش کرده‌اند که برای این حدیث مصداق معین کنند، این آقایان گفتند:

چهار نفر خلفای راشدین، و بعد امام حسن رضی الله عنه و سپس معاویه و یزید و ... را درست کردند، بعد خودشان گیر می‌کنند که یزید شارب الخمر و میمون باز و قاتل امام حسین رضی الله عنه و قاتل ۷۰۰ صحابه در مدینه، آیا می‌تواند خلیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد؟!

زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کلهم یهدون إلی الحق. یعنی تمام اینها (خلفای دوازده گانه) هدایت به حق می‌کنند». بعد دیدند چون اگر خلفای بنی امیه را جزو ائمه دوازده گانه بیاورند باز هم امکان‌پذیر نیست چون خلفای بنی امیه حدود ۲۷ نفر هستند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «دوازده نفر» و اگر خلفای بنی عباس را بیاورند که حدود ۳۶ تا ۳۸ نفر بودند و این هم نمی‌شود.

پس نتوانستند مصداق صحیحی برای ائمه دوازده گانه پیامبر صلی الله علیه و آله بیاورند. عاقبت، خیلی راحت گفتند که ما نمی‌فهمیم معنای حدیث چیست؟

جالب اینکه خود ابن حجر عسقلانی در فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۸۳ از ابن جوزی نقل می‌کند و می‌گوید:

من نهایت تلاش را کردم تا معنای این روایت را بفهمم و از افراد متعدد پرسیدم تا بفهمم معنای روایت چیست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید خلفای من ۱۲ نفر هستند؟ می‌گوید: فما رأیت احدا وقع علی المقصود به، هیچ‌کسی را پیدا نکردم که مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را فهمیده باشد.

۲. بازم ابن حجر عسقلانی می‌گوید: مقصود دوازده خلیفه از ابو بکر تا عمر بن عبد العزیز است؛ البته خلافت معاویه بن یزید و مروان بن الحکم را استثنا می‌کند. پس خلفا در نظر وی عبارت‌اند از:

۱. أبو بکر؛ ۲. عمر؛ ۳. عثمان؛ ۴. امام علی رضی الله عنه؛ ۵. امام حسن رضی الله عنه؛ ۶. معاویه؛ ۷. یزید بن معاویه؛ ۸. عبدالله بن الزبیر؛ ۹. عبدالملک؛ ۱۰. الولید؛ ۱۱. سلیمان؛ ۱۲. عمر بن عبد العزیز. فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۱۵.

۳. صدرالدین علی بن علی بن محمد بن ابی العز الحنفی می‌گوید:

این دوازده نفر عبارت‌اند از خلفاء اربعه (ابو بکر، عمر، عثمان و حضرت علی رضی الله عنه) و معاویه و یزید و عبد الملک بن مروان و ...).

شرح الطحاویة فی العقیة السلفیة، ص ۴۸۹.

۴. ابن عربی در شرح صحیح ترمذی گفته است:

فَعَدَدُنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اثْنِي عَشَرَ أَمِيرًا، فوجدنا أبا بکر وعمر وعثمان وعلياً والحسن ومعاوية ويزيد ومعاوية بن يزيد و مروان وعبد الله بن مروان والوليد بن عبد الملك وسليمان وعمر بن عبد العزیز؛ ما جانشینان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله را شماردیم؛ آنان بدین ترتیب هستند: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن، معاویه، یزید، معاویه بن یزید، مروان، عبدالله بن مروان، ولید بن عبدالملک، سلیمان، عمر بن عبد العزیز...



تا آنجا که می‌گوید:

وإذا عدّنا منهم اثني عشر انتهى العدد بالصورة إلي سليمان، وإذا عدّنا بالمعني كان معنا منهم خمسة: الخلفاء الأربعة وعمر بن عبد العزيز، ولم أعلم للحديث معني، ولعله بعض حديث؛ زمانی که این دوازده تن را به ظاهر شمارش کردیم به سلیمان ختم شد و چون به معنا شمارش کردیم پنج تن شدند: چهار خلیفه و عمر بن عبد العزیز. من برای این حدیث معنای دیگری سراغ ندارم و شاید این بخشی از حدیث باشد.

أبو بكر بن العربي المالكي، عارضة الأحوذی فی شرح صحيح الترمذی، ج ۹، صص ۶۸ و ۶۹.

۵. نووی در تفسیر روایت فوق گفته است:

وقال القاضي عياض في جواب القول: إنه قد ولي أكثر من هذا العدد؟ قال: وهذا اعتراض باطل؛ لأنه صلى الله عليه وسلم لم يقل: لا يلي إلا اثنا عشر خليفة، وإنما قال: يلي، وقد ولي هذا العدد، ولا يضر. كونه وجد بعدهم غيرهم ... ويحتمل أوجهاً أخرى، والله أعلم بمراد نبيه؛ قاضی عیاض در پاسخ به این سؤال که آیا بعد از رسول خدا ﷺ بیش از این تعداد به جانشینی رسیده‌اند؟ گفته است: این اعتراض و سؤالی باطل و غیر صحیح است؛ چرا که رسول خدا ۹ فرموده است: پس از من فقط دوازده جانشین می‌آیند و بیش از آن نمی‌آید! بلکه فرموده است: پس از من این تعداد حتماً می‌آیند و این سخن منافات ندارد که افرادی غیر از این تعداد نیز بیایند... و احتمال دارد برای تفسیر این روایت وجوه دیگری نیز باشد که خداوند به مراد و منظور پیامبرش آگاه‌تر است.

النووی، شرح صحيح مسلم، ج ۱۲، صص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۶. ابن جوزی نیز زمانی که تفسیر قانع‌کننده‌ای برای روایت فوق نیافته، نهایت تحیر و سرگردانی خود را با متهم نمودن راویان احادیث به خلط روایات با یکدیگر نشان داده و گفته است: هذا الحديث قد أطلت البحث عنه وطلبت مظانه وسألت عنه، فما رأيت أحداً وقع علي المقصود به، وألفاظه مختلفة لا أشك أن التخليط فيها من الرواة، وبقيت مدة لا يقع لي فيه شيء، ثم وقع لي فيه شيء؛ بحث و سخن پیرامون این حدیث به درازا کشیده و سؤالات و گمانه‌زنی‌های فراوانی پیرامون آن مطرح گشته؛ اما کسی را نیافتیم که توانسته باشد به مراد و منظور این روایت پی برده باشد؛ چرا که به حدیّ الفاظ این روایت مختلف است که من شکی در خلط این روایت از سوی راویان این حدیث ندارم. من مدت زمان زیادی را برای فهم این روایت مصروف داشتم ولی هیچ از آن نفهمیدم تا این که بعدها به این نتیجه رسیدم. [نتیجه‌ای که اندکی قبل و بالاتر بیان شد].

كشف المشكل من حديث الصحيحين: أبو الفرج بن الجوزي، ج ۱، صص ۴۴۹-۴۵۰.

بعد از ناکامی ابن جوزی در تفسیر روایت، ابن حجر عسقلانی تلاش وی را این‌گونه توصیف نموده است:

وأما محاولة ابن الجوزي... ظاهر التكلف؛ تلاش و کوشش ابن جوزی ... بیهوده بوده و راه به جایی نبرده است.

فتح الباری، ج ۱۳، صص ۱۸۵.

۷. هم‌چنین ابن کثیر بعد از آن که ائمه دوازده‌گانه شیعه را - بدین سبب که موفق به تصدّی امر خلافت نگردیده‌اند - رد نموده و همان راهی را پیموده که این جوزی رفته و گفته است:

لا يشترط أن يكونوا متابعين، بل يكون وجودهم في الأمة متتابعاً ومتفرقاً، وقد وجد منهم أربعة على الولاء وهم: أبو



بکر ثم عمر ثم عثمان ثم علي عليه السلام ثم كانت بعدهم فترة، ثم وجد منهم من شاء الله، ثم قد يوجد منهم من بقي في الوقت الذي يعلمه الله تعالى ومنهم المهدي؛ لازم نیست این دوازده نفر یکی پس از دیگری و پی در پی بیابند؛ بلکه امکان دارد برخی پی در پی و برخی دیگر متفرق و با فاصله از هم بیابند. چرا که چهار تن از آنها: ابوبکر، عمر، عثمان و سپس علی عليه السلام است و پس از گذشت مدت زمانی هر کدام از آنها را که خداوند اراده کند به قدرت برساند و برخی دیگر را برای زمانی که خود بدان آگاه است باقی گذارد که از جمله آنان مهدی است. تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۱۲.

از کلمات و تعبیر وی به خوبی آشکار است که وی نیز مصداق مشخصی برای تفسیر روایت خلفای دوازده گانه نداشته و از روی حدس و گمان سخن گفته است.

۸. البته وضعیت سیوطی نیز بهتر از این کثیر نبوده و در این باره چنین گفته است:

فقد وجد من الاثني عشر خليفة: الخلفاء الأربعة والحسن ومعاوية وابن الزبير وعمر بن عبد العزيز هؤلاء ثمانية، ويحتمل أن يضم إليهم المهدي من العباسيين؛ لأنه فيهم كعمر بن عبد العزيز في بني أمية، وكذلك الطاهر لما أوتيه من العدل، وبقي الاثنان المنتظران أحدهما المهدي؛ لأنه من آل بيت محمد عليه السلام؛ از دوازده نفر خلیفه این افراد قطعی هستند: خلفای چهارگانه؛ سپس حسن بن علی، معاویه، ابن زبیر و عمر بن عبد العزیز که در مجموع هشت نفر می‌شوند و احتمال دارد مهدی عباسی را نیز اضافه کنیم؛ هم‌چنین طاهر که صاحب عدالت بود؛ اما باقی می‌ماند دو نفر دیگر که انتظار آمدن آنها می‌رود که یکی از آنان مهدی است و او از خاندان رسول خدا صلى الله عليه وآله است.

تاریخ الخلفاء، السيوطي، ج ۱، ص ۱۲؛ أضواء علي السنة المحمدية، ص ۲۱۲.

ابو ربه به سخن سیوطی این چنین حاشیه زده است:

ولم يبين المنتظر الثاني!! ورحم الله من قال في السيوطي: إنه حاطب ليل؛ سيوطی دومین شخصی که انتظار آمدن وی می‌رود را بیان نکرده است!! و خداوند رحمت کند کسی را که راجع به سیوطی گفته است: «او حاطب لیل بوده است» (حاطب لیل به کسی گویند که شب‌ها برای برداشت هیزم می‌رود و امکان دارد همراه با هیزم مازی را میان هیزم‌ها به دوش کشیده و موجب گزیدن وی گردد و در این‌جا مراد کسی است که در کلام و سخن او خلط و تشویش وجود دارد).

أضواء علي السنة المحمدية، محمود أبو رية، ص ۲۳۵.

۹. ابن بطال از مهلب - از شخصیت‌های برجسته فقهی اهل سنت - می‌گوید:

لم ألق أحداً يقطع في هذا الحديث؛ کسی را نیافتم که قطعاً بگوید مراد پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله از این روایت چیست؟ فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۸۰؛ عمدة القاری، ج ۲۴، ص ۲۸۱.

۱۰. قاضی عیاض و بیهقی که بسیاری از علمای اهل سنت بدان متمایل بوده‌اند و یا آن را پذیرفته و یا مانند ابن حجر عسقلانی با کمی تغییر قبول کرده‌اند، عبارت‌اند از:

منظور از دوازده خلیفه، دوازده نفری است که در زمان ایشان خلافت عزت داشته و اسلام دارای قدرت بوده است و مردم در مورد خلیفه اختلاف نکرده‌اند.



این دوازده نفر عبارت‌اند از: خلفای ثلاثه، علی بن ابی طالب، معاویه، یزید بن معاویه، عبد الملک و... .

فیض القدیر، مناوی، ج ۲، ص ۴۵۸.

فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۱۲.

الصواعق المحرقة، ابن حجر هیثمی، ج ۱، ص ۵۵؛ تاریخ الخلفاء، ج ۱، ص ۱۰؛ دلائل النبوة، بیهقی، ج ۶، ص ۵۲۰؛ البداية والنهاية، ج ۶، ص ۲۴۹.

۱۱. عثمان خمیس در مناظره‌ای با دکتر عصام عماد (وهابی که شیعه شد) درباره ائمه اثنی عشر چنین گفت:

ائمه دوازده گانه ابوبکر، عمر، عثمان، علی، معاویه، یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان و دوازدهمین امام مهدی است.

بعد از این سخن، دکتر عصام العماد در پاسخ به وی گفت:

این تناقض است؛ امام علی و امام مهدی که از اهل بیت هستند درست، ولی چطور ممکن است که معاویه، یزید، عبدالملک و دیگران که قاتلین اهل بیت پیامبر هستند از ائمه دوازده گانه باشند.

سپس دکتر عصام عماد می‌گوید:

متأسفانه ایشان در این مدت ۸ ماهی که مناظره ما طول کشید مدام اصرار داشتند که معاویه، یزید، عبدالملک و دیگران از ائمه دوازده گانه هستند و می‌گفت که اکثر ائمه اموی هستند و قائل بود که عباسیان گمراه بودند.

تحلیل بحث‌ها:

در حالی که این روایت (خلفای دوازده‌گانه پیامبر ﷺ) همواره در معرض مشاهده علمای اهل سنت و محدثان آنان قرار داشته تا برای خلفاء، جانشینان و حکم فرمایان پس از رسول خدا ﷺ - که می‌بایست امورات جامعه اسلامی را به دست گرفته و با حکم فرمایی خویش مایه عزت و شکوه اسلام را فراهم سازند - تفسیری واقعی و حقیقی برای آن ارائه کنند، اما می‌بینیم که هر آنچه از تاویلات و سخنانی که از سوی آنان صادر گشته دور از واقعیت و برانگیزاننده حیرت و تعجب بیشتر بوده است. و این بدان سبب است که رویکرد آنها نسبت به این دسته از احادیث نبوی این‌گونه بوده است که خداوند حکومت را با نبوت و رحمت آغاز نموده سپس به خلافت ادامه یافته و در انتها نیز به حکم‌رانی ستمگر و اهل فساد ختم نموده که کاری جز فساد بر روی زمین نداشته‌اند.

چون از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند: «إن الله عز وجل بدأ هذا الأمر نبوة ورحمة وكائناً خلافة ورحمة وكائناً ملكاً عضوضاً وكائناً عنوة وجبرية وفساداً في الأرض»؛ «خداوند عزّ وجلّ خلافت را با نبوت و رحمت آغاز کرد که خلافت آن نیز با رحمت بود و سپس خلافت به خصومت به زور، جبر و فساد در روی زمین کشیده شد».

مسند ابی داود الطیالسی، ص ۱۳۱؛ مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۱۷۷؛ المعجم الأوسط، الطبرانی، ج ۶، ص ۳۴۵؛ المعجم الكبير، همو، ج ۱، ص ۱۵۷ و ج ۲، ص ۵۳ و ج ۲۲، ص ۲۲۳؛ مجمع الزوائد، الهیثمی، ج ۵، ص ۱۸۹ و نیز مصادر دیگر.

و نیز این که:

«الخلافة بعدي ثلاثون سنة ثم تكون ملكاً؛ خلافت پس از من سی سال خواهد بود و سپس بعد از آن به پادشاهی



مبدل خواهد گشت».

صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۹۲؛ الخلال، السنة، ج ۲، ص ۴۲۷، ح ۶۴۷ و نیز مصادر دیگر.

این از يك سو و از سوی دیگر تنگنای شدیدی که به واسطه عملکرد بسیاری از امرا و حکمرانان داشته‌اند که هیچ سازگاری و تناسبی با آموزه‌های اسلام نداشته و بدین جهت آنان را در تفسیر روایت فوق بیش از پیش دچار تحیر و سرگردانی ساخته است. و این دقیقاً به خلاف آن چیزی است که از سوی علمای شیعه اتفاق افتاده است که اساساً شیعیان به مذهب دوازده امامی اشتها یافته‌اند.

بعد از این همه حدس و گمانه‌زنی، نظر شیعه در تفسیر این حدیث بهتر واضح می‌گردد که تطبیق روایت جانشینان دوازده‌گانه رسول خدا صلی الله علیه و آله را به اهل بیته می‌داند که از سوی امت اسلام مورد بی‌مهری و مخالفت قرار گرفته و از هدایت آنها بهره‌برداری کافی صورت نگرفته است؛ چنان‌که از رسول خدا ﷺ نقل شده است «اثننا عشر خلیفة، کلهم یعمل بالهدی و دین الحق، لا یضرهم من خذلهم؛ خلفا دوازده نفر هستند، که تمامی آنان به هدایت و دین حق عمل می‌کنند و مکر و آزار مخالفان به آنان ضرری نمی‌رساند».

فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۷۹؛ المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۲۰۱؛ المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۹۶ و ۲۵۶.

این روایت به همراه روایاتی که قبلاً بیان شد این نظریه و دیدگاه را در معارف اسلامی ارائه می‌نماید که اهل بیت عصمت و طهارت - سلام الله علیهم اجمعین - امتداد همان خط سیری هستند که رسول خدا ﷺ از سوی خداوند سبحان برای جامعه بشریت ترسیم فرموده که آن عبارت است از به دوش کشیدن پرچم دین مبین اسلام و سکن داری کشتی نجات و هدایت امت و سوق دادن آنان به ساحل و سر منزل مقصود که به دور از هرگونه تفرقه، اختلاف و هوا و هوس است؛ بدیهی است که گروه‌دگان به این خاندان و سوار شدگان بر این کشتی، دستخوش طوفان حوادث و گمراهی‌ها خواهند گردید و با امنیت کامل در ساحل نجات لنگر خواهند گرفت.

حقیقت تبعیت و پیروی از خاندان عصمت و طهارت ﷺ، فقط پیروی از اشخاصی عادی همچون سایر اشخاص نیست که در پی آن فلسفه و حکمتی نهفته نباشد؛ بلکه حقیقت آن، پیروی، امثال و گردن نهادن به همان سنت و هدایتی که از سوی خاندان رسول خدا ﷺ به ما رسیده، می‌باشد. حال با این وصف آیا معقول به نظر می‌رسد که شیعه را متهم به روی گردانی از سنت شریف نبوی ﷺ نماییم؟! این جاست که باید گفت: «كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ» «سخنی بس گزاف از دهانشان خارج می‌شود!» (کهف: ۵).

بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در منابع اهل سنت، به طور اجمال، جانشینان رسول خدا را با تعبیر «اثننا عشر خلیفة»، «اثننا عشر امیر»، «اثننا عشر نقیب»، «اثننا عشر رجل» و «اثننا عشر قیم» با ذکر برخی از ویژگی‌ها، دوازده تن معرفی شده است؛ اما طبق روایات صحیح و موثق مذکور در منابع شیعه، به صورت روشن و شفاف رسول خدا مصداق این دوازده خلیفه را امامان معصوم ﷺ می‌داند و نام‌های شریف آنان نیز باز گو نموده است. ویژگی‌هایی همانند:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ أَثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَىٰ أُمَّتِي عَشَرَ خَلِيفَةً، لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ



تنها اختلاف میان شیعه و اهل سنت در تولد امام زمان است. به اعتقاد شیعه و تعداد قابل توجهی از علمای اهل سنت - که اسامی آنان در کتاب الامام المهدي (عجل الله فرجه) عند اهل السنه، نوشته استاد مهدی فقیه ایمانی به همراه تصویر دست نوشته و کتابشان آمده است - امام مهدی در قرن سوم هجری متولد شده است به اعتقاد بخشی از علمای اهل سنت و نه همه آنان امام مهدی چهل سال پیش از ظهور متولد خواهد شد؛ به قدری شیعه و اهل سنت در این موضوع به هم نزدیک‌اند که بزرگان شیعه مانند علامه سید بن طاووس، آیت الله العظمی سید صدرالدین صدر، آیت الله العظمی صافی گلپایگانی و... کتاب‌هایی منتشر کرده‌اند که همه یا بخش قابل توجهی از آنها روایات مشترک شیعه و اهل سنت درباره امام زمان (عجل الله فرجه) است. با این حال خمیس موضوع ولادت امام زمان (عجل الله فرجه) مادر ایشان (عجل الله فرجه) و انتظار را ضمن چند کتاب و سخنرانی و برنامه‌های متعدد تلویزیونی و... بزرگ‌ترین دروغ و خرافه تاریخ خوانده و شیعیان را به سبب باور به ایشان به سخره می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### انکار فضائل حضرت خدیجه (عجل الله فرجه) همراه با ادعای محبت حضرت زهرا (عجل الله فرجه)

وی با تعرض به مالک که می‌گوید و تصریح می‌کند: من هیچ شبی نخواهیدم مگر اینکه در عالم رویا با پیامبر (ص) هم سخن بودم، تمام فضائل نقل شده درباره اهل بیت (ع) را غلو خوانده و صرفاً امامان (ع) را افرادی خوب و معمولی می‌خواند.

عَزِيزًا مِّنْعَا إِلَىٰ اٰتِنِي عَشْرَ خَلِيْفَةٍ، لَا يَزَالُ هَذَا الْاَمْرُ عَزِيْرًا اِلَىٰ اٰتِنِي عَشْرَ خَلِيْفَةٍ.

که در قسمت روایات اهل سنت ذکر شد، دقیقاً بر امامان معصوم اهل بیت تطبیق می‌کند؛ زیرا پایداری دین اسلام تا روز قیامت وابسته به وجود این خلفاء است: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّىٰ تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُوْنَ عَلَيْكُمْ اٰتِنَا عَشْرَ خَلِيْفَةٍ». پس طبق این روایات، باید این دوازده خلیفه وجود داشته باشد تا دین سرپا باشد و اگر خلفای اهل سنت مصداق این دوازده نفر هستند، می‌بایست با انقضاء آنان، اسلام هم منقضی می‌شد، در حالی که می‌بینیم الان خلفای آنها نیست و از دنیا رفته‌اند؛ اما اسلام پایدار و قدرتمندتر از گذشته است.

۱. فیلم: تمسخر مادر امام زمان (عجل الله فرجه) به واسطه تعدد القاب



عثمان خمیس در برنامه‌ای ماهواره‌ای صراحتاً می‌گوید محبت به علی و فاطمه علیها السلام ایمان است و منکر آنان کافر! و ما دوست‌داران واقعی ایشان هستیم. دخترم را فاطمه نامیدم تا با دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله محشور شود و از سوی دیگر فضائل حضرت خدیجه علیها السلام را انکار کرده و به رغم آنچه در منابع مسلم تاریخ شیعه و اهل سنت آمده، دیگر همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله را برتر از ایشان می‌خواند.

فیلم: اشک تمساح: چرا دخترم را فاطمه نامیدم!

<http://www.muslimvideo.com>

<http://soubory.com>

### واجب نیست از مهدی اطاعت شود

عثمان خمیس، در مقایسه مهدی شیعه و مهدی اهل سنت! می‌گوید:

مهدی شیعه: اطاعت از او اطاعت از خداست و مخالفت او مخالفت خداست.

مهدی اهل سنت: مهدی اهل سنت چنین نیست!

انکار مهدویت: اهل سنت منتظر مهدی نامی که لقب منتظر دارد، نیستند که بیاید و

دین آنها را کامل کند!

شیخ وهابی، عثمان خمیس ادعا می‌کند که اهل سنت مهدی را با نام منتظر

نمی‌شناسند و نام نمی‌گذارند و آنها منتظر کسی - مهدی - نیستند که بیاید و دین آنها را

کامل کند: اهل السنه لایسمون المهدی بالمنتظر، وذلك انهم لا یتظرون مهدیا لیکمل لهم الدین.

آیا واقعا این شیخ وهابی در ادعای خود، صادق هست؟ متأسفانه باز هم ادعای این

وهابی‌ها دروغ از آب درآمد؛ چرا که بسیاری از هم‌فکران او، مهدی را - که نامش منتظر

هست - را ثابت شده می‌دانند! دقت کنید: بن باز، مفتی اعظم وهابیان می‌گوید:

المهدی المنتظر صحیح، وسوف یقع فی آخر الزمان، قرب خروج الدجال ونزول عیسی

عند اختلاف بین الناس؛ مهدی منتظر صحیح هست و به زودی در آخر الزمان





خروجش واقع خواهد شد.<sup>۱</sup>

حال در اینجا کدام یک از این وهابیان درست می‌گوید؟ عثمان خمیس یا مفتی اعظم بن باز؟! احتمال دارد که عثمان خمیس فقط اهل سنت هست! و بن باز و دیگر کسانی که مهدی اهل سنت را با نام منتظر می‌شناسند، رافضی شده‌اند! اما دیگر بزرگان اهل سنت که مهدی آخرالزمان را با نام منتظر قبول دارند و در کتب خود، او را با لقب منتظر یاد کرده‌اند:

۱. دکتر عبدالعظیم البستوی کتابی دارد به نام: المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه؛

۲. الإمام یوسف بن یحیی بن علی المقدسی الشافعی السلمی کتابی دارد با نام: عقد الدرر فی أخبار المنتظر؛

۳. ابن حجر الهیثمی کتابی دارد با نام: القَوْلُ الْمُخْتَصَرُ فِي عِلْمَاتِ الْمُهْدِي الْمُنْتَظَرِ؛

۴. الشیخ العلامة حمود التویجری کتابی دارد با نام: الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر؛

### باور مسخره آمیز! رجعت

هرچند موضوع رجعت به صراحت در قرآن کریم آمده، ولی شیعیان از این بابت مورد تمسخر عثمان خمیس هستند.

برای نمونه در سوره نمل، آیه ۸۳ می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ «روزی که ما از هر ملتی یک دسته‌ای را محشور می‌کنیم و برمی‌گردانیم».

در روز قیامت همه مردم حاضر می‌شوند، چنانکه در سوره کهف، آیه ۴۷ می‌فرماید: ﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَنْ نَعَادِرَ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ روز قیامت تمام مردم را محشور می‌کنیم و یک نفر را

۱. فتاوی نور علی الدرب، بن باز، ص ۳۵۵.



هم جای نمی‌گذاریم. کتاب‌های متعددی درباره دلایل قرآنی، استدلالی و روایی رجعت توسط علمای بزرگ شیعه نوشته شده، از جامع‌ترین آنها می‌توان کتاب الشیعة و الرجعة مرحوم آیت الله طوسی را دانست که علاقه‌مندان می‌توانند به آن اثر ارزنده مراجعه نمایند.

### تهاجم به تشیع و مراجع شیعه

خمیس از سویی تلاش می‌کند خود و دیگر وهابیان را دوست‌داران واقعی اهل بیت علیهم‌السلام و سپس قرآن نشان دهد، و از سوی دیگر به بهانه غلو و ارائه اسلام راستین چشم بر حقایق مسلم قرآن و سنت می‌بندد. از جمله شبهات و اتهامات او به شیعه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

### اعتقاد شیعه به تحریف قرآن

وی به استناد چند روایت انگشت شمار ضعیف و جعلی در منابع شیعه، همه شیعیان را متهم می‌کند که به تحریف قرآن باور دارند! این مفتی کویته که فراموش کرده قرآن شیعیان همان قرآنی است که در عربستان و مصر و سوریه و لبنان منتشر می‌شود، به نقل از ابن تیمیه بزرگ وهابیان می‌نویسد: «این از عقائد ثابت امامیه است که قرآن موجود، هم بسیاری از آیاتش حذف شده و هم اینکه بسیاری از آیات بر آن اضافه شده است، و در واقع این کتاب موجود در بین مسلمانان آن قرآن منزل بر پیغمبر نیست».

شیخ مفید متوفای ۴۱۳ ه. ق، در این راستا می‌گوید:

هیچ کلمه و آیه و سوره‌ای از قرآن کم نشده است؛ بله، ما معتقدیم آنچه که در قرآن امیرالمؤمنین بوده حذف شده که عبارت بودند از مطالبی که حضرت حقیقت تأویل و تفسیر آیات را بیان فرموده بود که مربوط به خود آیات نمی‌شد.<sup>۱</sup>

۱. اوائل المقالات، صص ۵۴ - ۵۶.



سید مرتضی نیز همین تعبیر را دارد. شیخ طوسی به صراحت می‌گوید: «قرآن موجود در میان مسلمین، همان قرآن منزل بر رسول خدا ﷺ است». <sup>۱</sup> علامه حلی - در قرن هفتم و هشتم - می‌گوید: «پناه می‌بریم از امتی که معتقد به تحریف قرآن باشد». <sup>۲</sup>

مرحوم آیت الله خوئی نیز می‌گوید: «داستان تحریف قرآن داستانی خرافی و خیالی است و حقیقت ندارد». <sup>۳</sup>

مرحوم امام - رضوان الله تعالی علیه - می‌فرماید: «کتاب منزل بر رسول خدا، همان کتابی است که در اختیار مردم است و هیچ عاقلی نظر و توجه نمی‌کند به روایتی مربوط به تحریف قرآن». <sup>۴</sup>

یعنی تحریف قرآن عقیده مجانبین و دیوانه‌ها است و توجه به این روایت از صاحبان عقول قابل قبول نیست؛ این عقیده و سخنان بزرگان شیعه.

کاش می‌شد از اینان می‌پرسیدیم شیعه‌ای را که از نظر آنان چنین اعتقاداتی دارد در کجای دنیا یافته‌اند؟! و چرا به جرم این اعتقاد بی‌معتقد، وهابیان حکم و جوب نسل کشی شیعیان را صادر می‌کنند؟! و نه تنها شیعیان که با دوستان شیعیان نیز رفتارهای وحشیانه‌ای مانند آنچه در سوریه می‌بینیم انجام می‌دهند؟!

#### تهدید بی‌احترامی شیعه به عایشه و پاسخ آن

عثمان الخمیس می‌گوید پنجمین شبهه‌ای که ما به مذهب شیعه داریم و شیعه باید پاسخ بدهد، این است که شیعه نسبت به ناموس رسول اکرم ﷺ ادب را رعایت نمی‌کند. روایتی را در بحار الأنوار نقل کرده‌اند از قول امیرالمؤمنین علیؑ که می‌گوید:

«من با رسول اکرم ﷺ به سفر رفتم و عایشه هم همراه رسول اکرم ﷺ بود و تنها

۱. تبیان، ج ۱، ص ۴.

۲. اجوبة المسائل، ص ۱۲۱، مسأله ۱۳.

۳. البیان، ص ۲۹۵.

۴. تهذیب الأصول، ج ۲، ص ۱۶۵.



خدمتگذار رسول اکرم ﷺ من بودم و یک لحاف هم بیشتر نداشتیم، و رسول اکرم ﷺ بین من و عایشه می خوابید. رسول اکرم ﷺ صبح بیدار شد برای نماز شب خواندن و من خوابیده بودم و رسول اکرم ﷺ آمد این لحاف را بین من و عایشه فاصله گذاشت و جمع کرد تا فاصله باشد بین من و عایشه»<sup>۱</sup>.

عثمان الخمیس می گوید: ببینید شیعه می گوید علی علیه السلام و عایشه زیر یک لحاف بودند، در حالی که در کتاب کافی دارند که: «اگر یک مردی و یک زنی را زیر یک لحاف بیابند، باید به آنها صد شلاق بزنند»<sup>۲</sup>.

روایتی را که ایشان از بحارالانوار آورده، نه سند دارد که قابل بررسی باشد و نه در کتاب‌های دیگری که نقل شده، سند دارد؛ روایت فاقد سند، فاقد هرگونه اعتبار است. وی شبهه‌ای وارد می‌کند در مورد حدیثی که اصلاً نزد شیعه اعتباری ندارد.

شما روایتی را از کتاب بحارالانوار نقل کردید که فاقد اعتبار است؛ اما ما روایات متعددی داریم در این زمینه که نسبت به موقعیت و احترام و اخلاق نبی مکرم ﷺ، نه تنها عقلاء قبول نمی‌کنند، بلکه مجانین هم این مطالبی را که شما در کتاب‌های صحاح یا مسانید و سنن خود با سند صحیح آورده اید، قبول نمی‌کنند.

حاکم نیشابوری از استوانه‌های علمی شماسست که ذهبی و ابن حجر او را تعریف و تمجید گفته‌اند و او را متخصص و خریط در فن رجال دانسته‌اند، کتابی دارد به نام مستدرک الصحیحین؛ یعنی آنچه از نظر صحیح بخاری و مسلم، جا مانده و شرایط حجیت بخاری و مسلم را دارد، در این کتاب آورده است؛ ایشان از قول زبیر می‌گویند:

رسول اکرم ﷺ روز سردی دنبال من فرستاد، آمدم خدمت رسول اکرم ﷺ و دیدم او

۱. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۲: سافرت مع رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم لیس له خادم غیری، و کان له لحاف لیس له لحاف غیره و معه عائشة و کان رسول الله صلی الله علیه و آله بنام بینی و بین عائشة لیس علینا ثلاثتنا لحاف غیره، فإذا قام إلى صلاة اللیل یحط بیده للحاف من وسطه بینی و بین عائشة.

۲. کافی، ج ۷، ص ۱۸۱: إذا وجد الرجل و المرأة فی لحاف واحد، جلدا مائة جلدة.



با یکی از همسرانش در زیر لحاف خوابیده است، رسول اکرم ﷺ مرا داخل لحاف کرد و ما سه نفر شدیم.<sup>۱</sup>

اگر روایت مرسله در کتاب بحار الأنوار گفته است علی ع زیر لحاف رفت، ولی رسول اکرم ﷺ وسط خوابید، روایت شما این را هم نگفته است و معلوم نیست که زیر وسط بوده یا نه! شما نسبت به این روایت چه می‌گویید؟ حاکم نیشابوری هم می‌گوید این حدیثی است که سنداً صحیح است.

### نهایت هتاکی به ولایت فقیه و بزرگترین مراجع شیعه

الخمیس ضمن کافر خواندن مقام معظم رهبری و آیت الله سیستانی از آل سعود می‌خواهد مانع ورود ایشان به حرمین شریفین شوند!

### حرمت نماز خواندن در مساجد شیعه

وی به مریدان خود اجازه خواندن نماز در مساجد شیعه را نمی‌دهد و معتقد است مساجد شیعه محل شرک ورزی به خدا، توطئه علیه اهل سنت و سب اولیای خداست!

### برخی مواضع درباره حوادث روز

#### مخالفت با بیداری اسلامی مصر

وی نیز همانند دیگر سلفی‌های غیر مصری، بیداری اسلامی و قیام علیه حسنی مبارک را امری دنیاطلبانه و غیر دینی اعلام کرده بود.<sup>۲</sup>

وی مدعی است انقلاب مردم مصر امری غیر شرعی است و کشته‌هایشان شهید به شمار نمی‌آیند. وی ادامه می‌دهد مردم برای دنیای خود بیرون آمده‌اند، نه پیاده کردن

---

۱. أرسلني رسول الله في غداة باردة فأتيته وهو مع بعض نسائه في لحافه، فأدخلني في اللحاف، فصرنا ثلاثة ... هذا حديث صحيح الإسناد. مستدرک الصحيحین حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۳۶۴.

<https://www.youtube.com>

۲. فیلم: جنبش مردم مصر دنیا طلبانه است:



دین و دفاع از آن! دموکراسی امری دینی نیست؛ ما به طور کلی اجازه خروج و قیام علیه حاکم را نداریم و وظیفه ما اطاعت و پیروی است و الا روی زمین فساد بزرگ پدیدار خواهد شد.

نظریه پرداز فحشای نوین

عثمان خمیس نظام سوری را هم مرتد و دفاع از آن را حرام اعلام کرده بود.<sup>۱</sup> و همزمان نام او، هم در کنار نام افرادی مانند عرفی، عرعور و دمشقیه، از مبلغین سرشناس وهابی در سایت‌های مختلف به عنوان مرجع اصلی فتوای شنیع و هوسرانانه جهاد نکاح دیده می‌شود!<sup>۲</sup>

بلا تکلیفی زنان در استفاده از اینترنت

شیخ محمد العلی، استاد فقه دانشکده محمد بن سعود در احسای عربستان، در واکنش به خبر صدور فتوایی در خصوص حرمت استفاده زنان از اینترنت بدون حضور محارم، گفت: زن و مرد در این زمینه تفاوتی با هم ندارند و چنین فتوایی اگر هم صادر شده باشد، بی‌اعتبار است.

این در حالی است که برخی روزنامه‌های معتبر عربی از جمله القبس، الریاض و پایگاه‌های اینترنتی از جمله ایلاف، در روزهای اخیر به نقل از «عثمان الخمیس» و «سعد الغامدی» (دو تن از شیوخ مشهور عربستان) چنین فتوایی را منتشر کرده بودند. هرچند اخباری نیز در تکذیب صدور این فتوا از سوی منابع نزدیک به عثمان خمیس منتشر شد.

۱. فیلم: ارتداد حکومت سوریه

۲. فیلم: اعترافات وحشتناک زنان و مردانی که به جهاد نکاح تن داده‌اند



1. <http://www.rasanews.ir>
2. <http://nasimonline.ir>
3. <http://www.valiasr-aj.com>
4. <http://www.q8yat.com>
5. <http://www.marefa.org>
6. <http://www.lemonpress.ir>
7. <http://yadoon.persianblog.ir>
8. <http://shamimshia.com>
9. <http://ar.islamway.net>
10. <http://nasimonline.ir>
11. <http://hajrnet.net>
12. <http://www.alkafi.net>
13. <http://fa.alalam.ir>
14. <http://www.mazagfm.com>
15. <http://www.dzhawaa.com>
16. <http://www.google.com>
17. <http://sonat-nabi.blogfa.com>





## احمد بن سعد الغامدی

### زندگینامه

#### کودکی و تحصیلات

وی در شهر ظفیر منطقه «باحه» به دنیا آمده است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر و سپس «طائف» طی کرد. کارشناسی فقه خود را از دانشگاه اسلامی مدینه و کارشناسی ارشد و دکترایش را از دانشگاه «ام القراء» ی مکه گرفت.





## مناصب

- عضو هیئت تدریس و مشاور دانشجویان و مدرس دانشکده عقیده دانشگاه اسلامی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۴ ه.ق؛
- مدرس مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه ام القرى ۱۴۱۵ - ۱۴۲۵ ه.ق؛
- عضو مجلس دانشگاه اسلامی؛
- راهنمایی، مشاوره و داوری ده‌ها پایان‌نامه مقطع ارشد و دکترا؛
- استاد مباحث اعتقادی تحصیلات تکمیلی دانشگاه ام القرى؛
- برگزاری دوره‌های آموزش عربی در بریتانیا و بنگلادش؛
- حضور فعال در همایش‌های مختلف.

## آثار و تألیفات

۱. عقیده ختم النبوة بالنبوة المحمدية (رسالة کارشناسی ارشد)؛
۲. تحقیق کتاب شرح اصول اعتقاد أهل السنة والجماعة لأبي القاسم اللالكائي (رسالة دکتری، ۸جلد)؛
۳. تحقیق کتاب الكرامات لأبي القاسم اللالكائي؛
۴. فطرية المعرفة وموقف المتكلمين منها؛
۵. المجتمع الإسلامي من خلال سورة الفاتحة؛
۶. الوحدة الإسلامية؛ أسسها ووسائل تحقيقها؛
۷. الترف المادي والفكري وأثره على المجتمع البشري؛
۸. نقد كتاب الأعلام في صدر الإسلام؛
۹. رسالة في تحقيق حديث بئر بضاعة؛
۱۰. آيات الصفات؛
۱۱. الإسلام الدين الحق؛



۱۲. الإيمان العملي؛
۱۳. توحيد العبادة؛
۱۴. منهج تقرير العقيدة وحوار المخالفين؛
۱۵. حكم أقوال الصحابة في الاعتقاد؛
۱۶. الأمن العقدي؛
۱۷. حوار مع شيعي؛
۱۸. التشيع نشأته ومراحل تكوينه الطبعة الأولى؛
۱۹. حوارات عقلية مع الطائفة الاثني عشرية في الأصول، الطبعة الأولى نسخة مترجمة للغة الفارسية؛
۲۰. أحاديث استدلت بها الشيعة الاثنا عشرية؛
۲۱. براءة آل البيت مما نسبته إليهم الروايات؛
۲۲. حوار هادئ مع الدكتور القزويني الشيعي الاثني عشري؛
۲۳. حوارات عقلية مع الطائفة الاثني عشرية في المصادر؛
۲۴. الضوابط الفقهية للتعامل مع المخالف في المسائل الأصلية والفرعية.

## مرگ

دکتر احمد بن سعد الغامدی، اول جمادی الاولی ۱۴۳۴ هـ. ق. درگذشت.

## رویکردها

وی یکی از علمای سلفی بوده که سالیان سال از تفکر تکفیری وهابیت حمایت کرده و از حامیان القاعده و بن لادن بوده، تا آنجایی که پس از شنیدن خبر کشته شدن بن لادن، گریست و او را «شهید» نامید.

وی در نشان دادن تشیع به عنوان یک دین ساختگی و خارج از اسلام، از هیچ تلاشی فروگذار نکرد.



او - که از اساتید دانشگاه ام القری در مکه مکرمه بود - از به رسمیت شناخته شدن مذهب شیعی در موسسه الازهر و تمسک به آن به همانند دیگر مذاهب فقهی، به شدت انتقاد کرده و خواستار به رسمیت شناخته نشدن آن شده بود.

آثار او مملو از مغالطات، روایات ضعیف منابع شیعی و هر نوع مطلبی از احادیث و باورهای شیعیان است که بتواند آن را به سخره و استهزاء بگیرد. که این آثار نیازمند رد و پاسخ جدی محققان شیعه است و نمی‌توان از آن به سادگی گذشت.

## مناظرات

وی در سال ۱۳۸۲ ه. ش با حجة الاسلام و المسلمین حسینی قزوینی مناظرات و مکاتباتی داشت که نتیجه آنها را تحت عنوان کتاب «حوار هادی» چاپ و منتشر کرد؛ او که برخی از سخنان دکتر قزوینی را در این کتاب تحریف نموده بود پس از تذکر دکتر قزوینی، در چاپ دوم بسیاری از موارد تذکر داده شده توسط ایشان را، اصلاح

نمود، اما باز هم رسم امانت‌داری و صداقت را رعایت نکرد؛ از این‌رو ایشان مجبور به چاپ جلد اول کتاب «قصه الحوار الهادی» شد و در آن کتاب تمام آنچه در مکاتبات و مناظرات اتفاق افتاده بود، به صورت دقیق بیان کرد و به شبهات واهی او نسبت به عقائد شیعه پاسخی متقن، کوبنده و منطقی داد.





## استاد مغالطات

وی در مغالطه تبیح خاصی دارد. برای نمونه در کتاب «احادیث استدلت بها شیعه اثنی عشریه»، صص ۷ و ۸، ضمن اشاره به ماجرای دعوت خویشان و اقوام رسول خدا ﷺ در ابتدای امر، ضمن رد کردن سند و راویان، در پایان می‌گوید: «این حدیث را انذار یعنی تهدید نامگذاری کرده‌اند این در حالی است که در پایان آن معرفی امام است و این تناقضی آشکار است!»

## فتاوا و افکار

احمد بن سعد حمدان الغامدی استاد آموزش عالی دانشگاه أم القری در مکه مکرمه و رئیس کمیته امر به معروف و نهی از منکر مکه مکرمه و یکی از چهره های سرشناس وهابیت است.

وی به دادن فتاوای عجیب و غریب مشهور بوده و بدین جهت مورد عتاب و سرزنش همکیشان خود واقع شده است. به طور مثال وی به همراه خانم «منجیه السویحی» استاد علوم قرآن دانشگاه تونس به طور مشترک در برگزاری همایشی در جدّه شرکت کرده بودند.

این چهره وهابی طی اظهاراتی در این همایش از حکم ممنوعیت اختلاط بین زن و مرد در اماکن عمومی انتقاد کرد و در میان تشویق و کف و سوت زنان شرکت کننده در «همایش مشارکت زنان در توسعه ملی در غرب جدّه» گفت: زن می تواند از نظر شرعی رانندگی کند و واجب نیست صورتش را بپوشاند.

وی همچنین در مورد پوشیدن نقاب گفت: در تفسیر آیه قرآن بین علما اختلاف وجود دارد، و به همین سبب برخی از علما به وجوب پوشیده بودن تمام بدن زن فتوا داده اند و در مقابل، برخی دیگر به جواز باز بودن صورت و کفین تا آرنج، و حتی به جواز آشکار بودن موی زنان فتوا داده اند.



الغامدی حجاب را مخصوص زنان پیامبر دانست و در ادامه افزود: اسلام برای کمک به مشارکت زن در زندگی اجتماعی به پوشیده بودن بدن او دستور داده، نه برای منع او از فعالیت هایش. این سخنان «الغامدی» با تشویق و کف و سوت فراوان زنان حاضر در جلسه همراه بود که همه آنها عباهای سیاهی که در سعودی پوشیدن آن واجب است، بر تن داشتند.

بعد از این فتوا، تعدادی از شیوخ، علمای دینی و چهره های سرشناس کویت فتوای «احمد الغامدی» مفتی سعودی را به شدت مورد حمله و انتقاد قرار دادند.

در همین راستا «عادل دمخی» رئیس جمعیت کویتی مدافع حقوق بشر طی اظهاراتی گفت: «احمد الغامدی» اصلاً یک عالم دینی و حتی یک طالب علم نیست تا بتواند در این گونه موارد فتوا صادر کند یا نظر بدهد. او نباید به هیچ وجه در امور دینی دخالت کند. سخنان «الغامدی» دقیقاً چیزی است که مستشرقین به دنبال آن هستند. اینکه حجاب بر تمام زنان مسلمان و مؤمن واجب است، از امور بدیهی در دین مبین اسلام است. از سوی دیگر «سعود ربیع» استاد رشته شریعت اسلامی در دانشگاه کویت در این باره گفت: اظهارات «الغامدی» با سخنان دیگر علمای دینی تفاوت دارد و از منطق هم به دور است. اینکه بگوییم آیات حجاب که در قرآن کریم نازل شده فقط مخصوص زنان پیامبر بوده، امری غیر منطقی به نظر می رسد. متأسفانه «الغامدی» از جمله افرادی است که در گودال دنیا افتاده و اظهارات دینی وی به هیچ وجه قابل قبول نیست.

جالب است بدانید فتوای این مفتی به همین جا ختم نشده و وی با نشان دادن روی دیگر و واقعی خود پرده از هویت اصلی خود برداشته است؛ به طور مثال وی با نام بردن شش مکان در شهر مکه مکرمه، اعمال زائران این مکانها را اینگونه توصیف کرد که «نادانان و بدعت گذاران!» در کنار این اماکن، اعمال شرک آمیز انجام داده، به آن تبرک جسته و به سوی آن نماز می گزارند.



مهم ترین مکانی که وی و نیز هیئت تحت الامر او آن را تخریب کردند، محل ولادت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کنار بیت الله الحرام است که اکنون کتابخانه مکه بر روی آن قرار دارد.

در لیست مکان‌هایی که الغامدی خواستار تخریب یا دیوارکشی آن با سیم‌خاردار شده بود، از کوه‌های «ثور»، «جبل الرحمه» و «نور» می‌توان نام برد.

الغامدی همچنین خواستار تخریب قبرستان «معلآة»، قبر «میمونه» و آرامگاه «حواء» در جده شده است و اینکه این مقبره‌ها باید در تمامی ایام سال بسته باشد و هیچکس اجازه ورود به آن را نداشته باشد.

وی مدعی شده که هنوز بودن قبر حواء (ام البشر) در جده اثبات نشده و تا زمانی که عملیات تخریب انجام نشده، خواستار تغییر نام آنجا شد. وی هم‌چنین خواستار کشیدن سیم‌خاردار از فاصله ۶ کیلومتری در اطراف آرامگاه حضرت «آمنه بنت وهب» مادر پیامبر اعظم (ص) در منطقه «ابواء» شمال مکه شد تا کسی نتواند به آنجا وارد شود. هم‌چنین خواستار بسته شدن مسجد «البیعه» در مشعر شد که به تازگی و در خلال طرح توسعه محل رمی جمرات، کشف شده است.

## منابع

1. <http://albahatoday.cc>
2. <http://www.goodreads.com>
3. <https://archive.org>
4. <http://www.valiasr-aj.com>
5. <http://www.burnews.com>





## عبدالمحسن بن ناصر آل عبیکان



### زندگینامه

#### کودکی

عبدالمحسن بن ناصر بن عبدالرحمن آل عبیکان آل عمران، از قبیله عنزه در سال ۱۳۷۲ ه.ق در شهر طائف به دنیا آمد.

#### تحصیلات

وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در طائف گذراند، سپس به دانشکده فقه مکه و پس از آن دانشکده فقه ریاض رفت.

#### مناصب

- إمام و خطیب مسجد عمویش محمد بن عبدالرحمن العبیکان در ریاض و مسجد الجوهرة ریاض؛



- ملازم قضایی دادگاه بزرگ ریاض عام ۱۳۹۵ ه.ق، قاضی تجدیدنظر دادگاه السیل
- الكبير (میقات أهل نجد)...؛
- مدرس دانشکده عالی قضاء؛
- بازرس قضائی وزارت العدل از سال ۱۴۱۳ ه.ق؛
- مشاور ارشد وزیر وزارت عدل از ۱۴۲۶ ه.ق؛
- عضو مجلس شورا.

### تألیفات

#### کتابها

۱. غایة المرام شرح مغنی ذوی الأفهام؛ ۷ جلد آن تا کنون منتشر شده و تا ۴۰ جلد قرار است ادامه یابد.
۲. شرح کتاب أخصر المختصرات؛
۳. کتاب العدة شرح العمدة؛
۴. کتاب الصارم المشهور علی من أنکر حل السحر بسحر عن المسحور؛
۵. الخوارج والفکر المتجدد؛
۶. خوارج العصر.

#### مقالات

۱. حکم مظاهره المشرکین؛
۲. تأملات درباره آیه ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾؛
۳. تأملات درباره حدیث: أخرجوا المشرکین من جزيرة العرب. ... ﷺ

#### شاگردان

۱. عبدالله الیحیی - وکیل وزارة العدل - ؛



۲. عبدالله بن خنین - عضو هیئت دائمی و هیئت کبار العلماء - ؛
۳. سعد بن ناصر الشثری - عضو هیئت دائمی و هیئت کبار العلماء - ؛
۴. أحمد المزروع - قاضی تشخیص - ؛
۵. عبدالعزيز المهنا - قاضی دادگاه عمومی ریاض - ؛
۶. سلطان العید؛
۷. عادل الکلبانی؛
۸. عبدالرحمن الودعان؛
۹. عبدالعزيز السدحان؛
۱۰. یوسف السعید؛
۱۱. عبدالعزيز السعید؛
۱۲. محمد البابطین؛
۱۳. سعد البریک؛
۱۴. راشد الحفیظ - قاضی سابق - ؛
۱۵. عبدالسلام بن برجس آل عبدالکریم؛
۱۶. محمد الفیفی.

## باورها و فتاوا

فتوای زمینه‌ساز ظهور فحشا در خیابان‌های سعودی

عبدالمحسن عبیکان با استناد به روایتی از ابوهریره، فتوایی عجیب در مورد شیر دادن زن به مردان بزرگ را صادر کرد.



بر اساس فتوای این مفتی وهابی، هر زن و مردی که نامحرم هستند و به ناچار در محلی قرار دارند که فرد سومی میان آنان نیست، برای اینکه به گناه و یا ارتکاب عمل حرام دچار نشوند، جایز است زن مقداری به آن مرد نامحرم شیر دهد تا به محرم او تبدیل شود.

در همین راستا روزنامه «المشهد» چاپ مصر، با پرداختن به این فتوای عجیب، ضمن انتقاد شدید از آن، نوشت: «این فتوا به راه فراری برای رفتارهای غیر اخلاقی برخی افراد در جهان عرب تبدیل شده است».

این روزنامه در ادامه نوشت:

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در کشورهای عربی به ویژه کشورهای خلیج [فارس]، تاکنون چندین مورد افراد در حالت‌های نامناسب و غیر اخلاقی بازداشت شده‌اند؛ اما بلافاصله پس از بازداشت شدن، با بیان کردن این فتوا ادعا کرده‌اند که به همدیگر محرم هستند.

برخی نویسندگان سعودی طی مقالات خود اخطار کردند: این فتوا می‌تواند دامنه فساد موجود عربستان را به کف خیابان‌ها بکشاند و به راحتی همه با محرم شده و در خیابان‌ها زنان حجاب بردارند تا بقیه را محرم خود کنند!

**اصرار بر دیدگاه‌های رضاعی در برابر دستور پادشاه**

عیبکان که در فتوایی عجیب اعلام کرده بود که مردان و زنانی که در ادارات دولتی و خصوصی در یک مکان کار می‌کنند، در صورتی که زن بتواند به مرد شیر بدهد، می‌تواند به مرد محرم شود.

به نقل از روزنامه القدس العربی، عربستان سعودی در پیامی که در رادیو قرآن این



کشور پخش شد اعلام کرد:

به دستور پادشاه عربستان سعودی «ملک عبدالله»، فتوای عبیکان مفتی این کشور را در خصوص محرم شدن افراد بزرگسال به واسطه شیر دادن زنان به مردان ملغی کرده و این فتوا را قابل اجرا نمی‌داند.

همچنین خبرگزاری آلمان پنجشنبه به نقل از رادیو قرآن عربستان گفت: به این دلیل، که فتوای عبیکان در خصوص شیر دادن بزرگسالان، باعث ایجاد اختلاف و اعتراضات گسترده در کشور، میان علمای وهابیت و حتی با اعتراضات علمای اهل سنت در خارج از عربستان روبرو شده است؛ بنابراین حکمی که از سوی ملک عبدالله صادر شده، هیئت بزرگ علمای وهابیت نیز آن را تأیید کرده‌اند، پس این فتوا قابل اجرا نمی‌باشد.

پس از فتوای این مفتی وهابی، موج اعتراضات از جانب علمای اهل سنت به این مفتی متعصب شروع شد. عبیکان همچنین مدعی شد که بسیاری از مفتی‌ها با نظر و فتوای وی در خصوص مسئله «شیر دادن به بزرگسالان» موافقت، ولی از آنجا که ترس این را دارند که مورد حمله و اعتراض قرار بگیرند، سکوت کرده‌اند.

این وهابی تندرو برای این - به اصطلاح - حکم شرعی، تبصره هم گذاشت و اعلام کرد: «برای محرم شدن به ۵ بار شیر دادن نیاز است». او با انتقاد از هم‌کیشانش گفت: «این فشارها - که از سوی علمای دیگر برای تغییر فتوایم وارد می‌شود - را تحمل می‌کنم و به لطف خدا از نظرم بر نمی‌گردم!»

نتیجه پافشاری عبیکان بر فتوای خود، پادشاه سعودی را بر آن داشت تا این فتوا را لغو کند.

### افشاگری و جنجال درباری

درحالی که در جامعه عربستان سال‌هاست بحران‌هایی همچون فساد اقتصادی، سیاسی بیداد می‌کند، بیدار شدن یک‌باره عبیکان، مشاور شاه سعودی و اعتراف او به



وجود فساد در جامعه، نشان از آغاز جنگ قدرت در این کشور است.

سخنان عبیکان به وضوح نشان دهنده آن است که وی اختلافات و مشکلات شخصی با درباریان پیدا کرده است و گرنه چرا در طول این سالها سکوت کرده است؟! در همین راستا، پایگاه خبری «نهرین نت» با اشاره به برکناری عبیکان نوشت: «ملک عبدالله بن عبدالعزيز، عبیکان را پس از یک دوره خدمت طولانی - به رژیم سعودی - برکنار کرد».

نهرین نت در ادامه نوشت: «عبیکان در سخنان خود نسبت به اینکه دیگر عکس‌های پادشاه عربستان بر روی خودروها دیده نمی‌شود، ابراز تعجب کرده بود!»  
عبیکان در یک برنامه رادیویی، از دستگاه قضایی سعودی انتقاد و برخی اشخاص را به غربزه کردن جامعه عربستان متهم کرده بود.

برخی ناظران معتقدند که انتقادهای عبیکان به دلیل دو دستگی در تصمیم‌گیری و کاسته شدن از اختیارات ملک عبدالله از سوی ولیعهد عربستان است. بنابر گزارش پایگاه خبری نهرین نت کارشناسان امور عربستان معتقدند که با توجه به نفوذ عبیکان، احتمال درگیری میان نهادهای دینی وهابی وجود دارد و جنگ قدرت را در این کشور بیش از پیش افزایش خواهد داد.

### سلفی‌گری حکومتی عبیکان در برابر سلفی‌گری جهادی طرطوسی و ناصر العمر

تفاوت اصلی سلفیت حکومتی با سلفیت جهادی، فلسفه سیاسی این گرایش‌ها و به شکل مشخص نوع موضع‌گیری این گروه‌ها نسبت به انحراف حاکمان سیاسی از شریعت اسلامی است؛ تفاوت این گروه‌ها در اعتقاد به جواز انقلاب و سرنگونی حکومت‌های فاسد می‌باشد.

بنا به دیدگاه سلفیت، حکومتی که مستند به برخی متون روایی و فتاوی‌های اهل سنت می‌باشد، حاکم سیاسی به هر شکلی که به قدرت رسید، تا هنگامی که آشکارا کفر خود را



اعلام نکرده باشد، ولی امر جامعه اسلامی است و اطاعت از او واجب شرعی می‌باشد. در این تفکر، در صورتی که ولی امر و حاکم سیاسی، خلاف شرعی انجام داد، مردم و عالمان دینی تنها وظیفه نهی از منکر زبانی را دارند؛ افشاگری عبیکان هم در این چارچوب و نه بیشتر بوده است. قیام علیه چنین حکومت‌هایی در این نگاه بسیار مذموم، خلاف شرع و ناپسند می‌باشد. این گرایش در حقیقت سلفیت سنتی است که به شکل مستقیم از درگیری با صحنه عمومی فرهنگی و سیاسی، کناره‌گیری می‌کند و توجه به مسایل علمی و شرعی را ترجیح می‌دهد، در زمینه‌های فقهی سخت‌گیر است و نسبت به گفتمان اندیشه معاصر، احتیاط دارد.

از متن این جریان گرایشی برخاسته به نام سلفیت احیایی؛ نماینده و سخن‌گوی این گرایش، شیخ محمد ناصرالدین البانی می‌باشد.

این گرایش معتقد به پردازش پایگاه مستحکم و مستند به افراد صالح بوده و گروه‌گرا نیست؛ دارای دغدغه نجات افراد می‌باشد و فعالیت گروهی، عملکرد سیاسی و جهادی را به شکل جمعی و تشکیلاتی، حرام می‌داند؛ معتقد است تربیت و تزکیه جامعه، در نهایت منجر به تشکیل حکومت اسلامی خواهد شد، بدون اینکه با حاکمیت موجود رو در رو شود یا در مشروعیت سیاسی آن تشکیک نماید...؛ عبارت مشهور آنان این است که «سیاست، ترک سیاست است».

این گرایش معتقد به تحریم وسایل و اماکن تفریحی، سینما، موسیقی و... می‌باشد، برخلاف جریان اصلاحی سلفی که معتقد است تا وقتی این پدیده‌ها بر خلاف متون شرعی و مقاصد شریعت اسلامی عمل نکرده باشند، استفاده از آنها جایز است. بیشتر پیروان این جریان از طبقات فقیر و حاشیه‌نشین جامعه هستند. شعار و اندیشه اساسی این جریان را می‌توان در این بیت شعر خلاصه نمود که بارها در گفتار و نوشتار آنان مطرح شده است:



و كل خير في اتباع من سلف و كل شر في ابتداء من خلف

«تمامی خیرها در پیروی از سلف و پیشینیان است، و تمامی شرور در بدعت‌های کسانی که بعدها آمدند».

هیأت امر به معروف، برای اولین بار در ریاض و توسط عبدالعزیز آل سعود، آغاز به کار کرد و در حال حاضر رهبری آن به دست عمر بن حسن آل شیخ است. اعضای این تشکیلات - عمدتاً ضد شیعی - بالغ بر ۵ هزار وهابی هستند که در ۴۸۶ منطقه عربستان تقسیم شده‌اند؛ همچنین، علاوه بر کادر رسمی این سازمان، اشخاصی که به صورت داوطلبانه با آن همکاری کرده و به عبارتی دیگر برای آن جاسوسی می‌کنند، نیز پاداش خوبی را دریافت خواهند کرد.

در آوریل ۲۰۱۱ میلادی افرادی از این هیئت وهابی در مدینه یک شهروند شیعی به نام «طالب صالح الغدیر» را جوارحرم نبوی بازداشت کرده و به طرز غیر انسانی در انظار عمومی شکنجه کردند و پس از آن نیز وی را به محل نامعلومی منتقل کردند.

در ۳۰ اکتبر ۲۰۱۱ میلادی پلیس وهابی عربستان یک زائر شیعی - عراقی الاصل با تابعیت کانادایی - به نام اسامه العطار را به طرز وحشیانه‌ای شکنجه کرد که تنها گناه وی خواندن زیارت‌نامه در جوار قبرستان بقیع بود.



اسامه العطار، شهروند شیعی عراقی که در عربستان شکنجه شد



شدت شکنجه وی در همان محل به حدی بود که موجب واکنش برخی از حجاج بیت الله الحرام شده بود! ماموران هیئت امر به معروف عطار را در حالی که صورتش غرق خون بود، از محل تجمع حجاج دور کردند.

میزان غیرانسانی و شنیع بودن اقدامات این سازمان در عربستان به حدی است که حتی واکنش برخی مقامات آل سعود را نیز به دنبال داشته است، به طوری که دست به افشای ماهیت این گروه‌ها زده‌اند.

عبدالمحسن عبیکان، گفته بود برخی افراد منتسب به هیئت امر به معروف و نهی از منکر، معتاد به مواد مخدر یا افراد سارقی هستند که توبه کرده و به امر به معروف و نهی از منکرات روی آورده‌اند.



او با بیان اینکه اکثر اعضای هیئت امر به معروف و نهی از منکر عربستان از سطح علمی پایینی برخوردار هستند، خواستار به کارگیری افرادی دارای مدارج علمی بالا در این هیئت شد تا بتوانند وظایف خود را به شیوه مناسب ایفا کنند!

گفتنی است به دلیل ارتباط تنگاتنگ این مراکز - به اصطلاح دینی - با نهادهای امنیتی و استخبارات سعودی، اطلاعات چندانی از آنها در دست نیست، اما منابع آگاه از نقش فعال ۳ دانشگاه علوم دینی و مدارس تربیت دینی وابسته به آنها خبر می‌دهند.



## شهادای خوکی برای جذب ثروت حکومت

عبدالمحسن عبیکان زمانی که از مقامات بلندپایه وزارت دادگستری عربستان بود، در گفت‌وگو با روزنامه ریاض عربستان گفت: «کسی که بر اثر آنفولانزای خوکی بمیرد نزد خداوند اجر شهید را خواهد برد». وی برای اثبات گفته خود، به حدیثی منسوب به پیامبر اسلام استناد می‌کند و می‌گوید: احادیثی از پیامبر اسلام به ما رسیده است مبنی بر این که کسانی که در راه اسلام یا بر اثر طاعون و یا در شکم مادر خود بمیرند، اجر شهید را خواهد داشت.

او در ادامه گفته است: این بیماری بعد از طاعون و وباء، نخستین بیماری است که در قرن ۲۱ به صورت گسترده در میان تمام مردم جهان گسترش پیدا کرده است. گفتنی است برخی کشورهای اسلامی با شیوع این بیماری در عربستان، سفر حج عمره را در همان سال لغو کرده‌اند و به نظر می‌رسد این قبیل فتواها از سوی مفتیان حکومتی، برای جذب پیروان وهابیت به حج عمره در آن شرایط باشد؛ زیرا به اعتقاد آنها، اگر در این سفر آنفولانزای خوکی هم بگیرند و بمیرند، شهید هستند!

## مشاور اخراجی دربار

در حالی که رسانه‌ها، بهانه برکناری عبدالمحسن عبیکان - مشاور کاخ سلطنتی - را انتقاد او از اختلاط زن و مرد و اوضاع کشور عنوان کردند، اما گفته‌های عبیکان مشخص می‌کند که وی با درباریان دچار اختلاف شده بود به طوری که حتی شاه سعودی نیز او را دیگر به حضور نمی‌پذیرفت.

در حالی که جامعه عربستان سال‌هاست که از بحران‌هایی آشکار مانند فساد اقتصادی و سیاسی و مشکلات اجتماعی رنج می‌برد، بیدار شدن ناگهانی عبیکان و سخن گفتن او در خصوص فساد این جامعه، سکوت او طی سال‌های گذشته را زیر سؤال می‌برد. وی چندی قبل از برکناری‌اش گفته بود: از چند ماه قبل تلاش می‌کنم با شاه دیدار



کنم، و با نوشتن نامه‌ای به وی خواستار دیدار و توضیح درباره این موضوع خطرناک «فساد جامعه» شدم، ولی این دیدار میسر نگشت. فکر می‌کنم که نامه به دست شاه نرسید.

در پی اظهارات عبیکان، خالد المالک سردبیر روزنامه الجزیره - که متعلق به خاندان سعودی است - اظهارات او را احمقانه توصیف کرد و مدعی شد که این شیخ سعودی از دین برای تحقق اهداف خود استفاده می‌کند؛ در این انتقاد به صراحت اعلام شد که چنین شخصی به درد مشاوره و رایزنی در امور مملکت نمی‌خورد و طولی نکشید که عبدالله بن عبدالعزیز وی را برکنار کرد.

#### امربه معروف کردن و ممنوع‌التصویر شدن

عبیکان در پی انتقاد از ملک عبدالله در اداره حکومت و سخن گفتن از احتمال انقلاب علیه آل سعود، در تمام رسانه‌های این کشور ممنوع‌التصویر شد

#### اخراج از رادیو

رادیو القرآن الکریم عربستان، پخش برنامه فتوای او را متوقف کرد. این برنامه در طول ماه مبارک رمضان، هر روز، پخش می‌گردید.

#### شیخ رفاص

سلفی‌های افراطی عربستان با پخش کلیپ تصویری از رقصیدن عبیکان جنجالی بزرگ در عربستان سعودی به وجود آورده‌اند. در این کلیپ جنجال برانگیز، وی در حالتی شمشیر به دست، به صورت علنی در میان مردم می‌رقصد.

#### شیخ گوسفندچران

عبیکان پس از اخراج، برای گذراندن تعطیلات تابستانی به باغ شخصی خود سفر کرد؛ روزنامه «الوطن» عربستان، ضمن اعلام این خبر، نوشت: «عبدالمحسن عبیکان» در حال حاضر در آرامش و خونسردی کامل به سر می‌برد و در حالی این سفر را انجام



می‌دهد که اعتراضات و واکنش‌ها به فتوای جنجال‌پیش در شهرهای مختلف سعودی همچنان ادامه دارد، اما او با نادیده گرفتن تمام جنجال‌ها و اعتراضات، در تعطیلات تابستانی خود است.

الوطن در ادامه این مطلب خود، با انتشار عکس گوسفند چرانی این مفتی سرشناس وهابی - که مشاور امور دینی کاخ پادشاه عربستان نیز هست - نوشت: عکسی که از عبیکان به دست ما رسیده و نشان می‌دهد او در حال گوسفند چرانی است، حاکی از آن است که حتی جنجال‌های جاری در مورد فتوای وی، او را از گذراندن وقت و تعطیلات در باغ شخصی در یک روستای خوش آب و هوا منع نکرده است.

### نامشروع بودن به اسارت گرفتن نظامیان اسرائیلی

عبیکان، به اسارت گرفتن نظامیان صهیونیستی برای مبادله با اسرای فلسطینی را رد کرد و آن را از لحاظ شرعی غیر صحیح دانست!

### هنگام قطع برق روزه نگیرد

عبیکان در فتوایی - که در روزنامه الخلیج چاپ عربستان منتشر شد - عدم وجوب روزه برای مناطقی که قطعی مکرر برق دارند را صادر کرد. وی دلیل این فتوا را مشقت بار بودن روزه برای ساکنان این مناطق و گرمی بیش از حد هوا در روزهای تابستان ذکر کرده است. عبیکان توضیح نداد که آیا مسلمانان صدر اسلام هم می‌توانستند با مشقت بار توصیف کردن روزه، از زیر بار انجام این فریضه الهی شانه خالی کنند یا نه؟ این فتوای او در جواب استفتای تعدادی از ساکنان مناطق حائل و القصیم که به صورت مکرر برق در این مناطق قطع می‌شود، می‌باشد.

### تعلیم و تعلم سحر حلال

وی همزمان با آنکه سحر و شعبده بازی را یکی از دکان‌های درآمدزایی افراد معرفی می‌کند، اجازه می‌دهد کسی که دچار سحر و جادو شده باشد، برای حل



مشکلش به ساحر مراجعه کند و معتقد است نباید چنین ساحرانی را که به دیگران خدمت می‌کنند، کشت!

## منابع

1. <http://alwahhabi.blogfa.com>
2. <http://www.yeknet.ir>
3. <http://khabaronline.ir>
4. <http://www.valiasr-aj.com>
5. <http://payam-aftab.com>
6. <http://www.rajaneews.com>
7. <http://ftp.ararnews.net>
8. <http://ar.wikinews.org>
9. <http://www.alwatann.com>
10. <http://web.sendbad.net>
11. <http://hezbollah.org>



## محمد بن عبدالرحمن العریفی



### زندگینامه

#### کودکی

«محمد بن عبدالرحمن العریفی» مبلغ و عالم جوان سعودی است که در ۱۵ جولای ۱۹۷۰ در شهر دمام واقع در استان شرقی عربستان به دنیا آمد.

#### تحصیلات

وی لیسانس خود را در سال ۱۹۹۱ در رشته اصول دین از دانشگاه محمد بن سعود در ریاض، و فوق لیسانس خود را در سال ۱۹۹۶ در اصول دین با گرایش عقیده و مذاهب معاصر از همین دانشگاه اخذ کرد. عنوان پایان نامه وی پژوهش و بررسی «الكافية الشافية



في الانتصار الفرقة الناجية ابن قيم» بود که با رتبه ممتاز دفاع کرد. عریفی تحصیلات خود را ادامه داد و توانست در سال ۲۰۰۱ دکترای خود را در اصول دین با گرایش عقیده و مذاهب معاصر از همان دانشگاه محمد بن سعود به پایان برساند. عنوان رساله دکترای وی نیز «نظریات شیخ الاسلام ابن تیمیه درباره صوفیه» می‌باشد.

#### استادان

- بن باز؛
- عبدالله بن جبرین؛
- عبدالله بن قعود؛
- عبدالرحمن بن ناصر براك.

#### تألیفات

۱. الكافية الشافية في الانتصار للفرقة الناجية، لابن القيم، تحقيق ودراسة، وهي نونية ابن القيم، في مجلدين، پایان نامه کارشناسی ارشد؛
۲. موقف ابن تیمیه من الصوفية، ۲جلد پایان نامه دکترا؛
۳. المفيد في تقريب أحكام المسافر؛
۴. المفيد في تقريب أحكام الأذان؛
۵. الدرر البهية في الألغاز الفقهية؛
۶. هل تبحث عن وظيفة (درباره تبلیغ)؛
۷. اركب معنا (درباره توحید)؛
۸. إنها ملكة؛
۹. في بطن الحوت؛
۱۰. إلاً ليعبدون (شرح مصور عبادات: الصلاة والزكاة والصوم والحج)؛
۱۱. رحلة إلى السماء؛





۱۲. عاشق في غرفة العمليات (توصیه به پزشکان و بیماران)؛

۱۳. صرخة في مطعم الجامعة (درباره حجاب و أدله آن)؛

۱۵. استمتع بحياتك؛

۱۶. نهاية العالم (درباره أشرار الساعة)؛

۱۶. العالم الأخير (تكملة نهاية العالم).

عریفی همچنين بالغ بر ۱۲۰ خطبه و بیش از پنجاه سخنرانی ضبط شده در اینترنت دارد.

وی مقالات متنوعی در روزنامه ها و مجلات عربی به چاپ رسانده و در کشورهای امارات،

قطر و عمان و کویت به ویژه در ماه رمضان برنامه های تلویزیونی دارد.

#### مناصب

۱. عضو هیئت امنای کمیته عالی رسانه های اسلامی وابسته به «رابطة العالم الاسلامي»؛

۲. عضو تعدادی از دفاتر تبلیغی و انجمن های اسلامی؛

۳. مشاور در تعدادی از مراکز اسلامی؛

۴. استاد مدعو تعدادی از دانشگاه ها در عربستان و خارج آن؛

۵. عضو وزارت امور اسلامی؛

۶. همکار بخش های عقیدتی و دینی امنیت کشور، دفاع ملی، وزارت دفاع، دانشکده

هوایی ملک فیصل و گارد ملی و وزارت آموزش و پرورش؛

۷. خطیب مسجد جامع «بواردی» در جنوب ریاض؛

۸. عضو هیئت علمی بخش مطالعات اسلامی دانشکده معلمان در ریاض؛

۹. امام و خطیب مسجد دانشکده امنیتی ملک فهد.

#### فعال توئیتر

عریفی که حضور فعالی نیز در توئیتر دارد و روز به روز بر طرفدارانش افزوده

می شود، در میان ساکنان کشورهای حاشیه خلیج فارس با ۵ میلیون و ششصد هزار



طرفدار جایگاه اول را به خود اختصاص داده است. پس از وی نیز سلمان العوده با ۳ میلیون طرفدار قرار دارد.



### شیخ زندانی

وی در اوائل سال ۲۰۱۳م دفاع علنی از گروه القاعده کرد و پس از سروصداهای تلویزیونی ایجاد شده، زندانی و سپس با اخذ تعهد آزاد شد. عریفی متاهل بوده و پنج دختر و سه پسر و یک نوه دختری از دختر بزرگش دارد. عریفی در فتوای خود بر لزوم داشتن فرزندان زیاد و عدم جلوگیری از بارداری زنان تأکید می‌ورزد.

### عضو جریان الصحوة

عریفی همچنین به همراه برخی از شیوخ عربستانی از جمله سلمان العوده، عائض القرنی، محسن العوجی - که ذیل جریان موسوم به «الصحوة» تعریف می‌شوند - به اتحادیه جهانی علمای مسلمانان به ریاست یوسف قرضاوی پیوسته‌اند. این اتحادیه ویتترین رسانه‌ای سازمان بین المللی اخوان است. جریان الصحوة جریان فکری سعودی است که در اوایل دهه هشتاد قرن گذشته ایجاد شد و به دنبال سازش میان تفکر وهابی



و تفکر اخوانی بود، به گونه‌ای که تفکر وهابی را در زمینه اعتقادی و تفکر اخوانی را در زمینه سیاسی پذیرفت.

از دهه نود قرن گذشته، علمای الصحوة که خود را تحت سلطه علمای سنتی وابسته به نهاد دینی وهابیت می‌دیدند، علیه آنان به پا خاستند. شیوخ الصحوة درون منظومه آموزشی سعودی تربیت یافته و از دانشکده‌های دینی وابسته به دانشگاه‌های سعودی فوق لیسانس و دکترای خود را گرفته‌اند. این روند نقش بازیگران مذهبی را درون عرصه دینی سعودی به آنان بخشیده و آنان توانسته‌اند خود را بر عرصه دینی تحمیل نمایند. علمای الصحوة در دانشکده‌های دینی وابسته به دانشگاه‌های سعودی به تدریس پرداخته و در نظام آموزشی تاثیرگذار بوده و برخی پست‌های متوسط درون نهادهای دینی مختلف، نظیر هیئت‌های امر به معروف و نهی از منکر را در اختیار گرفته‌اند؛ اما با این وجود، کانون عرصه دینی، دور از دسترس اینان باقی مانده و همین مسئله نارضایتی علمای صحوه را برانگیخته است؛ چرا که ریاست تمامی نهادهای مهم اسلامی نظیر شورای عالی قضایی، هیئت علمای بزرگ، مجمع پژوهش‌های علمی و افتاء و دعوت و ارشاد بدون استثناء همچنان در انحصار علمای سنتی وهابیان قرار دارد.

علمای سنتی از تمامی امتیازات و تشریفات برخوردار هستند، اما شیوخ الصحوة در پروتکل دینی در جایگاه ثانویه قرار دارند. علمای الصحوة می‌خواهند که رسیدن به قله عرصه‌های دینی برای همگان فراهم باشد، نه اینکه صرفاً علمای سنتی وهابیت شایسته چنین امتیازی باشند؛ از این رو افرادی نظیر العریفی و العوده تلاش می‌کنند تا چهره‌ای جوان از خود به نمایش بگذارند، با جوانان نشست و برخاست کنند، برای جذب مخاطبان حضور گسترده‌ای در فضای مجازی و نیز کانال‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی داشته باشند تا بدین ترتیب زمینه افزایش طرفداران خود را فراهم نموده و جایگاه بالاتری را در نهادهای دینی سعودی بدست آورند.



### سرقت آثار و افکار دیگران

منتقدان عریفی، وی را فردی می‌دانند که آثار و افکار دیگران را سرقت کرده و به نام خودش منتشر می‌کند. وی تاکنون چندین بار افکار و متون شعری و پژوهش‌ها و مقالاتی را از دیگران ربوده و به مخاطبان خود گفته است که از ابداعات خودم است. حتی خطبه وی با عنوان «فضائل مصر» نیز از مقالات پژوهشگر سعودی دکتر محمد موسی شریف ربوده شده است که در مجله سعودی «جامعه» تحت عنوان «فضائل مصر و مزایای مردمان آن» منتشر شده است.

سفرهای العریفی به مصر و سخنرانی جنجالی و جوسازی وی علیه ایران با انتقادات زیادی از سوی محافل مصری و برخی منتقدین در عربستان روبرو شده است. یکی از مصری‌ها در این باره می‌گوید:

العریفی بعد از اتمام خطبه خود، سوار بر اتومبیل آخرین مدل خود شده و به سوی قصرش حرکت کرد در حالی که از مسلمانان فقیر و عموم مردم خواست تا خود را برای جهاد آماده کنند.

### شیخ ثروت طلب

مخالفتان عریفی معتقدند که وی برای حضور در برنامه‌های مختلف ماهواره‌ای و تلویزیونی علاقه زیادی دارد و این به خاطر کسب درآمد است. دکتر آل زلفه عضو



هیئت علمی دانشگاه ملک سعود می گوید: «از عریفی بپرسید در طول عمرش به جایی رفته است که خبری از پول نبوده باشد!».

### شیخ بی سواد مغرور جاه طلب

در عین حال بسیاری عریفی را به خود بزرگ بینی و توهین به دیگران متهم می کنند. در همین رابطه عمار بوقیس نویسنده سعودی از عریفی انتقاد کرد و گفت: متأسفانه عریفی از اینکه با من در تلویزیون ظاهر شود، اجتناب ورزید، به این بهانه که ظاهر من برای حضور در تلویزیون نامناسب است، من این توهین وی را تحمل و تلاش کردم تا با وی وارد درگیری نشوم. وی افزود:

فکر کردم موضوع تمام شده است، تا اینکه دیدم وی به صراحت می گوید اشتباه نکرده است و من از این رفتار وی شگفت زده شدم! چراکه وی مثلاً مبلغ است؛ در حالی که با این روش زشت با من برخورد می کند!

منتقدان، عریفی را کسی می دانند که ادعا می کند علامه دهر است و همه چیز را می داند و به تمامی علوم احاطه دارد. خود را فقیه، شاعر، محدث، واعظ، اندیشمند سیاسی، کارشناس اقتصادی، جامعه شناس و عالمی که در جهت یاری رساندن به ملت ها تلاش می کند و در کنار آنان می ایستد، می پندارد. عریفی دچار بیماری خودبزرگ بینی و غرور است. یک جا ادعا می کند که افرادی را در کمتر از پنج دقیقه به راه راست هدایت کرده، جای دیگر با لباس های نظامی در کوه های جنوب عربستان برای مبارزه با حوثی ها ظاهر می شود و هدف وی نیز همان عکسی است که می گیرد و آن را در پایگاه های اینترنتی پخش می کند و می خواهد به مردم بگوید من تنها مرد حرف نیستم بلکه مردم عملم. وی فتوای عجیب و غریبی می دهد که توهین به اخلاق و ارزش های جامعه است.



## در خدمت یهود

عریفی را اولین مبلغ دینی سعودی می‌دانند که اعلام کرد قصد دارد از بیت المقدس دیدن کند. وی چندی پیش در سخنانی گفت: برای تأکید بر این مطلب که بیت المقدس حق مسلمانان است، قصد دارم از این مکان مقدس دیدن کنم.

این اظهارات با استقبال گرم وزرات خارجه رژیم صهیونیستی و رسانه های این رژیم همراه شد. روزنامه «اورشلیم پست» اسرائیل به نقل از مقامات اسرائیلی گفت: «قدس متعلق به اسرائیل است و تمامی افراد از ادیان مختلف می‌توانند به اینجا بیایند و از آن لذت ببرند».

وزارت خارجه اسرائیل نیز از این درخواست عریفی استقبال کرد.

عریفی همچنین در فتوایی بیان کرد که هک سایت‌ها و پایگاه‌های صهیونیستی شرعاً جایز نیست و از اهل سنت و جماعت خواست که در این باره از ایرانیان و مجوسی‌های کافر تقلید نکنند.

این اظهارات عریفی بار دیگر با واکنش شدید، انتقادات و حملات تندی مواجه شد. شیخ حامد بیتاوی رئیس انجمن علمای فلسطین و خطیب مسجد الاقصی در این باره گفت:

این ملاقات که در چارچوب عادی سازی روابط با اشغالگران صورت می‌گیرد، بدون هماهنگی با اشغالگران مهیا نیست و باعث می‌شود که سایر علما و مشایخ دینی به شیخ عریفی اقتدا نمایند. چنین دیداری زمینه را برای پذیرش حاکمیت رژیم صهیونیستی بر قدس اشغالی فراهم نموده و سنت سیئه‌ای را بنیان می‌گذارد.

وی خطاب به شیخ عریفی تأکید کرد: «ای شیخ ما اجتهاد کردی اما اجتهادت

اشتباه بود».



## باورها و فتواهای عجیب

عریفی تاکنون چندین فتوای عجیب و غریب صادر کرده است که جنجالی ترین فتواهای وی، همان است که در آن به شورشیان سوری، اجازه می دهد تا با زنان ازدواج کوتاه و چندساعته داشته باشند. شیخ عریفی در این فتوا گفته است که بهترین جهادها، جهاد نکاح است و ازدواج بین این مجاهدین و زنان می تواند تمایلات شهوانی این جنگ جویان را برآورده کرده و عزم آنها را برای جنگ با دولت بشار اسد افزایش دهد.

### توهین به قرآن با تولید سوره سیب (تفاحه)

عریفی همچنین در اقدامی جنجالی که واکنش مفتی های افراتی سعودی نظیر صالح فوزان را برانگیخت، قرآن را به تمسخر گرفته و سوره ای به نام «تفاح» (سوره سیب) جعل نمود و آن را با لحن و آهنگ قرآنی، قرائت نمود. وی در این سوره جعلی به زبان عربی می گوید: «ذهب احمد إلى السوق، واشترى تفاحة، ثم ركب الأتوبيس، ثم رجع إلى شقته وضع المفتاح، ثم دخل إلى بيت جيرانهم ودخل إلى بيته وارتاح؛ احمد به بازار رفت، یک سیب خرید، سپس سوار اتوبوس شد، سپس به آپارتمان خود بازگشت و کلیدش را گم کرد، سپس به خانه همسایگانش رفت و وارد منزل خود شد و به استراحت پرداخت».

### ترویج شراب

وی به تمسخر قرآن اکتفا نکرده و در اظهاراتی توهین آمیز در یک شبکه تلویزیونی اماراتی، مدعی شد قبل از تحریم شراب، افرادی به پیامبر شراب هدیه می دادند، پیامبر ﷺ نیز این شراب را می فروخته و یا هدیه می داد. این مفتی وهابی همچنین مدعی شد شراب نجس نیست؛ زیرا پس از تحریم شراب مردم بطری های شراب را در معابر و کوچه ها خالی می کردند، به همین دلیل پای صحابه هنگام رفتن به مسجد برای نماز به شراب آغشته می شد، ولی با همین لباس آلوده به شراب به مسجد رفته و نماز می خواندند؛ این امر بیان گر آن است که شراب نجس نیست!.



در اثر واکنش‌های شدید به این اظهارات، محمد عریفی سرانجام در بیانیه‌ای با اعتراف به اینکه در اظهارات خود به پیامبر اسلام ﷺ توهین کرده است، به خاطر این اشتباه عذرخواهی کرده و گفت: «پس از تأمل دریافتم که در اظهارات خود دچار اشتباه شدم، و به درگاه خداوند به خاطر این اظهارات توبه می‌کنم. تأکید دارم که سنی‌ها به مقام پیامبر ﷺ احترام می‌گذارند و قدر ایشان را می‌دانند».

### بدعت جهاد نکاح

این ازدواج‌ها که وی آن را ازدواج‌های مناکحه یا موقتی می‌نامد، شامل زنان و دختران ۱۴ سال به بالا، مطلقه‌ها و بیوه‌ها می‌شود. او همچنین در این فتوا، بهشت را به آن دسته از زنانی که به این نوع ازدواج با شبه نظامیان رضایت می‌دهند، وعده داده است. پس از این فتوا موج عظیمی از خشم جهان اسلام را فراگرفت و حتی بسیاری از علمای اهل سنت علیه این فتوا موضع گرفتند و آن را نوعی زنا و ترویج فساد و فحشا دانستند، تا اینکه عریفی تحت فشارهای اسلامی و عربی ناگزیر شد فتوای خود را پس گرفته و اعلام کند که این فتوا از وی صادر نشده است. اما این انکار عریفی مانع از آن نشد که شورشیان سوری آن را تحریم کنند، بلکه همچنان بسیاری از آنها به این فتوا عمل می‌کنند.



این فتوا منجر به گسترش فساد و فحشا در میان شورشیان سوری گردید و بسیاری از آنان پدران سوری را مجبور می‌کنند تا دخترانشان را در اختیار آنان قرار دهند و گرنه دشمن خدا بوده و مستحق مرگ هستند.



این فتوا تنها به نکاح موسوم به جهاد خلاصه نشد، بلکه منجر به ظهور پدیده لواط و همجنس‌بازی در میان گردان‌های شورشی نیز گردید. اخیراً تصاویری منتشر شده است که نشان از گسترش این پدیده شوم در میان شورشیان سوری دارد.

### ادعایی درباره آخرالزمان

العرفی همچنین مدتی پیش در برنامه‌ای تحت عنوان «پایان جهان» ادعاهایی تعجب برانگیز مطرح کرد و گفت: حدیثی در مورد آخرالزمان و حوادث پایان جهان از ابوبهریره وجود دارد که در آن نام افرادی همچون «جمال عبدالناصر» و «انور سادات» رؤسای جمهور سابق مصر و نیز «صدام حسین» دیکتاتور سابق عراق آمده است.

### نظر وی درباره رابطه دختر و پدر

وی در فتوای عجیب دیگری در پاسخ به سؤالی درباره آزار و اذیت دختر از سوی پدرش گفت، دختر نباید به تنهایی با پدرش بنشیند مگر آنکه مادر یا برادرانش نیز حضور داشته باشند. وی گفت: «هیچ دختری نباید در برابر پدرش لباس نامناسب



پوشد، چرا که برخی دختران دارای اندام زیبایی هستند. لباس تنگ می‌پوشند و با همین لباس در مقابل پدرشان ظاهر می‌شوند و آنها را در معرض گناه قرار می‌دهند.

آنچه شگفتی‌آور است بقیه سخنان وی است که می‌گوید: «پدر ممکن است جوان باشد و هنگامی که به دخترش سلام می‌دهد یا او را می‌بوسد یا در بغل می‌گیرد، شاید شیطان او را به گناه بیاندازد».

عریفی در نهایت خطاب به دختر می‌گوید: «دختر نباید با پدرش خلوت کند و به تنهایی با او بنشیند! بلکه باید مادر یا برادران وی حضور داشته باشند».



### اعلام جهاد و حمایت از شورشیان سوریه

وی همچنین در نشست علمای اسلامی در قاهره، خواستار جهاد با مال و جان و سلاح علیه نظام بشار اسد و حزب الله لبنان شد. عریفی در کنفرانس حمایت از سوریه، علیه حزب الله، سوریه و ایران اعلام جهاد کرد.

عریفی - که روابط نزدیکی با بندر بن سلطان دارد - تنها به صدور فتوا علیه سوریه اکتفا نکرده و در دو سال گذشته به امر سازماندهی و جمع‌آوری کمک از سوی وهابی‌ها برای حمایت مالی از گروه‌های شورشی در سوریه مشغول بوده است. این مبلغ وهابی سعودی از حامیان سرسخت شورشی‌های سوریه است و درباره سوریه و



نظامیان بشار اسد در اظهاراتی جنجالی مدعی شد که جنیان در کنار او هستند و با تروریست‌ها مبارزه می‌کنند و با مبارزه جنیان، فرشته‌های وهابی از ترس مبارزه با نظام سوریه پا به فرار گذاشته‌اند! این مفتی وهابی سعودی مدعی شد که جنیان سوار بر اسب سفید به کمک ارتش سوریه می‌آیند تا افراد مسلح را شکست دهند.

این اظهارات باز با واکنش علمای وهابی همراه شد. عادل الکلبانی و صالح فوزان دو تن از علمای برجسته وهابی داستان روایت شده از سوی محمد العریفی درباره نزول فرشتگان و جنگ آنها در کنار کسانی که آنها را «انقلابیون» سوریه نامید، محکوم کردند. کلبانی در واکنش به سخنان عریفی تأکید کرد: ای مردم! فقط اندکی مغز خود را به کار بیندازید. آیا ارتش سوریه تا آن حد قوی است که فرشتگان نیز در برابر آن ناتوانند؟!

### عالم بی عمل

چندی پیش برخی رسانه‌های عربی خبر دادند که محمد عریفی هنگام خروج از رستوان مک دونالدز - که یک رستوران اسرائیلی است - در لندن مورد حمله شدید از سوی دو تن از جوانان شیعه عراقی قرار گرفت. کاربران شبکه اجتماعی توئیتر نیز تصویری از او در بیمارستان منتشر کردند که بعداً مشخص شد آن عکس مربوط به چند سال قبل است. این سایت‌ها با اشاره به تناقض موجود در فراخوان العریفی برای جهاد در سوریه و سفر وی به لندن، او را «عالم بی عمل» توصیف کردند. خبرهای منتشر شده در رسانه‌های سعودی حاکی از آن بود که شیخ محمد العریفی برای گذراندن تعطیلات تابستانی خود، به لندن سفر کرده است. در پی انتشار خبر سفر العریفی به لندن، هزاران تن از کاربران اینترنتی با انتشار مطالبی در این باره در صفحات شخصی خود در سایت‌های اجتماعی، او و دیگر مفتی‌های وهابی را به باد تمسخر گرفتند.

کاربران اینترنتی عریفی را به باد تمسخر گرفته و گفتند که وی برای جهاد نکاح به لندن سفر کرده است. یکی از جالب‌ترین مطالب نوشته شده در این باره این است که می‌گوید:



جوانان برای جهاد به سوریه می‌روند و العریفی برای «جهاد نکاح» به لندن می‌رود! اکنون این چند پرسش مطرح می‌شود که آیا خود این مفتی‌ها برای جهاد به سوریه می‌روند؟! آیا اگر جهاد در سوریه واجب است، خودشان به این واجب و وظیفه عمل می‌کنند؟! چرا این مفتی‌ها مانند محمد العریفی که جوان هم هستند و توانایی جنگیدن هم دارند، به سوریه نمی‌روند؟! چرا جوانان مردم را برای کشته شدن در سوریه دعوت می‌کنند، اما خودشان برای خوش گذرانی به لندن می‌روند؟

این خبر در حالی مطرح شد که تعدادی از سایت‌های خبری دیگری، از قول شیخ تکفیری سعودی نوشتند که مورد حمله هیچ کس قرار نگرفته است.

### توهین به ایران و حزب الله

العریفی حتی مدعی شده است، نقشی که دبیرکل حزب‌الله برای ایران ایفا می‌کرد، پایان یافته است، تاثیرگذاری عربی وی از بین رفته است، بعید نمی‌دانم ایران سید حسن نصرالله را ترور کند تا وی با اسرارش بمیرد! این شیخ وهابی با توهین بی‌شرمانه به سید حسن نصرالله ادعا کرده، او معتقد به کافر بودن ما و مباح دانستن خون ما است، امروز شام (در اشاره به سوریه) او را رسوا کرده است، کودکان را می‌کشد و نوامیس را هتک حرمت می‌کند و با این کارها به مجوس (اشاره به ایران) تقرب می‌جوید.

### توهین به مراجع شیعه

عریفی دیدگاهی منفی نسبت به شیعیان دارد و تاکنون چندین بار با الفاظ اهانت آمیز، شیعیان و مراجع شیعی را خطاب قرار داده است. وی هنگامی که دولت یمن به شیعیان حوثی حمله برد، ضمن محکوم نمودن مقاومت حوثی‌های یمن در برابر حملات دولت آن کشور - که با حمایت و دخالت مستقیم دولت عربستان صورت پذیرفت - اساس مذهب شیعه را مجوس نامید و آیت الله العظمی سیستانی را در جملاتی اهانت آمیز این گونه توصیف نمود: «شَيْخٌ كَبِيرٌ زَنْدِيقٌ وَ فَاسِقٌ فِي طَرْفٍ مِنْ أَطْرَافِ الْعِرَاقِ؛ پیر مرد کافر، فاسق و زندیقی که در گوشه‌ای از کشور عراق به سر می‌برد!»



## شیخ تفرقه افکن

در همین راستا پس از سفر عریفی به لندن، روزنامه انگلیسی «ابندپندنت» با انتشار گزارشی به موضوع شکاف میان شیعه و سنی در لندن پرداخت و «محمد العریفی» مفتی سرشناس وهابیت در عربستان را عامل دامن زدن به اختلاف و تفرقه میان اهل سنت و شیعیان آنجا معرفی کرد. در این گزارش مفصل، به اظهارنظرها، افکار، فتواها و اقدامات افراط‌گرایانه عریفی - این شیخ افراطی - اشاره شده است؛ از جمله عوامل اصلی که در این گزارش به آن اشاره شده، فتوای جهادی العریفی است. این گزارش در بخشی دیگر نیز به درگیری‌های رخ داده میان شیعیان و اهل سنت در لندن و دیگر شهرهای انگلیس اشاره کرده و علت اصلی هر کدام را بیان کرده است. در بیشتر این حوادث، اظهارنظر مستقیم و گاهی غیر مستقیم افرادی مانند محمد العریفی موجب رخ دادن درگیری میان شیعه و سنی شده است.

## تهدید آتش پرستی به شیعیان و ایرانیان

وی مانند اظهارات بی پایه دیگر خود، اساس مذهب تشیع را آیین «زرتشت» دانسته و مدعی شد، این آیین قبل از اسلام در سرزمین ایران جاری بود. وی پیروان تشیع را «اهل بدعت» دانست که امامان خود را تا مرتبه نبوت و بلکه الوهیت بالا می‌برند. وی در اظهاراتی سخیف مدعی شد، شیعه در طول تاریخ علیه اسلام توطئه کرده است و برای این کار مثلاً با مغول‌ها علیه خلافت عباسی متحد شده است. وی درباره شیعیان سعودی نیز مدعی شد «اگر هوشیاری دستگاه امنیتی نبود این افراد چه کارهای عجیبی که نمی‌کردند».

بسیاری از شخصیت‌های اسلامی سنی و شیعی به این اظهارات عریفی واکنش نشان دادند و حتی شیعیان خلیج فارس از دولت‌های خود خواستند تا مانع از ورود عریفی به کشورشان جهت ایراد سخنرانی شود.



## دروغ‌پردازی درباره اعراب ایران

یکی از همین کنفرانس‌های ضد ایرانی در ۱۰ ژانویه ۲۰۱۳م با عنوان «یاری مردم عرب اهواز!» در یکی از هتل‌های بزرگ مصر برگزار شد. العریفی، از سخنرانان اصلی این کنفرانس بود که بیش از هر سخنران دیگری حرف‌های تند بر ضد عملکرد دولت ایران در داخل این کشور بر زبان آورد. او گفت: «فشار و موارد اعدام در ایران بالاتر از آن است که ما در فلسطین شاهد هستیم و آنچه یهودی‌ها در حق برادران فلسطینی ما انجام می‌دهند، یا در بسیاری دیگر از کشورها که مسلمانان در آن رنج می‌برند».

### حمایت از کشتار حوثی‌ها

عریفی در تاریخ ۱۴/۱/۱۴۳۱هـ از سربازان عربستان - واقع در مرزهای جنوب کشور که در حال نبرد با حوثی‌ها بودند - دیدن کرد. بسیاری گفتند که هدف وی از این دیدار، گرفتن عکس یادگاری با سربازان و نشان دادن خود به عنوان یک فرد مبارز بوده است؛ شیخ در این دیدار از این قهرمانان! تشکر کرد و گفت که از صمیم قلب دوست داشت که یکی از این سربازان باشد. شیخ عریفی در این سفر اصرار کرد که لباس نظامی بر تن کرده و سلاح به دست بگیرد و با سربازان و نیروهای ارتش عکس یادگاری بگیرد.

### بازگشت از هتاکی به مراجع شیعه!

وی بار دیگر تحت فشارهای عربی و اسلامی، مانند گذشته مجبور به عدول از سخنان خود شد و در اظهاراتی متفاوت گفت: «آیت الله سیستانی بر مدار فرمایشات الهی گام برمی‌دارد و به همین دلیل است که ایشان را بر بسیاری از علمای اهل سنت ترجیح می‌دهم».

وی با چرخشی آشکار نسبت به مواضع خود تأکید کرده که شخصیت عالمان شیعه را نسبت به علمای اهل سنت، به هدایت رسول الله و فرمایشات ایشان در زهد،



نزدیک تر می‌داند. گفته می‌شود وی به دلیل ترس از واکنش شیعیان کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترس از دست دادن تریبون‌ها و برنامه‌های تلویزیونی خود در این کشورها از اظهارات پیشین خود عدول کرده است.

### ایراد خطبه درباره فضایل مصر

با روی کار آمدن اخوان المسلمین مصر، عریفی فرصت را برای نشر افکار و ایده‌های مخرب وهابی خود و تبلیغ علیه ایران و تشیع در مصر مناسب دید و با ایراد چندین خطبه درباره فضایل مصر جای پای خود را در این کشور مستحکم نمود. وی به بسیج سلفی‌ها علیه شیعیان پرداخت و با تلاش‌های خود چندین کنفرانس ضد شیعی و ضد ایرانی و ضد سوری برگزار نمود.

اکنون عریفی به یک چهره شناخته شده در میان مصری‌ها تبدیل شده است و این پس از آن بود که وی در مسجد «بورادی» خطبه‌ای درباره فضایل مصر ایراد کرد و این خطبه به سرعت برق در پایگاه‌های ارتباط جمعی پخش شد و مورد استقبال مصری‌ها قرار گرفت. وی برای ایراد چندین خطبه به مصر رفت. البته گفته می‌شود وی متن این خطبه را از فرد دیگری به سرقت برده است.

### منابع

1. <http://www.arefa.com>
2. <http://www.rasid.com>
3. <http://www.vetogate.com>
4. <http://arabi-press.com>
5. <http://www.sharmlifeblog.com>
6. <http://www.assakher.com>



7. <http://www.zahran.org>
8. <http://www.al-shia.org>
9. <http://arabic.cnn.com>
10. <http://www.aawsat.com>
11. <http://www.shia-online.ir>
12. <http://www.al-madina.com>
13. <http://www.alriyadh.com>
14. <http://www.masrawy.com>
15. <http://www.alriyadh.com>
16. <http://www.farsnews.com>
17. <http://www.shia-online.ir>



## ناصرالعمیر

شیخ «ناصر بن سلیمان العمر» دبیرکل بنیاد مسلمانان عربستان سعودی و از چهره‌های سرشناس تندرو و افراطی وهابی است.



### زندگینامه

#### کودکی

ناصر بن سلیمان بن محمد العمر متولد ۱۳۷۳ هـ. ق/ ۱۹۵۲ م در روستای «مریدسیه» وابسته به شهر بریده در منطقه القصیم به دنیا آمد.



## تحصیلات

دوران دبیرستان خود را در سال ۱۳۹۰ ه. ق، در مرکز علمی ریاض به پایان رساند. سپس در سال ۱۳۹۴ ه. ق، تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشکده فقه به پایان برد و سپس به عنوان مربی در دانشکده اصول دین - بخش علوم قرآنی - در دانشگاه اسلامی محمد بن سعود انتخاب گردید؛ در سال ۱۹۷۹م فوق لیسانس و ۱۹۸۴م دکترای خود را از همین دانشکده اخذ نمود. در سال ۱۴۰۴ ه. ق به عنوان استادیار، و ۱۴۱۰ ه. ق به دانشیاری، و ۱۴۱۴ ه. ق به درجه استاد تمامی نائل گردید.

## تألیفات

### کتاب

ناصر العمر تاکنون تألیفات متعددی داشته است که مهم ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. اعتدال در اسلام؛
۲. عهد و پیمان در قرآن کریم؛
۳. سعادت بین توهم و حقیقت؛
۴. نگاهی راهبردی به مسئله فلسطین؛
۵. الوسطیة فی القرآن الکریم؛
۶. سورة الحجرات دراسة تحليلية و موضوعية؛
۷. العهد والميثاق فی القرآن الکریم؛
۸. تحقیق ودراسة، جزء اول (لباب التفسیر)، محمود بن حمزة الکرمانی؛
۹. فقه الاستشارة؛
۱۰. فرغ من شرح مسلم من منظور تربوی وهو فی طور المراجعة والتصحيح؛
۱۱. آیات للسائلین وهو مجلد حوی تفسیراً تحلیلیاً موضوعياً لسورة یوسف.



١. التوحيد أولاً؛
٢. فقه الواقع؛
٣. مقومات السعادة الزوجية؛
٤. رمضان مدرسة الأجيال؛
٥. السعادة بين الوهم والحقيقة؛
٦. الفطور؛
٧. أسباب سقوط الأندلس؛
٨. البث المباشر حقائق وأرقام؛
٩. بناتنا بين التغريب والعفاف؛
١٠. التوحيد أولاً؛
١١. حقيقة الانتصار؛
١٢. الحكمة؛
١٣. رؤية استراتيجية في القضية الفلسطينية؛
١٤. بيوت مطمئنة؛
١٥. وكانوا لنا عابدين؛
١٦. مختصر في فقه الاعتكاف؛
١٧. الاختلاف في العمل الإسلامي؛
١٨. امتحان القلوب؛
١٩. العلم ضرورة شرعية؛
٢٠. جامعة الصيام؛
٢١. لحوم العلماء مسمومة؛
٢٢. مشروع مقترح؛



۲۳. رساله المسلم في حقبة العولمة؛

۲۴. ثوابت الأمة في ظل المتغيرات الدولية.

### مناصب

- دبیرکل بنیاد مسلمانان عربستان سعودی؛

- وی هم اکنون در سمت ناظر کلی پایگاه اینترنتی مسلم نت فعالیت می کند.

### فعالیت سیاسی

به لحاظ سیاسی شیخ ناصر العمر به جریان الصحوة نزدیک است؛ جریان الصحوة جریانی است که تلاش می کند میان وهابیت و اخوان المسلمین پیوند برقرار سازد. مسئولان قطری از وی به شدت حمایت می کنند.

جریان دینی در عربستان سعودی به سه دسته تقسیم می شود:

۱. علمای درباری؛

۲. علمای الصحوة، مانند محمد العریفی، سلمان العوده، سفر الحوالی و ناصر العمر که دارای پایگاه مردمی هستند، اما تمایلی به درافتادن با رژیم ندارند و حتی بعضاً مخالفت خود با هرگونه تظاهرات در عربستان را اعلام می دارند؛

۳. شیوخ انقلابی، شامل سلیمان العلوان، عبدالعزیز الطریفی، خالد الراشد و ناصر الفهد هستند.

### فتاوا و مواضع تشیع و هولناک ناصر العمر

#### عاشورا روز جشن و سرور است

ناصر عمر در جسارتی آشکار به شیعیان، آنها را متهم می کند که عاشورا را تبدیل به روز عزا و ماتم کرده اند، اما در واقع عاشورا روز پیروزی و شادمانی است! این شیخ افراطی وهابی معتقد است فهماندن این موضوع (مسلمان نبودن ایرانی ها) به تمام امت



اسلامی، وظیفه علما و طلاب علوم دینی می باشد و تمام افراد امت اسلامی چه زن ها و چه مردها این وظیفه را بر دوش دارند و باید برای وضوح این امر برای سایر ملت های مسلمان تلاش کنند!

### تبریک انهدام حرمین عسکرین علیهما السلام

شیخ ناصر العمر از جمله مفتی هایی بود که پس از انهدام حرم امامین عسکرین علیهما السلام در سامرا، این جنایت را به دیگر مفتیان سعودی و اهل سنت تبریک گفت.

پس از انفجار حرمین شریفین امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام، دفتر وعظ و ارشاد وابسته به دانشکده امام بن سعود وهابی نیز - که به شیخ عمر نزدیک است - به ترویج فتوهای ابن جبرین، ناصر العمر، سفر الحوالی، بارک و الحربی و علمای دیگر وهابی برای نابودی سایر ضریح ها و مرقد های مقدس شیعیان پرداخت. همچنین گفته می شود عوامل این دفتر تاکنون در ده ها عملیات وهابیان تکفیری در شهر های عراق که به نابودی و انفجار مرقد های اولیاء و فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله منجر شده، دست داشته اند.

منابع آگاه نزدیک به دانشگاه محمد بن سعود - که ناصر عمر نیز در همانجا درس خوانده و استاد می باشد - می گویند، شماری از طلاب در طول چند سال گذشته از کلاس های درس غیبت کرده و اقدام به پیوستن به مجموعه های تروریستی در عراق کرده اند. به گونه ای که نام تعدادی از آنها در لیست کشته های درگیری های عراق به چشم می خورد.

### وجوب انهدام حرم امام حسین علیه السلام، حضرت ابالفضل علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام

ناصر العمر به همراه برخی مفتیان مهم دیگر وهابی، با صدور فتاوایی خواستار انهدام مراقد مطهره امامان شیعه علیهم السلام شده بودند. این فتاوا که در پی استفتای جمعی از دانشجویان دانشگاه وهابی محمد بن سعود صادر شد، پس از حمله به بارگاه عسکرین علیهما السلام در سامرا، در سطح گسترده ای توزیع و در آن از هر اقدامی برای محو آنچه آثار شرک به ویژه در کشور عراق و شهر کربلا خوانده شده، استقبال شده بود. در



بخشی از این فتاوا - که از حرم امامان شیعه علیهم‌السلام به عنوان بت‌هایی یاد کرده و باید با خاک یکسان شود - آمده است: «حسین از شرک شیعیان به دور است، اما حرم او باید به عنوان اصلی‌ترین نماد شرک در عراق ویران شود».

در همین راستا نیروهای امنیتی عراق، نقشه‌های تروریستی را برای تعدی به ضریح امام حسین علیه‌السلام و حضرت عباس بن علی علیه‌السلام، ضریح امام علی علیه‌السلام کشف کردند. گفته می‌شود حمله به مقبره حضرت زینب علیه‌السلام نیز در دستور کار تروریست‌ها بوده است.

### شیعه‌ستیزی

#### پایگاه توهین به مقدسات شیعیان

ناصر العمر دارای سایتی به نام المسلم نت (<http://almoslim.net>) می‌باشد که در آن به تمامی مقدسات شیعه اهانت کرده و با عباراتی بسیار سخیف سعی در تشویش اذهان و تخریب وجهه شیعیان در میان دیگر مذاهب اسلامی دارد.

وی که به تندروی مشهور است، ادعا کرده است: دو موضوع مهم و خطرناک در جهان اسلام وجود دارد که مسلمانان باید با تأمل بیشتری به آنها بنگرند، یکی افکار لیبرالی و لائیک می‌باشد، و دومی که بسیار خطرناک‌تر است، نفوذ ایرانی‌ها در بین مسلمانان جهان اسلام می‌باشد که باید با این دو، مبارزه شدید و فقیهانه‌ای صورت گیرد! وی در ادامه تأکید کرده است که ایران کشوری مجوسی است نه شیعه!

#### خطرناک‌تر بودن شیعیان از آنفولانزای خوکی

پایگاه الکترونیکی مسلم به ریاست ناصر عمر همواره مقالات تنیدی علیه شیعیان منتشر می‌کند که از جمله این مقالات، می‌توان به مقاله‌ای توهین‌آمیز تحت عنوان «ابن جبرین و رافضه و آنفولانزای خوکی!» منتشر شده در این پایگاه اشاره نمود.

نویسنده این مقاله پیروان مذهب تشیع را به دلیل شکایت از «بن جبرین»، از ویروس آنفولانزای خوکی خطرناک‌تر می‌داند! بن جبرین از چهره‌های سرشناس



وهابیت در عربستان سعودی، چند سال پیش با صدور فتوایی جنجال برانگیز، به قتل رساندن شیعیان را به دلیل کافر بودن، جایز دانسته بود، از همین رو وی زمانی که برای درمان به آلمان سفر کرده بود، از سوی تعدادی از شیعیان عراقی مقیم آلمان مورد شکایت و اعتراض قرار گرفت.

در واکنش به این شکایت از بن جبرین، نویسنده مقاله، پیروان مذهب تشیع را رافضی و کافر خوانده و آنان را از ویروس آنفولانزای خوکی خطرناک‌تر معرفی کرد. وی شیعیان را «اربابان ترور» خواند و آنان را به «نسل کشی پیروان واقعی اسلام» متهم نمود. نویسنده در ادامه مقاله توهین آمیز خود، شیعیان را افرادی نادان خوانده و گفته است: «رافضی‌ها اهل دروغ، خیانت، فسق و فجور هستند. آنان مانند منافقین اند».

وی در ادامه بدون اشاره به ظلم و ستم و سرکوب شیعیان توسط خاندان آل سعود، رفتار نیروهای امنیتی عربستان سعودی و اعضای هیئت امر به معروف و نهی از منکر سعودی گفت: «ما چندی پیش در شهر مدینه منوره شاهد آشوب‌گری‌های آنان در نزدیکی قبر پیامبر ﷺ و در نزدیکی بقیع بودیم. آنان همیشه به دنبال آشوب و خراب‌کاری هستند».

#### فتوای شرم‌آور ناصر العمر در برخورد با شیعیان

شیخ ناصر العمر در پاسخ به یک استفتاء مبنی بر راهکارهای مقابله با شیعیان، مطالبی دهشتناک بیان نمود که حکایت از اوج توحش مکتب تکفیری وهابیت و اوج دشمنی و خصومت و کینه وی نسبت به تشیع دارد. در این استفتاء آمده است: «همان‌طور که می‌دانید خطر رافضی‌ها از خطر یهودی‌ها و نصرانی‌ها برای اسلام بیشتر است و ما چگونه می‌توانیم برای نجات اسلام، خطر رافضی‌ها را کنترل نماییم؟»

شیخ عمر در پاسخ می‌نویسد:

در ابتدا باید بدانیم که شیعیان جز با یک حکومت اسلامی جهادی ریشه‌کن نمی‌شوند، شیعیان بعد از برپایی حکومت اسلامی دو راه دارند: یا اینکه اسلام را



بپذیرند! یا اینکه سر بریده شوند، اگر اصرار کردند بر مذهب خود باقی بمانند با آنها باید این چنین برخورد کنید:

اول: همه شیعیان را چون سر بریدن گوسفند، سر ببرید تا خون سر تا پای آنها را فرا بگیرد، و چه منظره بدیعی است زمانی که تو می بینی اجساد شیعیان در دریایی از خون شناورند و صدای امواج خون رافضی گوش هایت را نوازش می دهد و جنازه هایشان، چشم هایت را به وجد می آورد.

دوم: زنان آنها را به اسارت ببرید و در میان رزمندگان به صورت عادلانه تقسیم کنید. سوم: کودکان شیعه را به فراگیری تعلیمات اسلامی صحیح وا دارید و توحید و عقیده را به آنها آموزش دهید، و به آنها آموزش های نظامی دهید تا در فتوحات اسلامی از آنها استفاده شود.

چهارم: معابد و ضریح های شرک آلود شیعه را نابود و ویران کنید.

پنجم: خانه های آنها را تفتیش کنید و کتاب های شرک آلود آنها را از بین ببرید.

ششم: روز عاشورا را جشن بگیرید و شیعیان را مجبور کنید در آن شرکت کنند.

هفتم: آنها را مجبور کنید کودکان خود را به اسم هایی مانند معاویه، یزید و عایشه، حفصه و... نام گذاری کنند.

هشتم: باید به امامانی که ادعا می کنند رهبرشان هستند، مانند خمینی و سیستانی و... توهین نموده و از آنها بیزاری جویند.<sup>۱</sup>

فتوای تخریب مساجد و حسینیه های شیعیان

ناصر العمر از چهره هایی است که در عمده همایش های ضد ایرانی و ضد شیعی در عربستان شرکت کرده و از برگزارکنندگان و حامیان چنین همایش هایی است.





در همایشی ضد شیعی که چندی پیش در ریاض با عنوان «مملکت ما... وحدت ما» با حضور امیران برخی از مناطق عربستان، چهره‌های سیاسی و مفتیان سلفی از جمله صالح الفوزان، عبدالله بن جبرین و برخی از چهره‌های مشهور ضد شیعی دیگر برگزار شد، ناصر عمر نیز حضور داشت و به سخنرانی علیه شیعیان پرداخت. این علمای تندروی وهابی در این همایش به چند جمع‌بندی رسیدند:

اول: نباید به شیعیان اجازه داد تا سمت‌های مهمی را در کشور به دست گیرند.

دوم: باید قره‌الی الله! با فرزندان شیعه در دانشگاه‌ها سخت‌گیری کرد.

سوم: در صورت لزوم حتی کشتار شیعیان واجب است!.

چهارم: لزوم دوری از شیعیان و شیعیان خطر اصلی برای عربستان.

پنجم: هیئت حاکمه کشور عربستان، شیعیان مقیم مناطقی چون القطیف، مدینه منوره و نجران را به اسلام (اندیشه سلفی) دعوت کنند و در صورتی که نپذیرفتند، آنان را برای پذیرش اندیشه سلفی مجبور نمایند.

ششم: نباید به شیعیان اجازه داد تا در مساجد نماز بخوانند، باید با آنان برخورد شدید داشت.

ناصر العمر در این همایش به طور مشخص خواستار برخورد با شیعیان عراق، ممانعت از حج شیعیان، تخریب مساجد و حسینیه‌های شیعیان و همچنین جلوگیری از انتشار کتاب، روزنامه و یا مجلاتی که شیعیان در نگارش آن نقش دارند، تعطیلی دادگاه شیعیان در منطقه القطیف و جلوگیری از مشغول شدن شیعیان در مشاغل چون مشاغل امنیتی، بهداشت و درمان شد. وی در پایان اظهار داشت: نباید اجازه داد، شیعیان در هیچ مقطعی به تدریس مشغول باشند.

وجوب دشمنی با حزب الله

العمر در فتوایی اعلام کرده است که دشمنی با حزب الله بر همگان واجب است؛ زیرا آنها دشمنان همیشگی اهل سنت بوده‌اند. وی همچنین از عملیات مستمر



تروریست‌ها و افراد مسلح علیه آنچه آن را ماشین کفر و ظلم نظام‌های سوریه و ایران خواند، ستایش کرده است.

نامیدن حزب‌الله به حزب اللات

پس از پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه علیه رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶م، هرچند که این پیروزی حتی بسیاری از مخالفان حزب‌الله - به‌ویژه از میان سلفی‌ها - را به تحسین و یا دست کم سکوت و اداشت، اما العمر همچنان بر طبل مخالفت با حزب‌الله کوبید.

وی که حزب‌الله را «حزب اللات/ حزب الشیطان» نامید، گفت: «حزب‌الله به نمایندگی از اهل سنت در فلسطین مقاومت نمی‌کند، بلکه حزب‌الله ابزاری است در دست سپاه پاسداران ایران».

وی در شبکه الجزیره تصریح کرد: «اسرائیل، آمریکا و ایران دشمنان امت اسلامی هستند».

برای پیروزی حزب‌الله دعا نکنید

در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله علیه دشمن صهیونیستی، ناصر العمر فتوا داد که: «دعا برای پیروزی حزب‌الله یا ارائه هرگونه کمک به این حزب در جنگ با اسرائیل حرام است».

رد هرگونه سازش با شیعیان

ناصر العمر با تأکید بر سازش ناپذیری تشیع و تسنن، به شدت سازش و مصالحه شیعه و سنی را مورد حمله قرار می‌دهد؛ وی در این رابطه اظهار داشته است که: «اختلافات ما با روافض (شیعیان) فقط به مباحث فرقه‌ای محدود نمی‌شود. اختلاف ما در مورد مسائل بنیادین و اساسی دینی است، نه بخش‌هایی از دین. در واقع هیچ نقطه مشترکی بین ما و شیعیان وجود ندارد».



او همچنین در همایش گفت و گوی مذاهب - که در ژوئن ۲۰۰۳م در ریاض برگزار شد - از شرکت کنندگان خواست روافض (شیعیان) را به اسلام واقعی و پیروی از شیوه اهل سنت دعوت کنند.

### مخالفت با قیام حوثی‌ها

العمر از جمله علمای وهابی بود که به مخالفت با قیام حوثی‌ها علیه دولت یمن در سال ۲۰۰۹ - ۲۰۱۰م برخاست و به همراه برخی علمای وهابی در بیانیه‌ای فتنه انگیز با حمله به شیعیان یمن، از درگیری مبارزان الحوثی با دولت یمن انتقاد کرد. در این بیانیه ایران را به عنوان مسئول این درگیری‌ها معرفی کرد؛ این در حالی بود که عربستان برای فرونشاندن قیام حوثی‌ها در یمن، مداخله نموده و از دولت یمن پشتیبانی به عمل آورد و باید علمای وهابی - نه به ایران بلکه - به آتش‌افروزی‌های سعودی‌ها اعتراض می‌کردند.

در این بیانیه همچنین از مسلمانان خواسته شده بود که جلوی انتشار مذهب رافضی گرفته شده و تدابیر امنیتی، رسانه‌ای و تبلیغی مورد نظر جهت این کار پیش‌بینی شود.

### تظاهرات در بحرین حرام

شیخ عمر انقلاب بحرین را یک حرکتی رافضی می‌داند. وی تظاهرات کنندگان را خائنان و مزدورانی می‌داند که می‌خواهند بحرین را به ایران واگذار کنند. وی از موضع ترکیه در قبال حوادث بحرین تشکر می‌کند؛ چرا که معتقد است ترکیه یک کشور اهل سنت است و در نتیجه پیشنهاد می‌کند که ما باید روابط خود با کشورهای سنی را افزایش دهیم. وی همچنین حزب‌الله را مورد انتقاد شدید قرار داده و تلاش می‌کند تا انقلاب بحرین را انقلابی فرقه‌گرایانه و محدود به شیعیان معرفی نماید.



## ایران ستیزی

توهین به امام خمینی علیه السلام

شیخ ناصر با حمله به انقلاب اسلامی ایران و بنیانگذار آن، ایرانیان را متهم می‌کند که تشیع را بهانه‌ای برای فریب دادن مسلمانان قرار داده‌اند، همان‌گونه که شیعیان، عشق به اهل بیت علیهم السلام را بهانه‌ای برای نشر افکارشان مورد استفاده قرار می‌دهند! وی در سخنانی عجیب می‌گوید انقلاب ایران، اسلامی نبود؛ چرا که امام خمینی علیه السلام با هواپیما از فرانسه به‌عنوان یک کشور کافر وارد ایران شد و ایران در واقع مزدور غرب و آمریکا است!

تهمت آتش‌پرستی به ایران

ناصر العمر در جدیدترین اظهارات ضد ایرانی خود، اعلام کرد که حکومت ایران یک حکومت شیعه نیست و در واقع مجوس یا همان آتش پرست است؛ بنابراین نفوذ چنین کشوری خطرناک است؛ وی که از اساتید دانشگاه‌های - به اصطلاح - شریعت اسلامی است، درباره ایدئولوژی و تفکرات کشور ایران گفت: «آنها تفکری لاییک دارند و قصد منحرف کردن دین را در سر می‌پروراند؛ بنابراین ما باید در این مسئله بسیار دقت کنیم و نگران باشیم».

او در ادامه ادعاهایش افزود: «حکومت ایران هیچ ربطی به مذهب شیعه ندارد. آنها مجوسند و آتش پرست هستند و می‌خواهند با نفوذ خود به کشورهای اسلامی دوباره امپراطوری آتش پرستان را در منطقه به راه اندازند و کشورهای اسلامی را به دوران جاهلیت برگردانند».

رابطه با ایران حرام

شیخ ناصر عمر عادی سازی روابط برخی کشورهای عربی با حکومت مجوسی ایران - که اهل سنت را می‌کشد! - رد کرد. وی در کلاس درس خود - مسجد خالد بن الولید



در ریاض - نسبت به خطر ایران بر اسلام و مسلمانان هشدار داد و گفت ایران تلاش می کند به کشورهای عربی و اسلامی نزدیک شده و برای تحقق اهداف استعماری خود مذهب تشیع را گسترش دهد. وی اشاره نمود: ایجاد روابط با ایران به بهانه های سیاسی مسئله باطلی است.

### فتاوی در خدمت دربار سعودی

#### تظاهرات در عربستان سعودی حرام

پس از آغاز بیداری اسلامی در جهان عرب و سرنگونی چندین حاکم خودکامه، شعله های تظاهرات و اعتراض به عربستان سعودی نیز کشیده شد و می رفت که پایه های این حکومت استبدادی را دچار فروپاشی نماید. اما در این میان برخی علمای درباری با دادن فتوا هرگونه تظاهرات در عربستان سعودی را حرام دانستند؛ در این میان ناصر العمر چهره برجسته ای بود که فتوا داد:

«تظاهرات در عربستان سعودی به دلیل مفاسدی که به همراه دارد حرام است، به ویژه آنکه سکولارها و روافض (شیعیان) از آن سوء استفاده می کنند... عربستان بر کلمه توحید اجتماع کرده است و سکولارها و روافض می خواهند این اجماع را بر هم زنند».

#### ترویج فحشا و فتوای جهاد نکاح با محارم

ناصر عمر در شبکه ماهواره ای وصال که نزدیک به گروه های تکفیری تندرو در سوریه است، از انتقادات وارده به فتوای «جهاد نکاح» گله کرد و گفت: «برخی افراد انتقادات شدیدی را به فتوایی دارند که به برادران مجاهد اجازه جهاد نکاح می دهد، اما جالب است که کسی کشتار صورت گرفته توسط سوریه را به یاد نمی آورد و از آن گله ای نمی کند».

وی همچنین ایران و سوریه را به جنایات اخیر در سوریه متهم کرد و گفت که این دو کشور در تلاش برای تشکیل و پررنگ کردن هلال شیعی هستند و تمایلی ندارند



که سنی‌ها در منطقه نقشی را ایفا کنند. ناصر العمر در ادامه اظهار داشت که مجاهدین در سوریه می‌توانند در غیاب زنان مجاهد نامحرم با محارم خود ازدواج کنند. او اعلام کرد اگر دسترسی به نامحرم آسان نباشد، مجاهدین می‌توانند با محارم و خواهران خود «عقد نکاح» داشته باشند. پیش از این او از اسارت زنان شیعی و توزیع آنها بین مجاهدین سخن گفته بود؛ در همین راستا سایت «خبر پرس» سوریه اعلام کرد جنگ جویان تروریست وابسته به «جبهة النصرة» به فتوای ناصر العمر عمل کرده و جهاد نکاح با محارم را آغاز کرده‌اند.<sup>۱</sup>

گفتنی است پس از صدور این فتوا، جهاد با محارم به شکل وسیعی از سوی جبهة النصرة در حال اجراست؛ بر اساس برخی گزارش‌ها، در تعدادی از مناطق تحت تسلط تروریست‌ها، این افراد مرتکب جنایات و رسوایی‌های بسیاری با خواهران و مادران خود شده‌اند به نحوی که هیچ کس آن را باور نمی‌کند! دلیل آنها این است که بیشتر زنان جهاد نکاح از این مناطق فرار کرده‌اند و با شدت گرفتن جنگ و افزایش قتل و کشتار دیگر زنی به این مناطق نمی‌آید.

صادرات فاحشه به سوریه!

چندی قبل گروه بسیاری از زنان از شمال آفریقا و چین برای ادای این فریضه تاریخی و شرعی! وارد خاک سوریه شدند.

به دنبال فتوای مفتی‌های وهابی درباره جهاد نکاح، تعداد ۹۰ زن چینی از انگلیس و دیگر شهرهای اروپایی عازم استانبول شده تا به سوریه اعزام شوند؛ این زنان از طریق فرودگاه استانبول به شهر مرزی «هاتای» رفته و از طریق مرزهای زمینی وارد سوریه شده و به گروه‌های سلفی پیوسته‌اند.<sup>۲</sup>

۱. به نقل از سایت مسلمانان جهان، ۱۳۹۲/۶/۱۲ ش.

۲. خبرگزاری فارس مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۶.



چندی پیش نیز از تونس خبر رسیده بود که برخی گروه‌های تروریستی - که علیه نظام سوریه شورش مسلحانه کرده‌اند - با فتوای یک مفتی وهابی، دختران و زنان مطلقه تونس را به جهاد نکاح (جهاد جنسی) در سوریه تشویق می‌کنند؛ این فاجعه به حدی گسترش یافت که وزیر کشور تونس مدعی شد، از سه هزار زن مجاهده جهاد نکاح، هزار نفر آنها باردار به وطنشان بازگشتند. در همان زمان خانواده‌های تونس نیز اعلام کردند که دختران نوجوانشان داوطلبانه به سوریه سفر کرده‌اند تا نیازهای جنسی شورشیانی را که با نیروهای نظامی سوریه می‌جنگند، برطرف سازند<sup>۱</sup>

علمای تکفیری وهابی، در جهت آتش‌افروزی میان مسلمانان و دامن زدن به تفرقه و جنگ شیعه و سنی، و اعلام جهاد علیه مقاومت در راستای نقشه‌های شوم دشمنان امت اسلامی گام برمی‌دارند؛ در همین راستا با صدور فتوایی عجیب از دختران و زنان عرب خواسته شده تا برای جهاد نکاح یعنی تن فروشی به جنگ‌جویان مسلح به سوریه سفر کنند. بر اساس این فتوا حتی زنان شوهردار هم جایز هستند که برای جهاد نکاح به سوریه بروند.

بر اساس گزارش‌های اخیر، بعد از اینکه سفر شورشیان سوری به خارج از این کشور برای مرخصی و تمتع جنسی منع شده، تعداد زیادی از این گروه‌ها و فرماندهان میدانی آنها اعتراض کرده و خواستار حل مشکلات جنسی شورشیان شده‌اند؛ از این رو یکی از افسران ارتش آزاد به نام «أس» - که ارتباط قوی با دستگاه جاسوسی ترکیه دارد - به این کشور سفر کرده و در یکی از شهرهای معروف آن، نشستی را با مدیر یکی از شبکه‌های روسپی‌گری در کافه‌های ترکیه داشته است. این شبکه بیش از ۱۵۰ روسپی در اختیار دارد.<sup>۲</sup>

در این نشست دو طرف توافق کردند که برای مرحله اول، ۳۳ روسپی به مدت یک ماه به سوریه اعزام شوند و به صورت متناوب این زنان تغییر کنند، البته نرخ فعالیت‌های

۱. خبرگزاری فارس مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۶.

۲. مشرق نیوز، مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۱.



جنسی این روسپی‌ها در سوریه بسیار بیشتر از ترکیه است تا آنها تشویق به حضور در این کشور شوند. قرار است برای هر فعالیت جنسی از این روسپی‌ها بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ دلار هزینه شود، البته نیمی از این مبلغ به مدیر این مرکز تعلق خواهد گرفت؛ بر اساس این گزارش، افسران ارتش آزاد، مبلغ ۲۰ هزار دلار به عنوان پیش پرداخت به مدیر این مرکز داده و قرار است همین مقدار نیز بعد از مرحله یک ماهه اول پرداخت شود.<sup>۱</sup>

بعد از این توافق، افسر ارتش آزاد با عناصر جاسوسی ترکیه به توافق رسیده که این دختران را وارد سوریه کند، وی ۵ هزار دلار نیز بابت این اقدام به سازمان جاسوسی ترکیه پرداخت کرده است و این دختران به این ترتیب وارد سوریه شده و بین فرماندهان گروه‌ها تقسیم شده‌اند.

#### جهاد زنای ناصر العمر با خواهرش

به ادعای رسانه‌های شیعی عراقی، شیخ وهابیت ناصر العمر نیز از خواهرش درخواست ادای فریضه جهاد نکاح کرده و خواهرش به تقاضای او جواب مثبت داده است.<sup>۲</sup>

#### جهاد لواط و استمناء!

اعضای گروهک شبه نظامی جبهة النصره رسماً اعلام کرده‌اند، به فتوای مفتی سلفی ایمان دارند و آن را به اجرا در خواهند آورد؛ تروریست‌های تکفیری با استناد به این فتوا اعلام کرده‌اند که امروز آنها از نظر دینی این حق را دارند با محارم خود نزدیکی کنند. و خداوند گناهی را برای آنان و نزدیکانشان ثبت نخواهد کرد؛ چرا که این امر توسط شیخشان حلال شده است.<sup>۳</sup>

خبرها حاکی از آن است که، فتوای ناصر العمر تنها پرده از این عمل ناشایست و

۱. مشرق نیوز، مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۱.

۲. همان، مورخ ۹۲/۱۱/۹.

۳. مشرق نیوز، مورخ ۹۲/۱۱/۹.





خلاف اخلاق برداشته و این عمل از مدت‌ها پیش در میان اعضای این گروه مرسوم شده است. به شکلی که کودکانی از این ارتباط به دنیا آمده‌اند و مشکلاتی از نظر هویت و... به وجود آمده است.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است، فتوهای عجیب تنها محدود به جهاد النکاح و ازدواج با محارم نمی‌شود، این افراد با استناد به رای و حکم شیوخ سلفی نظیر جهاد لواط و جهاد نکاح النفس، فحشا را در سرزمین شام گسترش می‌دهند؛ اینها قائل‌اند که با لواط هم، شخص بهشتی می‌شود.

نسخه کشف عورت برای پیروزی بر شیعیان

ناصر العمر، به مریدان خود توصیه کرد: «اگر نیروهای مجاهد در عراق و شام گرفتار شیعیان شدند، بهتر است برای رهایی از آنان (شیعیان) کشف عورت کنند؛ زیرا «عمر و عاص» این کار را جلوی پیشوای شیعیان علی عليه السلام انجام داد و جان خود را نجات داد».<sup>۲</sup>

وی خطاب به تروریست‌هایی که در سوریه و عراق علیه دولت‌های این دو کشور شورش کرده‌اند تأکید کرد: «بر شما رزمندگان مجاهد واجب است که جلوی رافضی‌ها کشف عورت کنید تا بتوانید جان خود را نجات دهید».

مسائلی برای زنان

رانندگی حق زن نیست

ناصر العمر در ویدئویی که در اینترنت نیز منتشر شد، همه کسانی را که خواستار صدور مجوز برای رانندگی زنان هستند و آن را ترویج و تشویق می‌کنند، به بی‌دینی و

۱. همان.

۲. همان.



نفاق متهم کرد. او در این ویدئو مجوزدهندگان برای رانندگی زنان را به جریان های سکولار منسوب کرده و آنان را منافق نامید؛ این در حالی است که یوسف القرضاوی، سلمان العوده، محسن العواجی، عائض القرنی و محمد القحطانی و محمد آل زلفه - که همگی از مبلغان و شیوخ مشهور وهابی هستند - برای زنان حق رانندگی قائل هستند و این کار را حق زنان می دانند.

#### ماه غسل حرام

ناصر العمر زن و مردی را که تازه ازدواج کرده اند، از رفتن به ماه غسل برای تفریح و گردش بر حذر می دارد؛ چراکه معتقد است زن و مرد در این سفر گناهی را مرتکب می شوند که زیان آور و خطرناک است و این یک بدعت عجیب محسوب می شود.

#### منابع

1. <http://www.asremrooz.ir>
2. <http://vahabiat.porsemani.ir>
3. <http://www.mohakeme.com>
4. <http://www.shia-news.com>
5. <http://bootorab.org>
6. <http://www.yjc.ir>
7. <http://syrianarmyfree.com>
8. <http://ar.wikipedia.org>
9. <http://www.alhejazi.net>
10. <http://www.aawsat.com>
11. <https://www.paldf.net>



12. <http://www.alsharq.net>
13. <http://travel.maktoob.com>
14. <http://shia-online.ir>
15. <http://www.shia-leaders.com>
16. <http://www.sonnat.net>



## عدنان عرعور



### زندگینامه

### کودکی

عدنان بن محمد العرعور متولد ۱۹۴۸م در «حماة» سوریه؛ نسب خانوادگی او را به شمال جزیره العرب از قبیله‌ای به نام «عنزه» می‌دانند.

### تألیفات

۱. کتاب ثلاث صلوات مهجورة؛
۲. کتاب أحكام القنوت؛
۳. کتاب الوصية الشرعية؛
۴. کتاب أدلة الإثبات بأن جدة میقات؛



۵. کتاب التشاؤم أنواعه وأحكامه؛
۶. کتاب أحكام التأمین وأنواعه وأحكامه بعنوان (التأمین بین التشدد والتساهل)؛
۷. فهرس کتاب الترغیب والترهیب للمندری؛
۸. فهرس معجم الطبرانی؛
۹. کتیب السبیل إلى منهج أهل السنة والجماعة؛
۱۰. الواقع المؤلم بین المعالجة المرتجلة والتأصیل الصحیح؛
۱۱. التیه والمخرج؛
۱۲. صراع الفكر والاتباع؛
۱۳. صفات الطائفة المنصورة؛
۱۴. منهج الاعتدال؛ وهو وقفات فی الإیمان والتکفیر والسیاسة والحکام ونقد الجماعات والرجال.

### تقدیرها و جوایز

وی با انتقاد از تشیع و تصوف، با مبانی جریان سلفی - تکفیری عربستان، برای خود توانست شهرت نسبی کسب کند و در اولین دوره بحث‌های خود، جایزه بین المللی نایف بن عبدالعزیز را هم به دست آورد؛ بسیاری از ناظران او را شیخی تکفیری می‌دانند که مدعی حمایت از اسلام است، اما مواضع او در تکفیر مردم عراق به‌خصوص در سخنرانی‌هایش، در تضاد با اسلام حقیقی است.

نکته جالب اینجاست که عرعور مشرب فقهی خاصی ندارد و فتاوایش - به تصریح مریدان و شاگردان و سایت شخصی‌اش - باری به هر جهت و به قولی بی‌مبناست.

کتاب‌هایی نیز از او منتشر شده که در موضوعات فقهی (احکام قنوت، وصیت شرعی و...)، حدیثی و مسائل روز بوده است و نوشته‌هایی را نیز در دست انتشار دارد. وی حضوری نسبتاً فعال در شبکه‌های مختلف تلویزیونی و ماهواره‌ای صفا، وصال، بیان سوریا الشعب و شدا که از لندن پخش می‌شود، دارد.



## فعالیت‌های سیاسی

در سال ۲۰۱۱م زمانی که وی با سخنرانی‌های خود به مخالفت شدید با نظام سوریه پرداخت و سران آن را تکفیر کرد، شبکه خبری «الدنیا» سوریه اسنادی از سابقه او در ارتش سوریه به معرض نمایش گذاشت که او را برای همیشه رسوا ساخت. شبکه الدنیا در این مستند که اکنون دیگر روی شبکه یوتیوب در دسترس قرار ندارد، اعلام کرد که اسناد نمایش داده شده ثابت کرده است که وی به هنگام گذراندن دوران خدمت سربازی خود در ارتش سوریه، با برخی از هم‌قطاران خود رابطه شنیع و نامشروع داشته و به همین دلیل به شدت توبیخ و در دادگاه نظامی سوریه محکوم شده است.

## پیشینه عرعور

او پدر معنوی مخالفان حکومت بشار اسد - که این روزها در سعودی زندگی می‌کند - به دلیل فساد اخلاقی، اخراجی ارتش سوریه بود، شخصیت مسئولی بود که اخراج شد و یک مدت در صحنه نبود، بعد از حدود ۱۰ سال غیبت از انظار، در عربستان به‌عنوان یک شیخ سلفی ظاهر شد. او الان مرجع فکری نیروهای سلفی سوریه است.

## دخالت در حضور ناظران بین‌المللی در سوریه

در بهمن سال ۹۰ ه.ش روزنامه «الوطن» چاپ دمشق نوشت: عرعور که در چند جنایت دست داشت و به عربستان پناهنده شد، زیر نظر عده‌ای به شیخ تبدیل شده به صدور فتوا ضد نظام سوریه پرداخته است. محمد احمد مصطفی الدابی رئیس هیئت ناظران اتحادیه عرب گفت: «تصمیم توقف مأموریت هیئت، به خاطر فتوای عدنان عرعور درباره مهدورالدم بودن خون اعضای هیئت اتخاذ شد».

الدابی خاطر نشان کرد: «فتوای مزبور تهدیدی برای امنیت و سلامت ناظران است و همزمان اقدام‌های خشونت‌آمیز را نیز افزایش یافت».

وی افزود:



این عوامل فضای منفی روانی برای ناظران ایجاد کرد، البته اگر تغییری در وضعیت ایجاد شود، شورای اتحادیه عرب در نشست آتی خود هیئت را بار دیگر مأمور از سرگیری مأموریت خود در سوریه می‌کند و ناظران نیز آماده استقرار در مناطق متشنج و معترض هستند.

با این حال، پایگاه خبری «دام پرس» در مطلبی نوشت:

تردید نیست که شیخ عدنان عرعور در نوع خود پدیده‌ای است که بر خلاف اختلافات درباره حقیقت تاثیرگذاری او و اینکه نماینده چه کسی [از مردم و جریان‌های سیاسی سوریه] است توانست به بخشی از آنچه انقلاب سوریه نامیده می‌شود، رنگ و بویی خاص بدهد و به آن مشخصه شخصی خود را ببخشد تا جایی که خیلی از اسامی و اصطلاحاتی که از اسم او مشتق شده است، وارد زبان هواداران و مخالفان نظام سوریه و وارد جملات مدح و ذم آنان شد.

### عرعور مغضوب و مورد اعتراض علمای وهابی

غیر از فتاوی و وحشیانه عرعور درباره شیعه کشی و توهین او به رسول خدا ﷺ، دیگر مطالب او نیز در حوزه‌های اخلاق، تربیت، تاریخ، فقه و... حتی مورد اعتراض دیگر وهابیان قرار گرفته که از آن جمله می‌توان به این افراد اشاره کرد:

۱. شیخ محمد بن صالح العثیمین، ۲. شیخ صالح بن فوزان، ۳. شیخ احمد بن یحیی نجمی، ۴. شیخ عبدالله بن صالح الغدیان، ۵. شیخ عبدالله بن عبدالرحمن البسام، ۶. شیخ عبید بن عبدالله الجابری، ۷. شیخ زید بن هادی المدخلی.

### فتاوی مضحک شیخ دلکک برای براندازی نظام سوریه

اربعین ذکر الله اکبر برای سقوط بشار اسد

آرا و نظرها درباره تاثیر شیخ عرعور هرچه که باشد، معروف است که «الله اکبر»





گفتن برای براندازی نظام، از ساخته‌های اوست. به طوری که از هواداران خود خواست تا نیمه‌شب هر شب الله اکبر بگویند و به مدت ۴۰ شب مداومت کنند تا نظام سوریه سقوط کند. مخالفان به این نسخه عمل کردند و ۴۰ شب را هم اجرا کردند ولی نظام سقوط نکرد تا اینکه، این نسخه یکی از ویژگی‌های مخالفان سوریه شد و فرق نمی‌کرد که گرایش آنان به سوی لیبرال‌هاست یا دین‌گراها یا لائیک‌ها.

### قابلمه کوبی بر پشت بام‌ها برای اسقاط نظام سوریه

پس از نسخه الله اکبر، شیخ عرعور نسخه «قابلمه کوبی» تجویز کرد و از هواداران خود خواست تا در اوایل بحران در سوریه، در بالکن‌های منازل خود یا در خیابان‌ها بر پشت قابلمه‌ها بکوبند و بیشترین سر و صدا را تولید کنند و به آنان وعده کرد که این سر و صدا در سرنگونی نظام سوریه تاثیر خواهد داشت.

برخی هواداران نظام سوریه، میزان تاثیر این شیخ سنی سلفی افراطی را اندک و او را دلقک می‌دانند. حتی «رفیق لطف» روزنامه‌نگار معروف در یکی از برنامه‌های «ناگفته‌های باباعمر» اعلام کرد که مخالفان نظام، شیخ عرعور را مسخره می‌کنند و احترامی برای او قائل نیستند، اما این امر را آشکارا نمی‌گویند، هرچند که باید گفت که برخی از مخالفان، به شیخ عرعور احترام می‌گذارند.

### مضحکه کارتون تام و جری

جالب اینجاست که فتاوی تمسخرآمیز وی، گاه باعث شده سخنرانی‌های او را لابه لای کلیپ‌های تام و جری بگنجانند به شکلی که فتاوی او درباره تحریم تام و جری، باعث خنده تام هم می‌شود.

### تغییر روبه و اقبال مخالفان سوری به شیخ انقلاب (شورش)

اگر تا قبل از این، حرف‌های شیخ عرعور سبب خنده و تمسخر برخی هواداران



نظام سوریه می‌شد و سبب می‌شد او را به دلیل این نسخه‌ها و عمل کنندگان به آنها، را به تمسخر بگیرند و حرف‌هایش را یک مشت خزعبل بدانند - که نشانه ضعف عقلی شیخ عرعور و هوادارانش است - اما حقایق به دست آمده نشان می‌دهد که فراخوان‌های او در ابتدا با اقبال طیف‌های مختلف مخالفان روبه‌رو می‌شد و چندان فرقی میان لائیک‌ها یا متدین‌ها نبود. این حقیقت، از تاثیرگذاری شیخ عرعور بر روان و روحیه مخالفان و نشان از توانایی عرعور در کنترل کردن بخشی از رفتار مخالفان دارد؛ حال عقیده هوادارانش هرچه می‌خواست باشد فرقی نمی‌کرد.

شیخ عرعور در میان کسانی که هوادار او هستند و منتسب به جریان‌های دینی مانند اخوان المسلمین [سوریه] هستند، دارای القابی مانند «شیخ انقلاب» یا «فرمانده میدانی» است. هواداران شیخ وی را رکن اساسی ارکان انقلاب می‌دانند و دستورات اوست که اتفاقات را ایجاد می‌کند و به عقیده خودشان سبب جریان آن در مسیر درست می‌شود.



عرعور در میان نظامیان سوری با سلاحی در کنار دستانش



اما در میان هواداران نظام سوریه، شیخ عرعور سمبل افراط‌گرایی، تعصب دینی و یکی از دعوت‌کنندگان به فتنه مذهبی و تحریک فرقه‌ای و مرجعی برای فتاوی‌ای قتل و خشونت است. استناد این افراد هم، برخی سخنان شیخ عرعور است که در آن به مردم شیعه و سران سیاسی آن در لبنان، عراق و ایران حمله می‌کند. همچنین دیگر سخنان وی که نشان داده است ریخته شدن خون مردم برای او اهمیتی ندارد، به‌خصوص آن سخن او که مرگ ۱۰۰ هزار نفر از مردم شهر حلب یا دیگر جاها برای او بی‌اهمیت است. علاوه بر این او از گروه‌های مسلح تروریستی مانند گروهک ارتش آزاد سوریه دفاع کرده و این گروهک را تنها نماینده قانونی و شرعی مردم سوریه و انقلاب [!] این کشور می‌داند.

بنابراین سادگی است که عرعور را به تمسخر و استهزاء محدود کنیم. او به هر حال یاران و مریدانی دارد. او از جماعت اخوان المسلمینی است که مخالفان خارج از سوریه را هدایت می‌کند و نقشی مهم در عملیات مسلحانه و تشکیل گروهک ارتش آزاد داشت. علاوه بر این او توانست بیشتر مخالفانی که خود را لائیک می‌دانستند، با سخنرانی‌هایش جذب کند و با کلمات ابتکاری‌اش بر آنان سلطه پیدا کند.

### شیخ دیکتاتور و بی‌معارض معارضان سوریه

مهم‌تر از آنچه بیان شد که دلیلی است بر مؤثر بودن سخنان عرعور، این است که شیخ عرعور تنها شخصیت در میان مخالفان سوریه است که هیچ یک از معارضان نمی‌تواند آشکارا از او انتقاد کند؛ چه سیاسی چه دینی. حال این مخالفان چه اشخاص باشند چه هیئت‌ها چه شوراهای.

ناگفته نماند که یک سال پیش، به هنگام تأسیس اتحادیه هماهنگی‌های انقلاب، شیخ عرعور سیلی محکمی به این اتحادیه زد، وقتی که گفت این اتحادیه نماینده هیچ کسی از مردم نیست و این اتحادیه تنها سکوت کرد و جوابی نداد بلکه پس از آن نیز



برخی اعضای وابسته به این اتحادیه، در شبکه‌های ماهواره‌ای مانند وصال - که سخن می‌گفتند - تملق شیخ را می‌گفتند و در بزرگداشت و اظهار نهایت احترام خود برای عرعور و اندیشه و شخصیت او دریغ نمی‌کردند؛ فراتر از این، برخی افسران و فرماندهان گروهک ارتش آزاد با شیخ عدنان عرعور بیعت کردند و نقش رهبری و هدایت‌گونه او را به رسمیت می‌شناسند، از ریاض الاسعد فرمانده این گروهک گرفته تا سروان فراری عمار الوای و خالد الحمود و دیگران که افسران رده پایین‌تر آن هستند؛ آنان در شبکه‌های ماهواره‌ای مانند وصال در حضور عرعور قرار می‌گیرند.

### جهاد فرزندان عرعور در شام و ماهواره‌ها

عرعور همانند عریفی - مفتی دیگر معارضان سوری - از دور، دستی بر آتش دارد. چهار فرزند وی درباره پدر اختلاف نظر دارند. در این میان جابر فرزند خردسال او، بیشترین اختلاف را با پدر دارد. وی در برنامه‌ای زنده چنین از پدر انتقاد می‌کند:

مجری: جابر پدرت می‌تواند در سوریه مانند رئیس جمهور حکومت کند؟

جابر (فرزند عرعور): نه! این رو نمی‌خوام!

مجری: نمی‌خواهی؟! برای چی؟!؟

جابر: برای اینکه دنیا رو (همه چیز رو) تغییر خواهد داد! جلوی نصف مواد غذایی رو می‌گیره! صابون شامپو شکر چای.

مجری: پس چطور می‌خواهی زندگی کنی اگر همه این چیزها رو ممنوع کنه؟

جابر: نمیدونم!

مجری: تو خودت رو جدا کردی؟

جابر: بله! مجری: از چی؟

جابر: از شیخ عدنان!



مجری (با حالت شوک شده! به شیخ عرعور): حرف خیلی بزرگی میزنه شیخ!

مجری برای بار دوم: از شیخ عدنان خودت رو جدا می کنی؟

جابر: بله!

مجری: چرا؟

جابر: (ادای پدرش رو در میاره میگه) بشار اسلحه داره می جنگه، شیخ رو صندلی نشسته دستور میده فلان شهر قیام کنید بپاخیزید! بیرون بریزید! اما بشار سلاح رو بکار می گیره کار رو تمام می کنه! (و همین طور ادامه میده به تقلید کارهای پدرش) به خدا بشار از تو بهتره! (کارش درست تره!) چطور می خواهی مردم پیروز بشن از روی صندلی!

مجری: بعضی وقتها هم بپا می خیزه شیخ!

جابر: بله بپا می خیزه! اما از روی صندلی! نه اینکه بره سلاح دست بگیره! بلند میشه حرف میزنه! بلند میشه گریه میکنه! (ادای گریه کردن پدرش رو در میاره!) این چه رفتاریه؟ غیر ممکنه سوریه این طوری پیروز بشه!

مجری: حالا جدا شدی به کی پیوستی؟

جابر: در وسط! نه بشار نه این! فقط با انقلابیون.

چندی قبل العربیه اعلام کرد که یکی از مخاطبان این شبکه، یک شیخ مشهور را با سؤال خود در انفعال قرار داده و از او پرسیده که چرا چهار پسرش برای جهاد به سوریه نرفته اند؟، و منظور وی، شیخ عدنان عرعور بود.

گفتنی است اخیرا بعضی شیوخ تکفیری از جمله العریفی و عرعور، مورد حملات شدید رسانه ای قرار گرفته اند و بسیاری از کاربران و فعالان اینترنتی آنان را به خیانت و نفاق متهم می کنند و مورد تمسخر قرار می دهند.



حازم عرعور پسر شیخ عرعور

از تمیزی صورت و لباس و خط اتوی لباسش می‌توان به میزان حضورش در جبهه‌ها پی برد!

حازم عرعور در میان فرزندان عدنان عرعور، بیش از دیگر برادران، با پدر خود همراهی می‌کند و در برنامه‌های تلویزیونی و مساجد به تبیین و توضیح مطالب پدر می‌پردازد.

#### تغییر موضع نسبت به داعش

شیخ عدنان عرعور، از مفتیان افراطی عربستان چند روز پس از اینکه گروه داعش را برادران خود توصیف کرد، با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای از مواضع قبلی‌اش، هم اکنون این گروه را جنایت‌کاران و جنایت‌کارانی در سوریه می‌نامد!

وی در یکی از شبکه‌های تلویزیونی سعودی گفته بود: «نیروهای گروه داعش برادران ما هستند و ۹۹/۹۹ درصد از آنان مؤمن، مسلمان، راستگو، مخلص و جهادگر هستند و من با ابوبکر البغدادی بیعت می‌کنم؛ زیرا گروه داعش نیروهای مخلصی



هستند که برای حمایت از مردم سوریه از نیروهای داخلی و خارجی سوریه به این کشور آمده‌اند».

شیخ عرعور به تازگی در یک برنامه دیگر تلویزیونی اعلام کرد: «گروه داعش مجرم و جنایت‌کار است و اکنون دیگر پرده از این گروه جنایت‌کار برداشته شده است؛ زیرا خائن کسی است که جوانان را بدون آموزش به جنگ می‌فرستد و به آنها کمر بند انتحاری می‌بندد و به مناطق مختلف می‌فرستد تا آنها را از بین ببرد. ای احمق‌ها بدانید اینها همه صفت خائنان است».

عرعور در گفت‌وگو با شبکه «شدا» - که از سوی دستگاه اطلاعات عربستان حمایت مالی می‌شود - برای دستگیری ابویمن العراقي فرمانده ساحل در گروه داعش، جایزه تعیین کرد.

وی خاطر نشان کرد که این فرد، افسری از سازمان اطلاعات عراق است و گمان نمی‌کند که حاضر شود در برابر دادگاهی شرعی پاسخ‌گو باشد.

عرعور، همچنین ابویمن را متهم کرد که برای خلاصی یافتن از انتحاری‌هایی که از عربستان به سوریه می‌آیند، آنها را به عملیات می‌فرستد و به کشتن می‌دهد.

عرعور افزود: «من همه اعضای داعش را متهم نمی‌کنم، اما بسیاری از آنها دست به اقداماتی غیرقابل توصیف زده‌اند. به این ترتیب عناصری از داعش که قوانین خداوند را اجرا نکنند، در حکم خوارج هستند، آنها سگ‌های جهنم یا عناصر سازمان اطلاعات هستند».

وی در ادامه پرده از علت خشم خود برداشت و گفت: «داعش با حمله به برادران ما در گروه احرار الشام مرتکب جرم و تجاوز شده‌اند».

به این ترتیب مشخص می‌شود که عرعور نگران شکست‌های سنگینی است که در درگیری‌های داخلی میان گروه‌های مسلح گروه‌های وابسته به عربستان سعودی وارد



شده است؛ گروه‌های مسلح تأکید می‌کنند که ابوالوائل العراقی از سران داعش، قاتل ابوبصیر اللاذقانی و جلال بایرلی فرمانده سابق گروه موسوم به هجرت به سوی خدا است که شماری از پرسنل بیمارستان صحرایی نزدیک روستای ربیعہ را کشت و شش شخص دیگر از جمله شیخ جلال بایرلی را اعدام کرد.

ناظران سیاسی بر این باورند که اتهامات عرعور ضد داعش، تلاشی سعودی برای در تنگنا قرار دادن این گروه از خارج است؛ زیرا این گروه در درگیری با گروه‌های مسلح وابسته به عربستان سعودی در سوریه ضربه‌های سختی به آنها وارد کرده است.

### عذرخواهی از داعش

پیروان و طرفداران داعش، نواری از مفتی وهابی عدنان عرعور را منتشر کردند که در یک جلسه خصوصی با دوستانش از چگونگی برخورد با داعش سخن می‌گوید. نکته قابل توجه در این نوار این است که عرعور آن‌قدر به کسانی که برای آنها سخنرانی می‌کند، اطمینان دارد که با کمال صراحت و راحتی صحبت می‌کند و گویا مطمئن است که سخنانش به هیچ وجه به جایی دیگر منتقل نمی‌شود چه برسد به اینکه در فضای مجازی منتشر شود.

عرعور انتقاداتی تند همراه با تمسخر واضح نسبت به داعش روا می‌دارد به نحوی که با خنده حضار همراه می‌شود، تا جایی که یکی از همین حضار داعش را به گربه‌ای تشبیه می‌نماید که می‌خواهد خود را شیر نمایش دهد.

اما موضوع مهم‌تر، این است که عرعور، جمع حاضر را به جنگ با داعش و متنفّر ساختن مردم از آنها و تلاش برای تخریبشان دعوت می‌کند و در گامی جلوتر به صورت علنی آنها را فاسد توصیف کرده و ریختن خونشان را مباح اعلام می‌کند.

در پی انتشار این نوار ویدئویی، طرفداران داعش عرعور را راس فتنه خوانده‌اند و بسیاری از آنها در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی خواهان قتل و خلاص شدن از شر وی شده‌اند.

به دنبال این امر طرفداران گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام





داعش) نیز فایل ویدئویی منتسب به شیخ عرعور را در پایگاه‌های ارتباط اجتماعی منتشر کردند که وی در آن خون عناصر داعش را مباح می‌شمرد.

شیخ عرعور در واکنش به این موضوع، در صفحه خود، - در سایت توئیتر - صحت این فایل را تکذیب کرده و نوشته است: «آنچه به من منتسب شده و ادعای مباح شمردن خون مجاهدان از سوی من دروغ و ساختگی است.

سخنان پراکنده مرا سرهم کرده‌اند و آن را ساخته‌اند... هرکس کمی در این فایل دقت کند به ساختگی بودن آن پی می‌برد... ما مردمی هستیم که بیش از هرکس به خون انسان‌ها احترام می‌گذاریم، پس چطور ممکن است ریختن خون یک مجاهد مسلمان را مباح بدانیم حتی اگر با ما مخالفت کند و مارا کافر بداند. لعنت خدا بر کسانی که خون اینان را مباح می‌دانند و به ما دروغ می‌بندند».

عناصر و طرفداران داعش با ایجاد صفحه‌ای خاص در توئیتر به حملات خود علیه عرعور ادامه می‌دهند و پیش بینی می‌شود منازعات در این زمینه بالا بگیرد.

### مسافرت برای جمع‌آوری کمک‌های مالی برای معارضان سوری

«عبدالرؤوف الشایب» سخنگوی انقلابیون ۱۴ فوریه گفته بود:

اکنون خبرهایی از ورود عدنان عرعور از حامیان مخالفان مسلح در سوریه به بحرین منتشر شده و او قصد دارد برای ارائه کمک‌های مالی و لجستیکی به عناصر مسلح در سوریه، کمک‌های مالی بیشتری جمع‌آوری کند.

ظاهراً علاوه بر جمع‌آوری کمک‌های مالی، وی به تحریک و تشدید سرکوب شیعیان بحرین نیز پرداخته است.

عبای عدنان عرعور در این سفر به صورت علنی در مسجد شیخان در منطقه «الرفاع» بحرین به مزایده گذاشته شد؛ این مزایده با پیشنهاد هزار دیناری «عبدالحلمیم مراد» از نمایندگان مجلس بحرین، آغاز شد. در نهایت این عبا به مبلغ ۱۵ هزار دینار



توسط فردی به نام «عارف الکوهجی» خریداری شد.

ورود عرعور به بحرین، یک روز پس از انتشار خبر کشته شدن یکی از تروریست‌هایی صورت گرفت که از بحرین به سوریه اعزام شده بود؛ برگزار کنندگان این مزایده مدعی شدند پول فروش این عبا برای کودکان سوریه مصرف خواهد شد! این درحالی است که کودکان سوریه یکی از قربانیان اصلی جنگی هستند که گروه‌های مسلح و تروریستی با حمایت غرب و هم پیمانان منطقه‌ای آن به ویژه عربستان، قطر و ترکیه به راه انداخته‌اند.

ادعای جمع‌آوری و رساندن این پول‌ها و کمک‌های مالی به دست کودکان سوریه، در حالی است که حدود دو ماه قبل نماینده سازمان جهانی بهداشت در سوریه اعلام کرد، هیچ کدام از کمک‌هایی که کشورهای عربی برای کمک به آوارگان و مردم سوریه وعده داده بودند، به دست این سازمان نرسیده است.

«الیزابت هوف» در جریان بازدید از بیمارستانی در دمشق، تأکید کرده بود که هیچ کمکی از شرکت کنندگان در کنفرانس کمک کنندگان به مردم سوریه دریافت نکرده است.

وی خاطر نشان کرد:

بیشتر اعضای فعال این سازمان در سوریه از شهروندان سوری هستند و آنها همچنان در حال ارائه خدمات به مردم در مناطق مختلف این کشور هستند.

نماینده سازمان جهانی بهداشت در سوریه گفت:

سازمان جهانی بهداشت امسال کمک‌هایی از برخی طرف‌های غربی دریافت کرده است، ولی هیچ کمکی از کشورهای حوزه خلیج فارس که در کنفرانس کویت شرکت داشتند، دریافت نکرد. با این حال حمایت این سازمان از مردم سوریه ادامه می‌یابد.

در جریان نشست کویت - که در بهمن ۹۱ ه.ش با حضور کشورهای عربی برگزار شد - این کشورها - که برخی از آنها حامیان اصلی گروه‌های مسلح و تروریستی در سوریه هستند - مدعی شدند مبالغ هنگفتی را برای کمک به مردم سوریه و آوارگان سوری اختصاص داده‌اند.

### نامیدی از پیروزی در سوریه

پس از چندی فعالان اینترنتی، ویدئویی از عدنان عرعور بر شبکه‌های اجتماعی قرار داده‌اند که از دلایل پیروزی‌های ارتش سوریه می‌گوید.



گویا این مفتی وهابی پس از شکست‌های مکرر تروریست‌ها به نوعی ناامیدی دچار شده است، وی در اظهاراتش دلیل پیروزی ارتش سوریه و باقی ماندن حکومت فعلی این کشور را، تبعیت از سنت‌های الهی می‌داند.

عرعور در ادامه از تروریست‌هایی که از خارج سوریه به این کشور آمده‌اند، انتقاد می‌کند و آنها را مسئول شکست همه می‌داند و می‌گوید: «اینها می‌خواهند سوریه را به افغانستان دوم تبدیل کنند».



## اعتراض قاطع صالح فوزان و مریدانش به عرعر!

«داود الشریان» مجری سرشناس عربستانی در اظهاراتی بی سابقه، جهاد در سوریه را ادعایی دروغ توصیف کرد که حتی مفتیان و مبلغان این کشور حاضر نیستند فرزندان خود را به چنین جهادی بفرستند!

مجرى برنامه «الثامنه» در شبکه ام بی سی، با استناد به فتوای صالح الفوزان از اعضای هیئت علمای ارشد سعودی، تحولات سوریه را فتنه توصیف کرد که انسان، نباید درگیر آن شود.

الشریان در یکی از پست‌های خود در تویتتر، جهاد در سوریه را دروغ خواند و خطاب به عرعر نوشت:

اگر تو و امثال تو واقعا به وجود جهاد در سوریه ایمان دارید، چرا پیش از هر کسی، فرزندان خود را برای جهاد نمی‌فرستید؟

الشریان تأکید کرد:

این مفتی، جوانان را برای رفتن به سوریه تحریک می‌کند؛ زیرا جنگ در این کشور او را معروف کرده است؛ به همین سبب همواره به دیدن در آتش این جنگ ادامه خواهد داد تا همچنان به عنوان ستاره‌ای تلویزیونی و جمع‌آوری کننده کمک‌های مردمی باقی بماند.

داود الشریان همچنین در برنامه الثامنه در شبکه سعودی ام بی سی، در اقدامی بی سابقه برای نخستین بار به موضوع تحریک جوانان عربستانی برای جنگ در سوریه پرداخت.

اقدام بی سابقه این شبکه سعودی در مطرح کردن این موضوع جنجالی، در حالی است که این کشور یکی از حامیان اصلی گروه‌های مسلح و تروریستی به ویژه داعش و جبهة النصره در سوریه است.



الشریان همچینین به عدنان عرعور گفت: «تو ای عرعور از کجا به کشور ما آمده‌ای؟! ما را از شر خودت راحت کن».

### سفر ناتمام و یک روزه به کویت

به گزارش شبکه العالم، جزئیات سفر عدنان عرعور، مالک شبکه تکفیری وصال به کویت هنوز مشخص نشده است، ولی روزنامه کویتی «السیاسه» به نقل از منابع امنیتی اعلام کرد که عرعور با دعوت خصوصی وارد کویت شد و هنگام ورود به این کشور با هیچ مشکلی مواجه نشد.

به گفته این منابع، مسئولان امنیتی کویت معتقد بودند که حضور عرعور در این کشور باعث بروز اختلاف و آشوب می‌شود و عرعور نیز می‌دانست که خروجش از کویت بهترین راه حل است و تا زمانی که اوضاع منطقه تغییری نکرده است، نمی‌تواند به کویت سفر کند.

بر اساس این گزارش، ورود عرعور به کویت با گذرنامه عربستانی صورت نگرفته و به احتمال قوی وی با دعوت محمد هایف - نماینده سابق مجلس کویت - وارد این کشور شد تا در جلسه مرکز موسوم به حمایت از انقلاب سوریه شرکت کند و مسئله قابل توجه اینکه، هایف هنگام خروج عرعور از کویت در فرودگاه وی را بدرقه کرد.

منابع آگاه نیز اعلام کردند:

عرعور دو روز پیش در دفتر «غنام الجمهور» نماینده سابق مجلس کویت، با گروهی از نمایندگان سابق این مجلس و مبلغان دیدار کرد که در این دیدار اوضاع سوریه بررسی شد و کمک‌های مالی نیز جمع‌آوری و به عرعور تحویل داده شد، ولی یکی از منابع امنیتی جمع‌آوری کمک‌های مالی را به علت غیرقانونی بودن آن تکذیب کرد.

کاربران شبکه‌های اجتماعی عرعور را تکفیری و فتنه انگیز توصیف و سفر وی به



کویت را محکوم کردند.

یکی از نمایندگان مجلس کویت به نام «صفاء الهاشم» نامیدن عرعور را عنوان عالم را نادرست دانست و گفت:

عرعور عالم دین نیست، و چیزی از مسائل دینی نمی‌داند و من بیشتر از عرعور به علوم دینی آگاهی دارم.

«معصومه المبارک» دیگر نماینده مجلس کویت نیز گفت:

سایت یوتیوب ماهیت کریه، عقاید تکفیری، کینه توزی و فتنه انگیزی عدنان عرعور را برای همگان فاش کرد.

المبارک افزود:

وزارت کشور کویت چرا در اوضاع ناآرام کنونی منطقه به چنین فردی که عقاید مخربی دارد، اجازه ورود به کشور را می‌دهد؟

«عبدالله التمیمی» نماینده کویتی اعلام کرد:

کویت به مقصد اخوانی‌ها و ارتش آزاد سوریه تبدیل شده است و اگر مسئولان امنیتی اقدامی برای جلوگیری از ورود این افراد به کویت نکنند، خودمان دست به کار می‌شویم.

عبدالله التمیمی، عرعور را به دست داشتن در ریختن خون بسیاری از مسلمانان متهم کرد و گفت:

حتی مخالفان میانه رو نظام سوریه نیز عرعور را قبول ندارند و رسانه‌ها هم پیوسته به عرعور حمله می‌کنند.

«خلیل الصالح» دیگر نماینده مجلس کویت اظهار داشت:

خطر اختلافات مذهبی و قومیتی منطقه را تهدید می‌کند و ما باید مانع موفقیت فتنه‌گران شویم.

«صالح عاشور» عضو مجلس نمایندگان کویت نیز اعلام کرد:



منطقه مرحله خطرناکی را پشت سر می گذراند و اجازه دادن به عرعور برای ورود به کویت در این شرایط اقدامی غیرمنطقی است.

## عرعور و شیعه‌ستیزی

### اعتراف به وجود امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)

وی در یکی از برنامه‌های تلویزیونی در فتوایی محکم و قاطع و مخالف با بسیاری از اهل سنت تأکید می‌کند: «من معتقدم الان (امام) مهدی (عجل الله تعالی فرجه) موجود و زنده است». گویا به نحوی قصد دارد این موضوع نیز در میان دیگر مطالبش به سخره گرفته شود و در برنامه‌ای دیگر می‌گوید پیوند و اتفاق شیعه و سنی در موضوع امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) تنها در «م ه د ی» است نه بیشتر؛ در همین برنامه برای تمسخر روایتی درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) هم جد و مادر امام حسین (عجل الله تعالی فرجه) (حضرت زهرا - عجل الله تعالی فرجه) - را ایرانی و نعوذ بالله کافر می‌داند هم جد پدری ایشان را (رسول خدا (ص)).

### منتظر و سرباز سفیانی

عدنان عرعور، در سخنانی از تریبون تبلیغاتی خود، موسوم به شبکه شذا، گفت: امیدواریم انشاء الله زیر لوای پرچم لشکر سفیانی باشیم. امیدوارم سربازان شایسته‌ای برای ارتش سفیانی باشیم تا شیعیان را به سزای اعمالشان برسانیم.

### دستور ترور بزرگان و مشاهیر شیعه

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (عجل الله تعالی فرجه) «ابنا» مقامات امنیتی سوریه، قاتلین شهید شیخ عباس لحام امام جماعت حرم حضرت رقیه (عجل الله تعالی فرجه) را بازداشت کردند؛ بر اساس این گزارش، این گروه تروریست در اعترافات خود گفته‌اند: دستوراتی را از عدنان عرعور



مفتی برجسته وهابی، دریافت کردند و در قبال اجرای عملیات ترور وی، اموالی را دریافت کردند. عرعور که مدعی لزوم اتحاد ادیان بوده است، هرکس را در آشوب‌ها و شورش‌ها شرکت نکند، کافر می‌داند. وی پیش از این در برخی شبکه‌های ماهواره‌ای به شدت به شیعیان اهانت و آنان را مشرک خوانده بود.

گفتنی است، شیخ عباس لحام امام جماعت حرم حضرت رقیه رضی الله عنها، از سوی عناصر تروریستی وابسته به وهابیت در دمشق به شهادت رسید. وی پس از اقامه نماز جماعت مغرب و عشا، به‌هنگام خروج از حرم حضرت رقیه رضی الله عنها، از سوی گروهی که خود را در یکی از کوچه‌های اطراف حرم مخفی کرده بودند، هدف گلوله قرار گرفت.

حجت الاسلام والمسلمین سید ناصر العلوی - خطیب و امام جماعت حسینیة العلویه - نیز در منطقه زینبیه دمشق با مسلسل مورد هدف قرار گرفت و به شهادت رسید.

شمار زیادی از شهدای حوادث تروریستی در سوریه را شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام تشکیل می‌دهند.

گروه‌های تروریستی مسلح که از سلفیان به شمار می‌روند، تاکنون با اجازه فتوا از مفتی‌های وهابی و تکفیری، اقدامات تروریستی فاجعه باری را علیه شهروندان سوری به ویژه شیعیان مرتکب شده‌اند.

عدنان در یکی از اظهارات خود در یک نوار ویدئویی، شیعیان سوریه را تهدید به قتل عامی وحشتناک می‌کند.

وی در تهدید خود می‌گوید: «باید شیعیان کشته، گوشت آنها را چرخ کرده و جسد آنها جلوی سگ‌ها انداخته شود تا آنها را بدرند».

عدنان عرعور در کنار تندروهای وهابی و سلفی، در سوریه علیه نظام حاکم ایستاده و با دیگر مخالفان دولت بشار اسد، رؤیای ایجاد یک حکومت ضد شیعی هم‌جهت با وهابیت را در سر می‌پروراند.





## منابع

١. أخطر محرّض على إسقاط الأسد: لولا رسائلنا للسوريين لطالت الدماء الركب، قبيسي، كمال (١٥ أغسطس، ٢٠١١)، لندن: العربية دوت نت. Retrieved 9 أغسطس، ٢٠١٢م.

١. سيرة الشيخ الشخصية ونسب أسرته في لقاء تلفزيوني على قناة دليل

<http://www.youtube.com>

٢. العمرى، على (الاثنين ١٦ ربيع الأول ١٤٢٦ هـ. ق / ٢٥ ابريل ٢٠٠٥م). نيابة عن ولى العهد، الأمير سلطان يشهد حفل جائزة نايف العالمية للسنة النبوية والدراسات الإسلامية. المدينة المنورة: صحيفة الشرق الأوسط. Retrieved 8 أغسطس، ٢٠١٢م.

3. <http://www.abna.ir>
4. <http://ar.wikipedia.org>
5. <http://www.abna.ir>
6. <http://www.aparat.com>
7. <http://s3.picofile.com>
8. <http://www.abna.ir>
9. <http://www.alrbanyon.com>
10. <http://www.velayattv.com>
11. <http://abna.com>
12. <http://www.abna.ir>
13. <http://zohur.net>
14. <http://www.mashregnews.ir>
15. <http://www.irinn.ir>



- See more at: <http://fa.alalam.ir>
- 16. <http://www.ana.ir>
- 17. <http://www.valiasr-aj.com>

## عادل بن سالم الکلبانی

### زندگی‌نامه

«عادل بن سالم الکلبانی» شیخ سیه چرده، درشت هیكل، ساختار شکن وهابی، اولین امام جماعت آفریقایی تبار مسجد الحرام، با صدایی بم و لحنی زیبا، از «رأس الخیمه» به عربستان سعودی مهاجرت کرده است.

او در محافل فرهنگی عربستان، به فقدان وزن علمی و نداشتن آگاهی‌های کافی مشهور بوده و به لحاظ شخصیتی، یک فرد متزلزل و فرصت طلب قلمداد می‌شود.





## اوبامای سعودی!

نیویورک تایمز، کلبانی را - که در ۱۳۷۸ ه.ق به دنیا آمده - در گزارش خود - که ترجمه عربی آن در شماره روز یکشنبه ۲۰۰۹/۴/۱۲م روزنامه الشرق الاوسط منتشر شد - «اوبامای سعودی» خواند. این مرد که فرزند مهاجر فقیری از منطقه خلیج [فارس] می‌باشد، خود را اوبامای سعودی می‌نامد. به تصریح خودش در ریاض به دنیا آمده و در مدارس سعید بن جبیر (ابتدایی)، و ابن زیدون (متوسطه)، تحصیلاتی کاملاً معمولی داشته و هیچ خاطره‌ای از دوران تحصیل نداشته و تنها نام یک معلم را بیشتر به‌خاطر نمی‌آورد.

در گزارش یاد شده آمده است: هنگامی که شیخ عادل الکلبانی در ماه سپتامبر گذشته به تلفن منزلش پاسخ داد، شخصی به وی گفت: خادم حرمین شریفین، ملک عبدالله بن عبدالعزیز، شما را به‌عنوان امام جماعت مکه مکرمه برگزیده است. شنیدن این خبر وی را کاملاً غافلگیر کرد.

به نوشته نیویورک تایمز:

شیخ عادل الکلبانی پس از دو روز به ملاقات خادم حرمین شریفین شتافت و شاهزاده خالد الفیصل به پیشواز وی آمد، هنگامی که می‌خواست خود را به او معرفی کند، شاهزاده با لبخند حرف او را قطع کرد و گفت: «شما مشهور هستید».



عکس نیویورک تایمز از کلبانی



پس از آن شیخ عادل به ملک عبدالله معرفی شد و در مکانی که پادشاه و جمعی از وزرا نشسته بودند، جای گرفت. وی که با ادب و تواضع آمیخته به شرم با پادشاه صحبت می‌کرد - به شیوه سنتی عرب‌ها در منطقه خلیج [فارس] - به منظور احترام و قدردانی به ملک عبدالله بر بینی وی بوسه زد!

و پس از چند روز شیخ عادل، با چهره کاملاً آفریقایی و صدای بم خود، مشغول تلاوت قرآن مجید از پشت بلندگوهای مسجدالحرام شد که از طریق ایستگاه‌های تلویزیونی در سراسر جهان پخش می‌شود.

نیویورک تایمز در گزارش خود افزود: شیخ عادل برای شوخی با اشاره به باراک اوباما رییس‌جمهور آمریکا، خود را اوبامای سعودی می‌نامد.

### سه دهه بی‌نمازی و لهو و لعب امام جماعت آینده مسجدالحرام!

در بخش دیگری از گزارش نیویورک تایمز درباره او آمده است:

پوست سیاه شیخ عادل تنها مانع اجتماعی وی نبوده است، از سوی دیگر پدر وی که در دهه پنجاه از رأس‌الخیمه - که هم اکنون یکی از امارات متحده عربی - است به کشور سعودی مهاجرت کرد و به‌عنوان یک کارمند ساده دولتی کم درآمد، مشغول به کار شد؛ شیخ عادل نیز پس از گذراندن مرحله دبیرستان به استخدام هواپیمایی پادشاهی سعودی در آمد و همزمان با آن تحصیلات شبانه را در دانشگاه ملک سعود آغاز کرد، ولی سپس به تحصیل علوم شرعی، حفظ قرآن مجید و علوم فقه اسلامی روی آورد.

او خود در مصاحبه با سایت «المنتدل اسلام العالمی» می‌گوید:

«من در دوران جوانی، یک آدم گمراهی بودم و نمی‌فهمیدم که دین و خدا و نماز یعنی چه؟ کارم، در کوچه و بازار گردیدن و سینما رفتن بود. حتی تا سن ۲۷ سالگی برای یک‌بار هم نماز نخوانده بودم. تا اینکه روزی در ماشین، رادیو را باز کردم و دیدم



که کسی قرآن می خواند و بعد متوجه شدم که صدای آقای منشاوی است. آیه ای را خواند: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ» مقداری تکان خوردم. بعد از این به فکر افتادم که بینم دین و خدا و نماز، یعنی چه؟ گاهی به مسجد می رفتم و یک روز نماز می خواندم و یک روز نمی خواندم. به مسائل عبادی، توجهی نداشتم و از نماز فرار می کردم.

تا اینکه تعدادی نوار قرآن گوش دادم و تعدادی از آیات را حفظ کردم. به خاطر اینکه صدای خوبی داشتم، مرا معین کردند به عنوان امام جماعت در مسجد جامع صلاح الدین در سلیمانیه عربستان سعودی. در سال ۱۴۰۵ ه. ق. از روی قرآن، برای مردم نماز تراویح می خواندم و مردم هم پشت سر من نماز می خواندند. ولی با این حال، خیلی زیاد آدم مذهبی نبودم.<sup>۱</sup>

### مهاجرت به عربستان

وی ابتدا به عنوان کارمند شرکت هواپیمایی سعودی در عربستان مشغول به کار شد، تا اینکه در سال ۱۹۸۴م در امتحان اداره اوقاف برای تصدی امامت جماعت قبول و به عنوان پیش نماز مسجد فرودگاه ریاض تعیین گردید.

او کارش را به عنوان امام جماعت مسجد صلاح الدین در منطقه «سلیمانیه ریاض» پایتخت عربستان ادامه داد در حالی که بر خلاف ائمه جماعت این گونه مساجد، حافظ قرآن نبود و سوره ها را از روی قرآن می خواند.

### اخراج از امامت جماعت

وی پس از ۴ سال، به عنوان امام جماعت مسجد «جامع ملک خالد» در شهر ریاض منصوب شد، اما با دستوری که از سوی دختران ملک خالد صادر گردید، از این منصب عزل شد! دلیل این برکناری، همچنان نامعلوم است!



### امامت مسجدالحرام

کلبانی فاقد تحصیلات دینی! سپس از سوی پادشاه سعودی به امامت جمعه و جماعت مسجدالحرام در شهر مقدس مکه منصوب گشت. او تا پیش از این، تنها به شکل غیر رسمی از درس برخی شیوخ وهابی استفاده کرده است؛ «بن جبرین» از مهم‌ترین اساتید وی بوده و تأثیرپذیری کلبانی از او در سخنرانی‌ها و خطبه‌هایش واضح است.

بن جبرین، از متعصب‌ترین شیوخ سلفی است که به خاطر فتاویٰ خشونت‌طلبانه و همراه‌کننده‌اش علیه پیروان دیگر مذاهب اسلامی - از جمله شیعیان - حتی تحت تعقیب دستگاه‌های قضایی اروپا نیز قرار دارد؛ وی فتاویٰ وجوب انهدام حرم ائمه اطهار (علیهم‌السلام) را نیز صادر کرده بود.<sup>۱</sup>

انتصاب کلبانی به‌عنوان امام مسجدالحرام به دلیل بی‌سوادی و بی‌اطلاعی - که به غیر از صوت و لحن شرایط دیگری مانند عالم بودن را نیز می‌طلبد - عکس‌العمل‌ها و واکنش‌های زیادی را در خود محافل علمی وهابی نیز برانگیخت. خود وی در همان مصاحبه معروف با «بی.بی.سی»، انتخابش به‌عنوان امام مسجدالحرام را دلیلی بر



شجاعت ملک عبدالله دانست؛ چرا که علاوه بر برخوردار نبودن از تحصیلات متناسب با این مقام، دارای پوست سیاه نیز هست و سیاه‌پوستان در جامعه عربستان از جایگاه اجتماعی پایینی برخوردارند.

### دوست و همسفر بن لادن

کلبانی همچنین از دوستان و هم‌فکران نزدیک «اسامه بن لادن» است و در دهه ۸۰ میلادی به منظور همراهی با بن لادن، به افغانستان هم سفر کرد؛ اما پس از آنکه از سوی وزارت کشور سعودی جذب شد از طرفداران حاکمیت گردید. وی دو همسر و حداقل ۱۲ فرزند دارد.



### فتاوا و مواضع کلبانی

#### تکفیر شیعیان

کلبانی در مصاحبه با شبکه بی.بی.سی، شیعیان را تکفیر کرد و گفت: «من نمی‌توانم بپذیرم کسی که جایگاه خلیفه اول را می‌داند، او را ناسزا می‌گوید و با بغض و عداوت او، به خداوند تقرب می‌جوید و او را لعن می‌کند، من به چنین فردی، نمی‌توانم مسلمان بگویم و شکی در کفر او نیست».





وی در این مصاحبه که شامگاه دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸ ه.ش پخش شد، گفت: «در حالی که شیعیان بیشتر از حقشان را دریافت کرده‌اند، دائما از وضعیت موجود شکایت می‌کنند».

او در استدلال این اظهارات، به دیدار «عبدالله بن عبدالعزیز» پادشاه عربستان با بازداشت شدگان شیعه که در پی حوادث مدینه بازداشت شده بودند، اشاره کرد و افزود: «شیعیان در اقلیت قرار دارند و باید از وضع موجود راضی باشند».



با کمال تأسف، وی این اظهارات تفرقه‌افکنانه را در روز ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ ه.ش تکرار کرد و گفت: «چرا تعجب می‌کنید؟! این موضوع به هیچ وجه جدید نیست. پیش از من نیز بسیاری از علمای اهل سنت و خلفای راشدین حکم به تکفیر شیعیان داده بودند!»

کلبانی با تکفیر سه‌باره شیعیان، از مسلمانان خواست آنها را مانند مسیحیان بدانند؛ او در اظهاراتی - که در چند سایت وهابی منتشر شده - گفته است: «بر من واجب است که رای و عقیده خود را در مورد کفر علمای گمراه‌کننده رافضیان تبیین و اظهار کنم!»



### پیشنهاد افزایش محدودیت‌ها برای تشیع

شیعیان، حق ورود در هیئت کبار علماء (هیئت سیاست‌گذاری امور فرهنگی و دینی) عربستان سعودی را ندارند. با اینکه شیعیان در عربستان سعودی، جزء هم‌وطنان ما هستند، ولی منهج و سیاست عربستان سعودی، همان سیاست دوران گذشته و بر اساس عدم مشروعیت آزادی دینی است و به شیعیان اجازه نمی‌دهیم که در عربستان سعودی فعالیت کنند یا در مراکز تصمیم‌گیری فرهنگی و دینی داخل شوند.



### صدور حکم کفر همه علمای شیعه

در مصاحبه یاد شده وقتی خبرنگار از او می‌پرسد:

آیا برنامه‌ای که شما در عربستان سعودی دارید و شیعیان را محدود می‌کنید، مخالف

سیاست‌های جهانی و اسلام نیست؟

کلبانی جواب می‌دهد: «آیا در واتیکان اجازه می‌دهند که مسلمانان مسجد بسازند؟

همان طوری که در واتیکان، اجازه مسجد ساختن نمی‌دهند، ما هم در عربستان سعودی،

شیعیان را در محذوریت قرار می‌دهیم.»

خبرنگار دوباره از او می‌پرسد برخورد واتیکان نسبت به مسلمانان، برخورد دو دین

است، ولی برخورد شما با شیعیان، برخورد یک دین با دو مذهب است!



او می گوید: «مگر واتیکان به مسیحیت پروتستان اجازه می دهد که در آنجا کلیسا بسازد؟ نه، ما هم با اینکه شیعیان، خودشان را مسلمان می دانند، اجازه نمی دهیم هیچ فعالیتی در عربستان سعودی داشته باشند».

وی در نهایت وقاحت ادامه می دهد: «ما نسبت به تکفیر عوام شان، باید مقداری دقت و بررسی کنیم که ملاک کفر، در عوام شیعه هست یا نه. ولی در خصوص تکفیر علمای شیعه، نظر من این است که تمام علمای شیعه، کافر هستند».

و این در حالی است که علمای اهل سنت و شیعه برخلاف وهابیان همدیگر را صراحتاً برادر می دانند و علمای شیعه مانند حضرت آیت الله العظمی سیستانی می فرمایند: «لا تقولوا إخواننا أهل السنة، بل قولوا أنفسنا أهل السنة»؛ «نگویید برادران اهل سنت، بلکه بگویید عزیزان و جان ما: اهل سنت».

پاسخ جامع به گفت و گوی یادشده را در آدرس سایت زیر بخوانید:

<http://www.valiasr-aj.com>

**بیانیه در پاسخ به اعتراض علمای جهان اسلام به تکفیر علمای شیعه**

وی پس از اعتراض عمومی علمای شیعه و برخی از اهل سنت نسبت به این صحبت ها، عکس العمل شیعیان نسبت به سخنانش را نامعقول و عجیب دانست! او در بیانیه اش گفت:

«در حقیقت من عکس العمل بعضی از شیعیان را عجیب می دانم؛ زیرا حرفی که من گفتم جدید نیست، و این حکمی است که خود آنان درباره علمای سنت و - به ویژه - ائمه اربعه (ابوحنیفه، مالک، شافعی و احمد) می دهند، مسلمانان می توانند به مقاله دانشگاهی مهمی به نام «دیدگاه ائمه اربعه و اطلاع از مذاهب آنان از نظر رافضی ها» نوشته دکتر عبدالرزاق الارو رجوع کنند. تا اقوال علماء را درباره کسانی بخوانند که عقیده شیعه رافضه را با آغوش باز می پذیرند».



او گفت:

این افراد را باید متوجه دو موضوع مهم کرد تا گمراهان به تلاش برای گمراه کردنشان ادامه ندهند:

۱. علمای شیعه‌ای که من به آنها حکم کافر دادم، کسانی هستند که قائل به این عقیده باطل اند:

الف) تکفیر صحابه و در رأس آنان ابوبکر و عمر و عثمان؛ و اینکه آنها پس از وفات پیامبر ﷺ مرتد شدند.

ب) اتهام زنا به ام المومنین عایشه (که معلوم نیست چه کسی در جهان اسلام و نه حتی شیعه چنین چیزی گفته است).

ج) اعتقاد به تحریف قرآن یا غیر کامل بودن آن، و اینکه صحابه مقداری از آن را مخفی کرده‌اند!

د) عدم اطمینان به سنت، به دلیل آنکه علماء آن، سنت را منتقل نکرده‌اند.

ه) غلو درباره ائمه‌اشان، تا آنجا که ادعا می‌کنند آنها دارای علم غیب بوده و معصوم هستند... الخ.<sup>۱</sup>



در پی این گستاخی‌ها، سایت [www.aalkalbani.com](http://www.aalkalbani.com) - متعلق به کلبانی - به طور کامل از دسترسی خارج شده و محتویات آن از بین برده شد. جالب است بدانیم محتویات سایت، فتوهای عجیب و غیر وهابی، و حتی غیر اسلامی و عجیب و غریب، در حلال کردن رقص و غنا و... بود و مورد اعتراض بسیاری از اهل سنت و وهابیان نیز قرار گرفته بود؛ هکرها که با نام انجمن شیرهای حیدری ع این سایت را از کار انداخته‌اند، در بالای صفحه آن عکسی از کودکان مظلوم شیعه بحرینی که پیشانی‌بند یا ع ابا عبدالله الحسین ع را بر سر دارد، قرار داده‌اند.

در سایت هک شده کلبانی جملاتی چون: «هک سایت‌های وهابیان برای کمک به مردم بحرین»، «شهادت هدیه‌ای است از طرف خداوند برای ما» و نیز احادیث شریف و آیات شریفه‌ای از قرآن کریم در بیان حرمت ریختن خون مظلوم و مسلمان از روی ظلم و تعدی به چشم می‌خورد.

جمله مشهور شیعی و اعتقادی - سیاسی شیعیان جهان - لیک یا حسین ع - از دیگر گزاره‌های اصلی موجود در پایگاه کلبانی است.

### افشاگری درباره نفاق و وقاحت‌های وهابیان

بنا به نقل شبکه العالم، کلبانی در برنامه‌ای تلویزیونی اعتراف کرد: «[سیاست] برخی مبلغان سعودی یک بام و دو هوا هستند؛ در داخل کشور چیزی می‌گویند و در خارج چیز دیگر». وی افزود: «به همراه گروهی از علمای افراطی که حتی دست زدن را تحریم کرده‌اند، در مراسمی در خارج از عربستان شرکت کردم؛ اما دیدم که آنها موسیقی گوش کرده و در مراسم رقص شرکت کردند».

کلبانی ادامه داد: «عبدالرحمن العثماوی» که در این مراسم همراه من بود به من

گفت، چرا نرقصیم؟!<sup>۱</sup>



## مخالفت با ادعای عریفی

وقتی عریفی دیگر وهابی سعودی، مدعی شد که جنیان سوار بر اسب سفید به کمک ارتش سوریه می‌آیند تا افراد مسلح را شکست دهند، کلبانی و صالح فوزان او را محکوم کردند.

کلبانی در جواب این شیخ وهابی گفته بود: «یعنی ارتش بشار اسد آن قدر قدرتمند و قوی هستند که ملائکه خداوند هم نمی‌توانند شکستشان بدهند؟! کمی عقلت را به کار بینداز. درست است که مردم به سوی چیزهای عجیب و غریب تمایل دارند، ولی چرا این ملائکه مثلا در لیبی و بر ضد ناتو کاری نکردند؟ یا در مصر و یمن».

## فتوا درباره لهُو و لعب

کلبانی در گفت‌وگو با یک شبکه تلویزیونی عربی درباره حکم گوش دادن به موسیقی گفت: «نظرات متفاوتی درباره گوش کردن به موسیقی وجود دارد، ولی این مسئله آن قدر مهم نیست که این همه جنجال و تنش درباره آن ایجاد شود». وی افزود: «علمای بزرگی از عربستان گوش دادن به موسیقی را حلال می‌دانند و دلایلی برای گوش کردن به موسیقی دارند که قابل توجه است».

کلبانی ادامه می‌دهد:



«من یکی از دموکراسی‌ترین پدران هستم. فرزندانم مانند دیگران به موسیقی گوش می‌دهند، نوارهای موسیقی را در خودروهای آنها می‌بینم و رادیو را برای گوش کردن

به موسیقی روشن می‌کنند. من آنان را به آموختن مسائل دینی هم اجبار نکرده‌ام، بالاخره مملکت دکتر و مهندس هم می‌خواهد».



وی ادامه داد: «من در جوانی به اموری مانند نماز اهمیت نمی‌دادم اما بعدها توبه کردم». در پایان مصاحبه وی التماس می‌کند به ممنوعیت ۱۳ ماهه سخنرانی‌هایش خاتمه دهند.

### نماز ۲۰۱۰م به همراه موسیقی و اعتراض وهابیان به او

روزنامه الوطن عربستان نوشت: کلبانی با تکیه بر داستانی از پیامبر اکرم ﷺ شنیدن و خواندن هر نوع آواز و موسیقی را حلال دانست و فتوا داده که مانعی از اقامه نماز در محیطی که موسیقی نواخته می‌شود، نیست.

شیخ صالح الفوزان عضو هیئت مرکزی علمای عربستان به شدت در مقابل او ایستاده و او را متجاهر به فسق (فاسق علنی) خوانده و افزود: «چگونه می‌توان نماز را به امامت کسی که این چنین فتوایی صادر کرده، اقامه کرد و من فتوا می‌دهم که نماز او و نمازگزاران به امامت او باطل است».

«حمود الشمری» دیگر عضو هیئت علمای عربستان نیز گفت: «از فتوای تحریم نماز به امامت کلبانی دفاع می‌کنم؛ زیرا هیچ دلیل شرعی برای هم‌زمانی نماز و موسیقی نمی‌بینم».

صالح فوزان نماز خواندن پشت کسی که شنیدن و خواندن آواز و موزیک را حلال می‌داند، تحریم کرد. وی که در حال تدریس در یکی از دوره‌های آموزش تابستانی، زیر نظر هیئت علمای عربستان بود، در ادامه گفت: «هر کسی که شنیدن و خواندن آواز و موزیک را حلال می‌داند، یک گناهکار است و آشکارا در حال گناه کردن است، از همین رو نماز خواندن پشت سر چنین فردی حرام است».

فوزان بدون اشاره به نام کسی، در ادامه افزود: «حالا اگر فردی در خفا و به صورت پنهانی گوش می‌داد و کسی از این مسئله با خبر نبود، شاید مسئله کمی آسان‌تر بود، اما نه اینکه فردی می‌آید و به صورت آشکارا از شنیدن و خواندن آواز و موزیک دفاع می‌کند و آن را حلال می‌داند و خود را نیز یک امام جماعت می‌داند».



### مرید طلبی با تجویز و دفاع از خواسته‌های زنان

روزنامه الحیات به نقل از پایگاه اینترنتی «سعودیون» افزود: «بسیاری از مراجعه کنندگان به پایگاه اطلاع رسانی کلبانی استفتاهایی درباره جواز غنا مطرح می‌کنند که لحن برخی از آنان تمسخرآمیز است».

کلبانی در پاسخ به استفتاهای تمسخرآمیز از لحن طنز، و در پاسخ به مخالفان خود از زبانی آتشین بهره می‌جوید.

در این میان زنی که خود را «فتون» نامیده است، برای کلبانی نوشته بود: فتوای تو را درباره مباح دانستن غنا شنیدم. من استعداد فراوانی در رقص دارم و می‌خواهم بدانم آیا رقص همراه با شنیدن ترانه مجاز است، خواهشمندم به این سؤال من پاسخ گوید.

کلبانی در پاسخ به این زن فتوا داده است که: «همه انواع رقص حرام نیست، برخی از انواع آن مجاز و برخی غیرمجاز است».

کلبانی که از امامت مسجدالحرام عزل شده بود در پاسخ خبرنگاران گفت: «من به امامت مسجدالحرام انتخاب نشدم تا عزل شوم و من فقط برای اقامه نماز تراویح در ماه رمضان سال جاری انتخاب شدم».

وی که زنان را ابزار سوء استفاده دشمنان لیبرال نظام سعودی خوانده بود، چندی بعد برای به دست آوردن جایگاه از دست رفته اش، پس از دفاع از آزادی ورزش و شنای زنان در گفت‌وگوهایی، با اشاره به رانندگی چندین زن در خیابان‌های عربستان، خاطر نشان کرد: «احساس می‌کنم که دیوار فتوهای صادر شده برای تحریم رانندگی زنان به لرزه افتاده، و به زودی فرو بریزد و زنان بتوانند در خیابان‌ها رانندگی کنند».

### اختلاف نظر با مفتی‌های وهابی درباره پخش کارتون

به گزارش تشیع‌نیوز، وی - که در پاسخ به مقاله‌ای درباره وجود احادیث جعلی - علمای بزرگ سعودی را به واکنش دعوت کرده بود، - با محمد العریفی مبلغ وهابی درباره فساد برانگیز بودن یا نبودن یک شبکه کارتون، دچار اختلاف نظر شدند.





ماجرا از این قرار است که کلبانی در مطلبی در توئیتر در پاسخ به عریفی نوشت:  
در صورتی که شبکه MBC شبکه فساد باشد، پس شبکه‌هایی مانند روتانا، دریم،  
LBC و... که همه آنها عربستانی هستند یا با اموال آن کشور اداره می‌شوند - چه  
خواهند بود؟ واقعا از اینکه به اختلافات شخصی رنگ و بوی دینی بدهیم بیزارم.



این شبکه‌ها به صورت ۲۴ ساعته در حال پخش ویدئوها، تصاویر، فیلم‌ها و برنامه‌های غربی، و کاملا مخالف با عقاید اسلامی، برای مخاطبان عرب‌زبان در دنیا هستند.

یادداشت کلبانی با واکنش‌های گسترده‌ای به ویژه از سوی طرفداران العریفی مواجه، و باعث شد تا کلبانی - که زمانی امام جماعت مسجد الحرام بود - اعلام کند که:  
«این بار پیام‌های هیچ کس را حذف نکرده‌ام، تا راه و روش نصیحت‌کنندگان مشخص شود و اخلاق افرادی که با شبکه‌های ماهواره‌ای به بهانه فاسد کردن اخلاق مردم مبارزه می‌کنند، برملا شود از کدام اخلاق سخن می‌گویید»؟



چندی بعد محمد عریفی نیز در صفحه شخصی‌اش در توئیتر نوشت که موضع وی درباره شبکه MBC3 مسأله‌ای قدیمی بوده، و به هیچ وجه به دلیل خصومت شخصی نیست.<sup>۱</sup>

## منابع

1. <http://www.nytimes.com>
2. <http://en.islamzoom.com>
3. <http://www.khabarpu.com>
4. <http://www.afghanpaper.com>
5. <http://tashaio-news.ir>
6. <http://www.abna.ir>
7. <http://mnshor.net>
8. <http://www.taghribnews.com>
9. <http://www.sedayeshia.com>
10. <http://united-arab-emirates.culturefile.com>
11. <http://www.bintjbeil.org>
12. <http://www.kn19.com>
13. <http://ar.shafaqna.com>
14. <http://www.qanaa.com>
15. <http://tawwater.com>
16. <http://www.m-mahdi.info>

## ابومنذر الشنقیطی

در بخش‌های قبل اشاره شد که بذر تکفیر را البانی در شام پاشید و جبهه النصره را آل شیخ در زمره تروریست‌های وهابی به شمار نیاورد. در اینجا با این جریان بی‌رحم به فرماندهی «شنقیطی» آشنا می‌شویم.

از زمانی که ناآرامی‌های آغاز شده، در مارس ۲۰۱۱م سوریه وارد مرحله مسلحانه شد، یکی از مهم‌ترین و قوی‌ترین گروه‌های مسلحی که همواره در عرصه‌های مختلف درگیری و نزاع‌ها از آن نام برده شده، گروهی به نام «جبهه النصره» است؛ این جماعت به همان اندازه که در عرصه گروه‌های مخالف مسلح سوریه مهم و قوی می‌نماید، به همان اندازه بحث برانگیز و وحشت برانگیز بوده است. همین موجب می‌شود تا نگاهی به ماهیت این جماعت و نحوه شکل‌گیری و دیدگاه‌ها و اهداف داشته باشیم.

### «جبهه النصره» یا «کانون جهاد و توحید در بلاد شام»

برخلاف آنچه که این جماعت تحت عنوان جبهه النصره به دیگران شناسانده شده و در رسانه‌ها از آن یاد می‌شود، باید گفت که نام واقعی این جماعت کانون جهاد و توحید در بلاد شام است و نام جبهه النصره برای استفاده در بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های منتشره توسط این جماعت برای آن برگزیده شد و در داخل سازمان و در میان عناصر آن، از این سازمان با عنوان «کانون جهاد و توحید در بلاد شام» یاد می‌شود.



### ماهیت جبهة النصرة

جبهة النصرة یک سازمان جهادی - تکفیری است. به این معنا که دیدگاه سلفی، وهابی، القاعده‌ای بر آن حاکم است و یکی از مهم‌ترین اصول حاکم در این مکتب «یا با من باش یا بر علیه من هستی» است. به بیان رساتر، اعضای این جماعت تنها دیدگاه‌ها و باورهای خود را قبول دارند و هر دیدگاه و آیین و اعتقادی با آنها مطابقت و همسویی نداشته باشد، بر علیه خود دانسته، و آنها با تکفیر، کشتار و قتل پیروان آیین‌ها و مکاتب دیگر را جایز می‌دانند.

از دید جهادی‌های تکفیری، تنها شیعیان یا علوی‌ها یا اسماعیلی‌ها دشمنان آنها نیستند، بلکه بخش قابل توجهی از اهل سنت نیز که پایبند به اعتقادات آنها نباشند، خصم آنها شمرده شده و پیروان آن مکتب واجب القتل هستند.



### شکل گیری جبهة النصرة

بسیاری دوره شکل گیری جبهة النصرة را، به زمان آغاز مرحله مسلحانه در بحران سوریه ارجاع می دهند، در حالی که پیش زمینه های شکل گیری این جبهه به سال ها پیش باز می گردد.

شاید «محمد السعيد»، نویسنده و مجری سوری که خود به دلیل افشاگری هایش علیه این جبهه، توسط اعضای آن ترور شد، بتواند پیش زمینه های تشکیل این جبهه را به خوبی برای ما تشریح کند، او می گوید:

از زمانی که حوادث سوریه در می سال ۲۰۱۱م به سمت خشونت و نظامی گری و انتشار گروه های مسلح در روستاها و شهرهای مختلف سوریه پیش رفت، من برای دور ماندن از این هرج و مرج به خانه ای پناه بردم که در یکی از روستاهای ریف دمشق به نام «حتیته التركمان» قرار داشت و هر از چندگاهی برای گذران اوقات فراغت مدتی را در آنجا سپری می کردم.



وقتی با اهالی این روستا صحبت می کردم، بسیاری از دیدگاه‌هایشان برایم جالب بود، از جمله اینکه آنها مسائلی همچون عدم کشیدن قلیان را در خانه‌هایشان رعایت می کردند و دلیل آن را نه به حفظ سلامتی خود، بلکه به اعتقادات سلفی - وهابیشان ارجاع می دادند که کشیدن سیگار را حرام دانسته و قلیان را گناه کبیره و از اعمال شیطانی بیان کرده بودند.

برخوردهایی که با مغازه دارها و کشاورزان حتیته الترمکمان از سال ۲۰۰۷ میلادی داشتم و البته این وضعیت شامل مناطقی همچون شعبا، عقربا، ببیلا، الحجیره و غیره در ریف دمشق نیز می شد و رفت و آمدهایی که مسجد این روستا و روستاهای هم جوار داشتم، به من نشان داد که محبوب ترین شخصیت نزد آنها پس از تجاوز آمریکا به عراق «ابومصعب الزرقاوی»، رهبر القاعده در عراق است و سخنرانی های مذهبی او که توسط رسانه های لبنانی، عراقی و سعودی پخش می شد، همواره با استقبال گرم ساکنان این مناطق مواجه بود.



محمد السعید مجری سوری

این نویسنده سوری با بیان اینکه، این جنگی رسانه‌ای و مذهبی بود که عربستان سعودی با کمک رسانه‌های وابسته به خود و گروه‌های وهابی پراکنده در لبنان و عراق و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، آن را سال‌ها پیش در سوریه آغاز کرده بودند، تأکید می‌کند که مهم‌ترین هدف این جنگ تعمیق و گسترش فرقه‌گرایی و اختلافات مذهبی و دامن زدن به کینه‌ها و دشمنی‌ها میان طوایف و قبایل مختلف ساکن سوریه بود.

السعيد می‌گوید، یکی از دوستانش از ساکنان «لاذقیه» برای وی تعریف کرده بود که: شمار زیادی از اهالی روستاها و مناطق اطراف لاذقیه، به دلیل گوش دادن روزانه به شبکه‌های رادیویی وهابی - که تبلیغ کننده این مکتب بودند - به افرادی وهابی تبدیل شده‌اند که از مشخصه‌های اعتقادی آنها تکفیرگرا و فرقه‌گرا بودن آنهاست.



وی در این ارتباط از شبکه‌ای به نام «الزوراء» یاد می‌کند که طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸م گوی سبقت را در انتشار مباحث فرقه‌گرایانه در سوریه از دیگر شبکه‌های وهابی ربوده بود و درباره حامی مالی این شبکه می‌گوید که یکی از افراد متمول منطقه خلیج [فارس] حامی مالی



شبکه الزوراء بود و تأکید می‌کند، بسیاری از وهابی‌های ثروتمند حوزه خلیج فارس از سال ۲۰۰۵م فعالیت‌های گسترده‌ای را در سوریه آغاز کرده بودند. آنها برای جلب نظر مردم و برحق جلوه دادن خود در بسیاری از مناطق و روستاها مسجد ساخته بودند.

همچنین جنبش‌هایی وجود داشتند که تفکر القاعده را به‌عنوان نمونه‌ای مناسب برای ایمان مردم مطرح می‌کردند و برای نفوذ بیش از پیش در میان مردم، همواره هدایایی به آنها تقدیم می‌کردند که اکثراً مالی بود، و این برای روستاییانی که یکی از مهم‌ترین مشکلات آنها فقر و نداری بود، بسیار مهم و محرک و مشوقی قوی برای پذیرش دیدگاه‌ها و افکار و اعتقادات وهابی‌ها بود.



السعيد تأکید می‌کند:

مساجدی که توسط افراد ناشناس ساخته می‌شدند، به سرعت به مراکز سری برای تدریس تفکر وهابی تبدیل شدند. آنها حتی به مدارس دولتی نیز نفوذ کرده و افکار و عقایدشان را در آنها بسط دادند، به خصوص که بسیاری از اهالی آن روستاها دانش آکادمیک را دوست نداشتند و آن را علمی سکولار می‌دانستند و یادگیری



علوم شرعی را بر آنها ترجیح می‌دادند که همگی رنگ و بوی سلفی - وهابی داشت. برخی از روستاها نیز شاهد حضور و سکونت وهابی‌هایی با تفکرات متعصبانه و افراطی بودند. همچنین در برخی از روستاهای غوطه جنوبی و شرقی، افرادی وجود داشتند که به گروه‌های وهابی تکفیرگرای جهادی وابسته بودند.

السعيد می‌گوید:

وابستگی فرقه‌ای و فقر از جمله مهم‌ترین عواملی بودند که در نفوذ آیین وهابیت در مناطق مختلف سوریه طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ نقش داشت، به گونه‌ای که در آن زمان می‌توانستید روستاهایی را در سوریه مشاهده کنید که با رنگ‌های سیاه آراسته شده بودند که مختص سازمان القاعده است.



تمام اینها به این جهت گفته شد تا تأکید شود، آنچه که هم اکنون «جبهة النصره» در سوریه خوانده می‌شود و به راحتی در این کشور فعالیت می‌کند، دارای پیش زمینه‌هایی است که به سال‌های قبل باز می‌گردد و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از سال‌ها

پیش برای نفوذ خود در سوریه برنامه‌ریزی کرده بودند.





## جبهة النصره زاييده القاعده عراق

جبهة النصره را بايد زاييده سازمان القاعده در عراق و يکي از مهم ترين فعالان آن به نام «ابومحمد الجولاني» به شمار آورد که هم اکنون رهبري اين جبهه را بر عهده دارد. او دارای تابعیت سوري و از رهبران امارت اسلامي يا همان القاعده در عراق بود.

فعالیت‌های الجولاني جهت جذب اعضا برای جبهة النصره، به اوایل سال ۲۰۱۱م و به‌طور خاص در میان پیروان سوري و عراقي القاعده بازمی‌گردد. آنچه موجب راهی شدن الجولاني به سوريه و خروج وی از عراق شد، به اختلافات به وجود آمده بین او و «ابوبکر بغدادی»، رهبر امارت اسلامي در عراق باز می‌گردد و سرمنشأ این اختلافات، مخالفت بغدادی با دادن مجوز صدور حکم در برخی مسائل شرعی و مذهبی به الجولاني بود؛ این موجب شد تا وی پس از ورود به سوريه راهی «دير الزور» در شرق سوريه شود. چون خبر ورود الجولاني به دير الزور رسید، جهادی‌های تکفیری این منطقه به او ملحق شدند و او منطقه «قامشلی» در نزدیکی مرزهای سوريه و عراق را به دلیل دوری دستگاه‌های امنیتی سوريه از آن، به‌عنوان مقر فرماندهی‌اش انتخاب کرد.

جبهة النصره برای اولین بار در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۱م از طریق یک ویدئو کلیپ - که از سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاع رسانی جهادی تکفیری پخش شد - موجودیت خود در سوريه و آغاز فعالیت‌هایش در این کشور را به‌طور رسمی اعلام کرد.

در این ویدئو کلیپ ابومحمد الجولاني، از شعارهای جهادی در سخنرانی خود استفاده، و آمریکا، اتحادیه عرب، ترکیه، ایران و غرب را به همکاری با نظام سوريه برای ضربه زدن به مسلمانان متهم کرد که مد نظر وی اهل سنت سوريه بودند.

این نوار همچنین نشان داد که ده‌ها عضو این جبهه در حالی که مسلسل‌های «آی کی ۴۷» بر دوش داشتند، در منطقه‌ای بیابانی در حال تمرین و آموزش نظامی بودند و پرچم‌هایی در دست داشتند که جمله شهادتین بر روی آن نوشته شده بود که پرچم القاعده است.



هنوز چند روز از اعلام موجودیت جبهه النصره در سوریه نگذشته بود که سایت‌ها و پایگاه‌های وابسته به سازمان القاعده، خرسندی بی‌حد خود از تشکیل این جبهه جهادی در سوریه را اعلام کردند و افرادی مانند شیخ «ابوسعده العاملی»، از نظریه پردازان و نویسندگان برجسته تکفیری و شیخ «ابوالمنذر الشنقیطی»، رهبران بسیار با نفوذ القاعده و شیخ «ابومحمد الطحاوی»، سلفی برجسته اردنی و شیخ «ابوالزهراء الزبیدی»، جهادی لبنانی از تشکیل این جبهه استقبال کرده و با انتشار بیانیه‌هایی از تمام مسلمانان می‌خواهند از جبهه النصره چه به صورت مالی و یا پیوستن به آن برای حضور در میدان‌های نبرد حمایت کنند.

## ابوبصیر الطرطوسی

«ابوبصیر الطرطوسی» از زمان آغاز بحران سوریه، نقش «مفتی انقلاب» را بازی کرده است؛ به رغم اینکه بسیاری از تظاهرکنندگان، اسم او را نشنیده بودند، اما در عمل در حال اجرای فتاوی او بودند. فتاوییی که طبق گفته یک منبع جهادی، خواص، آن را دریافت می‌کردند و از طریق آن فتاوا به مردم عادی جهت می‌دادند. در این نوشتار از روزنامه الاخبار لبنان، صهیب عنجرینی کارشناس برجسته گروه‌های سلفی جهادی، مروری داشته است بر زندگی و راه و روش ابوبصیر الطرطوسی؛ کسی که او را یکی از «السابقون مجاهدین» می‌شمارند.

### حلقه ثابت و مشترک تمام مراحل بحران سوریه

در اوضاعی که در محافل مخالفین چه سیاسی و چه نظامی، شاهد صعود و افول اسامی هستیم، الطرطوسی از زمان آغاز تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز تا رسیدن به مرحله موسوم به «جهاد»، حضوری همواره ثابت داشته است. اگرچه اسم او چندان رسانه‌ای نمی‌شود، ولی فتاوایش حضور دائمی و پررنگی دارد، تا جایی که لقب «مفتی انقلاب» برازنده اوست.



## زندگینامه

نام اصلی ابوبصیر الطرطوسی، عبدالمنعم مصطفی حلیمة است. وی در سوم اکتبر ۱۹۵۹م در طرطوس به دنیا آمد و بعدها با زنی فلسطینی ازدواج نمود و از او دارای ۴ فرزند شد. طبق قول یک منبع جهادی در خانواده‌ای سلفی رشد کرد و دائماً هم به عقاید جهادی خود که از کودکی همراهش بوده است، می‌بالد. این منبع از قول او نقل می‌کند:

از وقتی ادراک پیدا کردم، دو حقیقت عمیقاً برایم جا افتاد: اول، اینکه اسلام دین خدا است و حق مطلق است و هیچ دینی نمی‌تواند هم‌وزن آن یا موازی آن تلقی شود. دوم، اینکه این حق مطلق نمی‌تواند برپا گردد و نیرویی به دست بیاورد مگر با قدرتی که از او حمایت کند و با جهاد فی سبیل الله.

## آغاز فعالیت‌ها

بر همین مبنا، ابوبصیر مشارکتی فعال در جریان‌ات موسوم به «انقلاب اخوانی» – که در دهه ۸۰م به اوج خود رسید – داشت.

در سال ۱۹۷۶م – در حالی که تنها ۱۷ سال داشت – به دلیل نوشتن برخی عبارات جهادی روی دیوارهای شهر طرطوس، به مدت ۴ ماه زندانی شد. او در آن زمان، در ارتباط مستقیم با فرماندهان گروه موسوم به «الطلیعة المقاتله» [پیشاهنگان مبارز] و خصوصاً «عدنان عقله» بود.



## مسافرت‌ها و فرارها

با فرا رسیدن سال ۱۹۸۰م، ابوبصیر یکی از مجاهدینی بود که از سوریه به اردن فرار کرد. اردنی که در آن زمان نقشی شبیه نقش ترکیه در بحران فعلی بازی می‌کرد؛ اردن برای طرطوسی یک ایستگاه موقتی بود که راهی عراق و پاکستان شود و از آنجا در سال ۱۹۸۱م راهی افغانستان گردید. گفته شده که او از اولین مجاهدین عرب حاضر در افغانستان بوده است. در پیشاور پاکستان با «عبدالله عزام» آشنا شد و در یکی از سفرهای جهادیش به افغانستان، او را همراهی کرد.

در آن زمان جهادی‌ها، افغانستان را برای مرخصی ترک می‌کردند و سپس به آنجا بازمی‌گشتند؛ در همین سفرها بود که با «شیخ جمیل الرحمن افغانی» یکی از بارزترین فرماندهان جهادی - آن دوره - آشنا گشت. ابوبصیر خود در یکی از کتبخ درباره شیخ جمیل الرحمن و آن دوره می‌نویسد: «در کنار او و در منزل شخصی‌اش ماندم و شروع به همکاری با او و گروه خاصش کردم. این همکاری پنج ماه طول کشید. کما اینکه توفیق وارد شدن به برخی جبهه‌ها - که تحت فرماندهی شیخ بود - را هم پیدا نمودم».





ابوبصیر الطرطوسی در اواسط دهه ۸۰ میلادی به اردن بازگشت و در سال ۱۹۸۷م در محله «معصوم» شهر زرقاء اردن، با ابومصعب الزرقاوی همسایه شد. او خود در یکی از کتبش روایت می‌کند: «منزل ابی مصعب فقط چند ده متر با منزل من فاصله داشت. در همان اولین برخوردمان، با من و برخی کتبم انس گرفت. از آن پس در بسیاری از مسائل به من رجوع می‌کرد».

### تألیفات

الطرطوسی در اردن چند کتاب منتشر کرد تا آنکه دستگاه اطلاعاتی اردن از او خواست هیچ کتابی منتشر نکند مگر آنکه قبلش آن را به گروه اخوان المسلمین سوریه و دستگاه اطلاعاتی اردن نشان بدهد و اجازه بگیرد. ولی او بر خلاف این دستور اقدام به انتشار کتابی دیگر با عنوان «قواعد فی التکفیر» [برخی قواعد و اصول تکفیر کردن دیگران] نمود که موجب اخراجش از اردن گردید. در این زمان، رفتن به یمن را انتخاب کرد، جایی که حدود سه سال در آن ساکن شد تا آنکه در آنجا هم دستگیر و اخراج گردید. سپس راهی مالزی شد و چند ماهی به صورت غیرقانونی در آنجا ماند و بعد از آن، راهی تایلند و از آنجا راهی بریتانیا گردید. یک منبع جهادی درباره بریتانیا و حضور او در آن جا می‌گوید: «کشور کفار که در آن آزادی دعوت به دین خدا را دید، چیزی که در بلاد مسلمین به دلیل حضور حاکمان کافر آنها، از آن محروم شده بود».

در نهایت در آوریل ۲۰۱۲م، «شیخ برای جهاد به سوریه هجرت کرد». ابوبصیر برای عملی کردن راه و روش جهادی‌اش منتظر بحران سوریه نبود، کما اینکه بسیاری از جنبش‌های [جهادی] او را مرجع خود می‌شمردند، مثل برخی از سازمان‌های جهادی‌ای که در الجزایر و سومالی فعال بودند. چنانکه او فتاوی‌ای هم در تأیید جنبش طالبان صادر نموده بود.





### قطب‌نمای انقلاب

از همان روزهایی که بحران سوریه داشت آغاز می‌شد، فتاوای ابوبصیر آماده بود و باید فضل بسیاری از ترتیباتی که انقلابیون عملی کردند را مربوط به او دانست! او در نشر نظرات و فتاوایش از تریبون‌های مختلفی استفاده می‌نمود، از جمله سایت اینترنتی‌ای که از دوره حضورش در بریتانیا ایجاد نموده بود و همچنین صفحه «مخالفین اسلام‌گرای نظام سوریه» در فیس‌بوک که آن را در ۲۰ مارس ۲۰۱۱ میلادی ایجاد نموده و خود شخصاً آن را مدیریت می‌کرد، به اضافه یک حساب محدود در فیس‌بوک که همه اعضایش از فعالین جنبش بودند.

### شیعه ستیزی

ابوبصیر اولین کسی بود که اقدام به تعمیق اشارات مذهب‌گرایانه و طائفه‌ای در این بحران نمود. او در اواخر مارس ۲۰۱۱ م - یعنی تنها چند روز پس از شروع حوادث سوریه - فتوا داد که: «بیشترین چیزی که وجود نظام طائفه‌ای قرمطی سوریه را تهدید می‌کند، اشاره به عمق طائفه‌گرایی آن است».

او از همان وقت اعلام کرد که: «انقلاب سوریه می‌خواهد سه‌ساختار را ساقط کند:



نظام طائفه‌گرای سوریه، نظام رافضی ایران و نفوذش در سوریه و منطقه، و حزب‌الله رافضی لبنان».

برخاسته از همین پایه بود که او در آن دوره شروع کرد به بحث از این مقوله که حزب‌الله رافضی لبنان در قتل تظاهرکنندگان سوری مشارکت دارد. هرچند می‌دانیم او از سال ۲۰۰۳م به صورت دائم به حزب‌الله حمله می‌کرد.

طرطوسی همچنین به «وجوب امتناع سوری‌ها از پرداخت مالیات و هزینه‌های دولتی تا سقوط نظام» و به ضرورت تعطیل نظام آموزشی فتوا داد و اعلام کرد: «نه درس خواندن نه درس دادن، تا سقوط بشار اسد؛ [لا ادراست ولا تدریس قبل اسقاط الرئیس]».

چیزی که با کمی ساده‌سازی تبدیل به یکی از شعارهای تظاهرکنندگان شد. او همچنین بر وجوب ساختن سرودهایی برای تظاهرکنندگان تأکید می‌کرد:

کجايند آن سرايندگان تا تظاهرات‌ها را با سروده‌های خود و کلمات هدف‌دار خود

همراهی کنند؟





بدر معنوی «اتحادیه هماهنگ کننده انقلاب» و «ارتش آزاد»

افراد کمی اطلاع دارند که فکر تشکیل «تنسیقیات الثورة» [اتحادیه هماهنگ کنندگان انقلاب] متعلق به ابوبصیر است و او بود که پیشنهاد داد هیئت‌هایی در سطح شهرها و روستاها تشکیل شود و با استقلال عمل کنند و سرنوشتشان و تصمیماتشان مرتبط با یک شخص یا یک حزب خاص نباشد. کما اینکه او جزو شدیدترین حامیان تشکیل یک نیروی نظامی انقلابی در میدان بود.

و در همین باره گفته بود: «می‌خواهند [این قضایا] مسالمت آمیز و به روش گاندی باشد، ولی خدا ابا دارد از اینکه [این قضایا] چیزی جهاد در راه او باشد».

در همین راستا حتی به مجاز بودن دخالت نظامی خارجی در لیبی هم فتوا داد، چیزی که متناقض با فتوای قدیمی خود او بود که گفته بود: «هر مسلمانی که موالات مشرکین کافر را ضد اسلام و مسلمین داشته باشد، از دایره اسلام خارج است».

از زمان آغاز بحران سوریه، ابوبصیر شروع به فعالیت در دو مسیر نمود: اول، صدور فتوا و دوم، ارتباط با حامیان جهاد - و در رأسشان سلفی‌های کویت - برای جمع کردن حمایت مادی و معنوی در انتظار شروع مرحله جهادی انقلاب. یک منبع جهادی به الاخبار می‌گوید: «نقشی که او در تأمین حمایت برای مجاهدین ایفا نمود، نقشی اساسی بود».

در آوریل ۲۰۱۲م، ابوبصیر احساس کرد وقت هجرت برای جهاد فرا رسیده است، راهی ترکیه شد و در آنجا - طبق گفته همان منبع - چند جلسه با بعضی دوستان حامی جهاد برگزار نمود سپس از طریق مرزهای ترکیه راهی سوریه شد و در آنجا جنبش اسلامی فجر را تأسیس نمود که از «ریف ادلب» کارش را آغاز کرد و سپس فعالیت‌هایش تا حلب هم گسترش یافت.

روزنامه الاخبار نوشت: ابوبصیر همچنین نقش اساسی در تشکیل «تیپ حق» در حمص ایفا نمود و این دو تشکیلات چندی بعد به دو هم‌پیمان اساسی «جنبش احرار



الشام» تبدیل شد که هسته‌هایش از می ۲۰۱۱م به صورت سری و با اشراف عقائدی مستقیم خود او در حال تشکیل و آماده شدن بودند.

الطرطوسی تا همین الان هم پدر معنوی و مفتی جنبش احرار الشام محسوب می‌شود و از خلال آن، یکی از مؤثرترین افراد در فعالیت‌های جبهه اسلامی [که جنبش احرار الشام یکی از تشکیل دهندگان اصلی‌اش است] به حساب می‌آید.



### وهابی‌تر از آل سعود!

ابویصیر از دهه ۹۰ میلادی با فتاوایش - که آل سعود را تکفیر می‌کرد - معروف بود. ولی حتی این فتاوی‌های خودش هم مانع نشد که پس از قضیه بیرون رفتن وزیر خارجه سعودی، سعود الفیصل از کنفرانس دوستان سوریه در تونس برای آل سعود درودی تشکر و تقدیرآمیز بفرستد. گرچه بعد از آن و پس از موضع منفی آل سعود درباره رئیس‌جمهور معزول مصر محمد مرسی، دوباره از آنها انتقاد کرد.

یک منبع جهادی به الاخبار می‌گوید: «به عقیده او آل سعود در اخلاص نسبت به راه و روش شیخ محمد بن عبدالوهاب کوتاهی کرده‌اند و فراوان شده که با راه و روش

شیخ محمد بن عبدالوهاب با توجیه منافع سیاسی، مخالفت کرده باشند. اگر آل سعود راه و روش صحیح وهابی را پیشه خود می‌کردند، این، هم برای خودشان بهتر بود و هم برای امت اسلامی».

این نقل، دقیقاً مطابق است با سخنانی که طرطوسی مطرح کرد و وهابیت خود و افتخارش به آن را اعلام نمود، در آن زمان طرطوسی مقاله‌ای طولانی با عنوان «بله من وهابی‌ام» نوشت که در آن آمده بود: «به رغم اینکه من از اسم‌گذاری‌های جدید که به جای وحدت بخشی به مسلمین در بین آنها ایجا تفرقه می‌کند گریزانم، ولی به صراحت و به وضوح اعلام می‌کنم که من وهابی‌ام و جزو کسانی هستم که توفیق حب شیخ محمد بن عبدالوهاب و حب دعوت او را دارم».

و سپس به تفصیل از فضائل وهابیت سخن رانده بود.



روش تشکر و هجوم!

روش همیشگی طرطوسی آن است که در تربیون‌های مختلف تحت اختیارش از دوستان جهاد و حامیان آن تشکر کند؛ از جمله ترکیه و «آزادگان و افراد شریف کویت»



و شبکه الجزیره و شبکه وصال و شیخ عدنان عرعور و صفحه «انقلاب سوریه ضد بشار اسد» در فیس‌بوک و مصطفی عبدالجلیل (رئیس شورای ملی انتقالی لیبی). در همین حال، طرطوسی اصرار دارد بر حمله به برخی اشخاص و طرف‌ها از جمله شیخ «سعید رمضان البوطی» - از دهه ۹۰ میلادی بارها به او حمله کرده بود و بعد از شهادت او باز هم از او بدگویی کرد - و شیخ الازهر شیخ احمد الطیب - که او را «شیخ گمراه» خوانده است - و شیخ صلاح ابو عرفه (امام مسجد الاقصی). او بارها هم به اهالی حلب حمله کرده است، کما اینکه به هر کس هم که خواهان محدود شدن انقلاب به گزینه‌های مسالمت‌آمیز است، حمله می‌نماید.

از دیگر هدف‌های حملات طرطوسی «خط سکولار» در مخالفین سوری است، خصوصاً «هیثم متاع» رئیس هیئت هماهنگی ملی در مهاجرت [هیئت التنسيق]، به اضافه برهان غلیون زمانی که رئیس شورای ملی مخالفین بود.

طرطوسی در عین حال شدیداً از هیثم المالح تمجید می‌نمود و خواستار آن بود که او در رأس ساختارهای سیاسی مخالفین قرار بگیرد.

وی تعدادی از گفتارهای خود را که در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی منتشر کرد، حمله به سکولاریسم را محور سخنانش قرار داده بود.





طرطوسی دموکراسی را حرام [و شرک آمیز] می‌داند؛ چراکه به قول او: «هر کاری که به حد اعطای سفت مُشَرَّع [قانون‌گذار حقیقی یا دین آورنده] به مخلوق برسد را، نباید پذیرفت و نباید به هیچ شکلی از اشکال در آن مشارکت کرد؛ چرا که این کار برخاسته از شرک است»<sup>۱</sup>.

---

۱. سایت مشرق: کد خبر: ۲۹۷۴۸۴





ضمیمہ



## جریان نوسلفی‌ها در دوران معاصر<sup>۱</sup>

### مقدمه

در دنیای معاصر، عربستان به عنوان مهم‌ترین منبع برای تکوین و صدور وهابیت و سلفی‌گری به دنیای اسلام است. بررسی ابعاد مختلف این جریان دینی - سیاسی، در دورانی که سطح و تنوع درگیری وهابیان با دیگر مسلمانان بیشتر شده است، اهمیت خاصی دارد. در بحث حاضر، ضمن زمینه‌شناسی تکوین جریان سیاسی - دینی نوسلفی - به عنوان یک شاخه مهم سیاسی وهابیت در دوران معاصر - به شخصیت‌شناسی پیشتازان این نهضت پرداخته‌ایم.

### زمینه‌شناسی تکوین جریان نوسلفی

تکوین نوسلفی‌گری، فرایند طولانی داشته است. برخی زمینه‌های فکری و سیاسی که به این امر کمک کرده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. تأثیر اندیشه مبارزه‌گرایانه سید قطب در عربستان سعودی؛
۲. تأثیرات منفی استقبال دولت سعودی از حضور نظامی آمریکا در جنگ خلیج فارس؛
۳. بازتاب ۱۱ سپتامبر و چالش افغانستان؛
۴. بازتاب اشغال عراق.

---

۱. ذبیح‌الله نعیمیان.



## ۱. تأثیر اندیشه مبارزه‌گرایانه سید قطب در عربستان سعودی

سید قطب، شخصیت تأثیرگذاری بود که روح مبارزه با دولت‌های فاسد را در میان کشورهای اسلامی زنده ساخت. ابوالاعلی مودودی با طرح اندیشه جاهلیت نوین، آن را حاکم بر تمدن غربی دانست، درحالی که سید قطب با الگوبرداری از این اندیشه، محدوده شمول جاهلیت را چنان گسترش داد که اکثریت مسلمانان را در بر گرفت.<sup>۱</sup>

کانون اندیشه سید قطب بر اساس حاکمیت انحصاری خداوند متعال شکل گرفته بود. او این اندیشه را در «فی ظلال القرآن» و سپس به صورت صریح‌تر و تندتری در «معالم فی الطریق» بیان کرد. همه پاسخ دهندگان به سید قطب معتقد بودند که وی اندیشه خود را از خوارج گرفته است.<sup>۲</sup> این نگاه منفی به مسلمانان، به‌وسیله برخی گروه‌های منشعب از اخوان المسلمین اوج گرفت.

پس از چند دهه سلطه خاندان سعودی و همکاری دینی - سیاسی وهابیت با آنها در این مدت، ورود اندیشه‌های تأثیرآفرین سید قطب به عربستان سعودی می‌توانست این حاکمیت بلامنازع را متزلزل سازد. در دورانی که عربستان سعودی می‌کوشید تا در برابر موج ناصریسم بایستد، ورود محمد قطب، برادر سید قطب به عربستان که با استقبال مردم این کشور روبه‌رو گشت، تأثیر به‌سزایی در درازمدت بر جای گذاشت، به‌گونه‌ای که محمد قطب توانست شاگردانی را بیوراند که برای آنان توحید قصور بر توحید قبوری که وهابیت سنتی بدان می‌پرداختند، ترجیح داشت.

تعالیم مبارزه‌جویانه قطب در دراز مدت، زمینه‌ساز درگیری پیروان وی با دولت‌ها بود، درحالی که وهابیت سنتی، حتی نصیحت آشکار به حاکم را نیز نمی‌پسندید؛

۱. رضوان السید، ۱۳۸۳: صص ۹۰ و ۹۱.

۲. نک: ابوزید، ۱۳۸۳: صص ۱۳۰ و ۱۳۱.



از این رو، هرگز مبارزه با حاکم را جایز نمی‌دانستند. آنان این مسئله را از منظری دینی توجیه می‌کنند. این عامل، سبب ارتباط مستمر آنان با دستگاه حاکم می‌شود و تا زمانی که این اندیشه دینی بر آنان حاکم است، هرگز زمینه‌ای برای برخورد با دستگاه میان علمای وهابی و پیروان آنان با نظام سیاسی به وجود نخواهد آمد، در حالی که اندیشه سید قطب، زمینه‌ای قوی برای مقابله با دستگاه در اختیار کسانی قرار می‌دهد که آنان را نوسلفی می‌خوانیم. اندیشه‌های مبارزه‌گرایانه سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» و در کتاب مشهور «معالم فی الطریق»، همواره درس‌آموز تقابل با حکومت‌های غیرملتزم به شریعت است.

در جریان تقابل عربستان سعودی با جریان ناصریسم، محمد قطب با استقبال مردم عربستان، به این کشور وارد شد. او توانست با تربیت شاگردانی چون «سفر الحوالی» و «سلمان العوده»، پایه جریان نوسلفی را بنیان نهد.

مبارزه‌گرایی سید قطب در مصر از گونه مبارزه‌جویی خوارج تلقی شد. از آنجا که در باورهای دینی خوارج، مرتکب کبیره کافر است، آنان حاکمانی را که به شریعت پایبند نبودند، به تیغ تکفیر می‌راندند. اتهام خارجی‌گری به سید قطب و پیروان او، جای بسی تأمل است، ولی طرح ضمنی این شائبه درباره نوسلفی‌ها نیز محوری است که بدون تحلیل دقیق درباره آن، نمی‌توان به کنه جریان نوسلفی پی برد. حتی اگر این اتهام را درباره آنان نپذیریم، اصل این مسئله قابل تأمل است که آموزه اطاعت کامل از حاکم و پادشاه در جریان نوسلفی مورد تردید است، بی‌آنکه لزوماً آنان از دیگر اندیشه‌های وهابیت چشم پوشیده‌اند، چنانکه پرداختن افراطی به مسئله توحید از طریق مذمت مقابله با زیارت قبور در قالب تعبیر تحقیرآمیز توحید قبور، مورد نکوهش آنان است و آنان مبارزه با مفسد نظام سیاسی را به‌عنوان توحید قصور بر



توحید قبور ترجیح می‌دهند؛ در هر حال، محمد قطب که بیش از شصت کتاب نگاشته است، چنان تأثیری بر مخاطبان خود می‌گذارد که توحید وهابیان برای آنها بی‌معنا جلوه می‌کند.

به گزارش دکتر عصام العماد - وهابی پیشین یمنی و تحصیل‌کرده دانشگاه محمد السعود که شیعه شده است - جدا از اندیشه‌های سید قطب و برادرش، انتشار اندیشه‌های ضد وهابی محمد غزالی و محمد سعید رمضان البوطی، بیشترین تأثیر را در تقسیم وهابیت به دو شاخه درباری و انقلابی داشته است. در این میان، کسی مانند اسامه بن لادن نیز نزد شاگردان محمد قطب درس خواند و از این طریق با کتاب‌های سید قطب آشنا شد.

ربیع المدخلی، از مشهورترین پیشتازان جریان جامیه، که به نوعی در مدینه محصور بود، کسی است که از آغاز نسبت به حضور محمد قطب در عربستان هشدار داد، ولی به این هشدار او چندان توجهی نشد. به گزارش دکتر عصام العماد، ربیع مدخلی نسبت به توحید حاکم بر جنبش سیاسی بن لادن در افغانستان حساسیت نشان داد و توحید حاکم بر آنان را متمایز از توحید محمد بن عبدالوهاب دانست. در مقابل، عبدالله عزام، از عرب‌های افغان - که پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر کشته شد - نیز به مقابله با ربیع مدخلی برخاست. حساسیت ربیع مدخلی در مقابل این جنبش‌ها مورد پذیرش بن باز نیز بود. به گفته بن باز، جنبش‌هایی که ربیع مدخلی نمی‌پذیرد، او نیز آنها را نمی‌پذیرد.

۲. تأثیرات منفی استقبال دولت سعودی از حضور نظامی آمریکا در جنگ دوم خلیج فارس در جریان لشکرکشی آمریکا به منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۹۰م، آمریکا خواهان حضور در عربستان بود که این امر با پذیرش دولت سعودی و فتوای موافق هیئت کبار



علما میسر گشت، هرچند این مسئله شکافی درونی میان علمای وهابی ایجاد کرد. کسانی مانند سفر الحوالی، سلمان بن فهد العوده، شیخ ناصر العمر و شیخ عائض القرنی، به مقابله با این مسئله همت گماردند. این اقدام در سطوح مختلف به‌وسیله کتاب‌ها، نشریات، نوارهای کاست، نوارهای ویدئو، سخنرانی‌ها و... تأثیرگذار بود. سرانجام این درگیری به اخراج چند تن از علمای وهابی نوسلفی از هیئت کبار العلماء انجامید، چنانکه کسانی مانند سفر الحوالی و سلمان بن العوده برای چند سال به زندان افتادند.

با صدور فتوای بن باز مبنی بر تجویز استقرار سربازان غیر مسلمان در عربستان، مجادله‌ای میان گرایش‌های مختلف در عربستان شکل گرفت. در این مجادله، عبدالرحمن غازی القصیبی از تصمیم پادشاه حمایت کرد، درحالی‌که کسانی چون سفر الحوالی<sup>۱</sup>، ناصر العمر، عائض القرنی و سلمان العوده به نقد این تصمیم پرداختند تا آنجاکه ناصر العمر، غازی القصیبی را سکولار و کافر خواند.

قصیبی نیز در مقابل، با انتشار مجموعه مقالاتی با عنوان «حتی لاتکون فتنه»، این ادعا را رد کرد و خواستار اثبات آنها در دادگاه شد، ضمن آنکه گرایش مقابل خود را به جنبش «جهیمان العتیبی» ربط داد و آنها را قدرت‌گرا، فقهای سیاسی و خمینی‌های عربستان سعودی نامید.<sup>۲</sup> نگاه منفی کسانی مانند قصیبی به شورش جهیمان، نکته‌ای فراموش ناشدنی است، چنانکه بسته بودن فضای فکری و سیاسی عربستان سعودی را می‌توان در سرکوبی خشن جنبش اعتراضی و عدالت‌جویانه جهیمان عتیبی در دسامبر ۱۹۷۹م جست‌وجو کرد. شورش جهیمان، تنها شورشی کور و بدون زمینه‌های نظری

۱. نک: الحوالی، بی‌تا: صص ۸۴ و ۸۵.

۲. نک: دکمیجان، ۱۳۸۳: صص ۲۶۴ - ۲۶۷.



نمود؛ او در رساله‌ای با عنوان «الامارة والطاعة والبيعة»، برخی انگاشته‌های دینی - سیاسی خود را طرح کرده بود. برای نمونه، وی معتقد بودن به اسلام، قرشی بودن و تطبیق شریعت را سه شرط اساسی برای امام می‌دانست. توجه خاص به این عناصر به‌ویژه شرط تطبیق شریعت، می‌توانست زمینه نظری مناسبی برای جریان‌های ستیزه‌جو در داخل جریان‌های وهابیت باشد. در هر حال، تأثیرپذیری از جهیمان نیز می‌تواند زمینه‌های فکری بخشی از جریان نوسلفی را در زمان‌هایی پیش‌تر از حضور نظامی آمریکا در عربستان نشان دهد.

در دسامبر ۱۹۹۰م چهل و سه روشنفکر لیبرال طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به پادشاه عربستان، خواستار اصلاحاتی دموکراتیک در ساختار سیاسی عربستان شدند. واکنش به این شکواییه، ۵۲ نفر از اسلام‌گرایان در ماه می ۱۹۹۱م از طریق پیامی، دوازده درخواست اصلاحی به پادشاه ارائه دادند.

سازمان دینی تحت نظر بن باز، یعنی هیئت کبار العلماء، پیام می ۱۹۹۱م را به دلیل تعرض و بی‌احترامی به پادشاه محکوم کرد. پس از آن، در سپتامبر ۱۹۹۲م یادداشتی توصیه‌آمیز در ۴۵ صفحه خطاب به بن باز نگاشته شد که در آن، بر ابعاد از پیام می ۱۹۹۱م تأکید و درباره برخی دیگر ابعاد، توضیح داده شد. این اقدام نیز از سوی هیئت کبار العلماء، اقدامی تفرقه‌گرایانه خوانده شد و با محکومیت فوری روبه‌رو گشت. البته هفت عضو از اعضای نوزده‌گانه این نهاد از تأیید آن خودداری ورزیده که این امر به برکناری آنها از سوی پادشاه و نصب ده نفر دیگر از افراد طرفدار رژیم به جای آنها در هیئت کبار العلماء انجامید. در مقابل، سه تن از علمای جنبش مخالف (حمد عقله الشعیبی، عبدالله المصعری و عبدالله بن جبرین) طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به بن باز، اتهام تفرقه‌افکنی را نفی و وی را تهدید کردند که به دلیل این افترا، او را به





دادگاه می‌کشاند.<sup>۱</sup>

در دسامبر ۱۹۹۲م ملک فهد در یک سخنرانی خطاب به علمای برجسته وهابی خواستار پایان دادن به تبلیغات مخرب ضد دولت شد و این فعالیت‌ها را با عنوان گرایش‌های خارجی گرایانه محکوم کرد، ولی در می ۱۹۹۳م شش تن از مخالفان که پنج تن از آنها یادداشت ۱۹۹۲م را تأیید کرده بودند، کمیته حمایت از حقوق شرعی تشکیل دادند که اقدام آنها با حمایت گروه‌های حقوق بشر بین‌المللی روبه‌رو گشت. محمد المصعری، سخن‌گوی این کمیته و سلیمان الرشودی به زندان افتادند و اعضای دیگر نیز از کار برکنار شدند. البته گفته شده است شیخ عبدالله بن جبرین، معروف‌ترین عضو این کمیته، حمایت خود را از کمیته پس گرفت و محمد المصعری پس از آزادی از زندان مخفی شد و در آوریل ۱۹۹۴م به‌عنوان منتقد دولت سعودی از لندن سر درآورد.<sup>۲</sup>

ملک فهد با توشیح قانون اساسی (النظام الاساسی للحکومه) در مارس ۱۹۹۲م و تشکیل مجلس شورا و نصب ۶۱ عضو آن (همراه با عضویت دکتر جمیل الجشی، یکی از شیعیان استان شرقی) دست به یک سری اقدام‌های اصلاحی زد تا بتواند فضای جدید را مدیریت کند، به‌گونه‌ای که هیچ‌یک از رهبران و پیروان جنبش بیداری در آن عضو نبودند. از سوی دیگر، در آوریل ۱۹۹۴م دولت سعودی تابعیت و شهروندی اسامه بن لادن را به اتهام رفتار غیرمسئولانه‌اش لغو کرد. او نیز در مقابل، در آوریل ۱۹۹۴م اعلام کرد از گروه مصعری در لندن، از طریق سازمان مستقر خود در خارطوم، یعنی «منظمة التشاور للدفاع عن الحقوق الشرعية»، حمایت خواهد کرد.<sup>۳</sup>

۱. نک: ابوزید: صص ۲۶۶ - ۲۷۰.

۲. نک: همان: صص ۲۷۵ و ۲۷۶.

۳. نک: ابوزید: صص ۲۷۶ - ۲۸۸.



شیخ الاسلام وقت عربستان سعودی، عبدالعزیز بن باز، تحت فشار آل سعود فتوایی به این مضمون در سال ۱۳۷۵ ه. ق. درباره اسامه بن لادن صادر می‌کند:

اسامه بن لادن از مصادیق مفسدین بر روی زمین است که به دنبال راه‌های شر و مفسده‌انگیز است و از اطاعت ولی امر خارج شده است.

سرانجام در سال ۲۰۰۰م شیخ دکتر سفر الحوالی و شیخ دکتر ناصر العمر آزاد شدند و اجازه تدریس یافتند. شیخ ناصر العمر در سال ۱۹۹۲م کتابی با عنوان «واقع الرفاضة فی بلاد التوحید» خطاب به هیئت کبار علما نوشت و در آن از حکومت سعودی خواست تا همه حسینیه‌های شیعه، تخریب، علمای شیعه، دستگیر و همه کارمندان شیعه ادارات اخراج شوند.

### ۳. بازتاب ۱۱ سپتامبر و چالش افغانستان

با شکل‌گیری مبارزات داخلی افغانستان با شوروی، عده‌ای که به عرب‌های افغان موسوم شدند، برای یاری هم‌کیشان مسلمان خود، از کشورهای مختلف اسلامی، از جمله عربستان، راهی افغانستان شدند. پس از پیروزی بر نیروهای شوروی و ایجاد درگیری‌های درازمدت در آنجا، نیروهای طالبان شکل گرفتند. با حمله آمریکا به افغانستان، نیروهای وهابی نیز در مبارزه القاعده با آمریکا وارد شدند. البته احساس مشترک میان آنان با مسلمانان افغانی، لزوماً با گرایش‌های سیاسی دولت عربستان و علمای وهابی همسویی نداشت.

در این میان که دولت آمریکا خواهان همکاری دولت سعودی در مبارزه با القاعده با عنوان مبارزه با تروریسم بود، گرایش‌های نوسلفی نیز حساسیت خاصی نسبت به فعالیت‌های سیاسی آمریکا و سلطه‌جویی آن در کشورهای اسلامی داشتند، درحالی‌که وهابیت سنتی عربستان همسو و بلکه تابع دولت عربستان و پادشاه عربستان است. البته مواضع نوسلفی‌ها و القاعده لزوماً با یکدیگر تطابق کامل نداشت.



پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م تلاش‌های عربستان برای توسعه سیاسی - دینی خود در جهان، از جمله در افغانستان دچار مشکل شد، به گونه‌ای که به ایجاد هرچه بیشتر شکاف درونی میان گرایش‌های مختلف وهابی انجامید. توسعه فعالیت‌های تروریستی در میان وهابیت جهادی، با مقابله جهانی روبه‌رو گشت. در داخل عربستان نیز واکنش‌های مختلفی در برابر آن شکل گرفت. بخشی از وهابیت جهادی، برای حفظ موقعیت خود در جهان و درون عربستان از برخی گرایش‌های تند خود عقب‌نشینی کردند، همچنانکه دولت سعودی نیز ناگزیر از مقابله با گرایش تند جهادی و تکفیری شد.

در سال ۲۰۰۳م عربستان سعودی شاهد افزایش تعصب دینی از سوی دولت و برخی شخصیت‌های دینی بود که بارزترین آنها، تعرض به مسجد اصلی شیعیان اسماعیلی در شهر نجران جنوبی، اعمال تضييق بر تعدادی از حسینیه‌ها و مساجد شیعیان دوازده امامی و بازداشت بسیاری از علمای شیعه بود، چنان‌که آزادی سایت‌های اینترنتی که به تعصبات دینی میان طوایف دامن می‌زدند، در این سال افزایش یافت.

نخستین سمینار تقریب فکری سعودی و گفت‌وگوی رو در رو میان اندیشمندان مختلف این کشور، به‌عنوان «الملتقى الوطنى للحوار الفکرى» از پنجم آگوست ۲۰۰۳م. شکل گرفت. در این سمینار که با سخنرانی شیخ محدث سلیمان بن ناصر العلوان آغاز گشت، برای نخستین بار گفت‌وگوهایی میان دکتر سفر الحوالی با ترکی الحمد، شیخ سلمان العوده با دکتر عبدالله الغدामी، دکتر ناصر العمر با ترکی السدیری و دکتر سعید الزعیر با دکتر عبدالله الفوزان شکل گرفت.

این سمینار سه روزه، به یاری دکتر عبدالله بن عمر نصیف، دبیر کل سمینار عالم



اسلامی، و دکتر راشد الراجح، مدیر پیشین دانشگاه أم القری، به ریاست دکتر صالح بن عبدالرحمن الحصین، رئیس عمومی شئون مسجدالحرام برگزار شد و با دیدار با ولی عهد عربستان سعودی، امیر عبدالله بن عبدالعزيز به پایان رسید.

#### ۴. بازتاب اشغال عراق

با پیروزی آمریکا در افغانستان در سال ۲۰۰۲م و سقوط امارت اسلامی طالبان و نیز پس از شکست دولت صدام در ۹ آوریل ۲۰۰۳م القاعده کوشید عراق را به صحنه جدیدی برای مبارزه جویی دینی خود تبدیل کند. از این رو، القاعده در مارس ۲۰۰۷م از دولت اسلامی عراق سخن گفت و به دلیل این مسئله که اطلاق عنوان امارت اسلامی عراق، این شبهه شرعی را پیش می آورد که این حکومت از نوع حکومت خلافت بوده و نیاز به وجود خلیفه‌ای است که اجماع امت پشتوانه او به شمار می آید، از به کارگیری دولت اسلامی عراق به جای امارت اسلامی عراق چشم پوشید، درحالی که در این کشور و دیگر مناطق تحت نفوذ، خود به جای تعبیر امیرالمؤمنین از واژه امیر بهره می گیرد؛ به این معنا که سازمان القاعده در نظر دارد واحدهای سیاسی محدودی را که می توانند به بخشی از امارت اسلامی تبدیل شوند، افزایش دهد.

در هر حال، فعالیت‌های دینی سیاسی تکفیری و خشونت آمیز القاعده تا اندازه زیادی - به صورت شفاف یا همراه با تقیه - با حمایت جریان نوسلفی روبه‌رو گشت، به گونه‌ای که این مسئله به دو شکل نمود یافته است: یکی مقابله با آمریکا و دیگری، مقابله مذهبی و تکفیری با شیعیان. پس از اشغال عراق و قدرت یابی شیعیان، حساسیت دینی و تکفیری وهابیت نسبت به شیعیان و ایران افزایش یافت. برخی مصداق‌های این حساسیت عبارت‌اند از:

الف) تشکیل کنفرانس بزرگی در استانبول ترکیه با عنوان نصره الشعب العراقی



(۲۲ و ۲۳ ذی‌قعدة ۱۴۲۷ هـ. ق/ ۱۳ و ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶ م) و تأکید بر لزوم مقابله با تشیع و سلطه شیعیان که از آن به‌عنوان قدرت‌جویی تشیع صفوی و سلطه رافضیان نام می‌بردند. در این جلسه، سخنان تند شیخ سفر الحوالی و شیخ ناصر العمر اهمیت خاصی داشت.

ب) صدور فتوای هدم قبور ائمه علیهم‌السلام، از جمله حرم عسکریین علیهم‌السلام.

### شخصیت‌های نوسلفی

شاخص‌ترین شخصیت‌های وهابی در جریان نوسلفی عبارت‌اند از:

۱. سفر الحوالی؛

۲. سلمان العوده؛

۳. بن جبرین؛

۴. ناصر العمر؛

۵. عائض القرنی.

شیخ البراک و شیخ محسن العواجی نیز از دیگر افراد مشهور در جریان نوسلفی هستند.

### ۱. شیخ دکتر سفر الحوالی

رساله فوق‌لیسانس این شاگرد محمد قطب که زیر نظر استاد نگاشته شد، با عنوان «العلمانية؛ متتبعاً أصولها و تطورها و فلسفتها و تجلياتها في العالم العربي و الاسلامي» درباره سکولاریسم و ابعاد آن است. «ظاهرة الارجاء في الفكر الاسلامي»، نیز عنوان رساله دکترای اوست که در آن به بررسی مسئله نوعی از دین‌گریزی در قالب اندیشه ارجاء پرداخته است.

او در ماجرای لشکرکشی آمریکا به خلیج فارس در ۱۹۹۰ م نه تنها به مخالفت با



آن برخاست، بلکه با اتخاذ مواضعی هوشمندانه توانست توجه بسیاری از مسلمانان را - که از مواضع انفعالی به تنگ آمده بودند - متوجه خود سازد و نشاط جدیدی در آنها به وجود آورد. او توانست با سخنرانی‌های فراوانی که به وسیله نوارهای کاست در بسیاری از کشورهای اسلامی نفوذ کرد، به بیداری اسلامی دامن زند. بخش عمده‌ای از تلاش او متوجه بازنمایی گرایش‌های استعماری آمریکا و نئوکان‌ها شد. کتاب مشهور او، «وعد کیسنجر و الاهداف الامیرکیة بالخلیج»، نمونه بارز این تلاش و جهت‌گیری ضد استعماری اوست. او پیش از جنگ کویت، با سخنرانی مشهور «العالم الاسلامی فی ظل الوفاق الدولی»، توجه مسلمانان را به هدف‌های بلند مدت آمریکا در خلیج فارس جلب کرد. برخی تلاش‌های ضد استعماری او در کتاب «القدس بین الوعد الحق و الوعد المفتری» و کتاب «یوم الغضب» به چشم می‌خورد.

فعالیت‌های مقابله‌جویانه سیاسی سفر الحوالی با دولت سعودی به دلیل همراهی با آمریکا، واکنش نظام حاکم عربستان را در پی داشت. امیر نایف بن عبدالعزیز، وزیر کشور عربستان، در ذی‌قعدة ۱۴۱۴ ه. ق با ارسال کتاب و وعد کیسنجر، دستور پادشاه عربستان برای بررسی وضعیت کتاب‌ها و سخنرانی‌های ماه محرم شیخ دکتر سفر الحوالی و شیخ سلمان ابن فهد العوده را به هیئت کبار العلماء ابلاغ کرد. چند روز پس از آن (۱۴۱۴/۴/۳ ه. ق)، بن باز، مفتی عام عربستان و رئیس هیئت کبار العلماء، نتیجه بررسی در دوره چهل و یکم این هیئت را که در طائف منعقد شده بود، بدین صورت به وزیر کشور اعلام کرد: «به اجماع اعضا مقرر گشت آنان در کمیته‌ای با حضور دو تن از علما به انتخاب وزیر «شؤون اسلامی، اوقاف، تبلیغ و ارشاد» حاضر شوند و عذرخواهی کنند و در غیر این صورت، از برقراری سخنرانی و دروس عمومی ممنوع خواهند شد».



البته بن باز تنها یک هفته پس از این اعلام نظر رسمی، در پاسخ پرسشی درباره حکم شنیدن سخنرانی‌ها و نوارهای صوتی و مطالعه نوشته‌های عائض القرنی، سلمان العوده، ناصر العمر، سفر الحوالی و عبدالوهاب الطریری، مطالبی را می‌نویسد که نشان‌دهنده نگاه معتدل‌تر او درباره این اشخاص است، به گونه‌ای که به نوعی در پی تلطیف فضای حاکم است. شیخ بن باز، مفتی بزرگ عربستان، نه تنها آنها را به صورت مطلق از اتهام خارجی‌گری و بدعت‌گذاری دور می‌داند، بلکه نوارهای آنان را نیز به صورت مطلق مفید معرفی می‌کند و غیبت آنها را جایز نمی‌داند. البته او به طور کلی بر عدم عصمت بنی‌آدم تأکید می‌ورزد و تنها از تبعیت خطاها پرهیز می‌دهد، ضمن آنکه با اشاره به روایت صحیح‌السندی، خطای حاکمان و نیز خطای علما را اجتهادی می‌خواند و آنها را در این صورت، بهره‌مند از یک اجر و در صورت حسن اجتهاد حاکمان و علما، بهره‌مند از دو صواب معرفی می‌کند. از این رو، وی به طور کلی همگان را به برداشت درست از اهل علم فرا می‌خواند. در مجموع، این پاسخ او به نوعی تعدیل فضای تند است که برضد پیشتازان جنبش نوسلفی به وجود آمده است. برخی نوارهای صوتی و توضیحات دیگر از بن باز نیز در منع حمله به سفر الحوالی، سلمان العوده و... در سایت‌های مختلف منتشر شده است.

از سوی دیگر، ده سال پس از این رخداد و حدود چهار ماه پس از تشکیل سمینار گفت‌وگوی اسلامی - وطنی در عربستان با محوریت پیشتازان جنبش بیداری نوسلفی، شیخ سفر الحوالی در پاسخ به این پرسش که چرا رهبران جنبش بیداری از مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کرده‌اند، تصور سؤال‌کننده به عنوان یکی از هدف‌های اولیه آنها را بر خطا و ناشی از سوء فهم نسبت به آنها دانست.<sup>۱</sup> این پاسخ او، لزوم

۱. نک: روزنامه مدینه، ۱۳۲۴.



بازخوانی دقیق هدف‌های دینی و سیاسی پیشتازان جنبش بیداری نوسلفی را نشان می‌دهد.

بی‌دلیل نیست در شرایطی که وهابیت عربستان در جهت سازش با استعمار جهانی گام برمی‌داشت، این وهابی سعودی توانست توجه بسیاری از سلفی‌های منزجر از سلطه جهانی آمریکا را به خود جذب کند. از این‌رو، در دوران معاصر، سفر الحوالی شخصیتی است که تنها در عربستان محدود نشده است، بلکه چهره برجسته او در میان بسیاری از جریان‌های سلفی انقلابی مورد توجه است. حرکت آنها به مصر، اردن و بسیاری از نقاط جهان کشیده شد.

سفر الحوالی برای گردآوری مریدان پرشمار خود، به زمان زیادی نیاز نداشت؛ زیرا در مدت چند ماه جوانان بسیاری اطراف او و دوست همیارش، سلمان العوده و دیگر پیشتازان جریان بیداری اصلاح‌گرا یا نوسلفی مانند ناصر العمر و بشر البشر گرد آمدند و افراد فرهنگی، اساتید دانشگاهی، تکنوکرات‌ها، اندیشمندان و مبلغان دینی و نوگرایان بسیاری نیز از حرکت آنها به هیجان آمدند. تلاش اصلاحی آنها تنها به مقابله‌جویی با استعمار در منطقه محدود نماند؛ زیرا پس از مدتی، پیکان اصلاح‌گرایی آنها متوجه پدیده داخلی شد.

در سطح خارجی، مصر از فراگیری نفوذ نوارهای صوتی سفر الحوالی، سلمان العوده و پیشتازان بیداری سلفی جدید در میان جوانان احساس خطر کرد. در اردن سازمانی با عنوان «جمعیة الكتاب و السنة» در ۱۹۹۴م تأسیس شد. آثار این حرکت دینی - سیاسی در کشورهای خلیج فارس، یمن، مغرب عربی و کشورهای دیگری نیز ظاهر گشت، چنانکه وقتی شیخ دکتر سفر الحوالی به دلیل کسالت در بیمارستان بستری شد، مشتاقان بسیاری در سطح کشورهای اسلامی در انتظار بازگشت سلامتی او بودند.





سفر الحوالی به همراه سلمان العوده به ساختن اندیشه سیاسی و دینی جوانان همت گماشت، چنانکه ناصر العمر به تربیت اخلاقی آنان می‌پرداخت، عائض القرنی، علی القرنی و دیگران نیز به ساختن روحی و معنوی آنان مشغول بودند.

دستگیری و زندانی سفر الحوالی و برخی دیگر مانند سلمان العوده به وسیله دولت سعودی سبب شد، خلأ حضور این رهبران بیداری اصلاحی به سود جنبش مسلحانه القاعده تمام شود و بسیاری از جوانانی که نمی‌توانستند میان گرایش‌های اصلاح‌گرایانه و جهادی تفکیک قائل شوند، به سوی حرکت‌های مسلحانه و خشونت‌آمیز آنان تمایل پیدا کنند.

اندکی پس از خروج آنان از زندان - و البته همراه با حصر و مراقبت ویژه از آنان - واقعه «ایلول» رخ داد. سفر الحوالی و سلمان العوده در مقابل واقعه ایلول موضع گرفتند و آن را محکوم کردند، چنانکه پس از آن، مشارکت جوانان در شعله‌های جنگ افغانستان را غیرشرعی دانستند. سپس آنان به مقابله با تهاجم تبلیغاتی آمریکای علیه سعودی همت گماشتند و در مقابل بیانیه روشنفکران آمریکایی با عنوان «علی ای أساس نقاتل؟»، بیانیه‌ای با عنوان «علی ای أساس نتعایش؟» صادر کردند که به عنوان سندی اصلاح‌گرایانه، محور بسیاری از تحلیل‌ها و بررسی‌های سیاسی قرار گرفت.

پس از این ماجرا، جریان بیداری نوسلفی ابعاد گسترده‌تری یافت، به گونه‌ای که سفر الحوالی و دیگر رهبران این جریان به مقابله با برخی تنش‌های خشونت‌بار و امنیتی در عربستان پرداختند. سفر الحوالی و سلمان العوده، برخلاف حمایت از مقاومت‌های نظامی مسلمانان سنی در عراق، جوانان سعودی را از رفتن به آنجا برحذر می‌داشتند و آن را مفسده‌آمیز می‌خواندند. در مجموع، سفر الحوالی و یاران



او، در آغاز با مخالفت وهابیت سنتی و در اواخر با مخالفت القاعده و حرکت‌های تکفیری روبه‌رو گشت.<sup>۱</sup>

شایان توجه است که شیخ دکتر سفر الحوالی دبیر کل جریان «حملة العالمية لمقاومة العدوان» است. درباره او مواضع مختلفی در میان اندیشمندان عربستان سعودی و جهان اسلام به چشم می‌خورد؛ شیخ دکتر ربیع المدخلی، سفر الحوالی را از خوارج می‌داند. عمر الکامل نیز از جمله کسانی است که در رد او دست به قلم برده است. البته او که از سوی طرف‌داران سفر الحوالی، صوفی خوانده شده، بدون پاسخ نمانده، به‌گونه‌ای که دکتر عبدالله بن حسین الموجان، کتابی با عنوان «الردّ الشامل علی عمر کامل»، در پاسخ به او نگاشته است. در مقابل، کسانی چون شیخ الالبانی، شیخ بن قعود و عبدالله بن جبرین، از او و دیگر پیشتازان جنبش بیداری (الصحوّة) حمایت کردند.

مواضع دکتر سفر الحوالی بر ضد تشیع بسیار تند است. در تابستان ۱۳۸۵ ه. ش در ایام جنگ ۳۳ روزه اسرائیل با حزب‌الله، او در وب‌سایت خود اعلام کرد: حزب‌الله که معنی آن حزب خداست، در حقیقت حزب شیطان است؛ برای حزب‌الله دعا نکنید. این فتوا، پیرو فتوای مشابهی صادر شد که سه هفته پیش از آن، به‌وسیله شیخ عبدالله بن جبرین صادر شده بود.

## ۲. سلمان العوده

شیخ سلمان بن فهد العوده، مسئول مؤسسه اسلام امروز (الاسلام الیوم) است. این مؤسسه از سایت اینترنتی خاصی برخوردار است که به صورت مستمر به فعالیت می‌پردازد.

دکتر عصام العماد، سلمان العوده را از جمله شاگردان محمد قطب و بن لادن را

۱. نک: ابورمان، ۲۰۰۸م/ ۱۴۲۹ه. ق.



بهره‌مند از شاگردان سید قطب معرفی می‌کند. به گزارش او، سلمان العوده، کتابی به نام صفة القرباء نگاشته است که دست‌کم ده نفر از وهابیان جهان در مقابل آن ردیه نوشته‌اند.

سلمان العوده یکی از پیشتازان جنبش بیداری نوسلفی است که فعالیت‌های او با نقد و انکار بسیاری از وهابیان سنتی روبه‌رو گشت. از این‌رو، دکتر عبدالله بن جبرین یکی از کسانی است که در مقابله با این هجمه‌ها، در اواخر ۱۴۱۳ ه. ق. به حمایت از وی پرداخته است. وی که در آن زمان، ریاست کل «اداره بحوث علمی و افتاء و تبلیغ و ارشاد» در عربستان را بر عهده داشت، در ۱۹/۱۰/۱۴۱۳ ه. ق. بر سابقه آشنایی خود از طریق مطالعه نوشته‌های او، شرکت در دروس و سخنرانی او و شنیدن نوارهای صوتی او تأکید کرد و سپس با تمجید بلیغی از او، بر صحت اعتقادات وی پای فشرد. وی در این نوشته، توانایی و مبارزه استوار او را نیز در برابر سکولارها، کمونیست‌ها، مسیحیت، الحادگران و روافض می‌ستاید.

جالب اینکه حدود پنج ماه بعد در محرم ۱۴۱۴ ه. ق. پادشاه عربستان از طریق وزیر کشور، به هیئت کبار العلما دستور داد تا کتاب‌ها و سخنرانی‌های او و سفر الحوالی را بررسی کنند. از این‌رو، آن هیئت حکمی را مبنی بر لزوم عذرخواهی آنها و در غیر این صورت ممنوعیت سخنرانی و تدریس عمومی آنها صادر کرد.

وی از جمله کسانی است که باب انتقاد علنی از حاکم را گشود. او از این تلقی در سال‌های بعد نیز دست نکشید، چنانکه در ۱۴۲۴ ه. ق. / ۲۰۰۳ م همانند همین رویکرد را در سخنان خود القا می‌کرد.

شیخ ابن عثیمین با ترجیح شنیدن سخنرانی‌های شیخ بن باز و شیخ الالبانی، گوش دادن به نوارهای سخنرانی سلمان العوده و سفر الحوالی را منع می‌کند. شیخ یمنی علامه



مقبل بن هادی الوادعی، سلمان العوده را بدعت‌گذار می‌خواند. شیخ محدث عبدالمحسن العباد، عالم مدینه نیز در کتاب مدارک النظر، او را غوغاآفرین می‌خواند. شیخ علامه عبید الجابری، دیگران را از امثال او برحذر می‌دارد. دکتر ابراهیم بن محمد الصبیحی، عضو هیئت تدریس در دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود در ریاض، کتابی با عنوان حتی لایقع الحرج بر ضد کتاب سلمان العوده با عنوان إفعال و لاحرج نوشت که در آن، به نقد دیدگاه‌های سلمان العوده درباره مناسک حج می‌پردازد. جالب آنکه این کتاب انتقادی همراه با مقدمه چند شخصیت برجسته وهابیت دولتی عربستان به چاپ رسیده است، چنانکه مفتی عام عربستان سعودی، شیخ عبدالعزيز آل‌الشیخ و رئیس مجلس قضایی اعلی، شیخ صالح الحیدان و نیز علامه شیخ الفوزان بر این کتاب مقدمه نوشته‌اند.

در مقابل، افراد بسیاری از مشایخ وهابی سعودی از او حمایت کرده‌اند؛ برای نمونه، شیخ علامه عبدالعزیز الراجحی مشهور به (بن باز صغیر) در پاسخ به پرسشی در درس خود درباره صحت عقیده سفر الحوالی و سلمان العوده، عقیده آنها را در شعبان ۱۴۱۴ هـ. ق، سلیم و در چارچوب اهل سنت و جماعت خواند و شیخ علامه عبدالله بن قعود - عضو هیئت کبار العلما و عضو اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء -، شیخ عبدالله المطلق (عضو هیئت کبار العلما در ۱۴۲۳ هـ. ق) و نیز شیخ دکتر عبدالله بن جبرین به حمایت از او برخاستند، چنانکه بن جبرین در حمایت از سلمان العوده، در جلسه دفاعیه رساله دکترای او در اوایل ۱۴۲۵ هـ. ق حضور یافت. شیخ محمد بن صالح المنصور - استاد سلمان العوده - نیز پس از به زندان افتادن سلمان العوده و سفر الحوالی از آنها حمایت کرد.



## ۳. بن جبرین

بن جبرین (عبدالله بن عبدالرحمن بن جبرین) شخصیت مشهوری است که ارتباط خاصی با سفر الحوالی دارد. او که شاگرد مناع القطان نماینده اخوان المسلمین در سعودی بوده است، برای سید قطب احترام خاصی قائل است. البته او موضع تکفیری خوارج را برنمی‌تابد و همگان را از آن بر حذر می‌دارد. در مقابل، به اطاعت از ولی امر سفارش می‌کند. برای پی بردن به حساسیت‌های سلفی و وهابی بن جبرین، توجه به این نکته مفید است که او حساسیت خاصی نسبت به شیعیان دارد و خواستار محدودیت آنان در عربستان است.

از سوی دیگر، بن جبرین در یک سخنرانی، با نفی این موضوع که بن باز، اسامه بن لادن را مفسد فی الارض خوانده باشد و او را خارج از اسلام بداند، از اسامه بن لادن با عنوان مجاهد دفاع می‌کند. چه آنکه از گذشته تا به حال اسامه بن لادن در راه خدا مبارزه کرده و مجاهدات فراوانی در افغانستان به توفیق الهی داشته و خداوند او را در این امر یاری داده است. بن جبرین درباره مواضع تکفیری اسامه بن لادن معتقد است که این مسئله اجتهاد اوست. از این رو، نمی‌توان به سبب این موضع تکفیری او را مفسد فی الارض دانست. بن جبرین سرانجام پس از عمری فعالیت دینی - سیاسی، در تابستان ۱۴۳۰ ه. ق. درگذشت.

## ۴. ناصر العمر

شیخ دکتر ناصر بن سلیمان العمر، مسئول سایت خبری «المسلم»، از دیگر علمای نوسلفی است که مواضع بسیار تندی بر ضد شیعه به ویژه در قضیه عراق دارد، چنانکه وی کتابی با عنوان «عن خضوع الأمراء لولاية العلماء» در بررسی شکافی که میان شیخ عبدالله ترکی و ملک عبدالله در سال ۲۰۰۵ م رخ داد، نگاشته است.



## ۵. عائض القرنی

عائض القرنی در دهه ۱۹۹۰م فعالیت‌های نوسلفی خویش را آغاز کرد، ولی پس از حوادث خشونت‌بار در عراق اشغالی، به نوعی به سلفی‌گرایی اعتدالی گرایش یافت. در برابر فعالیت‌های نوسلفی او، برخوردهای مختلفی به وجود آمد، از جمله امیرخالد الفیصل امیرعسیر، به اتهامات غیراخلاقی او را به دادگاه کشاند که چنین برخوردی با یک عالم، برای نخستین بار بود که اتفاق می‌افتاد. البته این مقابله‌جویی‌ها، او را از مواضع انتقادی‌اش نسبت به رابطه علما و نظام سیاسی بازداشت. نمونه‌ای از مقابله‌جویی عائض القرنی با حکومت‌های فاسق در برخی اشعار او نیز نمود یافته است؛ برای نمونه، او در دیوانش با عنوان «بلحن الخلود»، در قصیده‌ای با عنوان «دع الحواشی و اخرج»، به چنین مضامینی اشاره کرده است. به طور طبیعی، چنین مضامینی با نقد و انکار وهابیت سنتی‌ای روبه‌رو گشته است که برخوردهای مقابله‌جویانه با دولت را جز در قالب نصیحت، و آن هم عمدتاً پنهانی نمی‌پذیرند؛ برای مثال، شیخ احمد النجمی، نقد تندی نسبت به این اشعار نگاشته و مضامین آنها را به دلیل تجویز خروج بر حکومت، همسو با خوارج و معتزله خوانده است. زید المدخلی نیز در این دیوان به نقد این اشعار عائض القرنی پرداخته و آنها را بر ضد علم و علما، با گرایش خروج بر ولایة امر و در راستای اندیشه‌های تروریستی خوانده است.

وی پیکان این رویکردهای انتقادی را در مرحله نخست متوجه دولت سعودی و پادشاه آن دانسته و به نکوهش آن پرداخته است. زید المدخلی، ریشه این افکار اعتراضی را با لحنی نکوهشی، تأثیرپذیری از اندیشه‌های سید قطب، اخوان المسلمین، حسن الترابی و امام خمینی علیه السلام معرفی می‌کند. وی تمجید صریح عائض القرنی نسبت به حسن الترابی را نیز قابل نکوهش می‌داند.<sup>۱</sup>

۱. نک: همان: ص ۱۱۰.



این شخصیت مشهور نوسلفی پس از خروج جوانان مبارز از زندان‌های ضد تروریسم، نه تنها به کمیته‌های نصیحت پیوست، بلکه برای دامن زدن به سلفی‌گرایی معتدل، تلاش‌های بسیاری در تلویزیون سعودی، شبکه‌های ماهواره‌ای و... انجام داد. حتی به اجرای مناظره با شخصیت‌های برجسته مبارزه نظامی نیز دست زد. البته عائض القرنی مبلغ و شخصیتی پر سر و صداست؛ برای نمونه، او که برخلاف فتوای پیشین خود و هم‌نوا با اجماع سلفی مبنی بر وجوب پوشاندن وجه و کفین به‌وسیله زنان، در یک برنامه سینمایی با عنوان «نساء بلا ظل»، این حکم را کنار نهاد و موجی از نقدها و حمله‌های فکری را متوجه خود ساخت. او در پی فشارهای مختلف به‌ویژه اتصال مفتی اعظم سعودی، شیخ عبدالعزیز آل‌الشیخ، وزیر شئون اسلامی و برخی دیگر از بزرگان وهابی، در نوشته‌ای توضیحی از این حکم عدول کرد و مخاطب آن فیلم را زنان غرب معرفی کرد.

در مجموع، این فتوا و دیگر مواضع او مانند موضع او درباره رانندگی زنان، مشکل‌آفرین بود و برای او گران تمام شد، به‌گونه‌ای که سبب شد وی سرانجام پس از ربع قرن فعالیت‌های تبلیغی، با سرودن قصیده‌ای انتقادی در روزنامه مدینه، ناگزیر روش سکوت و انزوا را برگزیند. این قصیده از رنج‌های طولانی او از صفای ایام گذشته و کدورت ایام فعلی حکایت دارد. بخشی از این فعالیت‌های او، چهره وی را در میان علما مخدوش کرد و بخشی از آنها به‌ویژه حاضر شدن او در چهره مناظره محققانه با افراد آشتی‌ناپذیر تروریست، به تضعیف جایگاه مردمی او انجامید.

### مواضع وهابیت دولتی درباره تکفیر و تروریسم

با وجود آنکه اندیشه وهابیت مهم‌ترین زمینه تکفیر در میان مسلمانان را در دو سده اخیر فراهم آورده است، می‌توان گفت در وهابیت دولتی - در فضای نوین جهانی به‌ویژه در دوران مبارزه با تروریسم به رهبری آمریکا که پیکان آن متوجه جریان‌های



عمدتاً تکفیری وهابی مانند القاعده است - نسبت به وهابیت نوسلفی، خشونت کمتری دیده می‌شود، به گونه‌ای که افراط در تکفیرگرایی خشونت‌آمیز در تعارض با سیاست‌های خارجی و داخلی عربستان در دوران حاضر، امنیت این کشور را دستخوش آسیب‌پذیری جدی کرده است.

مهم‌ترین موضع‌گیری وهابیت دولتی عربستان در برابر تکفیر را می‌توان مربوط به سندی دانست که از سوی هیئت کبار علمای عربستان در دوران ریاست بن باز در ۱۴۱۹ هـ.ق صادر شده است. بر این اساس، دولت عربستان که از بحران تروریسم و گرایش‌های تکفیری رنج می‌برد، تلاش‌های گوناگونی را در مقابل این پدیده سامان داده است، از جمله صدور این بیانیه از سوی برترین نهاد مذهبی که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

تشکیل جلسه‌ای میان مسئولان دولتی و برخی علمای سلفی و نوسلفی پس از بازگشت برخی جوانان زندانی در گوانتانامو، از موارد دیگر این تلاش است. این جلسه در منزل شیخ صالح بن عبدالعزیز بن محمد آل‌الشیخ، وزیر پیشین وزارت شؤون الاسلامیه والأوقاف والدعوة و الارشاد، به ابتکار او و امیر محمد بن نایف بن عبدالعزیز مساعد - وزیر داخلی شؤون امنیتی - تشکیل شد. در این جلسه، شیخ صالح بن حمید - رئیس مجلس شورا -، شیخ سعد بن ناصر الشری - عضو هیئت کبار العلما - و شیخ یوسف الغفیفص، عضو هیئت کبار العلما، شیخ دکتر عبدالله اللحیدان - نماینده وزارت شؤون اسلامی -، شیخ دکتر سلیمان العوده، شیخ عائض القرنی، شیخ محمد العریفی، شیخ ناصر العمر، استاد دکتر سعود الفنیسان، دکتر فالح الصغیر و بسیاری از افراد دیگر حضور داشتند.

در این جلسه، از بازگشت جوانانی که در زندان گوانتانامو به سر می‌بردند و در آنجا برای زندگی در شرایط عادی و گذر از گرایش‌های تکفیری و تروریستی تعلیم





می‌دیدند، سخن به میان آمد و بر لزوم توسعه فعالیت علما و همکاری آنان در کمیته‌های نصیحت - وابسته به وزارت کشور - برای مقابله با اندیشه‌های گمراه‌گر تکفیری و تروریستی به‌عنوان بحثی اجماعی تأکید شد. این جلسه که در جهت همفکری مسئولان، علمای وهابی و علمای نوسلفی تشکیل شد، با موفقیت به پایان رسید و حاضران خواستار تشکیل دوباره آن شدند. از جمله مطالب مطرح شده در این جلسه، اشاره به ابراز خشنودی برخی کشورهای اروپایی مانند سوئد از موفقیت عربستان در برنامه‌های ضد تروریسم بود.

#### نتیجه

نوسلفیان بخشی مؤثر از میان وهابیان هستند و از دایره اندیشه‌های آنان خارج نیستند، اما برخی اندیشه‌های دین‌شناسانه و سیاسی آنان، این بخش از وهابیان را از دیگران متمایز کرده است. شاید بتوان گفت تا حدودی مواضع نوسلفی میان مواضع محافظه‌کارانه وهابیت سنتی و مبارزه‌گرایی القاعده در نوسان است. مطالعه جریان‌های وهابی نشان می‌دهد که اطاعت مطلق از حاکم سعودی نمی‌تواند برای همه وهابی‌ها و در همه شرایط جذابیت داشته باشد؛ زیرا از جنبه اعتقادی، زمینه‌های فراوانی برای تضعیف اقتدارگرایی حاکم وهابی در اندیشه همه مسلمانان، از جمله وهابیان وجود دارد. بر این اساس، برخی شرایط سیاسی این ظرفیت اعتقادی را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، نمی‌توان به جریان‌های سنتی یا نوظهور وهابی به صورت مطلق نگرست، چنانکه در میان جریان نوسلفی، برخی مانند سفر الحوالی و عائض القرنی نسبت به کسی مانند ناصر العمر تحمل بیشتری در برابر تشیع دارند، به‌گونه‌ای که گرایش آنان به نوعی از دموکراسی روشی بیش از وهابیت سنتی است.



## منابع

۱. الإرهاب و آثاره على الأفراد و الأمم، المدخلی، زید بن محمد بن هادی، بی جا، بی تا.
۲. اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدد، رضوان السید، ترجمه: مجید مرادی، تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۳.
۳. جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، دکمجان، هرایر، ترجمه: حمید احمدی، تهران، شرکت انتشارات کیهان، ۱۳۸۳.
۴. روزنامه مدینه، ۱۳۲۴/۸/۲۸ ه.ق.
۵. سفر الحوالی... والسلفية الاصلاحية، ابورمان، محمد، ۲۷ حزیران، ۲۰۰۸م/ ۲۲ جمادی الاخر ۱۴۲۹ ه.ق، مندرج در سایت: [www.alyhad.jo/?news=29778](http://www.alyhad.jo/?news=29778)
۶. كشف الغمة عن علماء الامة، سفر الحوالی، بی جا، بی تا.
۷. المورد النذب الزلال فيما انتقد على بعض المناهج الدعوية من العقائد و الاعمال، النجمی، احمد، بی جا، بی تا.
۸. نقد گفتمان دینی، ابوزید، نصر حامد، ترجمه: حسن یوسفی اشکوری و محمد جواهرکلام، تهران، یادآوران، ۱۳۸۳.

9. [www.benaa.com](http://www.benaa.com)
10. [www.aloyun.com](http://www.aloyun.com)
11. [www.benaa.com](http://www.benaa.com)
12. [www.islamgold.com](http://www.islamgold.com)
13. <http://audio.islamweb.net>
14. [www.alghad.jo](http://www.alghad.jo)
15. <http://youtube.com>
16. <http://www.ahlalhdeeth.com>
17. [www.aloyun.com](http://www.aloyun.com)



18. [www.aloyun.com](http://www.aloyun.com)
19. <http://audio.islamweb.net>
20. <http://www.islamtoday.net>
21. <http://www.sohari.com>
22. [qatarshares.com](http://qatarshares.com)
23. <http://www.islamgold.com>
24. <http://www.islamgold.com>
25. [www.aloyun.com](http://www.aloyun.com)
26. [qatarshares.com](http://qatarshares.com)
27. [www.aloyun.com](http://www.aloyun.com)
28. <http://www.zshare.net>
29. [qatarshares.com](http://qatarshares.com)